معین الاسلام و فرهنگ معاصر اصفهان

سید احمد روضاتی



بسم الله الرحمن الرحیم

معین الاسلام و فرهنگ معاصر اصفهان

نویسنده:

احمد روضاتی

ناشر چاپی:

کانون پژوهش

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

معین الاسلام و فرهنگ معاصر اصفهان

مشخصات کتاب

سرشناسه : روضاتی، احمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور : معین الاسلام و فرهنگ معاصر اصفهان/ احمد روضاتی؛ [به سفارش مجموعه فرهنگی تخت فولاد اصفهان ، واحد دانشنامه ، شهرداری اصفهان].

مشخصات نشر : اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : [۱۹۹] ص.:مصور ، جدول ، نمونه.

شابک : ۳۰۰۰۰ریال:۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۷-۱۱-۰

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ص.ع. به انگلیسی : Ahmad Rozati.The life story of moeen - ul-islam and Isfahan contem...

یادداشت : کتابنامه:ص.[۱۹۴] - ۱۹۶ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه

موضوع : معین الاسلام، محمدعلی، ۱۲۵۱ - ۱۳۴۳.

موضوع : مجتهدان و علما-- ایران-- اصفهان-- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : BP۵۵/۳ /م۶۵۳ ر۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۴۹۰۷۸

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

بخش پنجم

فصل آخر

سخن دانشنامه تخت فولاد

تخت فولاد سرزمین مقدّسی است که از دیر زمان مورد نظر علمای دین، عرفا، حکما و دانشمندان بوده و از شاخصه های هویّت اسلامی جهان اسلام و تشیّع و از نشانه های دینی، قدسی و ملی مردم اصفهان می باشد. جاذبه های معنوی، تاریخی و هنری این آرامستان آن را به یکی از بهترین مکان ها جهت جذب زائران مشتاق و توریست های، داخلی و خارجی نموده است.

پس از دستور مقام معظم رهبری و تأکید علمای بزرگ شهر مبنی بر حفاظت و عمران تخت فولاد و گلستان شهدا، در دوره های گوناگون به ویژه در دوره اخیر، شهرداری اصفهان در کنار عمران تکایا و ساماندهی بافت تاریخی این مزارستان همچون بازسازی و مرمت و عمران اساسی گلستان شهدا، تکایای خواجویی، فاضل اصفهانی، میر فندرسکی، درویش عبدالمجید طالقانی، بروجردی، شیخ مرتضی ریزی، آقا محمد بیدآبادی، جهانگیرخان قشقایی، مهدوی، آغا باشی،

کازرونی، صاحب روضات و ایجاد تسهیلات جهت استفاده زائران در بخش فرهنگی نیز اقدامات فراوانی انجام داده است که اهم آن ها عبارتست از:

۱- تشکیل کار گروه علمی تحقیقاتی جهت تدوین دانشنامه تخت فولاد در چهار جلد.

۲- تشکیل کار گروه مشاوران فرهنگی جهت تحلیل، بررسی و پیش برد اهداف فرهنگی.

۳- چاپ کتاب با موضوع تکایا و آثار شخصیت های مدفون در این مزارستان ازجمله:

- ضیاءالقلوب(مباحثی درامامت)، تألیف محمدبن عبدالفتاح تنکابنی (فاضل سراب)

- تخت فولاد اصفهان ، تألیف سید احمد عقیلی.

- بزمگاه دلبران، تاریخچه گلستان شهدا، تألیف اصغر منتظرالقائم.

- دانشمندان و بزرگان اصفهان، تالیف سید مصلح الدین مهدوی، تصحیح و اضافات و تحقیق رحیم قاسمی و محمد رضا نیلفروشان، دو جلد.

- مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، به همّت اصغر منتظرالقائم.

- روضه رضوان (مشاهیر مدفون در تکیه کازرونی) ، تالیف محمد حسین ریاحی - نگرشی بر مشروطیت اصفهان تألیف سید احمد عقیلی.

- مشاهیر مزار علاّمه ابوالمعالی کلباسی، تألیف علی کرباسی زاده اصفهانی.

- بوستان فضیلت (مشاهیر مدفون درتکیه بروجردی درکوشکی) تألیف حمید خلیلیان.

- احوال و آثار ملا محمد اسماعیل خواجویی، گردآورنده مهدی رجایی.

- مشاهیر مطبواتی اصفهان مدفون در تخت فولاد اصفهان تألیف علی اخضری.

- شرح مجموعه گل؛ مشاهیر مدفون در تکیه سیدالعراقین، تألیف رحیم قاسمی - دشت خرم؛ دیوان میرزا عباسعلی اصفهانی متخلص به خرّم؛ تصحیح علیرضا لطفی - حدیث خوبان (حکایت های اخلاقی و کرامات مشاهیر تخت فولاد اصفهان) گردآورنده: حمید خلیلیان.

۴- راه اندازی مجموعه موزه های تخت فولادگنجینه سنگ نوشته ها با عکس خانه و موزه روزنامه نگاران در تخت فولاد.

۵- برگزاری همایش در بزرگداشت مشاهیر مدفون در تخت فولاد همانند:

- همایش فاضل سراب و اصفهان عصروی.

- بزرگداشت محقق و مورخ شهیر مرحوم سید مصلح الدین مهدوی

۶- چاپ دهها نمونه بورشور از تکایا و زندگینامه بزرگان مدفون در تخت فولاد

۷- راه اندازی تورهای تخت فولادشناسی و راهنمای زائران شهری و کشوری.

ص: ۱۰

۸- برگزاری دوره های آموزشی اصفهان و تخت فولادشناسی که تا کنون پنج دوره برگزار شده است.

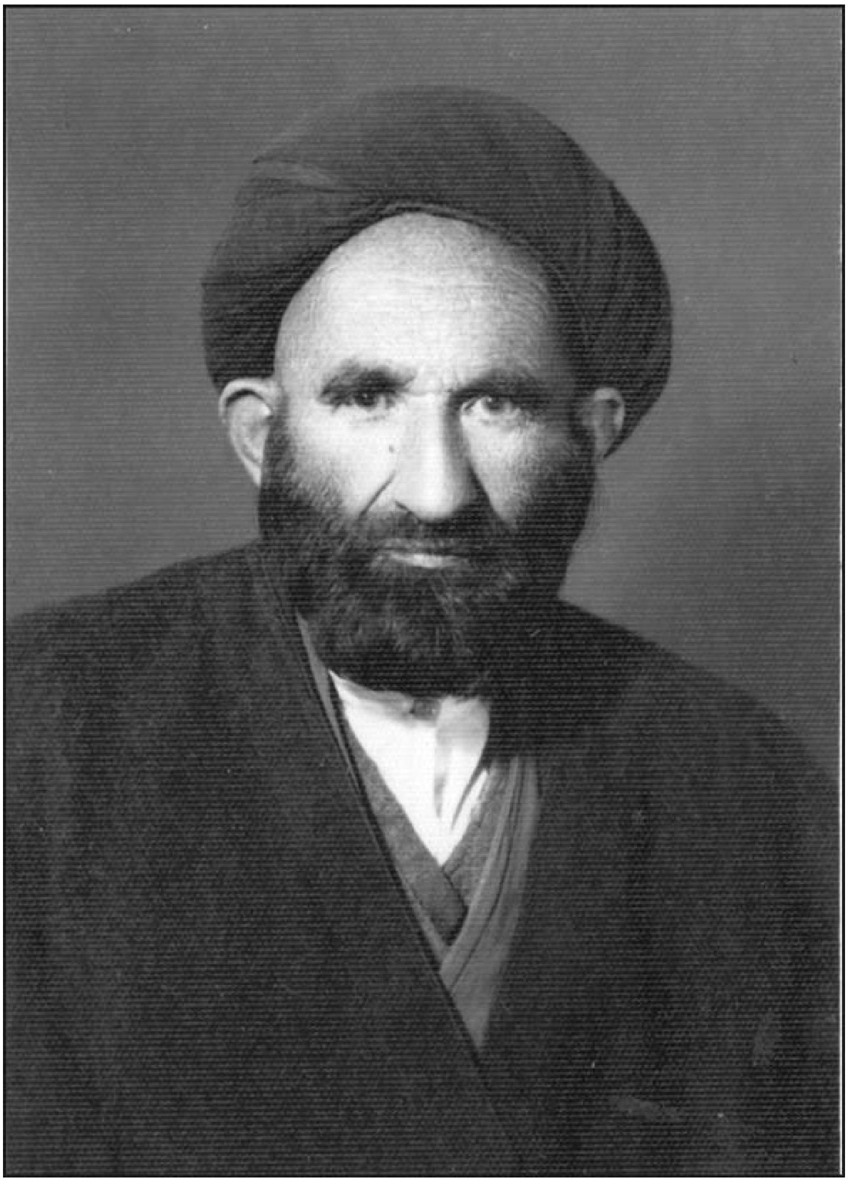
۹- شرکت در نمایشگاه های مختلف شهری.

۱۰- حمایت از ساخت فیلم خاک تابان.

دانشنامه تخت فولاد اصفهان

ص: ۱۱

تصویر



حاج سیّد محمدعلی موسوی شاهاندشتی لاریجانی (موسوی مازندرانی) ملقب به معین الاسلام

ص: ۱۲

مقدمه

به نام آن که جان را فکرت آموخت

دریا شهر است، عمیق و بی کرانه، به وسعت حکمت و ژرفای معرفت، شهر دانش، شهر هنر.

تک سواران، از هر سو، چونان چشمه سارها و جویبارها، لبریز از زلال خواهش، به این زاینده شهر می پیوندند، همچون قطره ها با دریا.

اصفهان را می گویم. هزاران هزار جاذبه دارد. تو را از گوشه و کنار اقلیم های دور دست به سوی خود می کشد، در دل خود جای می دهد و می پرورد تا ببالی و ببالد، تو به بخت بلند خود، و او، به دست پرورد خود.

و حاصل، گوهری دیگر است که در گنجینه ی این شهر جای می گیرد. شگفت داد و ستدی!!!!

این که گفتند اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام است و در میان صدها و هزارها شهر دیگر، چنین مبرّز و نامبردار می شود، از جمله مبادلات معمول بین کشورها و تعارفات خالی از وجه، نیست، که گزینشی است هوشمندانه از سر وقوف و شهود رنگین کمان تلاش های علمی فرهنگی هنری این شهر. شهری که از دیرباز در رصد و تیررس دیدگان بیشمار فرهیختگانی تیزبین، جای داشته است. «مادح خورشید مدّاح خود است ...».

استاد جلال الدین همائی - که نیای او نیز از شیراز به اصفهان مهاجرت کرد - در این

شهر، پا به عرصه وجود نهاد. عشق به این سرزمین نه تنها در بزرگ تألیف او - تاریخ اصفهان - بلکه هر جا قلم ارجمندش فرصتی یافته است موج می زند، در صفحه پنجم مقدمه تاریخ اصفهان کتاب هنر و هنرمندان می فرماید: «... اصفهان در تمام ادوار تاریخی به مرکزیّت علم و هنر و فلاحت و تجارت معروف و مشهور بوده است و مابین بلاد ایران بلکه سراسر آسیا به این خصیصه امتیاز داشته که جامع هر دو جنبه علم و هنر می باشد و دانشمند و هنرمند و بازرگان و کشاورز هر چهار طبقه را به عالی ترین درجه استادی و مهارت تربیت می کند و در نتیجه از هر چهار رکن تمدّن بشری به سر حدّ کمال بهره مند شده است و اگر همه جهات و اطراف را در نظر بگیریم شاید اصفهان در سراسر بلاد و ممالک دنیا نظیر نداشته باشد». انتهی.

این است که فرزندان شایسته شهرهای میهن ما، شیراز، آباده، قزوین، شهرهای گیلان، مازندران، کاشان، یزد و... به اصفهان آمدند و در جاذبه های علمی فرهنگی این شهر مجذوب شدند، نردبان علم را پله پله پیمودند و سرانجام به عالی ترین مسندهای علمی تکیه زدند و این است خودنوشت تک سوارانی که به این شهر روی آوردند، رخت افکندند و دیری نپایید که از آن تک سوار، عشیره ای و دودمانی زیر چلچراغ آسمان این شهر پدید آمد. و تا حال تحریر این سطور این جاذبه در استمرار است و در به همان پاشنه می چرخد.

معین الاسلام

یکی از این مهاجرزادگان معین الاسلام است.

نخست قصد معرفی و بیان چگونگی حضور و میزان تأثیر معین الاسلام در حوزه علمیّه و نیز فرهنگ معاصر اصفهان را داشتیم امّا، دریغ و افسوس بود اگر در این فرصت از شکل گیری بنیاد یک خاندان سخنی نمی گفتیم به ویژه آنکه همه اعضاء این خانواده اهل علم و معرفت بودند، آموختند و به تدریس نشستند، کتابها ترجمه

یا تألیف کردند، نسخه های کتب نایاب و کمیاب را استنساخ کردند، خود خواندند و به دیگران واگذاشتند، و در حوزه ها و دیگر عرصه های فرهنگی به قدر توان خود در اشاعه علم کوشیدند و... .

مهاجری از مازندران

آن روز که سیّد محمّد، کوه، جنگل، دشت و دریا و معبرهای تنگ و هولناک جبال لاریجان را پشت سر گذاشت و ناخواسته رفاه و آسایش را از دست داد تا به دستور پدر در اصفهان دانش اندوزد، هرگز نمی دانست که غرق دریای معارف این شهر خواهد شد.

سیّد محمّد موسوی شاهاندشتی لاریجانی مازندرانی معروف به میرزا بابائی، بنیاد گذار دودمان و سر سلسله خاندان در اصفهان یکی از آن تک سواران است که بر خوان گسترده نعمت های علمی فرهنگی این شهر نشست و استعداد نهفته را مجال بروز داد. او پس از سیراب شدن از سرچشمه های فضل و دانش و علم اساتید اصفهان به ترتیبی که در کتاب مذکور است، هوشمندانه و برای همیشه عمر به اصفهان مهاجرت کرد.

معین الاسلام نسل سوم از این خاندان است و این مختصر، اشاره به تلاش های او، در حوزه علمیّه و فرهنگ معاصر اصفهان دارد و تأکید بر شناخت چهره فرهنگی و نظر صائب او در تشخیص نیاز روز جامعه، تأسیس مدرسه ایتام و مدیریت کارا و موفق در دو واحد آموزشی در اصفهان است. لذا بخش های دو و سه از فصل اول به حضور و آثار معین الاسلام در حوزه علمیّه پرداخته است.

سپس کند و کاوی در حیطه فرهنگ معاصر اصفهان و سرگذشت تأسیس مدرسه ایتام و بعد از آن مدیریّت مدرستین علیّه و ایتام و... همه موارد با معرفی و ارجاع به مدارک و مستند به اسناد آمده و مهمترین این اسناد، روزنامه های آن عصر است که

در روز یا هفته وقوع آن رویداد نگاشته، چاپ و منتشر شده است.

این قلم نـاچیز نارسـا، کوشـید در اوراق پیش رو به قـدر وسع خود، تلاش های بی وقفه معین الاسـلام را در منظر و حوزه تحقیق اهل نظر قرار دهد و برخی مشاغل، تلاشـها و دسـتاوردهای او که از سـر بی اطلاعی یا عدم تحقیق در کارنامه دیگران نوشته شده است را با اسناد و مدارک روشن و مـدلل سازد و در دسترس قرار دهـد، باشـد که مسامحات وارده در بعضـی از کتابها که از یک کتاب آغاز و متأسـفانه در دیگر کتب بدون تحقیق کافی نقل و تکرار شده است تصحیح گردد.

چند نکته:

۱- افزون بر حاج سیّد محمّد علی معین الاسـلام اصـفهانی سه نفر دیگر در آن عصـر و زمان هر یك با پسوند نسبت شهر خود ملقّب به معین الاسلام بودند.

آن که در اصـفهان می زیسـته، میرزا سیّد عبدالحسـین مدیر روزنامه زاینده رود است که به «معین الاسلام خوانساری» مشهور بوده است. برای آشـنائی با او ر.ك به سه سال اول انتشار روزنامه زاینـده رود و نیز تاریـخ جرائد و مجلات ایران / ج۳ / ص ۱ – ۴ / انتشارات کمال اصفهان / ۱۳۶۴ش.

دومین و سومین آنهـا، «جناب مسـتطاب حاجی سیّد احمـد معین الاسـلام دشـتکی و جناب مسـتطاب ادیب کامل و اریب فاضل معین الاسـلام بهبهانی» است. ر.ك روزنامه انجمن مقدس ملّی اصـفهان / سال اوّل / ش ۲۰ / ص ۶ / ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ه .ق. این هر دو در شیراز می زیسته اند و روزنامه انجمن مقدس ملّی اصـفهان خبر می دهد که معین الاسـلام دشـتکی حاجی سـید احمد، ناجوانمردانه به دست مستبدین وابسته به فرزندان قوام الملك شـیرازی، کشته و مصلوب شده است و سپس پیکر او را آتش زده اند. ر.ك روزنامه انجمن مقدّس ملّی اصفهان / ش ۱۴ / سال دوم / سه شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۶ه .ق. / ص ۷ و شماره ۱۵ / شنبه ۲۵ صفر ۱۳۲۶ / ص ۱ – ۳.

۲ – تحقیق در سلسله سادات و انساب معاریف لاریجان و مخصوصاً شاهان دشت که بزرگی از ارحام دام ظلّه نیز اشارت فرمودند، فرصتی مستوفی می طلبید و در این مجال اندک مقدور نبود. امید دارد به یاری خداوند متعال، متعاقباً این تحقیق انجام و منتشر شود.

در اینجا از دانشمندان و محققین محترم که در این زمینه اسناد، مدارک و اطلاعاتی دارند درخواست می شود با ارسال آنها به نشانی ذیل نگارنده را یاری فرمایند:

arozati@gmail.com

۳ – از جنابان آقایان دکتر اصغر منتظرالقائم، محمد اژه ای و جناب حجّه الاسلام آقای مهدی نیلی پور، اعضاء محترم کمیته فرهنگی به ویژه جناب آقای مهندس حسین حمدی اصفهانی مدیر مجموعه فرهنگی، تاریخی و مذهبی تخت فولاد و که نگارنده را به نوشتن این شرح حال ترغیب کردند و چاپ و انتشار آن را به عهده گرفتند سپاسگزار است و مزید توفیق مجموعه را در بزرگداشت و احیاء مآثر فروخفتگان این خاک پاک، از درگاه خداوند متعال مسئلت دارد. همچنین زحمات فاضل محترم آقای حمید خلیلیان در تهیه فهرست اعلام و نظارت بر امور چاپ این کتاب را پاس می دارد و تشکر می کند.

والسلام خیر ختام

سیّد احمد روضاتی

اسفندماه ۱۳۸۷ شمسی

فصل اول

اشاره

بخش نخست: زادگاه و نیاکان

بخش دوم: مروری بر احوال و تحصیلات

بخش سوم: تألیفات و تصنیفات

ص: ۱۹

بخش اول : زادگاه و نیاکان

حاج سید محمد علی موسوی مازندرانی(معین الاسلام) در سال ۱۲۵۱ هجری شمسی مطابق ۱۲۹۰ هجری قمری در اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش حاج سید عبداللّه و جدش سید امیر محمد علی بن سیّد محمّد نیز در همین شهر پا به عرصه وجود نهادند.

سید محمد(مهاجر)، جد اعلی، فرزند سید عبداللّه موسوی مازندرانی است که او عالمی بزرگ و محتشم و در لاریجان و شاهاندشت صاحب عشیره و مالک املاک بود.

سید محمد - نخست بار در سال ۱۱۸۶ه .ق. - دراوان جوانی برای کسب علم به حوزه علمیه اصفهان آمد ۹ سال در این شهر ماند و تا وصول به درجه اجتهاد دانش اندوخت سپس بدستور پدر و موافقت استادش آقا محمد بیدآبادی به مازندران بازگشت. او بعد از وفات پدرش سید عبداللّه در سال ۱۲۱۴ هجری قمری از مازندران به قصد سکونت به اصفهان مهاجرت کرد.

دریا شهر علمی فرهنگی اصفهان، چونان صدف زاینده، این در ثمین را پذیرا شد و به او مجال پرورش و تعلیم و تعلم بخشید. فرزند و فرزندزادگانش نیز به برکت و یمن وجود و حضور علماء عامل و متقی و دانشمندان عدیم النظیر اصفهان رحمهاللّه علیهم اجمعین، به مدارج اعلای علم و تقوی عروج کردند و به سهم خود بر عزت و شأن این شهر افزودند.

سید محمد در سفر مهاجرت نیت کرده بود که نه تنها خود مادام العمر به مازندران

معاودت نکند، بلکه به اولاد و اعقابش نیز چنین توصیه کرد. علت و جزئیات این مهاجرت را نبیره او حاج سید محمد علی(صاحب عنوان) که بعداً ملقب به معین الاسلام شد، طی رساله ای مشروح تحریر کرد و به چاپ رسانید.(۱)

در این اوقات که مسود این اوراق که نواده صاحب عنوان است، قصد کرد پیرامون زندگانی جد گرامی امّی خود وجیزه ای بنگارد، به کتب و اوراق بازمانده از آن مرحوم رجوع کرد و متاسفانه امّهات آن را نیافت، به ناچار به مختصر باقیمانده بسنده کرد و با کوشش بسیار آنها را از پس سالها پراکندگی، مجموع کرد و گرد و غبار چهل و اند ساله را از آنها بسترد و آن مختصر را - که از تصاریف زمان و دستبرد ایام به سلامت مانده بود - در مطالعه کشید. در خلال جستجوها، به مسوّده چند برگ از نامه ای(۲) برخورد به خط مرحوم معین الاسلام و خطاب به مرحوم آیهاللّه العظمی نجفی مرعشی، که شاید در پاسخ مسئول معظم له بوده و حاوی مشروح احوال نیاکان او و علت مهاجرت و توطن جدش سید محمد بن عبداللّه در اصفهان است. لذا بفال نیک گرفت و قسمت هائی از آن را در صدر مقال بیاورد.

بسم اللّه تعالی شأنه

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب شریعتمدار مقتدی الانام مروج الاحکام حافظ انساب الذّریه الطاهره من بنی الزهراء علیهاسلام اللّه الملک العلام حجّهالاسلام والمسلمین آقای آقا نجفی امام جماعه مسجد بالا سر حرم قم دام ظله

ص: ۲۲

۱- ۱. الرساله فی سبب ارتحال جدی الاعلی السید محمد بن عبداللّه الشهاندشتی من مازندران الی اصفهان - معین الاسلام، حاج سید محمد علی بن عبداللّه موسوی، شمس آبادی اصفهانی مشهور به میرزابابایی - اصفهان ۱۳۷۵ه .ق. سربی رقعی - مقصود از رساله در صفحات بعد هم ارجاع مطلب به این منبع است. و نیز متون داخل گیومه « » که با علامت * مشخص و در صفحات بعد نقل شده نصّ جملات رساله است.

۲ - ۲. دو ورق پشت و رو، که با جوهر قرمز و به خط معین الاسلام نوشته شده و مسوّده نامه ای است که قسمت اعظم آن را در کتاب آوردیم. رساله ای که در بخش تألیفات معین الاسلام معرفی شده است حاوی مشروح و کامل مضامین این نامه است.

علی رؤس الانـام. عرضه داشت این جـانب حـاجی سید محمـد علی بن حـاجی سید عبـداللّه بن الامیر محمـد علی بن آقـای آقـا سـید محمد الموسوی المازندرانی اللاریجانی الشـهاندشتی که پدر ایشان مرحوم آقا سـید عبداللّه بن السید اسماعیل بن السید حسین الموسوی المازندرانی اللاریجانی الشـهاندشتی باشـند، چهل و یک پسـر و ظاهراً هفت دختر داشـته... اسـباب مسافرت مرحوم آقا سید محمد جدّ را، اعلی اللّه(مقامه) فراهم و(برای تحصیل علم) روانه به اصفهان می کنند.

و چون دوستی بوده فیما بین مرحوم آقا محمد بیدآبادی(۱) با مرحوم آقا سید

ص: ۲۳

---

۱ - ۳. آقا محمـد بیـدآبادی فرزنـد ملّا محمّـد رفیع مازنـدرانی(گیلانی) است که ظاهراً شـخص اخیر به اصـفهان مهاجرت کرده و فرزندش آقا محمد در این شـهر متولد شده است. آقا محمّد از شاگردان میرزا محمد تقی الماسـی(از نوادگان مجلسی) بوده و دور نیست که از فیض وجود مولی اسماعیل خواجوئی نیز بهره برده باشد. او خود شاگردانی مثل میرزا ابوالقاسم مدرس و مولی محراب گیلانی و آخوند ملاعلی نوری و... تربیت کرده است که هر کدام از سـتارگان قدر اول آسمان علم و زهد و فقاهت به شمار می روند. صاحب روضات اعلی اللّه مقامه آقا محمّد را «من اعظم حکماء هـذه الاواخر ...» و در غایت زهد و پرهیزگاری محسوب و شـرحی در مورد تسـلّط آقا محمد به علوم غریبه مرقوم فرموده است. وفات آقا محمد قدس سرّه طبق ضبط روضات سال ۱۱۹۷ه .ق. می باشد لکن مرحوم معلّم حبیب آبادی به نقل از یادداشت پشت نسـخه ای از جلـد دوم کتاب حیوهالقلوب، وفات آقا محمد را دو ساعت به ظهر مانده روز جمعه نهم محرم الحرام سال ۱۱۹۸ ضبط کرده است. استاد جلال الدین همائی ضـبط صاحب روضات قدس سـره را مرجح داشـته یعنی همین سال ۱۱۹۷ را که مطابق است با دو ماده تاریـخ سـروده واله: کرد واله از پی تاریخ او بیتی رقم تا بود هر مصـرعی بر سال فوتش رهنمون «قبله ارباب علم آقا محمد شد ز دهر» «برگزیده عارفی عالم شد از دنیای دون» ۱۱۹۷ ۱۱۹۷ مرحوم همایی می نویسد: «ضـمناً در حواشـی تذکرهالقبور [طبع جدید ص ۸۱] می نویسـد وفات آقا محمد در سال ۱۱۹۸ بوده و ۹۷ غلط است و حال آنکه روی سنگ لوحش هم با عدد صریح و هم به حساب ماده تاریخ ۱۱۹۷ می شود مگر اینکه سنگ لوح را غلط و ماده تاریخ را چون اوایل سال بوده مبنی بر تسامح بدانیم و این دعوی محتاج به سـندی است قطعی تر از سـنگ لوح». اسـتاد همایی اضافه می کند که «کلمات «شد ز دهر» از مصراع اول و «برگزیده» از مصراع دوم در سنگ لوح ریخته است. از روی یادداشت های سابق خود و نسـخه دیوان واله نقل کردم. در حواشـی تذکرهالقبور [طبع تازه: ص۸۱] از پیش خود کلمه ای بجای «برگزیـده» برگزیده و نوشـته اند: ««با مروت عارفی عالم شـد از دنیای دون» که به حساب ابجـد ۱۵۹۸(هزار و پانصـد و نـود و هشت) می شود که ۴۰۱ سال بعـد از وفات آقا محمد است و هنوز که سنه ۱۳۷۳ قمری است فوت نشده و ۲۲۵ دویست و بیست و پنـج سال بعد خواهد وفات یافت! یعنی این ماده تاریخ برای یک نفر عالم عارف ساخته شده است که ۲۲۵ سال بعد بمیرد». ر.ك روضات الجنات ص ۶۵۰ چاپ اول سنگی جمادی الاولی ۱۳۰۶ه .ق. ریحانه الادب ۳۰۱/۱ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان / اصفهان / ۴۸۳ مکارم الآثار ۶۶/۱ تاریخ اصفهان مجلد ابنیه و عمارات، فصل تکایا و مقابر / ۱۳۰ / و ۱۳۵ / و ۲۲۰ و ۲۲۲ / ۲۲۱

عبـداللّه، یـک کاغـذ توصـیه هم می نویسـند به مرحوم آقـا محمـد، ایشـان هم آقـا را می پذیرنـد. در منزلی که به صوابدیـد مرحوم آقا محمد بوده(ساکن و) مشـغول(تعلم) می شوند. معقول را خدمت خود آقای آقا محمد و ادبیات را پیش مرحوم آقای میرزا ابوالقاسم رشتی در مدرسه سلطـانیه منطق و معانی بیان... و همه ماهه وضع تحصـیلات ایشان را مرحوم آقا محمـد بیـدآبادی برای مرحوم ابوی شان، آقا سـید عبـداللّه می نوشـته اند. چنانچه بعد از ۹ سال تمام در اصـفهان که مشـغول بوده اند، مرحوم آقا محمد می نویسـند به آقا سـید عبداللّه که الحمدلله آقا سـید محمد فعلاً مستنبط و دارای درجه اجتهاد است و محتاج به تقلید نمی باشند و در این هنگام هم مرحوم آقا سید عبداللّه سنشان هشتاد و دو سال بوده لهـذا آقـای آقـا سـید محمـد(را) احضـار می فرماینـد از اصـفهان، ایشان هم اطاعت نموده و می رونـد هم به جهت افاضه و تـدریس، هم خدمات مرجوعه ایشان را انجام می دادند. بعد از ۱۹ سال از مراجعت(ایشان)، آقا سید عبداللّه مرحوم فوت

می شونـد و لجنه جهت ایام مجلس برپا می شود و در تمام قریه ها که متعلق بخودشان و سائرین(بوده) اقامه عزا می شود. در شب سوم آقازاده های ایشان از تمام قریه های(قریه ها) و هم جوارها دعوت می شود(می کنند).

چنـد مجلس متعـدد بوده که در یکی از آنها آقازاده ها بوده انـد و مشـغول پـذیرایی بودنـد. آقای آقا سـید محمـد در زاویه آن مجلس نشسـته مشغول مطالعه کتاب

معالم(۱) می شونـد. اخوی بزرگ ایشـان متعرض ایشـان می شود بـاین بیـان: «آقـای اخوی شب سوم پـدر و این ازدحام مردم که بایـد از همه پذیرائی کرد، کسـی نمی نشـیند مشغول مطالعه شود» ایشان جدا مشغول می شوند و می گویند شماها که هستید پذیرائی کنید، بنده تحصیل را واجب می دانم و حاضر نیستم نه جهت پذیرائی و نه جهت تواضع جهت مردم. اخوی بزرگ با کمال تعرض می گویند: «بگذار کتاب را زمین و برو از این مجلس بیرون». ایشان می گوینـد چشم و با کتاب بلنـد می شونـد بروند. اخوی بزرگ می گویند «کتاب را هم بگذار زمین، هنوز قسمت نشده کتابها که شما بسهم خود تصرف کنید».

لهـذا آن مرحوم با کمال تعرض کتاب را هم زمین گذاشـته و در ظلمت شب با پای پیاده از خانه پـدر بیرون می آید و می فرمایند بنده رفتم و دیگر به مازنـدران نخواهم آمـد و دیناری هم از مال پـدر نمی خواهم بلکه هر کجا رفتم همانجا توطن می کنم و وصـیت می کنم که تا هفت پشت از اعقاب من به مازندران نیایند و دیناری هم از مال پدر نخواهند و بدون توقف و بیتوته شب می آیند به طهران. دربین راه وهله اول

---

۱ – ۴. معالم، مقصود مقـدمه اصولیه کتاب «معالم الدین و ملاذ المجتهدین» تألیف ابومنصور حسن بن زین الدین شـهید ثانی است که فقط این مقـدمه اصولیه و بعضـی از فصول باب طهارت آن تألیف شـد و با وفات مؤلف کتاب ناتمام مانـد. این مقـدمه بعداً از کتب رایج درسـی و بین علماء به معالم الاصول معروف می شود. که حواشـی متعددی بر آن نوشـته اند از جمله حاشیه فرزند مؤلف شیخ محمدبن حسن بن زین الدین و حاشـیه ملا محمد صالح مازندرانی و حاشـیه سـلطان العلماء و... . بنابر ضـبط روضات، صاحب معالم اول محرم الحرام سنه یک هزار و یازده ۱۰۱۱ در قریه جبع از قراء جبل عامل وفات یافته است. برای اطلاعات مشـروح و مفصل ر.ک: – روضات الجنات چاپ اول سـنگی ۱۳۰۶ه .ق. صفحات ۱۸۰ – ۱۷۸ – فهرست کتب خطی اصـفهان جلـد اول آ – ز چـاپ اول ۱۳۸۴ مؤسـسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیهالسلام که استاد علامه محقق حضـرت آیه اللّه آقای حاج سـید محمـد علی روضاتی دام ظلّه نسـخ خطی چندین حاشـیه از حواشـی معالم الاصول را در این اثر ارزنده معرفی فرموده اند. – ریحانهالادب جلد سوم چاپ دوم چاپخانه شفق تبریز صفحات ۳۹۱ – ۴

مصادف می شوند با مرحوم میرزا شفیع مازندرانی(۱) که صدراعظم وقت بوده در زمان خاقان مغفور فتحعلی شاه(۲) و قبلاً هم حاکم اصفهان بوده و خانه و بستان و

ص: ۲۶

۱- ۵. میرزا(محمد) شفیع بند پئی، مازندرانی اصفهانی الاصل متوفی ۱۲۳۴ه .ق. از ابتدای سلطه ایل قاجار بر ایران، در خدمت مؤسس سلسله قاجار و پس از کشته شدن او، برادرزاده اش فتحعلیشاه بوده است. فتحعلیشاه در سال ۱۲۱۵ه .ق. حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله را از صدارت عزل کرد، او و فرزندان(باستثناء دو طفل) و بستگانش را کشت، آنگاه میرزا شفیع را به صدارت عظمی منصوب کرد. میرزا شفیع صدراعظم تا پایان عمر یعنی نزدیک به بیست سال، در این سمت ماند. گفتنی است که مرحوم محمود محمود مؤلف کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، قتل اعتمادالدوله را بر اثر دسائس مأمورین انگلیس می داند و می نویسد «... او اولین شخصی است که گرفتار چنگال بی رحم سیاست خارجی گردید ...»۱ و نیز معتقد است «... فتوحات آقا محمدخان قاجار و موفقیتهای او مرهون رأی و تدبیر و سیاست این مرد بوده است»۲ ۱ و ۲ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ - جلد اول صفحه ۱۲۴ چاپ چهارم تهران ۱۳۵۲ شرکت نسبی اقبال و شرکاء

۲- ۶. حاج فتحعلیشاه، دومین سلطان از ایل قاجار که سی و هشت سال و پنج ماه(۱۲۵۰ جمادی الثانی - ۱۲۱۲ محرم ه .ق.) مستقلاً بر ایران حکم راند. جنگ های ایران و روس ۱۲۲۸ - ۱۲۱۸ه .ق. و ۱۲۴۳-۱۲۴۱ه .ق. و معاهده های ننگین گلستان و ترکمان چای در عهد این خاقان صورت گرفت و بسته شد. صاحبقران از اوضاع سیاسی دنیا و پلتیک زمان، به کلّی بی اطلاع بوده و صفحات تاریخ مشحون است از اظهارات کودکانه و ادّعاهای عوامانه او در مواجهه با زیر و بم سیاست های پیچیده و رازآلود انگلیس و برخوردهای قلدر مآبانه روس. اما اینکه علیرغم شکست های قطعی در جنگ ها و بر باد دادن بیش از نیمی از خاک ایران، به خود لقب کشور ستان داده و سکه به این عنوان ضرب کرده است حقیقتاً عملی است ورای وقاحت که الفاظ و مفاهیم برای بیان آن قاصرند. خاقان گذشته از شاهکارهایش در اداره مملکت، در عرصه امور دینی هم نظرات شاهانه دارد. زیارت خانه خدا در سال ۱۲۳۹ه .ق. ، خاقان را شوق زیارت خانه خدا فراگرفت . ادامه سخن را عیناً از فارسنامه می خوانیم: «... و بعد از مراجعت به شوق زیارت خانه خدا و ضریح خاتم انبیا صلی الله علیه و آله دو هزار تومان زر نقد از وجه حلال امدادی دولت بهیّه انگلیس* به حاجی عبداللّه اصفهانی خواجه سرا و حاجی علی محمد کاشانی پارسا، عنایت نمود و برای آن که آن اعلیحضرت را سفر حج بیت اللّه میسر نبود، آن دو نفر را نایب خود نموده، روانه فرمود و غزلی که مطلعش زاده طبع مبارک شاهنشاهی بود و تتمه آن از کلک دررسلک جناب میرزا فضل اللّه خاوری شیرازی جاری گشته بود، بر سنگ مرمری نقش کرده به مصحوب حاجی عبد اللّه ایفاد نمود و غزل این است: «محرمی باید که پیغامی برد نزد جانان، نام گمنامی برد بندد احرامی نخست از احترام در حریمی ره به احرامی برد با تن و جان و دلی لبیک گو پی به درگاه دلارامی برد بار چون یابد درآن دلکش حرم قصه ای از بی سرانجامی برد دل کند قربانی خدام دوست پیش شاهان هدیه از عامی برد نیست عاری گر ز ما ذکری کند نیست ننگی گر ز ما نامی برد مطلب «خاقان» بگوید پیش دوست پخته ای را عرضه از خامی برد»** *برای اطلاع بیشتر از وجوه حلال دولت بهیه انگلیس ر.ک. ۸ جلد تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹ تألیف محمود محمود - فراموشخانه و فراماسونری در ایران نوشته اسماعیل رائین جلد سوم ** حسینی فسائی - حاج میرزا حسن - فارسنامه ناصری - جلد اول چاپ تهران امیرکبیر ۱۳۶۷ ص ۷۲۴

بیوتات متعدد جهت خود آباد کرده و ساخته و از اصفهان احضار شده بود جهت صدارت، و چون سابقه کامل شناسائی در حق آقا داشته پیاده می شود جهت احترام آقا و مستفسر حال آقا می شود که جهت آمدن در ایام عزای پدر آن هم راجلاً- چه بوده؟ ایشان شرح ماوقع را از اعراض و نرفتن به مازندران در مدت عمر و عاق نمودن اعقاب خود را بیان می فرمایند و لهذا به امر صدراعظم مرحوم، آقا را می برند در منزل صدارت و خود صدراعظم می رود دربار و جهت عظمت ایشان و خانواده و احترام پدر متوفاشان قضیه را بعرض می رساند. شاه فرمایش می کنند خوبست آقا را تا مجالس عزای پدرشان برپاست بفرستیم ایشان را با مصاحب محترمی که مراجعت کنند و به امر همایون ما التیام بدهند فیمابین اخوان، بیاورید شما ایشان را حضور تا با نصایح شاهانه و خلاع متعدده جهت اخوانشان مراجعت دهیم ایشان را» انتهی.

این مسوّده در همین جا ناتمام رها شده و معلوم نیست آیا مبیّضه و کامل شده آن به مخاطب نامه ارسال شده است یا خیر؟ ادامه مطلب بطور خلاصه و مستفاد از متن عربی رساله این که:

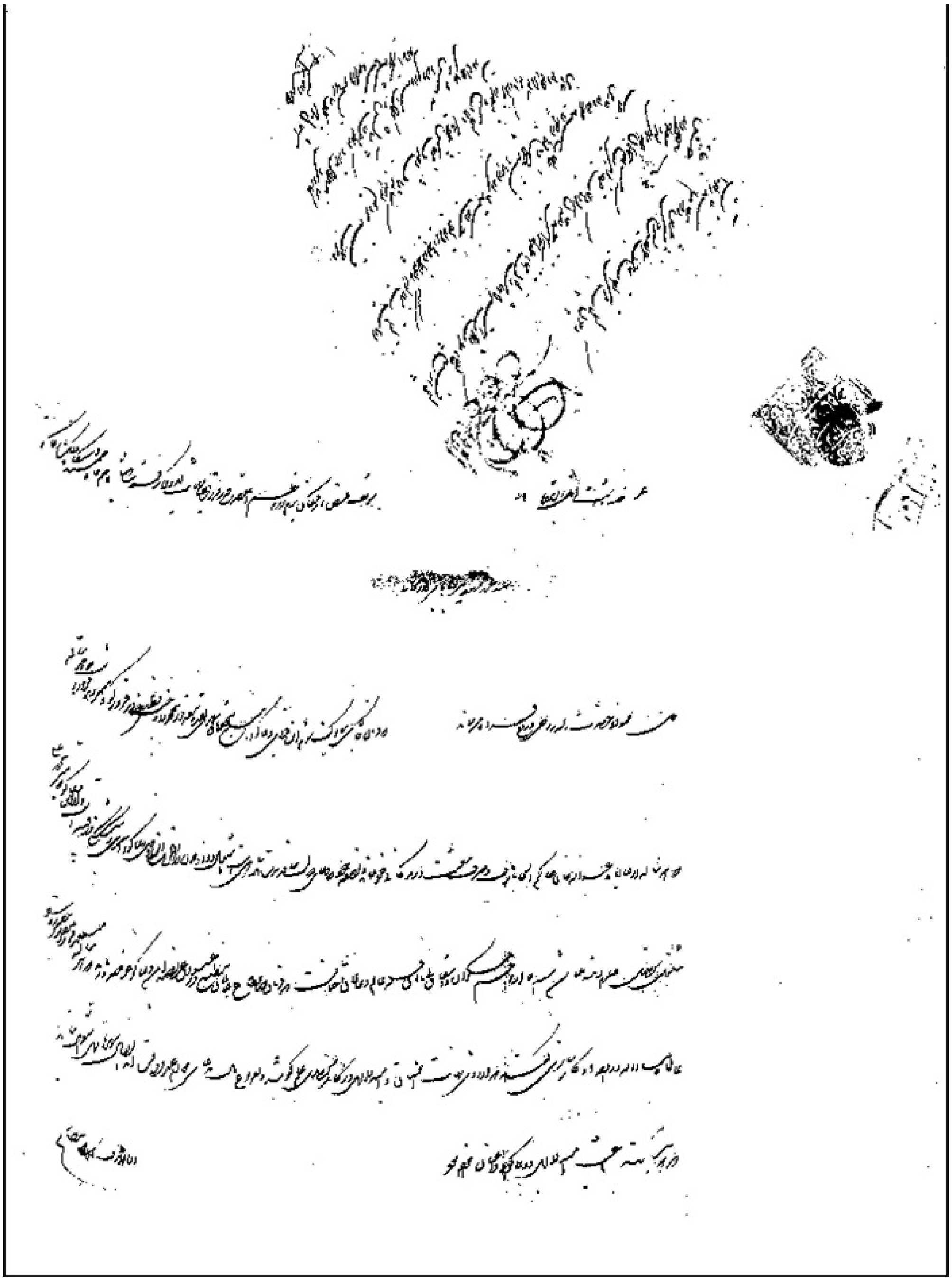
سید محمد مراجعت به مازندران را به هیچ وجه من الوجوه تمکین نمی کند و هنگامی که شاه و صدراعظم از عزم جزم او برای مهاجرت به اصفهان مطلع می شوند، فتحعلی شاه نقداً صد دینار طلا باو اعطاء و مستمری سالانه جهت ادامه

تحصیلاتش برقرار و فرمان تأدیه استمراری در عهده والی فیروزکوه صادر می کند «فانعمه مأئه دینار من الذهب المسکوک اجلالاً له و کتب لوالی فیروزکوه کتاباً امره بتقبّل نفقه تحصیلاته فی کل سنه خمس تومان من النقد و خمسون منّ من الحنطه و کتب بذلک فرماناً موشحا بخاتمه»(۱) میرزا شفیع صدر اعظم هم طی قباله ای کلیه بساتین و بیوتی که در محله شمس آباد اصفهان در تملک داشته به او انتقال شرعی می دهد که جزئیات آن در رساله مذکور است.

ص: ۲۸

۱- ۷. ر. ک حاشیه ص ۲۲ ضمناً همین مستمری است که سالها بعد سید محمد ضمن عریضه ای خطاب به فتحعلی شاه استدعای برقراری آن را درباره فرزندش امیر محمد علی می کند. تصویر ضمیمه است.

تصویر



متن: عریضه سیّد محمّد و تقاضای انتقال مستمری او به فرزندش امیر محمد علی

صدر نامه: فرمان فتحعلیشاه مبنی بر موافقت با برقراری مستمری بنام امیر محمد علی

ص: ۲۹

هو

عرضه داشت اقل السادات به موقف عرض... بزم ارم نظم اعلیحضرت قدرقدرت قضامهابت کیوان رفعت شاهنشاه جم جاه جمشید دستگاه فلک بارگاه

سید محمد مشهور به میرزا بابائی لاریجانی

ظل ممدود حضرت اله روحی و... فداه می رساند که قربان خاک پای مبارکت شوم این فدوی دعاگو را مبلغ پنج تومان شهری نقد و مقدار پنج خروار جنس وظیفه در فیروزکوه مستمر و برقرار است که هر ساله از عالیجاه عبداللّه خان حاکم آنجا بازیافت و صرف معیشت و زندگانی خود می نماید و به وظیفه خود که دعای دولت پادشاهی است اشتغال دارد. چون در این اوقات این اقل دعاگو را پیری و شکستگی دریافته است ولد این دعاگو که میر محمدعلی مشغول تحصیل علوم دینیه می باشد استدعا از مراحم بیکران و اشفاق بی پایان قبله عالم و عالمیان چنان است که فرمان جهان مطاع عالمیان مطیع در عنوان عریضه این دعاگو شرف صدور یابد که هر ساله مبلغ مزبور و مقدار مقدره را عالیجاه مشار الیه در وجه او کارسازی کند که از روی نهایت اطمینان و امیدواری در کار تحصیل علم کوشد و به فراغ بال به دعای دوام عمر دولت ابد اتصال شهریاری مشغول بماند. که هر آینه باعث امیدواری و دعاگوئی داعیان خواهد بود.

الامر الاشرف الاعلی مطاع

ص: ۳۰

بسم اللّه تعالی شأنه العزیز

العزه للّه

گرفت خاتم شاهی به قدرت ازلی

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

للّه ملک السموات و الارض

که چون عالیجناب قدسی القاب صاحب عریضه به شرح متن عرض و در مقام استدعا برآمده است. عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه شهامت و... لب انجام عمدهالخوانین عبداللّه خان سرکرده دستجات فیروزکوهی مبلغ پنج تومان وجه مقرری نقد و مقدار پنج خروار جنس از بابت مالیات فیروزکوه که(بوجه؟) وظیفه در وجه او برقرار بود حسب الاستدعای او در هذه السنه پیچی ئیل و مابعدها در وجه عالیجناب آقا سید محمدعلی ولد عارض عنایت و مرحمت فرمودیم که همه ساله دریافت و صرف معاش خود نماید آن عالیجاه مبلغ و مقدار مذکور را همه ساله در وجه ولد عارض کارسازی و معطل ندارد که به فراغت و آسایش و کمال امیدواری و آرامش به دعای دوام دولت اشتغال نماید تخلف جایز ندنسته در عهده شناسد تحریراً فی شهر جمادی الاول سنه ۱۲۴۰.

ص: ۳۱

بهرحال سید محمد به اصفهان مهاجرت می کند و از علو همت و سخاوت طبع، بیشتر این خانه ها که خالی از سکنه و در شرف خرابی بوده است را به کسانی که در آن حول و حوش زندگی

می کرده اند، می بخشد و از آن میان دو خانه برای خود اختیار می کند که سمت راست آن چهار جریب و در سمت چپ سه جریب اراضی مزروعی داشته است.

سید محمد که سالها قبل در اصفهان تحصیل کرده و به درجه اجتهاد رسیده بود، مورد استقبال مردم قرار می گیرد که او عالم و زاهد و گشاده دست بود و با عُلوّ شأن.

تدریس را شروع می کند و همزمان کتابهای مورد نیاز و رجوع را بخط خود کتابت کرد از جمله معالم الاصول(۱) را - که به خط او هم اکنون نزد من است - و همچنین مجلدات هفتم و نهم بحار و نیز سایر کتابها از ادعیه و زیارات و غیره. و به خط شریف او در حاشیه یک نسخه از شرح تهذیب المنطق(۲) دیدم که به تنها فرزند

۱- ۸. معالم الاصول، نسخه به خط «افقر عباد اللّه محمد بن عبداللّه الموسوی اللاریجانی الشاهاندشتی» و مورخ است به «فی لیله الخمیس فی ثانی شهر صفر المظفر فی سنه ۱۲۲۷ هزار و دویست و بیست و هفت من الهجره النبویّه». حواشی، دست نوشته فرزندش امیرمحمد علی است که در تاریخ ۱۲۴۲ه .ق. از کتابت آن فراغت یافته است. تصویر صفحه آغاز و انجام و ماقبل آخر کتاب ضمیمه است.

۲- ۹. شرح تهذیب المنطق: تهذیب المنطق والکلام از تألیفات سعدالدین مسعود بن عمر بن عبداللّه خراسانی هروی تفتازانی است که مذهب شافعی داشته. قسمت منطق کتاب مذکور از بهترین کتاب هائی است که درباره این علم نوشته شده و شروح متعدد بر آن نوشته اند. مشهورترین آنها شرح مولانا عبداللّه بن شهاب الدین حسین یزدی شهابادی متوفی ۹۸۱ه .ق. است که به حاشیه و حاشیه ملا عبداللّه معروف است. یک نسخه از حاشیه تهذیب المنطق ملا عبداللّه یزدی را استاد محقق علامه حضرت آیه اللّه آقای حاج سید محمد علی روضاتی در فهرست کتب خطی اصفهان معرفی فرموده اند. سعدالدین تفتازانی در سال ۷۹۲ه .ق. وفات کرده است و تاریخ فوت او را گفته اند: عقل را پرسیدم از تاریخ سال رحلتش گفت تاریخش یکی کم طیّب اللّه ثراه ۷۹۳ - ۱ = ۷۹۲ = طیّب اللّه ثراه - ر.ک. روضات الجنات ص ۳۰۹ چاپ سنگی جمادی الاولی ۱۳۰۶ه .ق. - ریحانه الادب جلد اول ص ۳۳۷ چاپ دوم تبریز چاپخانه شفق بدون تاریخ - فهرست کتب خطی اصفهان جلد اول آ - ز چاپ اول ۱۳۸۶ مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا سلام الله علیها ص ۲۵۸ ذیل عنوان شماره ۲۵۶

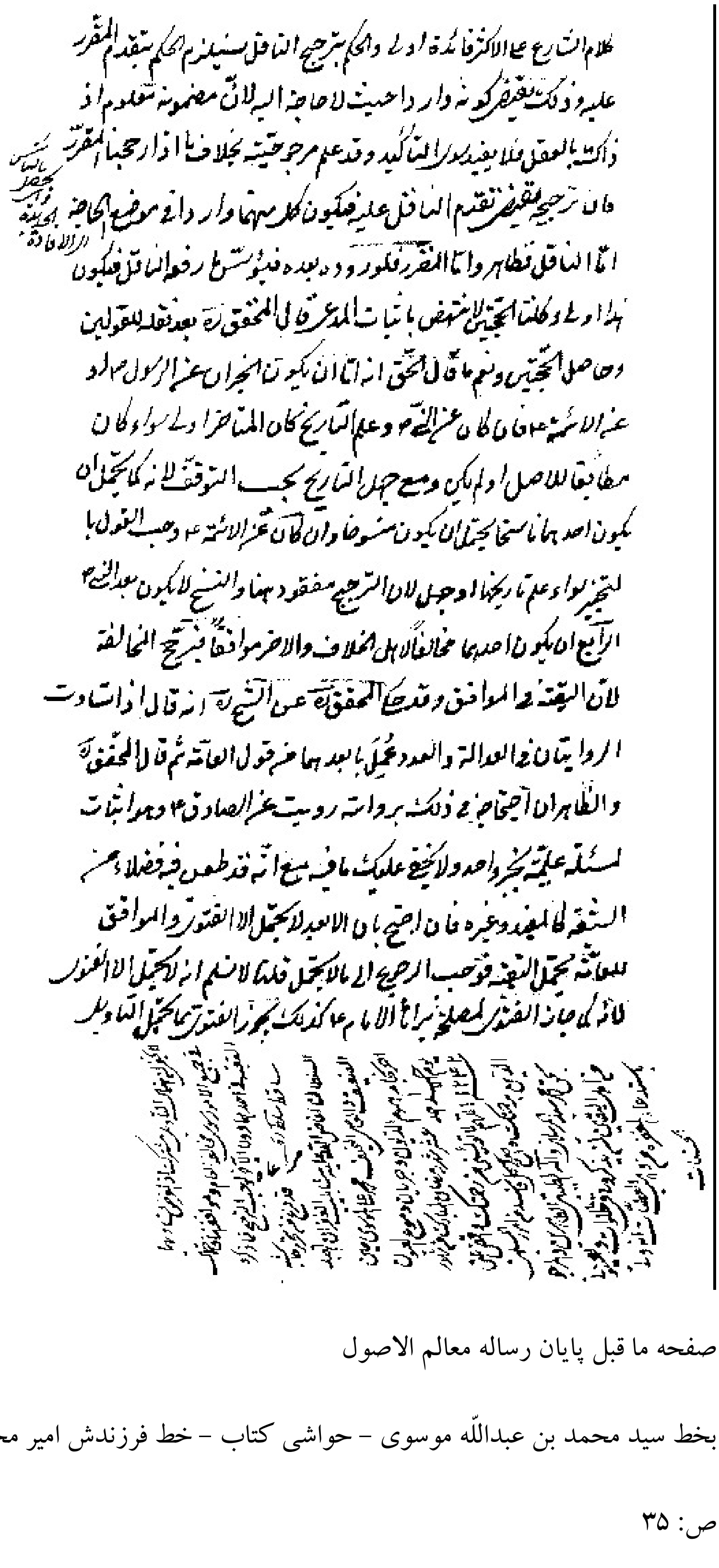
عزیزش امیر محمد علی آتی الذکر وصیت و سفارش کرده بود که مطلقاً به مازندران نرود و سهم خود از میراث جد اعم از کتاب ها و اموال و املاک و... را طلب نکند، ...اهالی محلّ پیرامون او(سید محمد) گرد آمدند و مسجدی در کنار مزار قطبیه برای او بنا نهادند و مسجد قطبیه نامیدند در همین ایام و بنا به اظهار و تمایل یکی از اعیان و اشراف محل، سید محمد دختر او را به همسری برمی گزیند و بعد از گذشت یکسال خداوند تبارک و تعالی، فرزند صالح ذکوری باو عطا می فرماید که امیر محمد علی نامیده می شود پدر او را در کنار و ذیل توجه خود گرفت، در تعلیم و تربیت و پرورش او به جان کوشید و دروسی از صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و غیره را خود به او آموخت.

ص: ۳۳



سر آغاز نسخه رساله معالم الاصول دست نوشته سید محمد بن عبداللّه الموسوی شاهاندشتی

تصویر


كلام الشارع على الاكثر فائدة اولى والحكم بترجيح الناقل يستلزم الحكم بتقدم المقرر
عليه وذلك يقتضي كونه واردا حيث لا حاجة اليه لان مضمونه معلوم اذ
ذاك بالعقل فلا يفيد سوى التأكيد وقد علم مرجوحيته بخلاف ما اذا رجحنا المقرر
فان ترجيحه يقتضي تقدم الناقل عليه فيكون كل منهما واردا في موضع الحاجة
اما الناقل فظاهر واما المقرر فلوروده بعده فيؤسس رفع الناقل فيكون
هذا اولى وكلتا الحجتين لا تنهض باثبات المدعى قال المحقق ره بعد نقله للقولين
وحاصل الحجتين وهم ما قال الحق انا ان كان الخبران عن الرسول صلى الله
عن الائمة ع فان كان عن النبي ص وعلم التاريخ كان المتأخر اولى سواء كان
مطابقا للاصل او لم يكن ومع جهل التاريخ يجب التوقف لانه كما يحتمل ان
يكون احدهما ناسخا يحتمل ان يكون منسوخا وان كان عن الائمة ع وجب العمل با
لتخيير سواء علم تاريخهما او جهل لان الترجيح مفقود هنا والنسخ لا يكون بعد النبي ص
الرابع ان يكون احدهما مخالفا لاهل الخلاف والاخر موافقا فيرجح المخالفة
لان الرشد في المخالف وقد حكى المحقق ره عن الشيخ ره انه قال اذا تساوت
الروايتان في العدالة والعدد عمل بابعدهما من قول العامة ثم قال المحقق ره
والظاهر ان احتجاجه في ذلك برواية رويت عن الصادق ع وهو اثبات
لمسئلة علمية بخبر واحد ولا يخفى عليك ما فيه مع انه قد طعن فيه فضلاء من
الشيعة كالمفيد وغيره فان احتج بان الابعد لا يحتمل الا الفتوى والموافق
للعامة يحتمل التقية فوجب الرجوع الى ما لا يحتمل قلنا لا نسلم انه لا يحتمل الا الفتوى
لانه كما جاز الفتوى لمصلحة يراها الامام ع كذلك يجوز الفتوى بما يحتمل التاويل

صفحه ما قبل پایان رساله معالم الاصول

بخط سید محمد بن عبدالله موسوی – حواشی کتاب – خط فرزندش امیر محمد علی است.

ص: ۳۵

تصویر



مراعاة المصلحة يعلمها الامام ع وان كنا لا نعلمها فان قال ذلك يسد باب العمل
بالحديث قلنا انما يصير الى ذلك على تقدير التعارض وحصول مانع يمنع
من العمل لا مطلقا فلم يلزم سد باب العمل بها كلامه وهو ضعيف اما اولا
فلان رد الاستدلال بالخبر بانه اثبات لمسئلة علمية بخبر واحد ليس بجيد
اذ لا مانع من اثبات مثله بالخبر المعتبر من الاحاد نعم هذا الخبر الذي اشار اليه
لم يثبت صحته فلم ينهض حجة واما ثانيا فلان الاقتضاء بما يحتمل التاويل
وان كان محتملا الا ان احتمال التقية على ما هو المعلوم من احوال الائمة عليهم السلام
اقرب واظهر وذلك كاف في الترجيح فكلام الشيخ عندي هو الحق
تم بالخير تحقيقات العالم الرباني الموفق بالتاييدات السبحاني الحمد لله
اولا واخرا باطنا وظاهرا وصلوته على نبيه واله وسلم عدد علمه وزنة
عرشه ومداد كلماته كتبت هذه الرسالة الموسوم بمعالم الاصول بيد فقير
عبد الله محمد بن عبد الله الموسوي اللاريجاني [illegible] في ليلة الخميس من
ثاني شهر صفر المظفر في ۱۲۲۷ هزار رحمت [illegible]
عليه وعلى [illegible] الف تحية في غاية الاستعجال ملتمسا لاخواني [illegible]
ان لا تستعونی فی کثرت مثل هذا الکتاب بهذا الخط وارجو من الطلاب [illegible]
[illegible] ان يصحح ويطلب المغفرة من الله تعالى لكاتبه رحم الله من عمل بذلك
المعالم [illegible] کرما باز ماند که هستی را نمیبینم بقائی
الخط باقی والعمر فانی والعبد عاصی والله غافر افسوس در دندان [illegible]
قل هو الذي انشاكم وجعل لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما تشكرون

انجام رساله معالم الاصول

بخط سید محمد بن عبداللّه الموسوی اللاریجانی الشاهاندشتی مورخ به سال ۱۲۲۷ هجری قمری

ص: ۳۶

در سال ۱۲۳۴ هجری قمری، برای امیر محمـد علی که اکنون پانزده ساله بود، همسـری اختیار کرد و به او وصـیت و سـفارش کرد در تحصـیل علم بکوشد و فرزندان آورد و خاندان کلان بنیاد گذارد و البته به مازندران نرود.

سرانجام مرحوم سید محمد بن عبداللّه الموسوی پس از سالها تحصیل و تحقیق و تدریس و تهذیب نفس و ریاضت و طاعت و عبادت بساحت قدس منتقل می شود، تاریخ ارتحال را فرزندش امیر محمد علی چنین ثبت کرده است: «... فانتقل الی ریاض القدس للیلتین بقیتا من شعبان سنه ثمان و اربعین و مأتین بعد الالف ۱۲۴۸».

امیر محمـد علی که نزد والـدش مقـدمات دروس علمی را – آنچنـانکه در بیوت علماء مرسوم است – بطور نهادینه آموخته بود، از سـطح عبور کرده مشغول به تکمیل مراحل عالی دروس می گردد. اصول را نزد مرحوم سـید محمد شهشهانی(۱) و مرحوم حاج محمدابراهیم کرباسی(۲) و معقول را نزد مولی محراب(۳) وفقه و رجال

---

۱ – ۱. سید محمد شهشهانی: متوفی پنج شنبه عید اضحی ماه ذی الحجه ۱۲۸۷ه .ق. که مصادف است با سال های مجاعه و قحطی در اصفهان، از اکـابر فقها و علمای بزرگ و از تلامـذه حاج محمـد ابراهیم کرباسـی و سـید محمـد کربلایی بن سـید علی صاحب ریاض و... . پس از طی مراحل تحصـیل، خود بر مسـند تدریس و فتوی تکیه زد و در حوزه درس او بزرگان علماء و فضـلاء حضور داشـتند. از جمله صاحب روضات که خود به تلمّذ در حوزه تدریس امیر سـید محمد تصـریح و می فرماید: احدی را ندیدم که همانند او به علم و تعلیم اشـتغال داشـته باشد و از هـدر رفتن حتی لحظه ای از عمر گرامی اجتناب کنـد. از جمله تألیفات و آثار بسـیار امیر سـید محمد است: انوار الریاض، العروه الوثقی، الغایه القصوی، جنت المـأوی و... رسـاله فارسـی عملیه او جامع السّـعاده نام دارد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: – روضات الجنات ص ۱۲۷ چاپ سنگی اصـفهان جمادی الاولی ۱۳۰۶ه .ق. – مکارم الآثار جلـد هشـتم ص ۲۸۴۱ – ۲۸۳۶ چاپ اول ۱۳۸۱ با افادات و حواشـی اسـتاد دانشمند علامه حضـرت آیه اللّه آقای حاج سـید محمد علی روضاتی. در بخش حواشی، سرآغاز و پایان نسخه جامع السعاده به خط مصنّف گراور شده است و حکایت از وجود نسـخه اصل در کتابخانه معظم له دارد. تاریخ اصفهان – مجلّد ابنیه و عمارات – فصل تکایا و مقابر – دفتر سوم ص ۲۳۶ به بعد – چاپ اول ۱۳۸۱ مؤسسه نشر هما

۲ – ۱۱. حاج محمد ابراهیم کرباسی متولد ۱۱۸۰ه .ق. متوفی ۱۲۶۱ه .ق. از اعاظم علمای شیعه و ازهد زهّاد زمانه است که پس از فوت پدرش یعنی از ۱۰ سـالگی تحت تربیت و نظر و انفـاس متبرک اسـتاد عالمان و فقیهان و عارفان آقا محمـد بیـدآبادی تعلیم دیـده و پرورش یافته و به دلالت او(به محض رسـیدن به سن بلوغ شرعی) برای عمل به فریضه واجب و تکمیل مراحل خداشناسی و توحید به زیارت خانه خدا نائل شده است. صاحب روضات اعلی اللّه مقامه در توصیف قدر و منزلت او چنین مرقوم فرموده است: «... هو فی الحقیقه مصدر العلوم و الحکم و الآثار و مرکز دائره الفضـلاءالنبلاء الاحبار و قطب الشریعه الذی علیه منها المدار فی هذه الاعصار و رکن الشیعه و شیخها الجلیل المنزله و المقدار ...» از تألیفـات او است: اشـارات الاصول – تحقیقات اصولیه – الایقاظات در علم اصول و... . برای اطلاع بیشتر ر.ک: – روضات الجنات ص ۱۰ و ۱۱ چاپ اول سـنگی اصـفهان جمادی الاولی ۱۳۰۶ه .ق. – مکـارم الآثار جلـد پنجم ص ۱۶۴۳ به بعد در حاشـیه ص ۱۶۴۶ محشی معظم نامه حجهالاسلام شفتی در وصف علو مقام و بزرگداشت حاجی کرباسی خطاب به بزرگان کشور را درج فرموده اند.

۳ – ۱۲. ملا محراب گیلانی: متوفی عصـر روز یکشنبه چهاردهم جماد الاولی ۱۲۱۷ه .ق. که محـل دفن او حالیه در تکیه صاحب روضات قرار گرفته است. از عارفـان زاهـد و عالمـان پرهیزگـار که نـامش در عـداد شاگردان آقامحمـد بیـدآبادی رقم رفته و علاوه بر آن صاحب روضات قـدس سـره ذیل ترجمه اسـمعیل بن... علاء الدین محمد المازندرانی معروف به خاجوئی(به علت سـکونت در محله خواجوی اصـفهان) با ذکر نام: «المولی محراب الحکیم العارف المشـهور» او را از جمله شاگردان ملا اسـمعیل خاجوئی محسوب فرموده است. مرحوم اسـتاد جلال الـدین همـائی می نویسـد: «ملاـ محراب از اعـاظم فلاسـفه الهی و عالمان زهـد پیشه صوفی مسلـک جزو اقطاب سلسله ذهبیه است که جانشـین شـیخ طریقتش سـید قطب الدین محمّد نیریزی شیرازی(متوفی ۱۱۷۲ه .ق.) بود... . از جمله خواص تلامیـذ و تربیت یافتگـان علمی و طریقتی وی ملا

کرمعلی است فرزند فتحعلی بن محمد قاسم جد مرحوم سرتیپ عبدالرزاق خان مهند بغایری ابن ملاحسن ابن ملا کرمعلی که مدتی دراز نزد ملا محراب تعلیم و تربیت یافته به شرف دامادی و جانشینی طریقت وی نیز مفتخر شده بود و سلسله ذهبیّه علی المنقول بدو ختم شده است».

ر.ك: - روضات الجنّات ص ۳۱ چاپ سنگی ۱۳۰۶ه .ق. اصفهان - مکارم الآثار جلد سوم چاپ مؤسسه نشر نفایس مخطوطات اصفهان ۱۳۵۱ ص ۶۲۲ - ۳ - تاریخ اصفهان، مجلد ابنیه و عمارات، فصل تکایا و مقابر، چاپ اول ۱۳۸۱ تهران، مؤسسه نشر هما صفحات ۳۷۳ - ۳۶۹

را نزد مرحوم حاج سید محمدباقر شفتی(۱) اعلی اللّه مقامهم تلمذ می کند تا آنجا که

۱- ۱۳. حاج سید محمد باقر بن السید محمد نقی الهاشمی الشفتی الاصفهانی البیدابادی المنشأ والموطن و المدفن(حجهالاسلام شفتی) متوفی عصر روز یکشنبه دوم ربیع الاول سال ۱۲۶۰ه .ق. از شاگردان سید مهدی بحر العلوم و سید محسن کاظمی و میرزا ابوالقاسم قمی رحمهاللّه علیهم اجمعین که خود از بزرگترین علمای عصر و نافذ الکلام و جلیل القدر و دارای ریاست دینی تامّه و مطلقه بوده است از جمله تألیفات اوست: مطالع الأنوار، تحفه الأبرار، اجوبه المسائل و... . صاحب روضات اعلی اللّه مقامه قصیده ای در رثاء حجهالاسلام شفتی سروده و شرح حال مبسوط معظم له را در کتاب خود آورده است. ر.ك: - روضات الجنات صفحات ۱۲۴ - ۶چاپ سنگی اصفهان جمادی الاولی ۱۳۰۶

از طرف مرحوم سید روایهً و درایهً مجاز می شود.

پس از فراغ از دوران تحصیل، امیرمحمد علی به تصنیف و تألیف و ترجمه مشغول می شود از جمله پس از تصنیف کتاب مبانی الاحکام در طهارت و نماز و حج، کتاب اکمال الدین شیخ صدوق(۱) رحمه اللّه را به فارسی ترجمه کرد و محدث نوری(۲)

به این ترجمه اشاره کرده است همچنین جلد عاشر بحار را ترجمه می کند به این ترجمه هم در فهرست جلد اول بحار طبع حاج محمدحسن امین الضرب، تصریح شده است.

امیرمحمد علی سپس ترجمه ثامن بحار «فی الفتن و المحن الوارده علی سیّده نساء العالمین سلام الله علیها » را وجهه همت خود قرار می دهد و بدون در اختیار داشتن کتب و اسباب لازم، در مدت سه سال موفق به انجام دادن این امر خطیر می گردد و فصاحت و بلاغت آن مورد تحسین و اعجاب علماء قرار گرفته است.

بعد از اتمام ترجمه این کتاب، شوق زبارت اعتاب مقدسه چنان بر جان و روانش مستولی شده بود که دیگر قدرت درنگ نداشت و بدان سوی روان شد. در این هنگام شصت و سه سال از عمر

او می گذشت و دارای هشت اولاد پسر بود. چهار نفر از آنها از همسر اول که پدر برای او تزویج کرده بود و چهار پسر از دیگر همسران او بودند و شش دختر نیز داشته است.

---

۱ - ۱۴. اکمال الدین شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام النعمه در غیبت امام علیه السلام از جمله تألیفات رئیس المحدثین ابوجعفر الثانی محمدبن ابی الحسن علی بن حسین بن بابوبه القمی مشهور به شیخ صدوق. درگذشته ۳۸۱ه .ق. ر.ك: - همان، صفحه ۵۵۶ - ۹ - ریحانهالادب صفحه ۴۳۴ به بعد، جلد سوم، چاپ دوم، تبریز چاپخانه شفق

۲ - ۱۵. محدث نوری: حاجی میرزا حسین نوری فرزند میرزا محمد تقی درگذشت ۱۳۲۰ه .ق. مؤلف مکارم الآثار «تألیفات عجیبیه مفیده» آن جناب را احصاء کرده و شرح حال مفصل او را نگاشته است. ر.ك: - مکارم الآثار جلد پنجم صفحات ۱۴۶۱ - ۷۱ مؤسسه نشر نفایس مخطوطات، اصفهان، ۱۳۵۵ه .ش. از طرف مرحوم سید روایهً و درایهً مجاز می شود. *- ر. ك حاشیه ص ۲۲

تصویر


تم الحمد لله على ما من على بتحريره حتى تحرير العلم
في يوم الاحد تاسع شهر جمادى الثاني

صفحه پایان جلد یازدهم بحارالانوار به خط امیر محمد علی بن سید محمد بن عبداللّه الموسوی

به تاریخ یکشنبه نهم جمادی الثانیه سال ۱۲۶۱ هجری قمری

چهارفرزند پسر که از همسر اول داشت همه از علماء و صلحاء بودند. بزرگترین آنها:

۱ - «... السید السندالجلیل العالم الفاضل النبیل جامع المعقول والمنقول و حاوی الفروع و الاصول المسمی بالسید حسن»* او را شرحی است بر نهج البلاغه با توضیح لغات و تراکیب خطبه ها.

سید حسن بن میر محمد علی موسوی در سال ۱۲۹۷ هجری قمری وفات کرده و در تکیه میرفندرسکی واقع در تخت فولاد دفن شده است. هنگام مرگ پنج پسر و سه دختر داشته است که همگی آنها پیرامون مرقد پدرشان در همان تکیه مدفون شده اند.

۲ - «... العالم الفاضل الکامل سید الفقهاء و الاصولیین السید حسین ...»* (۱)که در عتبات عالیات مجاور و در صحن مطهر مرقد حضرت عباس سلام اللّه علیه مدرس فقه و اصول بوده است.

۳ - سید عبداللّه آتی الذکر

۴ - سید محمد که در نجف اشرف تحصیل کرده و به درجه رفیع اجتهاد رسیده و مجاز از صاحب فصول(ره)(۲) بوده است.

سید عبداللّه

الحاج سید عبداللّه مذکور در ردیف ۳ «... کان عالماً فقیهاً محدثاً متکلماً زاهداً متهجدا ...» که وصی پدرش امیر محمد علی و از تلامذه مرحوم میر سید حسن

۱- *- ر. ک حاشیه ص ۲۲

۲- ۱۷. صاحب الفصول: شیخ محمد حسین بن عبد الرحیم برادر شیخ محمدتقی صاحب هدایه المسترشدین از اعاظم علما و اکابر دانشمندان امامیه متوفی حدود سال های ۱۲۶۱ در کربلای معلّی، کتاب فصول او را متعاقباً معرفی خواهیم کرد. ر.ک: - ریحانهالادب جلد سوم، ص ۳۸۰، چاپ دوم، چاپخانه شفق تبریز

مدرس(۱) و حاج شیخ محمدباقر(۲) بن شیخ محمد تقی(۳) و آقا میرزا سید محمد هاشم موسوی چهارسوئی(خوانساری) بوده است.

حاج سید عبدالله پدر مرحوم معین الاسلام صاحب عنوان است و او نیز مانند پدر و جدش در اواخر عمر در معیت فرزندش معین الاسلام به عتبات روانه شد و هم در آنجا در ۲۹ شعبان المعظم ۱۳۲۰ه .ق. به دار باقی شتافت.

مراسم تغسیل و تکفین او به دست فرزندش معین الاسلام انجام گرفت که مشروح آن در رساله ثبت شده است.

ص: ۴۲

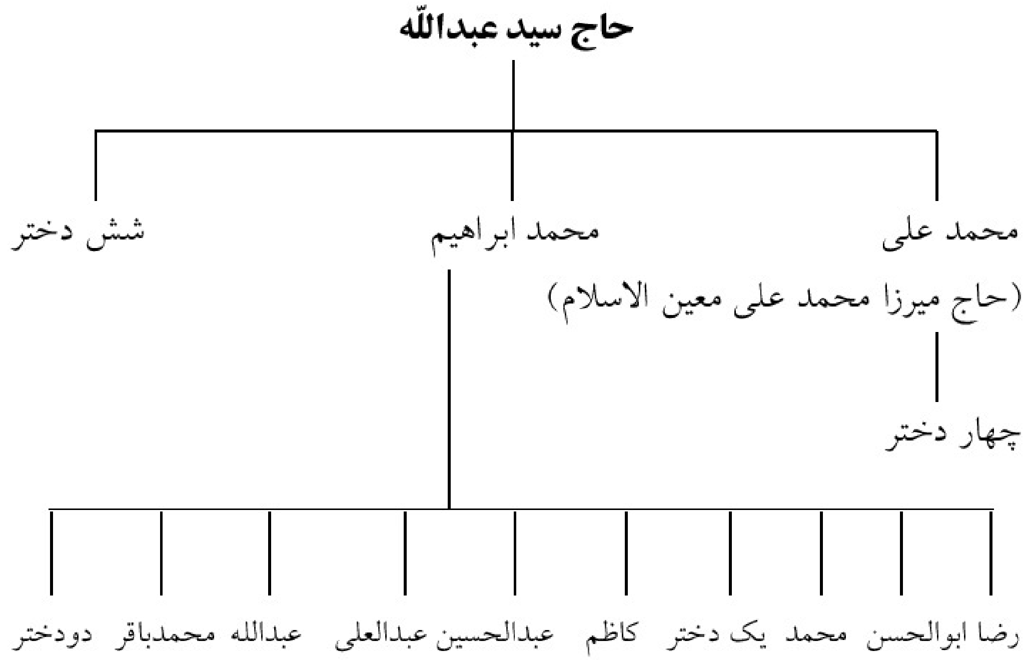
---

۱ - ۱۸. میر سید حسن مدرس: متوفی سوم جمادی الثانی ۱۲۷۳ه .ق. مدفون در مقبره اختصاصی واقع در دالان مسجد رحیم خان، محله نو اصفهان، از بزرگان علماء و مدرّسین اصفهان بلکه مدرّس مطلق در فقه و اصول که استاد گروهی از اعیان و فحول علماء از جمله صاحب روضات، برادرش آقا میرزا سید محمد هاشم، میرزا محمد حسن شیرازی و... بوده است. ر.ک: - روضات الجنات صفحات ۱۲۷ و ۱۸۲ چاپ سنگی اصفهان جمادی الاولی ۱۳۰۶ - زندگانی آیهالله چهارسوقی صفحات ۲۰۶ - ۷ چاپ اول اصفهان

۲- ۱۹. حاج شیخ محمد باقر بن شیخ محمد تقی(صاحب حاشیه هدایه المسترشدین) بن عبدالرحیم و نوه دختری شیخ جعفر کاشف الغطاء از اعاظم و اعیان علمای وقت که در اواخر عمر خود به نجف اشرف رفت و در ماه صفر ۱۳۰۱ه .ق. در این شهر وفات یافت. او از مبرزین شاگردان صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری و دائی خود شیخ حسن کاشف الغطاء بود. ر.ک: - ریحانهالادب ص ۳۰۴، جلد سوم، چاپ دوم، چاپخانه شفق تبریز

۳- ۲۰. شیخ محمد تقی بن عبد الرحیم از شاگردان مبرز شیخ جعفر بن خضرالنجفی کاشف الغطاء و مجاز از جانب او و داماد معظم له بوده است. او که از حوزه درس دیگر مدرسین عالی مقام همچون امیرسید محسن بن سید حسن کاظمی الاصولی و امیرسید علی بن سید محمد علی حائری طباطبائی نیز بهره ها برده است. پس از فراغت از تحصیل به اصفهان آمد و مقیم این شهر شد. و در مسجد جامع عباسی به تدریس اصول فقه پرداخت که صاحب روضات هم از جمله تلامذه او بوده است. از جمله مصنفات مشهور اوست کتاب هدایهالمسترشدین که شرح معالم اصول الدین است و دیگر کتاب کبیر در فقه استدلالی، و کتابی در پاسخ سؤال ها به فارسی و... . روز جمعه پانزدهم شوال ۱۲۴۸ه .ق. وفات یافته است. ر.ک: - روضات الجنات صفحه ۱۳۱ چاپ سنگی اصفهان جمادی الاولی ۱۳۰۶ه .ق.

تصویر



حاج سید عبدالله دو پسر و شش دختر و جمعاً هشت اولاد داشته که ارشد فرزندان ذکور او مرحوم معین الاسلام و دومین فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد ابراهیم(۱) بوده است.

آقا میرزا محمد ابراهیم آل رسول شمس آبادی ابتدا مجلله ای از بیت عفت و نجابت از اهالی شاه رضا را تزویج نمود که از این مخدره خداوند چهار فرزند صالح سه پسر

۱- ۲۱. میرزا محمد ابراهیم شمس آبادی: مرحوم آقای مهدوی می نویسد: «مرحوم آقا میرزا محمد ابراهیم شمس آبادی عالم فاضل غیور و در امور دینی بخصوص ساعی و کوشا و در امر به معروف و نهی از منکر جدّی و متعصب و از علماء متنفذ و محبوب القلوب عند الخاص و العام... نزد علمای این شهر(اصفهان) همچون مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی، جهانگیرخان قشقایی، آخوند ملامحمد باقر فشارکی، آقا میرزا محمد هاشم چارسوئی و... تحصیل کرد تا به مقامات عالیه رسید ...». انتهی. نگارنده گوید: مرحوم آقامیرزا محمد ابراهیم برادر کهتر معین الاسلام بود و مرحوم مهدوی را در ثبت تاریخ تولد ایشان مسامحه ای رخ داده است معظم له قدس سره متولّد حدود سال ۱۲۹۴ه .ق. است و در حدود شصت و سه سالگی به رحمت ایزدی پیوسته است. ر.ک: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر / جلد سوم / ص ۱۹۴ - ۱۹۴ / چاپ خیام / قم / ۱۳۶۷ش.

و یک دختر باو عطا فرمود:

۱ - «العالم الصالح الکامل الاقامیرزا سید رضا»(۱)

۲ - «سید الفقهاء و المجتهدین صاحب التقوی والورع و العداله و الفتوی و الاجازه من مشاهیر علماء النجف الاشرف، الطائف لبیت اللّه الحاج میرزا ابوالحسن دام توفیقاته امام مسجد ابیه و المسجد الذی بنی لجماعته فی شارع ...»*(۲).

۳ - «سید العلماء العاملین و الفقهاء الراشدین الحاج آقا سید محمد»*(۳)

فقیه مذکور در ردیف ۲ یعنی آیهاللّه شهید آقا حاج میرزاسید ابوالحسن شمس آبادی را عموم مردم اصفهان بلکه ایران، متصف به صفات شجاعت، رشادت و غیور در دفاع از دین جدش پیامبر صلی الله علیه و آله خدا بخوبی می شناختند و اینک با معرفت به حال پدر و جد و مخصوصاً جد اعلایش مرحوم سید محمد بن عبداللّه، منشأ این همه غیرت و شجاعت در دفاع از عقائد حقه مذهب شیعه جعفری اثنی عشری را درمی یابند. او سلاله پاک و ذریه زهرا علیهاسلام، مجتهدی عالی مقام، فقیهی متقی و مدرسی بزرگوار بود که به پیروی از اجداد بزرگوارش مردانه به پا خاست و در مقابله با منحرفین با قامتی افراخته و صدای رسا بر فراز منابر و در صدر مجالس به بیان حقایق پرداخت و با دلائل عقلی و نقلی، انحرافات این گروه را مدلل و اذهان خاص و عام را به نور حقیقت منور ساخت. منحرفین چون در عرصات این احتجاجات از پاسخ عاجز ماندند، ناجوانمردانه این جوهر تقوی و ایمان را شهید کردند.

مرحوم معین الاسلام را با این برادرزاده عوالمی بود. تحصیلاتش را به دقت زیر نظر داشت و از این که سرانجام او را در ذروه علیا و مراتب والای علم و تقوی می دید خدای را شکر می کرد و به خود می بالید.

در آن سالها، شمس آبادی، گوهر درخشان و نقاوه طایفه بود که شیر دلانه در اعتلای

۱- ۲۲. ر. ک حاشیه ص ۲۲

۲- *- ر. ک حاشیه ص ۲۲

۳- *- ر. ک حاشیه ص ۲۲

دین حق کوشید و جان شیرین بر سر آن نهاد، «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا اللّه علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدّلوا تبدیلا».(۱)

اوامر و نواهی شرعی را خود بنفسه مواظبت می کرد و سپس در جامعه ترویج می نمود. در صله رحم و رعایت حقوق ارحام نیز چنین بود. به مناسبت های مختلف ارحام خود را ضیافت می کرد و همه اینها خالصاً لوجه اللّه بود.

مؤلف کتاب گنجینه دانشمندان در ترجمه شهید شمس آبادی می نویسد: «سید العلماء العاملین و سندالفقهاء و المجتهدین العالم العامل الربانی آیهاللّه آقای حاج سید ابوالحسن بن العلامه آیهاللّه المرحوم میرزا محمد ابراهیم موسوی شمس آبادی مازندرانی از علماء طراز اول معاصر اصفهان و... عالمی ناطق و فقیهی جامع و در ولایت اهل بیت عصمت علیهم السلام دانشمندی خالص و کامل می باشد».(۲)

مؤلف محترم پس از برشمردن درجات و مقامات علمی و فقهی شهید شمس آبادی، بر خلوص و کمال آن شهید مظلوم در ولایت اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً تأکید کرده است که این حسن

توجه حکایت از دقت نظر و موشکافی نویسنده این کتاب گرانقدر دارد. این ترجمه سالیانی چند قبل از شهادت آن مظلوم نوشته و چاپ شده است.

رحمت خداوند بر او باد که گفتار و کردارش یادآور اقوال و اعمال صالحان و ابرار بود.

ص: ۴۵

۱- ۲۳. الأحزاب ۳۳، آیه ۲۳»

۲- ۲۴. گنجیه دانشمندان تألیف مرحوم آقای حاج شیخ محمد شریف رازی، جلد سوم، صفحه ۹۷، چاپ تهران ۱۳۵۲ کتابفروشی اسلامیّه»

بخش دوم : مروری بر احوال و تحصیلات

اشاره

همانطور که در صـدر مقال آوردیم، حاج میرزا سـید محمـد علی مازنـدرانی در سال ۱۲۹۰ هجری قمری در شـهر اصـفهان پا به عرصه خاك نهاد. در هشت سالگی ما در خود را از دست داد و در ایام نوجوانی ناگزیر و در جسـتجوی فضائی آرام، از خانه پدر رخت به مدرسه کشـید و این ایام را که شخصـیت معنوی انسانها شـکل و قوام می گیرد، در سـرزمین نورانی تعلیم و تعلم بسـر برد. او اندیشـید حال که دامان مادر را از دست داده و از لقـای پـدر مهجور است، چنـگ فراسوی حبـل المتین ایمـان و علم برد و بـدان آویزد و از چشـمه سـار فیـاض فضائـل و مکارم مدرسان عالی مقدار که در هر سـطح و درجه به سـهم خود مروج فضیلت ها و مدرس روشنایی ها و رهاننده بشر از ظلمات نادانی بودند، بهره ها برد و از همین رهگذر است که علقه آموختن و آموزش، خوی ثانوی او شد و تا آخر عمر از آموختن و آموزش نیاسود.

در آن زمـان، حوزه علمیه اصـفهان، به وجود اساتیـدی بی بـدیل مزین بود که هر یک از آنها، دررشـته تخصصـی خود منحصـر به فرد و عمق دانش و دقت نظر آنهـا حقیقتـاً حیرت انگیز بود. تقـارن دوران تحصـیل معین الاسـلام با این ایام را بایـد از الطاف الهی و اقبال بلنـد او دانست. چنـان که محضـر بسـیاری از این اساتیـد نخبه را درک کرد و تلمـذ، معاشـرت و مخـالطت بـا آنهـا از او شخصـیتی جـالب توجه و دارای ابعـاد گوناگون ساخت که در عرصه های متفاوت اجتماع مردی کارآمد، مدیر و مدبر بود. اقتدار و توانمندیهای اجتماعی او علی رغم این که بعدها در محاق فراموشی فرو رفت، در آن برهه از روزگاران که به مشاغل اجتماعی مشغول بود، بروز و نمودی کامل داشت. به سر مطلب باز رویم.

ص: ۴۶

اساتید

معین الاسلام پس از فراگیری دروس اولیه، علوم حوزوی را به طور منظم و طبق برنامه های معمول حوزه، از اساتید بزرگ و مسلّم زمان فراگرفت و ما ترجیح می دهیم که اساتید او را آن چنانکه خود نوشته است از رساله او نقل کنیم:

«... فاشتغلت بالتحصیل... عند اساتیدی العظام قدس اللّه اسرارهم من الصرف و النحو عندالحاجی محمد جواد الآدینه(۱) و المنطق و المعانی و البیان و الحکمه عند الانسان الکامل المشهور،

المسمی بالملا محمد الکاشی(۲) الساکن فی مدرسه الصدر و استفضت من حضرته مالو عملت به مع عدم قابلیتی کل مانحتاج به فی الدنیا و الآخره رفع اللّه درجته و نوراللّه مضجعه و قرأت القوانین و الشرائع و اللمعه عند سیدالافاضل و جامع الفضایل الذی لم نجد مثله فی هذه الازمنه مولانا الحاج میرزا بدیع الدرب امامی(۳) المشهور قدّس اللّه روحه الشریف والفقه عند شیخ

---

۱ – ۲۵. استاد جلال الدین همایی قدس سره می نویسد: «استاد دیگرم در معقول حاج ملا عبدالجواد آدینه ای است. از اساتید معقول و ریاضیات(متوفی ۱۳۳۹ه .ق.) که در محاورات او را «حاجی ملا جواد» می گفتند. وی در تدریس سلیقه ای بسیار خوب و مستحسن داشت. مطالب را بسیار منقح و خالی از حشو زواید بیان می فرمود. متون معقول و منقول مثل شرح منظومه و شرح کبیر و قوانین و احیاناً شرح نفیسی و هیأت و نجوم را تدریس می کرد. خطی پخته و شیرین نیز می نوشت و بیشتر کتب درسی خود را با همان خط خوش تحشیه کرده بود. من بخشی از شرح منظومه و شرح کبیر فقه و یک دوره کامل از فن نجوم و معرفه التقویم را از روی متن کتاب خاتون آبادی نزد آن بزرگوار تحصیل کردم محل تدریس و امامت جماعت او مسجد ذوالفقار بود. کتاب خاتون آبادی را هم در ماه رمضان بعد از نماز ظهر و عصر در همان مسجد برای ما تدریس می کرد. ر.ک: – تاریخ اصفهان، مجلد هنر و هنرمندان، ص ۲۸، زندگینامه استاد جلال الدین همایی – تهران ۱۳۷۵ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲– ۲۶. آخوند ملا محمد کاشی: مدرس بزرگ معقول و منقول ساکن مدرسه جدّه کوچک سپس مدرسه صدر که در تدریس فلسفه و علوم عقلی از نوادر روزگار بوده است وفاتش ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۳۳ مدفن تکیه ملک واقع در اراضی لسان الارض.

۳– ۲۷. حاج میرزا بدیع: فقیهی بزرگوار و زاهدی از سلاله حیدر کرار، عمری به مناعت و قناعت و تعلیم و تدریس و افادت و افاضت گذراند و طلاب از محضرش کسب علوم شرعیّه نموده و با اقبال بزرگان به حضرت او و عسرت معیشت هیچگاه هدیه آنها نپذیرفتی و جز به درس و نماز جماعت جائی نرفتی رحلتش ۱۳۱۸» صفحه ۱۰۰ تاریخ نصف جهان و همه جهان، اصفهان، چاپ سنگی، میرزا حسن جابری انصاری حاج میرزا حبیب اللّه نیّر ماده تاریخ فوتش را سرود: فیا نیّر اکتب لتاریخ فوته بفردوس خلد رواح البدیع نیز ر.ک: – تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان چاپ دوم ثقفی ۱۳۴۸ شمسی

الفقهاء فی عصره الشیخ محمد باقر الفشارکی(۱) رحمهاللّه علیه و الاصول عندالشیخ العالم الزاهد النذیر الشیخ مرتضی الریزی(۲) رفع اللّه درجته و السید العالم الجامع الموحد المدرس فی المسجد الجدید المسمی بالسید محمد باقر درچه(۳) علیه رضوان اللّه و عند سیدالعلماء و المحققین الآقا میر محمد تقی(۴) ابن

---

۱ – ۲۸. آخوند ملامحمد باقر فشارکی متوفی شب یکشنبه بیست و هشتم ماه رجب ۱۳۱۴ قمری مدفون در بقعه تکیه آقا حسین خوانساری. به عنوان «صاحب عنوان الکلام» و «مؤلف آداب الشریعه» مابین علمای متأخر مشهور است از جمله فقها و مراجع فتوی و قضاوت شرعیه بود... و حوزه درس مفیدی در فقه و اصول داشت که فضلای طلاب آن را می پسندیدند و او را از جهت حسن تقریر و سلیقه تنقیح مطالب بر اکثر حوزه های معاصرش ترجیح می دادند. در منبر و وعظ مهارتی بسزا داشت چندان که عالم و عامی مجذوب بیانات او می شدند... . اطلاع مبسوط را ر.ک: – تاریخ اصفهان، مجلد ابنیه و عمارات، فصل تکایا و مقابر، صفحه ۱۶۷، تألیف استاد علامه جلال الدین همایی چاپ اول ۱۳۸۱ مؤسسه نشر هما

۲ – ۲۹. شیخ مرتضی ریزی بزرگواری صاحب علم و عمل و در فضایل نفسانیه به نحو اتم و اکمل منبر آن جناب نعمتی بزرگ بود مر اصفهانیان را چنانچه لیالی جمعه غالباً چهل هزار نفر در مصلی و بیابان تخت فولاد پای منبرش متهجّد و متعبّد بودند... ۱۳۲۹(ه .ق.) به رحمت الهی واصل گردید ...». تاریخ نصف جهان و همه جهان، صفحه ۱۱۸، چاپ سنگی اصفهان

۳ – ۳۰. سید محمد باقر(درچه ای) متوفی ۱۳۴۲ه .ق. فرزند سید مرتضی از نژاد میر لوحی اصفهان ... از اجلّه اعیان علمای اصفهان و در فن اصول سرآمد اقران خود بود و چندین سال در اصفهان در این علم محققانه تدریس می نمود... حاجی میرزا حسن خان انصاری مادّه تاریخ فوت را گفت: جابری پیر غم و با قد خم از این الم خواست تاریخی رقم اشکش گذشت از آستین از صف علم الیقین آمد یکی بیرون و گفت باقر از علم الیقین شد جانب حق الیقین ...زندگانی آیه اللّه چارسوقی ص ۱۵۷ – ۹ چاپ اول اصفهان مرحوم استاد همایی می نویسد: «آن بزرگ در علم و ورع و تقوی آیتی بود عظیم و به حقیقت جانشین پیغمبر اکرم و ائمه معصومین سلام اللّه علیهم اجمعین بود. در سادگی و صفای روح و بی اعتنائی به امور دنیوی گوئی فرشته ای بود که از عرش به فرش فرود آمده و برای تربیت خلایق با ایشان همنشین شده است. مکّرر دیدم که سهم امامهای کلان برای او آوردند و دیناری نپذیرفت با اینکه می دانستم که بیش از چهار پنج شاهی پول سیاه نداشت. وقتی سبب می پرسیدم می فرمود من فعلاً ـ بحمداللّه مقروض نیستم و خرجی فردای خود را هم دارم و معلوم نیست که فردا و پس فردا چه پیش بیاید، و ما تدری نفس ماذا تکسب غداً». تاریخ اصفهان مجلد هنر و هنرمندان ص ۲۵ زندگینامه همایی چاپ اول ۱۳۷۵ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴ – ۳۱. دانشمند و عالم بزرگوار بلندمرتبه آقا میرمحمد تقی فرزند استاد الاساتید میر سید حسن مدرس ابتدا در محضر اساتید اصفهان به تحصیل پرداخت سپس به عتبات عالیات رفت و در نجف در حوزه درس میرزای شیرازی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و... حضور یافت و فقیهی جامع و مبرز شد آنگاه به اصفهان بازگشت و تا پایان عمر(ربیع الثانی ۱۳۳۳ه .ق.) به امامت جماعت و تدریس اشتغال داشت. ر.ک: – زندگانی آیهاللّه چهار سوقی، ص ۲۰۶ – ۹، چاپ اول اصفهان – تذکره القبور یا بزرگان و دانشمندان اصفهان – سیّد مصلح الدین مهدوی – اصفهان کتابفروشی ثقفی، ص ۲۱۰، چاپ دوم ۱۳۴۸

السید المعظم استاد العلماء الاقا میر سید حسن المدرس قده و کذلک عندحضرت آیه اللّه العظمی الاقا میرزا سید محمد هاشم الخوانسازی نوراللّه مضجعه الشریف ...»(1).

در اینجا و قبل از ادامه مطلب ضروری است میزان ارادت و جایگاه و منزلت مرحوم معین الاسلام در پیشگاه آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمد هاشم موسوی چهارسوئی(خوانساری(2)) را بررسی کنیم: یقیناً بمصداق فرموده: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» مناسبت هر شاگرد با استادش فراتر از مناسبات و رسوم معموله فیمابین مردم در جامعه است و بین این دو عوالم پدر و فرزندی حاکم می شود(3) که البته بنا به معرفت شاگرد درجات آن متفاوت است.

در مورد معین الاسلام این مناسبات بسیار رفیع و والا بود. او در حالیکه مشغول اندوختن علم در محضر اساتید مختلف بود، به حلقه درس آقا نیز وارد شد و با شوقی فراوان و خلوص نیت به فراگیری درس و خدمت استاد پرداخت تا آنجا که

۱- ۳۲. ر. ک حاشیه ص ۲۲

۲- ۳۳. در صفحات این فصل هر جا لفظ آقا بطور مطلق آورده ایم مقصود این مرجع عظیم الشان است.

۳- ۳۴. الآباء ثلثه : ابٌ ولّدک و ابٌ علّمک و ابٌ زوّجک

اخص خواص تلامـذه آن حضـرت گردید. او نه تنها تلمیذی از انبوه تلامذه این اسـتاد الاساتید بود بلکه عمری را پروانه وار حول محور و دور شمع وجود اسـتاد چرخیـد. او نه تنهـا تلمیـذ او و فرزنـد روحـانی او بلکه امین این مرجع عظیم الشـأن زمـان بود و چنانکه ذیلاً خواهیم دیـد، تا آخرین دم حیات دنیوی استاد، در خدمت او بود و مراسم پس از انتقال را هم حسب الوصیه مباشرت کرد.

مراتب تعلق خـاطر این شـاگرد به ساحت اسـتادش وصف ناشـدنی است. معین الاسـلام در آن سالها محضـر دانشـمندان بزرگ متعـددی را در اصـفهان درک کرده بود که هر یـک در غـایت قصوای مقامـات علمی و معنوی بودنـد معـذلک مراتب علمی و علو قـدر اسـتادش را بـا چنین عبارات بیان می کنـد: «... الذی لم یر بمثله عیون الابصار و لم یوجد کوجوده فی الاعصار... و هو رحمه اللّه تعالی من اعلم علماء عصـره و افقه فقهاء زمانه ...».(۱)

مرحوم معین الاسـلام علاوه بر تلمـذ خـدمت اسـتاد، عهـده دار انجـام امور مختلف اجتماعی آقا نیز بود. از جمله رسـیدگی به امور مراجعین و وصول و ایصال استفتائات و امانات و انتظام امور در بخانه، اخذ و ارسال و ایفاد پیام ها و رسائل به مقامات مختلف، توزیع شهریه بین طلاب... و بسیاری

وظائف دیگر که در اصـطلاح دوران ما تقریباً برابر بلکه فراتر از رئیس دفتر است. یکی از مهمترین وظائف او مباشـرت در انتشار آثار علمی و امور فرهنگی بود از آن جمله چاپ کتب و رسائل مانند چاپ رساله عملیه و مبانی الاصول و... .

ص: ۵۰

۱- ۳۵. مفتاح الکنوز فی حلّ مشکلات الرموز - الکتاب الاول» ص ۴، چاپ ۱۳۷۵ه .ق.

تصویر


در احکام صوم میت

مسئله - مقصود از آن چیزی که [illegible] باشد چنانچه قول شیخ مفید بعدم جواز اعتماد بمظنه در رای [illegible]
در این مقام از جهت خلاف قاعده و اجماع است. در بعضی از صورتهای مسئله و هرگاه در صورت
ارتکاب مفطر قبل از حصول علم بطلوع صبح [illegible] شود که از زمانی که مفطر را بجا آورده صبح بوده هرگاه
تفحص از صبح نکرده و مفطر را بجا آورده بوده باید قضاء آن روز را بگیرد لکن کفاره ندارد
و باید آن روز را امساک نماید و اگر تفحص کرده بوده قضاء هم ندارد [illegible]
هذا آخر ما اوردناه في هذه الرسالة الموسومة باحكام الايمان و
والحمد لله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً وقد فرغ من تسويدها
اقل خلق الله ابن المرحوم [illegible] ميرزا محمد علي ابو القاسم
الاصفهاني في الجمعة الرابعة الثالث من العشر الثاني
من شهر شعبان المعظم في سنة ستة عشر
وثلاثمائة بعد الالف من الهجرة
النبوية على هاجرها الف
تحية وقد بالغ في اتمامها
وترتيبها وتصحيحها
غاية المبالغة
مع بذل
الجهد
واستفراغ الوسع المولى الجليل [illegible] الالمعي
الآقا ميرزا محمد علي الاصفهاني المازندراني وفقه الله فيما
يحب ويرضى وجعل مستقبله خيراً من ماضيه
آمين رب العالمين

صفحه پایان کتاب احکام الایمان

رساله عملیه آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمد هاشم موسوی چهارسوئی (خوانساری)

ص: ۵۱

در سال ۱۳۱۶ هجری قمری که چاپ رساله احکام الایمان آیهاللّه العظمی آقا میرزا سید محمدهاشم موسوی چهارسوئی(خوانساری) را به اتمام رسانید، آقا او را با چنین عبارت و تعبیرات یاد و تقدیر فرموده و در حق او دعا کرده است:

«... و قد بالغ فی اتمامها و ترتیبها و مقابلتها غایه المبالغه مع بذل الجهد و استفراغ الوسع المولی الجلیل الفاضل النبیل اللبیب بلاعدیل اللوز عی الالمعی الاقا میرزا محمدعلی الاصفهانی المازندرانی و فّقه اللّه فیما یحب و یرضی و جعل مستقبل حاله خیراً مما مضی آمین رب العالمین».(۱)

این خدمات و اشتغالات استمرار داشته است چنانکه در خاتمه کتاب گرانقدر «مبانی الاصول» از تلمیذ وفادار فداکار خود با چنین تعبیرات یاد فرموده:

«... لایخفی انه قد بذل جهده فی طبع ذاک الکتاب المشتمل علی کتب عدیده تلمیذنا الرشید السدید السعید الفاضل الکامل المؤید المسدد الاقا میرزا محمد علی الموسوی المازندرانی الاصل

الاصفهانی المسکن و سعی فی مقابلتها و تصحیحها غایه السعی و ألتمس من العلماء و الطلاب المنتفعین بها الدعاء فی مظان الاستجابه ...».(۲)

مقام علمی صاحب عنوان

القاب و تعبیرات مسطور در خاتمه رساله احکام الایمان و کتاب مبانی الاصول حاکی از شأن و مقام علمی و تقوای مرحوم معین الاسلام است. زیرا اطلاق اینگونه القاب از طرف علماء به افراد، با وسواس و دقت کم نظیری صورت می گیرد علی الخصوص آنکه القاب صادره از اعلم علماء عصر وافقه فقهاء زمان باشد زیرا

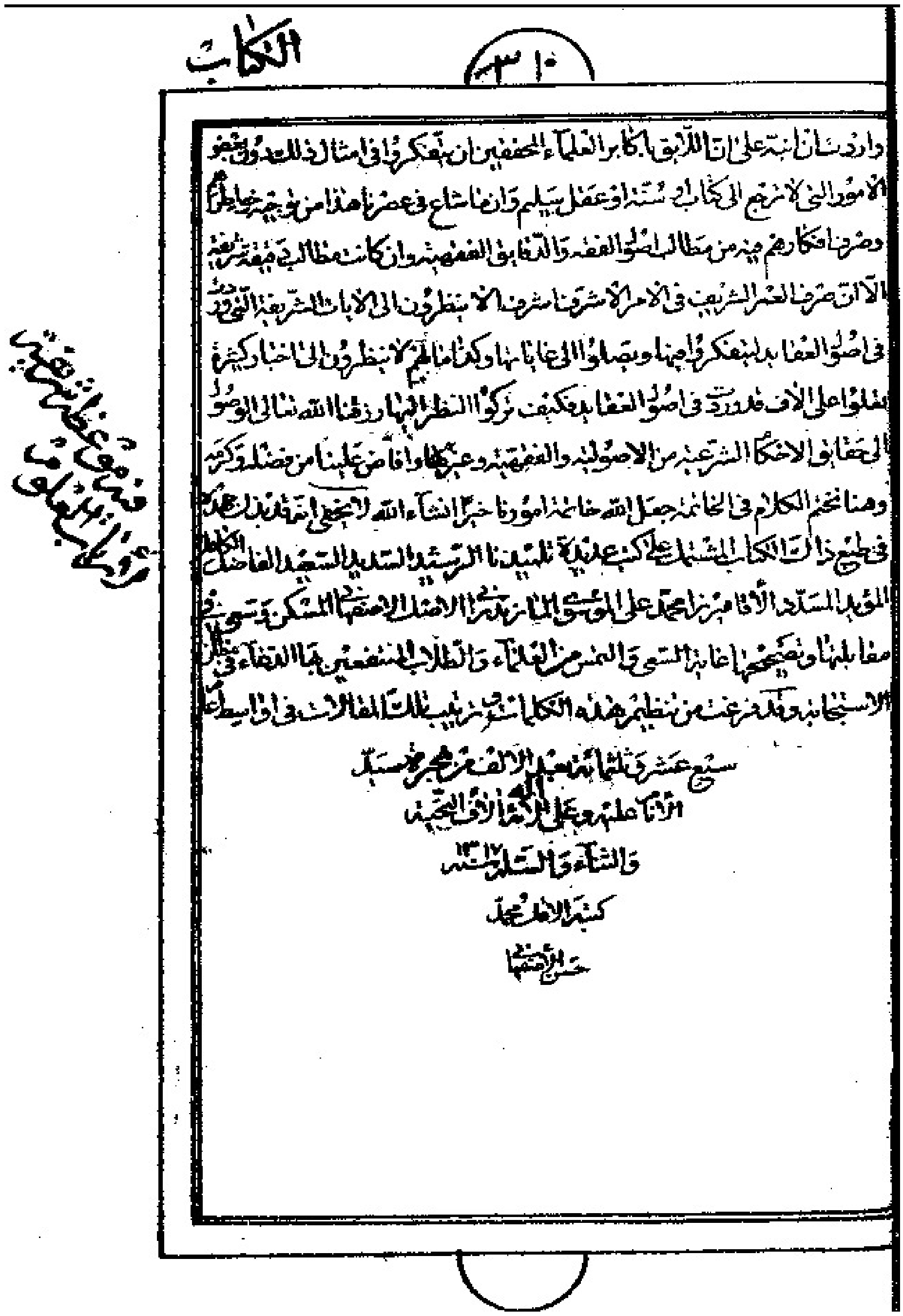
۱- ۳۶. احکام الایمان چاپ سنگی در سنه سته عشر و ثلثمائه بعد الالف)۱۳۱۶ه .ق.) رساله عملیه آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمد هاشم خوانساری قدس سره الشریف.

۲- ۳۷. مبانی الاصول، ص ۳۱۰، چاپ سنگی، اصفهان سنه ۱۳۱۷ هجری قمری.

هر کلمه آن خود میزان و نصاب مقامات و مدارج و مبیّن دقیق پایه و مایه علم و تقوا و ورع مخاطب است.

معین الاسلام سالهای متمادی ملازم درس و مراقب خدمت استاد بود و متقابلاً استاد نیز او را گرامی و بسیار عزیز می داشت. خود او پایه و قدر و منزلت و جایگاهش در محضر استاد را چنین نگاشته است: «... و کان قدس اللّه روحه الشریف شفیقاً لی غایه الشفقه و صدیقاً لی غایه المرافقه حیث رجحنی من بین اصحابه».(1)

۱- ۳۸. ر. ک حاشیه ص ۲۲



الكتاب

١٠٣

واردت ان انبه على ان اللائق باكابر العلماء المحققين ان يتفكروا في امثال ذلك العدو ونحوه
الامور التي لا ترجع الى كتاب وسنة او عقل سليم وان ما شاع في عصرنا هذا من توجه خواطر
وصرف افكارهم فيه من مطالب اصول الفقه والدقائق الفقهية وان كانت مطالب مهمة شرعية
الا ان صرف العمر الشريف في الامر الاهم اشرف الا ينظرون الى الآيات الشريفة التي وردت
في اصول الفقه بل يتفكروا فيها ويصلوا الى غاياتها وكذا ما لهم لا ينظرون الى اخبار كثيرة
نقلوا على الالف تقريباً في اصول الفقه بل كيف تركوا النظر اليها رزقنا الله تعالى الوصول
الى حقائق الاحكام الشرعية من الاصولية والفقهية وغيرها وافاض علينا من فضله وكرمه
وهنا نختم الكلام في الخاتمة جعل الله خاتمة امورنا خيراً ان شاء الله لا يخفى انه قد بذل جهده
في طبع ذلك الكتاب المشتمل على كتب عديدة تلميذنا الرشيد السديد السعيد الفاضل الكامل
المؤيد المسدد الآقا ميرزا احمد علي الموسوي المازندراني الاصل الاصفهاني المسكن وسعى في
مقابلتها وتصحيحها غاية السعي والتمس من العلماء والطلاب المستفيدين بها الدعاء في
الاستجابة وقد فرغت من تنظيم هذه الكلمات وترتيب المقالات في اواسط

سنة عشر وثلثمائة بعد الالف من هجرة سيد
الانام عليه وعلى آله الائمة الاف التحية
والثناء والسلام ١٣١٧
كتبه الاقل محمد
حسن الاصفهاني

صفحه پایان کتاب مبانی الاصول

از مصنّفات آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمد هاشم موسوی چهارسوئی (خوانساری)

دو روایت از نگارنده

نگارنـده این اوراق در زمـان نوجوانی بارهـا مطالب مهمی راجع به حـدت هوش وجودت ذهن و حافظه عجیب و تسـلط غریب جـدم آقا میرزا سید محمدهاشم را از پدربزرگم مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سید محمد حسن بن علامه زاهد آقا میرزا سید احمد بن(۱) آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمد باقر صاحب روضات الجنّات شـنیده ام. علامه آقا میرزا سـیداحمد داماد عموی بزرگوارش آقا میرزا سـید محمد هاشم بود، لذا پدر بزرگ نگارنـده را سـبط الحجتین خطـاب می کردنـد و او که در حجر تربیت و لقـای این دو نـابغه نشو و نمـا کرده بود خاطرات و یادبودهای فراوان از احوال شخصی و علمی و رسوم زندگی و مناسبات اجتماعی و تدریس و افتاء و... از آنها به یاد داشت و نقل می کرد.

در آن روزهـا و در عـوالم نوجـوانی، من شـیفته این روایـات و اقـوال بـودم. هنگـامی که پـدربزرگم در شب نشـینی هـای زمسـتان که معمـولاً عموزادگان جمع بودند، این خاطرات را با اعجاب و تکریم فراوان بیان می فرمود، کالنقش فی الحجر در ذهن نگارنده این سطور، صورت می بست. دو مورد آن را پس از گذشت نزدیک به پنجاه سال نقل به مضمون می کنم:

۱ – می فرمود که پدربزرگم آقا میرزا سـید محمد هاشم فرمودند: «من و میرزای شـیرازی(۲) هر دو در محضـر استاد الاساتید آقا میرسید حسن مدرس، درس

---

۱ – ۳۹. علامه زاهـد عابد آیهاللّه آقا میرزا سـید احمد متوفی ۱۳۴۱ه .ق. مدفون در نجف اشـرف در بقعه عمو و پدر همسـرش آقامیرزا محمد هاشم چهارسویی. او سومین فرزند گرامی صاحب روضات الجنّات است که نزد علماء بزرگ تحصـیل علم کرد و از مرحوم والد معظم خود و مرحوم حـاج سیّد اسـماعیل صـدر و آقـا نجفی مجـاز گردیـد. بسـیار متقی و پرهیزگـار بود لـذا ترک عنـاوین ظـاهری و ریـاست دنیوی نمود رحمهاللّه علیه.

۲– ۴۰. میرزای شیرازی: فتوای معروف او در قضیه تنباکو و رژی که(الیوم استعمال دخانیات بایّ وجه کان در حکم محاربه با امام زمان است) مـا را از هرگونه معرفی بیشتر بی نیـاز می دارد. شب چهارشـنبه بیست و چهارم شـعبان المعظم سال هزار و سـیصد و دوازده هجری قمری روح ملکوتی اش به ملأ اعلی پیوست و پیکر پاکش در نجف اشـرف به خاک سپرده شد. برای اطلاع مشـروح ر.ک: – قرارداد رژی ۱۸۹۰م. تألیف شیخ حسن کربلایی، انتشارات مبارزان، تهران، ۱۳۶۱ش. – مکارم الآثار، جلد سوم، صفحات ۸۹۰ – ۸۸۳، چاپ اول ۱۳۵۱، اصفهان، چاپخانه نشاط، با همکاری مؤسسه نشر نفایس مخطوطات.

می خواندیم. مرحوم مدرس مقارن اذان صبح در منزل را باز می کرد و بلافاصله بعد از اداء فریضه صبحگاهی، به درس مشغول می شد. مرسوم من هم این بود که به طوری حرکت کنم که قبل از اذان صبح به منزل مرحوم مدرّس که مَدرَس او نیز بود برسم.

شبی از شبهای زمستان یکی از سالها برف بسیاری بارید تا حدی که زانو در برف قرار می گرفت و من متحیر بودم در انتهای این شب ظلمانی و بسیار سرد، آیا به طرف خانه استاد حرکت کنم؟ آیا شدت برودت و سرما، امکان برگزاری جلسه درس را می دهد؟ به هر حال برتردید غلبه و به سوی خانه استاد حرکت کردم. در تمام طول راه جنبنده ای غیر از من در مسیر نبود فقط گله هائی از سگهای ولگرد از دور حالت حمله به خود می گرفتند و با سر و صدای زیاد رعب و وحشت ایجاد می کردند. به هر ترتیب بود با پای یخ زده و جامه برفین به حوالی خانه استاد رسیدم. منزل مرحوم مدرس در محله... (نشانی پدربزرگم حوالی مسجد رحیم خان فعلی بود) قرار داشت. مدخل خانه در انتهای دالان دراز و تاریکی بود و به ندرت از روشنائی اندک پیه سوزی، پرتوی از نور بر گوشه هائی ازین دالان دراز می تابید. به هر ترتیب در حالی که از آن پیه سوز هم خبری نبود و چشم جائی را نمی دید، با قدم های کوتاه و قرار دادن دست به دیوار طرفین، خود را به انتهای دالان و در خانه رساندم. در آن تاریکی مطلق، پای من به جسمی

برخورد و بعد صدای میرزای شیرازی را شنیدم که به من صَباحَ الخیر می گفت!! او چند لحظه زودتر از من به آنجا رسیده بود.

ص: ۵۶

انـدک زمانی بعـد، اسـتاد طبق دأب و مرسوم خود، در خانه را باز کرد. هنگامی که چشم او به ما دو نفر افتاد، فرح و شادی زایـد الوصـفی در چهره اسـتاد پدیدار شد که در گفتار نمی گنجد. پس از اداء فریضه صبح، استاد به درس مشغول شد. در آن روز از خیل شاگردان، فقط ما دو نفر بودیم و استاد که از مشاهده این همه اشتیاق

و تمنـای علم از طرف دو شاگرد ممتازش به وجـد آمـده بود، در آن روز ابوابی از علم را بر ما گشود، که برکات آن هنوز که سالهای سال از آن روز می گذرد، دست گیر و راهنمای من برای حل مشکلات علمی است.

۲ - در یکی از سـفرهای آقا میرزا سـید محمـد هاشم به عتبات عالیات، مرحوم میرزا - میرزا محمـد حسن شـیرازی - که از ورود آقا مطلع می شود، در پایان جلسه درس با جمعی از شاگردان خود به دیـدن آقا می آیـد. این دو مرجع عظیم الشأن که از پی سالها مفارقت اکنون به دیدار هم نائل شـده بودند از همه رسوم معمول زمان، تنها به اداء سـلام و تحیّه و مصافحه اکتفا می کنند و پس از چند لحظه تعارف برای جلوس در صدر مجلس، بالاخره هر کدام در یک زاویه بالای اتاق قرار می گیرند و بلافاصـله آقا میرزا سـید محمد هاشم روی به جانب میرزای شـیرازی کرده سؤال می کننـد که: اوقـات آقـا امروز مصـروف به چه مسئله ای بود؟ میرزا در پاسـخ می گویـد در فلان مورد بحث می کردیم و به این نتیجه رسیدیم. آقا میرزا سید محمد هاشم می فرمایند نه چنین است و گویا اوقات آقا امروز تضییع شده باشد و چنین و اینها.(۱) طلاب میرزا به طرفـداری اسـتاد خود با صـدای بلنـد اعتراض می کننـد که با نهیب میرزا ساکت می شوند و آقا میرزا سـید محمد هاشـم(۲) می فرماینـد: علینا بالفصول.

۱- ۴۱. بند گردان کلام ایشان با لهجه مخصوص خودشان، دائماً چنین و اینها بوده است.
۲- ۴۲. این نـابغه عظیم الشـان که از اجله شـاگردان شـیخ انصـاری(ره) نیز بوده است علیرغم تمایـل و اصـرار شـیخ به توقف ایشـان در نجف، تکلیف خود را به معاودت به اصفهان می بیند و با حضور خود، این حوزه عظیم علمی را مزین می سازد.

فصول(۱) را می آورند و آقا از صفحه قبل از موضوع بحث را از حفظ می خوانند تا به موضوع بحث رسیده و مُحقّ بودن ایشان اثبات می شود و میرزا شیرازی تکریم کنان تصدیق می کند.

۱- **۴۳.** مقصود کتاب «الفصول الغرویه فی الاصول الفقهیه مشهور و معروف به فصول» تألیف گرانقدر و بسیار معتبر شیخ محمد حسین بن عبد الرحیم(سابق الذکر) است.

کلام در ذکر اسامی اساتید صاحب عنوان بود که به نام نامی و ذکر سامی آقا میرزا سیّد محمد هاشم موسوی چهارسوئی(خوانساری) رضوان اللّه تعالی علیه رسیدیم. در اینجا معین الاسلام در اقلّ کلمات و اقصر عبارات(یک صفحه و نیم = ۲۶ سطر) مطلب مهمی از آخرین سفر آقا به عتبات عالیات با نیّت ادامه سفر و زیارت بیت اللّه الحرام و نیز آخرین لحظات عمر پر بار پر

برکتش اعلی اللّه مقامه را نگاشته بلکه به زیبائی هر چه تمامتر تصویر کرده است که به راستی هر ایرانی مسلمان باید بارها و بارها آن را بخواند. مرحوم معین الاسلام می نویسد:

«در حالی که درک محضر استاد می کردیم و درس اصول استاد به مبحث تعادل و تراجیح رسیده بود سید استاد اعظم اراده فرمود که از طریق نجف به زیارت بیت اللّه الحرام بروند. به من دستور دادند که در خدمت او باشم و برای من مقدور نبود که بر خلاف اراده او سخنی گویم زیرا من نزد او مانند یکی از فرزندانش بودم و هیچ کس دیگری نزد او چنین مقامی نداشت، پس به من امر کرد که به تهیه زاد راه بپردازم و نیز موجبات حمل کتب اخبار که او حجیّه اصول را از آنها استدراک می کرد فراهم سازم.

در نهم ماه مبارک رمضان در حالی که بیمار بود به نجف اشرف وارد شدیم و بیماری او شدت گرفت تا روز هفدهم رمضان المبارک که با حضور بزرگان علماء و فرزانگان(که به دیدن او آمده بودند) از جمله مدرس خراسانی(۱)

(آخوند ملامحمد

۱- ۴. معالم، مقصود مقدمه اصولیه کتاب «معالم الدین و ملاذ المجتهدین» تألیف ابومنصور حسن بن زین الدین شهید ثانی است که فقط این مقدمه اصولیه و بعضی از فصول باب طهارت آن تألیف شد و با وفات مؤلف کتاب ناتمام ماند. این مقدمه بعداً از کتب رایج درسی و بین علماء به معالم الاصول معروف می شود. که حواشی متعددی بر آن نوشته اند از جمله حاشیه فرزند مؤلف شیخ محمدبن حسن بن زین الدین و حاشیه ملا محمد صالح مازندرانی و حاشیه سلطان العلماء و... . بنابر ضبط روضات، صاحب معالم اول محرم الحرام سنه یک هزار و یازده ۱۰۱۱ در قریه جبع از قراء جبل عامل وفات یافته است. برای اطلاعات مشروح و مفصل ر.ک: - روضات الجنات چاپ اول سنگی ۱۳۰۶ه .ق. صفحات ۱۸۰ - ۱۷۸ - فهرست کتب خطی اصفهان جلد اول آ - ز چاپ اول ۱۳۸۴ مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیهالسلام که استاد علامه محقق حضرت آیه اللّه آقای حاج سید محمد علی روضاتی دام ظلّه نسخ خطی چندین حاشیه از حواشی معالم الاصول را در این اثر ارزنده معرفی فرموده اند. - ریحانهالادب جلد سوم چاپ دوم چاپخانه شفق تبریز صفحات ۳۹۱ - ۴

کاظم خراسانی) محدث نوری - السید السند صدر اصفهانی(۱) و شریعت اصفهانی(۲) به من وصیت کرد که به دست خود او را غسل دهم و تجهیز کنم و دفن نمایم. آنگاه عذر خواست از زحمات و خدمات ۱۷ ساله ام که در مصاحبتش بودم و از امانتی که در حفظ آبرو و مال او و راندن بدخواهانش بدون چشم داشت نفقه و به قدر وسع و طاقتم انجام دادم و در چاپ کتابها و آثارش کوشیدم و جمیع آنها را در این محضر بر زبان راند و به من دستور داد به جهت چاپ کتاب اصول آل الرسول کلیه کتب محموله او را نگاهداری و در اختیار گیرم و در این مورد شدیداً اصرار کرد، قبول نکردم زیرا در خود آن وسع و طاقت را نمی دیدم سپس دستور داد که اجازات او و خاتم(مهر) شریفش را نگاهداری کنم، قبول کردم و در حضور خودش و جمیع علمائی که مذکور شد، خاتم(مهر) را شکستم... .

در این هنگام به حالت احتضار درآمد و فرمود: مولی محمدتقی مجلسی(۳) در کتاب

ص: ۶۰

۱- ۴۵. حاج سیّد اسمعیل صدر از علماء و فقهاء بزرگ شیعه در عصر خود و فرزند مرحوم آقای حاج سید صدرالدّین است. او بعداز وفات میرزای شیرازی، مرجع تقلید شیعه شد و هجدهم جمادی الاول سال ۱۳۳۸ وفات کرد. ر.ک: - مکارم الآثار، جلد پنجم، ص ۱۵۶۵، چاپ نشاط اصفهان، ۱۳۹۵ه .ق.

۲- ۴۶. شریعت اصفهانی از علماء و بزرگان فقها، از شاگردان مدرسین عالی مقام اصفهان و دیگر علمای اعلام در عتبات عالیات بوده و خود از مراجع عظام و بزرگ شیعه گردید. در هشتم ماه ربیع الاول سال ۱۳۳۹ به رحمت ایزدی پیوست. ر. ک: - همان ص ۱۸۱۶-۱۹

۳- ۴۷. مولی محمدتقی مجلسی: فرزند مقصود علی «کان افضل اهل عصره فی فهم الحدیث و احرصهم علی احیائه ...» پدر بزرگوار علامه محمدباقر مجلسی صاحب بحار الانوار است. مولی محمد تقی مجلسی در سال ۱۰۷۰ه .ق. به سرای جاودان رحلت کرد و از خود فرزندان(پسر و دختر) متّقی و دانشمند به یادگار گذاشت. ماده تاریخ فوتش: «افسر شرع اوفتاد و بی سر و پا گشت فضل» ر ۲۰۰ + ع ۷۰ + ض ۱۰۷۰ = ۸۰۰« برای شرح مبسوط ر.ک: - روضات الجنّات، ص ۱۲۹، چاپ سنگی اصفهان، جمادی الاولی ۱۳۰۶

خود نوشته، بهترین کارها در شب قدر گفتگوی علمی است و من می گویم بهترین کارها در حین احتضار گفتگوی علمی است.

«و انا اقول افضل الاعمال حین الاحتضار مذاکره العلم» سپس با جمیع علماء حاضر که به عیادت او آمده بودند شروع به مباحثه کرد «فشرع مع العلماء الحاضرین عنده لعیادته بالمباحثه، فمات رَحِمَهُ اللّه فی تلک الحاله علیه رحمهاللّه و برکاته».

و در همین حالت از دنیا رفت. درود و رحمت خداوند بر او باد.

از زاری شیعیان و دیگر ساکنین از فریقین، نجف یکپارچه شیون شد و من برای تغسیل او در حضور علماء در غسالخانه حاضر شدم و با کفنی از بُرد یمانی از احرام حج، اهدائی یکی از تجار اصفهانی، تکفین نمودم و...

و من به اصفهان بازگشتم و به تحصیل ادامه دادم.

معین الاسلام پس از درگذشت مراد و بزرگ استادش، کماکان در زیّ طلبگی زندگی کرد، چنان که خود می گوید: «... و انّی کما کنت فی عنفوان شبابی الی الآن الذی بلغ عمری قریباً باکمال خمسه و ثمانین سنه طالباً فی کل آن و محصلاً فی تمام الازمان ...».(۱)

آن چنان مشتاق تحصیل علم بود که سالها پس از آن هم در محضر علماء عصر در سطوح مختلف تلمذ کرد تا آنجا که نام او را در عداد شاگردان آقا نجفی(۲) و حاج

۱- ۴۸. مفتاح الکنوز فی حلّ مشکلات الرموز - الکتاب الاول» تألیف حاجی سید محمد علی الموسوی اللاریجانی المازندرانی الشهاندشتی، ص ۴، چاپ ۱۳۷۵ه .ق.

۲- ۴۹. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر - جلد اول، ص ۳۶۴، ردیف ۵۹، تألیف سید مصلح الدین مهدوی، چاپ خیّام قم ۱۳۶۷

شیخ محمد علی نجفی ثقهالاسلام(۱) و حاج آقا نوراللّه(۲) علیهم الرحمه نیز ثبت و ضبط کرده اند و در تأیید همین مقوله است آنچه دانشمند محترم مرحوم آقای سید مصلح الدین مهدوی رحمهاللّه علیه ذیل ترجمه مرحوم آیه اللّه حاج شیخ مهدی نجفی، از مرحوم معین الاسلام روایت کرده است.

مرحوم مهدوی در خلال بحث پیرامون شخصیت علمی، تقوی و ورع مرحوم آقای حاج شیخ مهدی نجفی(۳) و بیان اینکه ایشان مورد اقبال و وثوق قاطبه طبقات مردم اصفهان خصوصاً خواص از اهل علم بود، در معارضه با مطلب مندرج در کتاب اعلاط در انساب(۴) و در تأیید مدعای خود و تأکید در توثیق مرحوم آقا شیخ مهدی نجفی، واقعه ذیل را که خود بنفسه از مرحوم معین الاسلام اصغاء کرده آورده است:

«... نویسنده(مرحوم مهدوی) گوید: مرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام مشهور به ناظم مازندرانی، عالمی بیدار و فاضلی هوشیار بود. تاکسی را خوب نمی آزمود به او اظهار محبت و دوستی نمی کرد. دانشمندی صریح اللهجه و زیرک بود. در سالهای آخر در ایام ماه مبارک رمضان جهت درک نماز جماعت، ظهرها به مسجد شاه می آمد. در آن موقع وسیله ایاب و ذهاب کمتر یافت می شد و آن مرحوم با کبرسن و ضعف مزاج مسافت بین منزل خود را که در کنار خیابان شیخ بهائی در یکی از کوچه های جنوبی در کنار نهر قرار داشت، تا مسجد را پیاده می آمد و برمی گشت.

آن مرحوم نسبت به نویسنده لطف مخصوصی داشت و غالباً در موقع نماز در یک

۱- ۵۰. همان، جلد سوم، ص ۱۱۴، ردیف ۱۲

۲- ۵۱. همان، جلد دوم، ص ۲۱، ردیف ۲۶

۳- ۵۲. حاج شیخ مهدی نجفی(۱۳۹۳ – ۱۲۹۸ه .ق.) فرزند مرحوم حاج شیخ محمدعلی ثقهالاسلام فرزند مرحوم حاج شیخ محمدباقر نجفی. برای آگاهی از شرح حال و تحصیلات و تألیفات ر.ك: همان، جلد سوم، ص ۱۸۸ – ۱۷۰

۴- ۵۳. اعلاط در انساب» از تألیفات مرحوم سید عبدالحجه بلاغی است.

صف و پهلوی هم قرار می گرفتیم. روزی به ایشان بر سبیل مزاح گفتم: شما که احدی را عادل نمی دانید چگونه است که نسبت به آقای حاج شیخ مهدی نجفی اظهار ارادات می کنید؟ ایشان فرمود مرا با ایشان حکایتی است. داستان را پرسیدم در جواب فرمود:

در ایام تحصیل در خدمت حاج شیخ محمد علی ثقهالاسلام، تلمذ می کردم و روزهای تاسوعا و عاشوراء عموم طلاب و محصلین علوم دینی که جمعیت آنها قریب سه هزار نفر می شد در مسجد شاه جمع می شدند و به صورت دسته های عزادار در حال نوحه خواندن از مسجد بیرون آمده و به بازار رفته و از آنجا در مسجد نو بازار حاضر شده و سینه می زدند. مرحوم آقا شیخ حسین رشتی(۱) رئیس الطلاب عنوان مرشد و من نفر دوم بودم. تمام آقایان مسجد شاه از آن جمله مرحوم حاج شیخ محمد علی(۲) در جلو جمعیت حرکت می کردند. پس از سالها بعد از

مرگ مرحوم ثقهالاسلام و چندین سال بعد از مراجعت مرحوم حاج شیخ مهدی از نجف اشرف(حدود سالهای ۱۳۲۵ به بعد)، وقتی کتاب شرح باب حادی عشر(۳) مطالعه

ص: ۶۳

---

۱ - ۵۴. آقا شیخ(محمد) حسین رشتی - مرحوم همایی می نویسد: «آشیخ حسین رشتی رئیس الطلّاب متوفی ۱۳۴۱ه .ق. که در آن وقت)۱۳۲۸ه .ق.) همه کاره طلاب و مدرسه نیم آورد بود... . تاریخ اصفهان مجلّد هنر و هنرمندان صفحه ۲۲ زندگینامه». مرحوم مهدوی ذیل ترجمه میرزا ابوالقاسم بن محمد ابراهیم رشتی می نویسد: «برادرزاده او مرحوم آقا شیخ محمدحسین رشتی معروف به رئیس الطلّاب عالم فاضل و در نزد عموم طبقات علماء و طلّاب مورد توجه و عنایت بوده و در اصفهان وفات یافته در تکیه ملك مدفون گردید». تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۴۸، ص ۸۹.

۲ - ۵۵. حاج شیخ محمدعلی نجفی ثقهالاسلام(۱۳۱۸ - ۱۲۷۱ه .ق.) فرزند حاج شیخ محمدباقر نجفی فرزند شیخ محمد تقی صاحب هدایهالمسترشدین. برای اطلاع کامل ر.ك: - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، تألیف سیّد مصلح الدین مهدوی، جلد سوم، صفحات ۱۳۲ - ۱۰۹

۳- ۵۶. شرح باب حادی عشر عنوان چند کتاب که در شرح باب حادی عشر [= باب یازدهم] ، تألیف علامه حلی، نوشته شده است. علامه کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی را، که در عبادات و ادعیه است، در ۱۰ باب خلاصه کرد، و آن را منهاج الصلاح فی مختصر المصباح نامید، و یک باب در اصول اعتقادات شیعه امامیه بر آن افزود، که به نام الباب الحادی عشر فیما یجب علی عامه المکلفین من معرفه اصول الدین موسوم گردید. این کتاب شهرت فراوان یافت، و شروحی بر آن نوشتند، که معروفترین آنها النافع یوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر تألیف فاضل مقداد است. دایرهالمعارف فارسی ، بخش اول از جلد دوم، ص ۱۴۶۳، چاپ تهران ۱۳۵۶.

می کردم موضوع معاد جسمانی و حشر اجساد و شبهاتی که در این باره از طرف حکماء و فلاسفه و مخالفین شده است، مرا به خود مشغول کرده بود. جواب هائی را که به این شبهه ها و اشکالات(شبهه آکل و مأکول) داده بودند مرا قانع نمی ساخت. در یکی از شبها که ساعت ها در این گونه افکار و اندیشه ها بودم و چندین کتاب در این موضوع مطالعه نمودم، به خواب رفتم، در عالم رویا چنین به نظرم رسید که:

روز عاشوراء می باشد و به جهت شرکت در دسته عزاداران طلاب به سمت مسجد شاه می روم. از بازار مسکرها وارد میدان شدم مشاهده کردم که جمعیت از مقابل مسجد شیخ لطف اللّه به سمت بازار می رود. به تعجیل خود را به دسته عزادار رسانیدم تا مرحوم ثقه الاسلام را در جلو جمعیت دیدم به من فرمودند:

آقا سید محمد علی جواب خودتان را(شبهه خودتان را - تردید از من است - مهدوی) از حاج شیخ مهدی بپرسید. از خواب بیدار شدم. فردا برای نماز به سمت مسجد شاه حرکت کردم و به نماز آقای حاج شیخ مهدی حاضر شدم. وقتی رسیدم که حاج شیخ مهدی در محراب نشسته بودند و مرا ندیدند.

بین الصلوتین مرحوم حاج شیخ مهدی رو به جمعیت عقب سرخود کرده و مرا به اسم صدا زدند. جلو رفتم و پس از سلام و احوال پرسی فرمودند: با شما کاری دارم فردا صبح بیائید منزل تکرار کردند فردا صبح.

صبح فردا اول وقت جهت ملاقات ایشان به منزل آن مرحوم رفتم طبق معمول منقل جلو ایشان بود و قوری چای در پهلویش و استکان و نعلبکی و قندان در جلو ایشان. خود ایشان شخصاً چای ریخته و تعارف کردند و بدون مقدمه فرمودند:

آقای آقا سید محمد علی مطلب همان است که ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند معاد همان است که آنها گفته اند دنبال حرف حکماء و فلاسفه نروید که گمراه می شوید فهمیدید چه گفتم؟

آنچه مرا و افکار مرا به خود جلب کرد اینکه:

۱ - آقای حاج شیخ مهدی از کجا می دانستند که من در صف جماعت ایشانم؟

۲ - از کجا متوجه اشکال من در موضوع معاد شده بودند؟

۳ - ظاهراً مرحوم معین الاسلام فرمودند که: آقای حاج شیخ مهدی دنباله سخن گفتند که:

شما چرا به سراغ من نمی آئید و از من احوالپرسی نمی کنید و تا شما را نفرستادند، خودتان نیامدید، در هر حال آن خواب و این بیداری مرا مرید آقای حاج شیخ مهدی کرده است».(۱)

در تأیید آنچه از مرحوم مهدوی نقل شد، نگارنده خود نیز از اجله علماء طایفه به تواتر شنیده است که مرحوم معین الاسلام در گزینش معاشرین خود باریک بین و سختگیر و حقیقتاً تمییز مدعی بی مایه از دانشمند گرانمایه برای او آسان بود، زیرا معاشرت و حشر و نشر با بزرگان حوزه علمیه اصفهان که نزد بلند پایگان آنها تلمذ هم کرده بود، او را عالمی بیدار، تیز هوش و صیرفی ساخته و پرداخته بود که از بن دندان و عمق جان طالب تعالی در منازل معرفت و افزودن و اندوختن توشه ها و سرمایه های علمی بود علی الخصوص اینکه آخرین درس بزرگ استادش آقا میرزا سید محمد هاشم موسوی چهارسوئی(خوانساری) را همیشه به یاد و آویزه جان داشت که پرداختن به مذاکره و مباحثه علمی را در لحظات احتضار افضل اعمال شمرده بود.

همین خوی و خصلت و ممارست تفکر در مباحث عقلی و اشتیاق در کشف

۱- ۵۷. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد سوم، صفحات ۱۸۴ - ۱۸۲.

مجهولات و علقه به تعلیم و تعلم است که در ادامه کار، مرحوم معین الاسـلام، بنیان گذار ماندگارترین مرکز آموزشـی در اصفهان می گردد. در این کـار نیت خالص و تلاش مخلصانه و تقوی و تـدین او باعث دوام کار بوده است و ما در فصل دوم به جزئیات تأسـیس مـدرسه خواهیم پرداخت. ان شاء اللّه.

ص: ۶۶

بخش سوم : تألیفات و تصنیفات معین الاسلام

اشاره

نور اندیشه ها و بینش ها

برق تحقیق ها پژوهش ها

پلی از نور روی موج زمان

موج لغزان سرکش گذران

بایدت زین پل زمان بگذشت

تا ببینی به رفتگان چه گذشت

رفتگان را به تن روانی نیست

شبحی، سایه ای، نشانی نیست

لیک انفاس قدسشان اینجاست

جانشان در کتابشان پیداست

الف – آثار چاپ شده

۱ – رساله ای در شرح حال نیاکان معین الاسلام در مازندران و نیز معرفی جد اعلایش سید محمد بن عبداللّه و شرح مسافرت او به اصفهان برای تحصیل علم و سفر ثانوی سید محمد که به نیّت مهاجرت بوده است و به توطن او در اصفهان انجامید. این رساله به عربی است و شرح تحصیلات خود و پدر و جد و احوال عموزادگانش را نیز در آن درج کرده است.

نام و مشخصات رساله به شرح ذیل است:

«الرساله فی سبب ارتحال جدی الاعلی السّید محمّد بن عبداللّه الشهاندشتی من مازندران الی اصفهان».

معین الاسلام – حاج سید محمد علی بن عبداللّه موسوی شمس آبادی مشهور به میرزا بابائی اصفهان ۱۳۷۵ه .ق. سربی رقعی ۱۴ ص.

فهرست کتابهای چاپی عربی تألیف خانبابا مشار شهریور ۱۳۴۴ شمسی صفحه ۴۶۲.

ص: ۶۷

۲ - کتاب «مفتاح الکنوز فی حل مشکلات الرموز». جزء اول این کتاب تحت عنوان «الکتاب الاول من کتاب مفتاح الکنوز». در پانزدهم ذی القعده سال ۱۳۷۵ هجری قمری چاپ شده و بدون نام ناشر و چاپخانه است. در سطر پایانی صفحه آخر می نویسد: «تم الجزء الاول من هذالکتاب و یتلوه الجزء الثانی فی التوحید والنبوّه انشاء اللّه». نسخه این جزء چاپ شده از کتاب را مصنف رحمهاللّه علیه حدود ۴۵ سال پیش از این به نگارنده اعطاء فرمود که این یادگار گرامی را سال ها عزیز داشتم و نگاهبانی کردم و تصویر صفحات عنوان و چهارم آن در اینجا درج می شود. علیرغم جستجوی زیاد نسخه دیگری از این جزء چاپ شده کتاب نیافتم و اگر اجزاء دیگر کتاب چاپ شده باشد نگارنده از آن بی اطلاع است.

ب – آثار مخطوط

چندین رساله استدلالی و تحقیقی در مباحث گوناگون فقه و اصول از تألیفات و تصنیفات مرحوم معین الاسلام فعلاً در دست نگارنده است. که برخی از آنها بین الدفتین مضبوط و پاره ای به صورت تحریر اول و با حک و اصلاح و تکمیل عبارات در اوراق پراکنده... و بعضاً ناتمام است.

این رسائل ماحصل سال ها تحصیل و تحقیق و تعلیم و مداومت حضور در محضر و مدرس اساتید مسلم آن زمان شهر اصفهان بوده است که البته چنانکه خود می گوید در میان آن همه فقیه و دانشمند و مجتهد و مدرس عالی مقام، مجلس درس و حوزه بحث و افادات علمی نابغه زمان، استاد الاساتید آقامیرزا سید محمد هاشم موسوی چهارسوئی(خوانساری) از لونی دیگر بوده است و شاید که بعضی از رسائل تقریرات درسی استاد به عین عبارت و یا نقل به مضمون باشد چنان که در آغاز «رساله فی مسئله اصاله البرائه» خود متذکر شده و نیز در همین رساله تیمناً و تبرکاً، احکام را به متابعت از سید استاد، تقسیم بندی کرده است.

تصویر

الکتاب الاول

من کتاب مفتاح الکنوز الذی صنفه فی تعریف

العلم و العمل العبد العاصی

حاجی سید محمد علی الموسوی الاریجانی

المازندرانی الشهاندشتی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الواحد الاحد الفرد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد مخترع العقل الفعال ومبدع النفس لتحصیل الکمال ومعلق الصور بالمواد ومؤلف النسب بین الاعداد و مکون الکائنات من الامهات له المجد و البقا ومنه الجود والعطا عظم سلطانه وبهر برهانه وعلت آیاته وجل اسمائه وصفاته والصلوة والسلام الاکملان الاتمیان علی اشرف من نهض باعبائه الرسالة وساس الامة بسیوف السیاسة وعلی المتخلین بالاخلاق المرضیة المتخلین عن الادنا س البشریه سیما المخصوص بالولایة و المنصوص بالوصایة اخ الرسول وزوج البتول وسیف الله المسلول صهره و وصیه و کاشف غمه و حامی دینه وقاضی دینه و مبلغ احکامه الذی قال له یاعلی انت منی بمنزلة هرون من موسی الا انه لانبی بعدی وعلی الائمه من ولده الهداة المهدیین صلوات الله علیهم اجمعین الی یوم الدین

وبعد فتاوی مفتیان عقول دراك وسائل مسائل فحول هوش و ادراك حمد و سپاس حضرت علیمی است که ابجد خوانان دبستان آفرینش وبینش را بتعلیم علوم دینیه و القای مسائل یقینیه و استدراك اخلاق مرضیه افتخار فضل وبینش و دانش و از افتقار جهل ونادانی رهانیده است وتحفه هزار نحو از انحای ستایش وپرستندگی که زبان متکلمین اقسام کلام ومنطق ناطقان انواع لغات از بیان معانی و بیان آن قاصر و عاجز آید صرف ونثار دربار حکیم علی الاطلاقی است که از فن

صفحه آغاز جزء اوّل از کتاب مفتاح الکنوز

تصویر

٢٠

بمراقبة والمعرفة و صفاءالنفس و عبادتالله تعالی و الاعراض عن خلائق الدنیا و الاشتغال بتزکیة النفس التی توجب محبةالله و عبادته و الاتصاف بالاوصاف الحسنة المرضیة و التوبة و الانابة کیف ولا تمر علی عبد من یوم و لیلة الا ویمکن ان تکون موته فیه ایها الاخ اسمع منی کلاماً اخر وتفکر فیه حتی تجد خلاصاً لو انک اخبرت ان بعد اسبوع یجیئک السلطان زائراً فبا لیقین انک فی تلک المدة لاتشتغل الا باصلاح ماعلمت ان نظر السلطان سیقع علیه من الثیاب و البدن و الدار و الفراش وامثال ذلک فتفکر انت لو کانالله زائراً لک لابدمن تطهیر منظرالله تعالی من اللوث و کثافات الصفات و اعلم ان منظرالله تعالی لایکون الا فی القلب کما قال النبی (ص) انالله تعالی لاینظر الی صورکم و لا الی اعمالکم ولکن ینظر الی قلوبکم و نیاتکم و الرابعه ان لاتجمع من الدنیا اکثر من کفایة سنة کما قال رسولالله (ص) اللهم اعط قوت آل محمد کلها کفافاً فی سنة و قال ذلک لمن علم ان فی قلبها ضعفاً و اما من کان صاحب یقین لایجمع الاقوت یوم او نصف یوم و اعلم ایها الاخ العزیز انی کتبت کلما کان ارجوا خلاصک وخلاصی فیها فینبغی لی ولک ان تعمل واعمل بها والتمس منک ومن اخوانی المؤمنین وکل من نظر فی تلک الوجیزه ان یذکرنی بصالح الدعا فی مطان الاستجابة و ان تطلب المغفره لی و لوالدی و نرجو من الله القبول فانه خیر مأمول وقد تمت کتاب الاول من کتاب مفتاح الکنوز ومن الله الاستعانه فی اتمامها و تصنیف باقی اجزائها انشاءالله تعالی فانه ولی الحسنات و الموفق لاعمال الصالحات اللهم وفق

٢١

لما تحب وترضی محمد و آله وقد فرغت من تصنیف تلک الارجوزه وتألیف هذه الانموزه فی اللیله الغرة من شهر رجب الاصم من سنة خمس و سبعین و ثلثمائه بعد الالف من الهجرة النبویة علی صادعها الف تحیة مرضیة و انا العبد الاثم الجانی السید محمد علی بن عبدالله بن السید محمد علی بن السید محمد بن السید عبدالله بن السید اسماعیل بن السید حسین الموسوی المازندرانی اللاریجانی الشهاندشتی المشهور بمیرزا بابائی

والحمدلله اولاو آخراً فی پانزدهم ذیقعد ١٣٧٥

ص	س	غلط	صحیح	ص	س	غلط	صحیح
٢	٤	نادانرا	نادانیرا	٦	١٠	وبعان	ربعان
«	٧	لفاف	لقات	«	١١	التحصیل	تحصیل
«	١٥	عجیب و	عجیب رموز	٧	١	حکم	حکمهم
«	١٦	وددود	وددر غرر	١١	١٢	تعقل	نفعل
«	١٧	مظهر	مطهر	١٣	٢	الی	ان
«	«	انی که	امی	«	٩	انالقبر	القرآن
«	٢٠	شخص	که شخص	«	١٥	ومال	والمال
٥	١٥	الافران	الاقران	١٥	١٩	ویحتی	ویحترز
«	١٦	مؤالسه	مؤانسة	١٦	٩	تریهم	تریهم
٦	٧	یقالانصرت	یقال لاانحصرت				

تم الجزء الاول من هذا الکتاب ویتلوه الجزء الثانی فی التوحید والنبوة انشاءالله

صفحه پایان جزء اوّل از کتاب مفتاح الکنوز

به هر حال آنچه از تألیف و تصنیف و آثار علمی مرحوم معین الاسلام که از تصاریف زمان مصون مانده و فعلاً در مقابل نظر است به شرح ذیل معرفی می شود.

۱ - مجموعه رسائل استدلالی در اصول فقه که یک جا به صورت کتابی به قطع خشتی(یا رحلی کوچک) به ابعاد ۱۸ * ۲۳ سانتیمتر تجلید شده و مجموعاً یکصد و نود و دو ورق و سیصد و هشتاد و دو صفحه است و هر صفحه دارای ۲۵ - ۲۲ سطر است.

عناوین رسائل

- رساله فی مسئله اصاله البرائه اولین رساله مبسوط این مجموعه است و در آغاز رساله پس از بسمله و تحمید گوید: ...اما بعد فهذه رساله فی مسئله اصاله البرائه علی ما استفدنا من حضره سیدنا الاستاد... .

- فی الشبهه المحصوره - فی مسئله المتباینین - الأقلّ و الأکثر - فی الاستصحاب

الکلام فیما یعرف به القاضی ختام این مجلد کتاب رساله ای با عنوان مذکور در فوق است که شش ورق آخر کتاب را به خود اختصاص داده است.

تمام شد معرفی بسیار اجمالی فهرست گونه این مجلد.

ص: ۷۱

۲ - مجموعه رسائل در اصول فقه(قواعد اصول) + جزء دوم کتاب(مفتاح الکنوز)

قطع رقعی ۱۷ * ۱۱ سانتیمتر - جلد چرمی زرشکی رنگ پانصد و ده صفحه هر صفحه ۱۹ - ۱۶ سطر.

۱ - ۲ رساله در «مسئله اجتماع الامر والنهی» رب سهّل و یسّر و لا تعسّر ا م ع

بسم اللّه الرحمن الرحیم و به ثقتی

الحمدلله الذی جمع بین المتضادات الاربعه... سپس در یکصد و هفتاد و هشت صفحه بحث مستوفی ایراد کرده و جوانب مختلف موضوعات مطروحه را استدلالاً مورد تدقیق قرار داده است. آنگاه و در بخش دوم رساله، به ادامه بحث پیرامون مطالب مذکور در بخش نخست که ذیل عناوین: المقدمات الاولی و الثانی و الثالث و الرابع بیان داشته، پرداخته و آغاز آن چنین است:

ا م ع بسم اللّه تعالی شأنه

اعلم بعد ما اطنبا الکلام فی مقدمات دلیل الانسداد و حققنا... رساله در سیصد و دو صفحه نگاشته شده و جمعاً چهارصد و هشتاد صفحه است.

۲ - ۲ «مفتاح الکنوز فی حل مشکلات الرموز» جزء دوم نسخه اصل این جزء از کتاب در این مجموعه تجلید شده و به احتمال قریب به یقین تاکنون چاپ نشده است.

مصنف رحمهاللّه علیه مطالب این جزء از کتاب را به اسرار رسالت و ولایت تخصیص داده لذا نام آن را هم به «سراج النبّوه و الولایه» تغییر و مزیّن ساخته و سفارش و تأکید در حفظ و نگاهداشت این جزء از نگاه نامحرم و غیر اهل نموده است.

آغاز کتاب پس از بسمله و تحمید: «... اما بعد فهذا الجزء الثانی من کتاب مفتاح الکنوز ...».

ص: ۷۲

۳ – شش رساله

مجموعه شش رساله به قطع رقعی ۱۱ * ۱۸ سانتیمتر – مجلد – با جلد مقوائی و عطف چرمی نود و چهار ورق و یکصد و هشتاد و شش صفحه هر صفحه دارای ۲۰ – ۱۷ سطر است.

۱ – ۳ رساله در حیض: اول آن: و به ثقتی و توکلی – بسم اللّه الرحمن الرحیم الکلام فی الحیض اعلم ان له معنین لغةً و اصطلاحا... .

۲ – ۳ رساله در حساب: ا م ع بسم اللّه الرحمن الرحیم الکلام فی الحساب و لابد قبل الشروع فیه ان تعرف موضوعه و رسمه و غایته فنقول اولاً... .

این رساله نیز از اواسط صفحه ۶ ناتمام رها شده و بعد از آن ۶ ورق کاغذ سپید مانده که طبعاً به منظور تکمیل آن بوده است.

۳ – ۳ رساله در مبادی علم هیئت: بسم اللّه تعالی شأنه بدان لابدّیم در هر علمی که گفتگو نمائیم از مبادی آن علم ثم بعد هذا لابد است ان مبادی که بدیهی باشد.

...پس می گوئیم چون که کلام در مبادی علم هیئت می باشد باید محرز شود که مبادی علم هیئت چه چیز است لایخفی از اینکه مبادی علم هیئت مأخوذ است از سه علم هندسیات و طبیعیات و الهیات... چهار صفحه از رساله مذکور را نگاشته و چهار ورق نانوشته بجا نهاده است.

۴ – ۳ رساله فی صحّه صلح حق الرجوع: چنان که خود می گوید تقریرات درس اساتید او و مبسوطترین رساله این مجموعه می باشد . شروع آن: رب سهّل و یسّر ولا تعسّر بسم اللّه الرحمن الرحیم و به ثقتی. الحمدللّه رب العالمین و صلی اللّه علی محمد و اله اجمعین... فهذه رساله معموله انشاء اللّه فی صحّه صلح حقّ الرجوع المتداول فی هذه الازمان اخذاً من بعض اعاظم علمائنا اعلی اللّه مقامهم فی الجنان

...و رتبتها علی مقدمات و ابحاث و خاتمه ... .

رساله در یکصد و بیست صفحه و هر صفحه ۲۰ سطر تحریر شده است.

ص: ۷۳

۵ – ۳ کتابت و درج رساله منسوب به ابوحامد محمد بن محمد الغزالی: که در پاسخ سؤالی در مورد انفع علوم تحریر کرده است.

۶ – ۳ : رساله در ۲۸ صفحه در موضوع نحو و مورخ است به «فی یوم جمعه چهارم محرم ۱۳۱۲».

علاوه بر تألیفات و تصنیفات مذکور در این بخش، مرحوم معین الاسلام برخی کتب درسی مورد نیاز خود را استنساخ و استکتاب کرده و یا نسخ ناقص را کامل نموده و در بعضی موارد شروح آن کتاب را نیز در حاشیه تحریر کرده است. از جمله:

کتابت و الحاق صفحات مفقوده از یک نسخه رساله مبسوط فقهی در صیغ عقود و ایقاعات تصنیف علی القزوینی الزنجانی مسکن است که شرح و متن به زبان فارسی نوشته شده و معین الاسلام علاوه بر تکمیل نسخه، شرح رساله مزبور را از ابتدای رساله و شروع در کلام تا باب دوم در حواشی صفحات نگاشته است. از امتیازات این نسخه حاشیه ای است با امضاء باقر عفی عنه که احتمال می رود مقصود مرحوم آیه اللّه حاج شیخ محمد باقر بن محمد تقی باشد و در حقیقت فتوائی است در مقابل تحقیقات و تدقیقات نازک و باریک ماتن و شارح و در جهت تسهیل امور مسلمین افتاء شده است.

مشخصات رساله:

مجلد و مشتمل است بر هفتاد ورق و یکصد و سی و هشت صفحه به قطع تقریباً وزیری ۲۲ * ۱۷ سانتیمتر تا پایان بحث نکاح موقت به خط شکسته نستعلیق خوش نوشته شده و در ادامه تا پایان رساله کتابت متن و شرح که مشحون از تحقیقات فقهی و تدقیقات عالمانه است توسط و به خط مرحوم معین الاسلام می باشد.

در صفحه آخر تاریخ اختتام کتابت چنین است:

«... و الحمدلله اولاً و آخراً و قد فرغت من تسویده فی نصف لیله الجمعه السابع و العشرین شهر اللّه الاعظم سنه ۱۳۱۳ ...».

ص: ۷۴

تصویر



صفحه آغاز رساله صیغ العقود تألیف علی القزوینی

فصل دوّم

اشاره

فرهنگ معاصر اصفهان – انقلاب مشروطه

بخش نخست : پیشینه تأسیس مدارس جدید در ایران

بخش دوم : انقلاب مشروطه و نقش انجمن ها و مطبوعات در مطالبات

مردم اصفهان برای تأسیس واحدهای جدید فرهنگی

بخش سوم : مدرسه ایتام در خیل مدارس جدید اصفهان

بخش چهارم : شرایط سخت زمان

بخش پنجم : ساختار و سازمان مدرستین علیّه و ایتام

ص: ۷۷

فصل دوّم

بخش نخست : پیشینه تأسیس مدرسه های جدید در ایران

اشاره

در این بخش ابتدا به بررسی اجمالی سابقه تأسیس مدارس جدید می پردازیم لذا بحث با امیرکبیر و دارالفنون آغاز می شود:(۱)

دارالفنون

حرکتی که با دست توانای میرزا تقی خان فراهانی امیرکبیر برای دستیابی ایرانیان به دانش و فنون جدید آغاز شد، با کشته شدن او ابتر و ناتمام ماند. اگرچه این نهاد فرهنگی یعنی دارالفنون در سال ۱۲۶۸ هجری قمری رسماً افتتاح شد و شروع بکار کرد(۲) لکن محتوای علمی نازل آن با آنچه امیر در سر داشت بکلی متفاوت بود.(۳)

ص: ۷۹

۱- ۵۸. در اینجا دارالفنون به صورت نماد معارف جدید مطرح می شود و اشارهً متذکر می گردیم که تاریخچه تدریس به شیوه های غیرسنتی در ایران را باید در قرن ها پیش از افتتاح دارالفنون جستجو کرد. آنگاه که سلطان محمد خدابنده صفوی(سلطنت ۹۹۵ - ۹۸۵ه .ق.) برای تدریس ریاضی و نجوم به فرزندش حمزه میرزاPere Simon Morales - کشیشی که فارسی می دانست - را انتخاب کرد، نخستین گام را برای ترویج علوم اروپائی برداشت و پس از آن گسترش مراودات تجار اروپائی به ایران و لاجرم آشنائی ایرانیان با ابزارهای جدید مانند ساعت فنردار زنگ زن - دوربین نجومی - برخی معالجات پزشکی و... زمینه ساز انتقال برخی دستاوردهای علمی به ایرانیان و متقابلاً انتقال برخی تجارب و علوم این کشور به دروازه های اروپا شد و این روند با اعزام میسیونرهای مذهبی به ایران بصورت سازمان یافته ادامه پیدا کرد. برای اطلاعات بیشتر ر.ک محبوبی اردکانی - دکتر حسین «تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران»، چاپ اول ۱۳۵۴ صفحه ۲۲۹ به بعد - انتشارات انجمن دانشجویی دانشگاه تهران - در سلسله انتشارات دانشگاه تهران - به نقل از تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، ج ۱، ص ۱۹.

۲- ۵۹. بیست سال پیش از تأسیس دارالفنون توکیو ...» مقالات آقای محیط طباطبائی راجع به دارالفنون - شفق سرخ شماره ۱۳۱۳/۶/۸ - ۲۷۳۷ بنقل از همان مرجع.

۳- ۶۰. از همان روز اول فکر بانی آن در کار مدرسه بی اثر و سایه او از سر این مؤسسه کوتاه گشت(قتل امیرکبیر) یعنی روزی که مدرسه گشوده شده، بجای اینکه بگذارند مدرسه، یعنی مجلس درس و بحث و پیشرفت علمی باشد، آن را در ردیف مؤسسات درباری و تجلی گاه تظاهرات و تشریفات سلطنتی درآوردند». همان مرجع صفحه ۳۰۹.

دارالفنون بصورت نمادین بوجود آمد اما آرزوهای ایرانیان برای بسط و گسترش دانش روز برآورده نشد. آنچه دارالفنون در طول حیات خود از نخبگان تحویل داد، در حقیقت مرهون فعالیت ها و تلاش های علمی خود دانش آموختگان بود نه نتیجه اجرای یک روش آموزشی و ماحصل یک برنامه هوشمندانه علمی. آرزوی بزرگ دسترسی و نیل به دانش روز برای بکارگیری در قرن صنعت و انقلاب صنعتی، ناکام ماند و تبدیل به عقده ای شد که تا دمدمه های انقلاب مشروطیت گلوی دلسوختگان وطن را می فشرد. این است که اولین علامات و نشانه های مطالبات سیاسی مردم را در آستانه مشروطیت میرزا علیخان امین الدوله درک و توجه می کند و با تقویت رشدیه اولین مدرسه های نظم جدید آموزشی در تهران تأسیس می شود.

در طول سلطنت مظفرالدین شاه قاجار،(۱) خصوصاً سالهای آخر و مقارن با طلوع مشروطیت، دوباره و پس از گذشت حدود پنجاه سال از تأسیس دارالفنون، بحث پیرامون امر تعلیم و تربیت جوانان اوج گرفت و در محافل انقلابی به نقد نظام آموزشی موجود و بیان عدم کارائی آن در عصر صنعت پرداختند و افرادی را به فکر چاره انداخت، همزمان، کوشنده قدیمی این راه یعنی میرزا حسن رشدیه، با اغتنام فرصت، مستقیم و غیرمستقیم دامنه فعّالیت های خود در این زمینه را گسترش داد. او راه نجات جامعه از عقب ماندگی را تأسیس و توسعه نهادهای آموزشی جدید و متناسب با ترقّیات دنیا می دانست.

ص: ۸۰

۱- ۶۱. در سال ۱۳۱۵ه .ق. «انجمن معارف» متشکل از افرادی علاقمند به معارف جدید و ازدیاد مدارس تأسیس شد. این انجمن بعد از عزل امین الدوله(محرم ۱۳۱۶) دچار مشکلات خارجی و اختلافات داخلی شد و رو به انحطاط گذاشت که نیات متفاوت و گاه متضاد اعضاء آن در شکست انجمن مدخلیت داشت. معهذا چون گسترش معارف یک خواست عمومی بود، جانشین امین الدوله یعنی علی اصغر خان امین الملک امین السلطان بعد و اتابک اعظم بعدتر - ناچار شد در سال ۱۳۱۹ نهاد «شورای عالی معارف» را تأسیس کند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک مصاحب - غلامحسین - دائره المعارف فارسی انتشارات فرانکلین ۱۳۵۴ جلد ۱ ص ۲۶۲ و ۱۳۵۶ جلد ۲ بخش اول ص ۱۵۰۲.

در عین حال، بسیاری معتقد بودند، راهی که با رشدیه برای تعلیم و تربیت گشوده شد، در واقع امر، بیراهه و برای جامعه مضّر است و بر این باور بودند که تأسیس واحدهای آموزشی با برنامه های جدید و در حقیقت تعمیم نظام آموزشی دارالفنون در مقیاس پایه، اساس و مبانی عقیدتی و ایمانی نسل جوان کشور را متزلزل خواهد کرد. به همین دلیل، مدارس رشدیه در شهرهای تبریز و مشهد و تهران بسته و بعضاً منهدم می شد و جان خود او در معرض مخاطره

قرار می گرفت. جالب توجه اینکه عقیده و باور مذکور در فوق، تاکنون نیز ساری و جاری است و دغدغه های دیرینه هنوز هم بر اندیشه و تفکّر آنها سیطره دارد و بعد از گذشت یک قرن از مشروطیت، مظاهر این جدال و منازعه فکری در مجالس و منابر، میزگردها و کنفرانس ها و رسانه ها مجال ظهور و بروز می یابد و دیده و شنیده می شود.

هر از چند گاه یک جناح فکری پیروز و تفکّر دیگر در محاق تعطیل می رود و پس از آرامشی موقت، مجدداً بحث از همان محل آغازین شروع می شود و هَلُمَّ جَرّا.

مطلب ذیل الذکر در یکی از این میزگردها و تحت عنوان «مدخلی بر تاریخ معاصر ایران» بیان و مکتوب و منتشر شده است که فرازی از آن عیناً نقل می شود:

«... به عنوان نمونه، اگر ما نظام آموزشی دوره صفوی را در نظر بگیریم و ببینیم که چه فعالیت هائی برای ایجاد یک نظام آموزشی نسبتاً قوی بعمل آوردند آن وقت متقاعد می شویم که باید ادامه دهنده آن راه باشیم. برای نمونه چند مورد از آن فعالیّت ها را نام می برم: ایجاد پشتوانه های مالی قوی بنام موقوفات برای آن نظام آموزشی، ساختن مدارسی که امروزه ساختن هر کدام از آنها به لحاظ مادّی حتّی از طاقت مراکز اقتصادی قوی خارج است یا حداقّل دشوار، و یا مثلاً از بین بردن آثار سوء خانقاه ها که نه تنها مدرسه بلکه تعلیم و تفکّر را مورد تهدید قرار می داد. این کارها کارهائی نیست که به راحتی بتوان از آن چشم پوشید. به قول آن ظریف مشکل از آنجائی شروع شد که دارالفنون را روبروی مدرسه مروی ساختند و بنا نشد

که همان مدرسه را احیا کنند. از همان ابتدای تجدد اندیشی یک نوع دشمن و رقیب برای نظام آموزشی درست کردند».(۱)

ملاحظه می شود که تقابل این دو اندیشه در همان نقطه شروع و محلّ نزاع باقیمانده است.

ص: ۸۲

---

۱ - ۶۲. بنیاد مستضعفان و جانبازان - تاریخ معاصر ایران - فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران - سال اول شماره اول بهار ۱۳۷۶، صفحه ۲۹۱.

بخش دوم : انقلاب مشروطه و نقش انجمن ها و مطبوعات در مطالبات مردم اصفهان برای تأسیس واحدهای جدید فرهنگی

اشاره

در آن سال ها، اصفهان نیز متأثر از منازعات فکری تهران، با این اندیشه های متضّاد دست و پنجه نرم می کرد. انجمن ها که مرکزی برای طرح اینگونه بحث های داغ سیاسی و اجتماعی بود یکی پس از دیگری گشوده می شد. در ماه رجب سال ۱۳۲۵ هجری قمری روزنامه جهاد اکبر اسامی انجمن ها را چنین برمی شمارد: «انجمن اتحادیه علمای اعلام - انجمن اتحادیه طلّاب - انجمن اتحادیه سادات موسوم به انجمن سعادت - انجمن خونساریان - انجمن تجّار - انجمن سادات چهارسوی شیرازیان - انجمن سادات آقامیر سید حسن - انجمن سلسله جلیله صدریه».(۱) و

چند ماه بعد یعنی در شوّال ۱۳۲۵ هجری قمری روزنامه انجمن بلدیّه ذیل عنوان بشارت خبر از تعداد دیگری انجمن می دهد: «... المنه لله که اهل اصفهان یکمرتبه از خواب غفلت بیدار... ، همه روزه انجمن بر پا می کنند و مدرسه تأسیس می نمایند از پیش ماه مبارک رمضان تاکنون چندین انجمن برپا نموده اند من جمله: محله شمس آباد انجمن الفت - چهارسو شیرازی ها انجمن نصرت - لنبان انجمن حسینی - انجمن شرافت - انجمن اخوّت - انجمن اتّحاد - انجمن سادات که این انجمن ها سوای انجمن هائی است که سابق برپا شده».(۲)

هیجان و التهاب عمومی برای عبور از عقب ماندگیها و وصول به اهداف والای اجتماعی در جامعه موج می زد. مطالب مندرج در روزنامه ها و یا مطرح در

۱- ۶۳. روزنامه جهاد اکبر، ش ۲۳، ص ۴ سال اول چهارم رجب ۱۳۲۵ه .ق.

۲- ۶۴. روزنامه انجمن بلدیه، اصفهان، نمره هفتم، ص ۳ و ۴ سال اول شوال ۱۳۲۵ه .ق.

سخنرانیهای دست اندرکاران مشروطیت، دمبدم انتظارات مردم را افزایش می داد.

شور انقلابی برای در هم نوردیدن مشکلات، اکثر طبقات جامعه را فراگرفته بود. مفاهیمی چون استبداد، آزادی، معارف، قانون و... بطور گسترده در جامعه مورد مداقه قرار می گرفت. هر کس برای توجیه و مشروعیّت دادن به اینگونه الفاظ و مفاهیم، براساس دانسته های خود کوشش می کرد و در این مقوله ها سخن می راند. آنچه مقاله نویس روزنامه انجمن مقدس ملّی اصفهان نگاشته از همین دست سخنان است که ما قسمتی از آن را اینجا نقل می کنیم: «... همین فقه ما را در خارجه مترجمان به السنه عدیده ترجمه نموده اند و اسمش را قانون نهاده اند. حالا بعضی مستبدین بی خبر از عالم انسانیّت اسم قانون که گوشزد او می شود رم می کند می گوید سبحان اللّه قانون از فرنگیها است. بیچاره نفهمیده قرآن ما و فقه محمدی صلی الله علیه و آله خودش قانون است. هرچه آنها دارند از ما دارندای امان از بی فهمی - مردم اندر حسرت فهم درست - بحق حق قانون همان قرآن است قرآن همان قانون است پس اگر لفظ قانون انسان را کافر می کند باید حالا هزار باره قوانین(1) مرحوم میرزای قمی رحمهاللّه علیه را که رأس هر مطلبی را قانون می نویسد باید مثل زمان سابق که کتب عقلاء اهل دانش را با انبر می گرفتند بهمن طور این معامله را باید با قوانین الاصول بنمایند و حال آنکه احدی این حرف را نمی زند، باین حساب باشد باید قانون بوعلی سینا را هزار باره سوزانید ...».(2)

---

۱ - ۶۵. قوانین الاصول از کتب درسی اصول که بسیار مشهور و حواشی متعددی بر آن نوشته اند تألیف میرزا ابوالقاسم بن حسن گیلانی الاصل و قمی المسکن که در سال ۱۲۳۱ هجری قمری در این شهر وفات کرده است. مادّه تاریخ وفات او: «از این جهان بجنان صاحب قوانین رفت» = ۱۲۳۱.

۲ - ۶۶. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۳۷ ص ۴ سال اول یکشنبه ۶ شعبان ۱۳۲۵ه .ق. طرز و شیوه استدلال نویسنده مقاله مطلبی را فرایاد نگارنده آورد که مرحوم عبدالحجه بلاغی در تاریخ تهران آورده است. او می گوید: «یکی از منبریان در حمله به کنت و بر فراز منبر گفته بود در قرآن کریم وارد است که «کنت من الظالمین». تاریخ تهران / ج ۱ / ص ۲۳۹. کنت دومونت فرت اولین رئیس پلیس تهران است که ناصرالدین شاه قاجار در سفر فرنگستان با خود به ایران آورده بود.

میل به تأسیس مدرسه و ایجاد مراکز آموزشی جدید در قلوب اکثر فعالین اجتماعی و مخالفین استبداد موج می زد و آنها یکی از راههای مطمئن برای وصول به آزادی را تحصیل علم و دانش می دانستند و می گفتند:

«مشروطه طلب حقیقی کسانی را می توان گفت که در توسعه معارف و علوم و افتتاح مدارس و مکاتب سعی وافر و کوششی بسزا دارند چرا که پیشرفت مشروطیّت و ترقّی مملکت و سعادت ملّت منوط به وفور علم و دانش است و پیداست که از ملّت جاهل کاری بر نیاید ...».(۱)

براساس همین باور و تفکّر است که مدارس متعدد یکی پس از دیگری افتتاح شد و شروع به کار کرد. همت همه دلسوزان بر این جزم شد که در توسعه مراکز جدید آموزشی بکوشند و در این راه به تبلیغات وسیعی دست یازیدند و در همه مجالس و محافل این موضوع را مطرح انظار کردند و جدّاً معتقد بودند که: «... راه ترقی را بتازگی پیدا کرده اند و از برای پیمودن آن جادّه مهیّا و آماده گشته اند چه علّت کلّ ترقیّات که عبارت از تشکیل مدارس و تکمیل معارف باشد منظور نظر عموم ملّت و نقطه توجّه کافّه امّت شده و معلوم است که اگر آزادی را به درخت تشبیه کنیم بایست آن درخت در باغستان مدارس غرس شود و به آب معرفت و علم آبیاری گردد و اگر به طفلش تشبیه کنیم بایستی از پستان دبستان شیر خورد و در مهد علوم تربیت شود و گرنه آن درخت ثمری نخواهد بخشید و آن طفل به رتبه بشری نخواهد رسید و اهالی اصفهان که از این جهت عقب افتاده بودند و تا چندی قبل تعلیم علوم را(که) بموجب تکلیف اسلامیّت فریضه ذمّت عموم است حرام می دانستند اینک در نظرشان اهمیّت پیدا کرده و در این مدّت قلیل ره صد ساله پیموده اند و در تکمیل اسباب تحصیل سعی وافر نموده اند ...».(۲)

ص: ۸۵

۱- ۶۷. روزنامه زاینده رود ش ۳۷ ص ۳.

۲- ۶۸. روزنامه زاینده رود ش ۱۱ سال اول ص ۶

مدارس میسیونرها و مخالفت مردم با فعالیت آنها

در بحبوحه این شور و اشتیاق، پیروان ادیان و مذاهب دیگر و نیز میسیونرهای مذهبی بیگانه، مدارسی را در اصفهان راه اندازی کرده و موفق شده بودند تعداد معتنابهی از دانش آموزان را بخود جلب کنند تا آنجا که عدّه ای به انجمن ولایتی مراجعه می کنند و عارض می شوند که اطفال مسلمانان را غدقن نمایند به مدرسه اسقف نروند انجمن نیز نامه ذیل را به حکومت اصفهان می نویسد:

از انجمن – به توسط جناب جلالتمآب اجل آقای بیان الممالک دام اجلاله حضور شرافت ظهور حضرت مستطاب اجل اکرم افخم امنع آقای نظام السلطنه(۱) مد ظله استدعا داریم چنانچه حضوراً وعده التفات فرمودید اولیاء اطفال را امر به احضار فرموده و حکم محکم شود در اینکه اطفال خود را به مدرسه اسقف نفرستند و هر گاه بعد ذلک رفته اند مأخوذ باشند غرّه ربیع الاخر ۱۳۲۵ه .ق.».(۲)

مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی درباره مدارس جدید امریکائی می فرمود: «تخم دان کفر است» تخم دان زمینی را گویند که تخم شلتوک را پاشند و تخم دان گرفته و از آن زمین بعد نقل به اراضی شلتوک کار نموده تخمی هزار تخم می شود».(۳)

ص: ۸۶

۱– ۶۹. حسین قلی خان مافی سعد الملک که بعداً ملقب به نظام السلطنه شد، مردی زیرک، کافی، بااراده و قوی بود و برخلاف حکام دیگر در برابر بیگانه اعتماد به نفس داشت. و خودباخته نبود. رفتار سنجیده، مقتدرانه و تقابل و بی اعتنایی او نسبت به سرپرسی سایکس انگلیسی اگرچه منجر به عزل او از حکومت خوزستان شد لکن او از معدود حکامی بود که رفتار یک حاکم اصیل ایرانی را به نمایش گذاشت. بعد از انقلاب مشروطه نظام السلطنه مشاغل و حکومت های متعدد داشت از جمله بعد از عزل ظل السلطان مدت کوتاهی حاکم اصفهان شد که به دلیل آشفتگی های فارس پس از اندک مدتی به ایالت فارس منصوب گردید. نظام السلطنه در تاریخ ۱۶ ذی القعده ۱۳۲۵ه .ق. به صدارت رسید، دو بار هیئت دولت خود را ترمیم کرد. و صدارت او مجموعاً کمی بیش از ۵ ماه به طول انجامید. سرانجام از کار کنار رفت و در تابستان ۱۳۲۶ه .ق. درگذشت. برای اطلاع بیشتر ر.ک. از جمله: تاریخ رجال ایران تألیف مهدی بامداد جلد اول صفحات ۴۵۶ – ۴۴۸.

۲– ۷۰. روزنانه انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۲۰ ص ۶ سال اول ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۵ه .ق.

۳– ۷۱. تاریخ نصف جهان و همه جهان ص ۱۱۹ – ۲۰ چاپ سنگی – اصفهان بدون تاریخ تألیف حسن جابری انصاری.

علیرغم وجود این حساسیت ها و نگرانی ها، جوّ کلّی جامعه طرفدار و خواهان گسترش و بهبود روش های تعلیم و تربیت و بکارگیری دانش روز در مدارس بود.

شاهد بر این مدعا، مطالب فراوانی از این دست است که در مطبوعات روزانه و هفتگی و ماهانه و کتب منتشره به چاپ رسیده و بر سبیل مثال و مشتی از خروار متن ذیل منقول از روزنامه

جهاد اکبر قابل توجه است: «... باید دانست که پاره از کارها موقوف به دستورالعمل از دولت یا مجلس محترم نیست بدون اطلاع آنها هم اقدام مانعی ندارد. مثل تعلیم اطفال به وضع جدید و فرستادن آنها در مدارس اسلامیه و مثل تأسیس مدارس جدیده اما منع شرعی که نیست زیرا که علماء اعلام و حجج اسلام هیچوقتی مانع از تربیت اطفال و تعلیمات آنها به وضع جدید که اسباب سرعت ترقی است نبوده اند اگر هم در پاره ای اوقات ردعی و منعی از ایشان ظاهر می شد متعلق به اصل تعلیم و تربیت نبوده بلکه در کیفیات پاره ای ترتیبات تعلیمات بوده به این معنی که مدارس اسلامیه که تعلیم قرآن و خط و حساب و هندسه و جغرافی و مسائل و اعتقادات در آنها می شود ابداً مانعی ندارد ولو آنکه کیفیات خاصه هم داشته باشد از قبیل اوقات راحت که برای اطفال معیّن شده یا زنگ اخبار که برای آسودگی از قیل و قال قرار داده شده ولی مدارسی که غیر مسلمانان احداث کرده اند و محض برای اغواء اطفال مسلمین و دعوت آنها به اباطیل فراهم شده جدّاً و اتفاقاً علماء اعلام منع می فرمایند و با نهایت ایستادگی اطفال مسلمین را از تعلیم و تعلّم در آنجاها غدغن می نمایند و البته مسلمانان هم باقتضاء ملی و غیرت اسلامی باید متابعت کنند و اطفال ساده و خالی الذهن خود را در اینگونه مدارس که دام شیطانست نفرستند... .

...و منع دولتی هم در تأسیس مدارس و تعلیم اطفال نیست بلکه ترغیب و همراهی دولت در امر معارف بیشتر از اقدامات اولیاء اطفال است. همیشه جهد در زیادی معارف دارند و احکام متکثره در تغییر وضع مدارس فرمودند حتی آنکه رواج

مدارس به وضع جدید را از مآثر عهد مظفری دانسته اند.

...پس خود مسلمانان باید سعی در تکثیر مدارس و تربیت اطفال خویش بنمایند...».(۱)

انگیزه های موجود در جامعه در این برهه از تاریخ شهر اصفهان، باعث شد افرادی دلسوز و باورمند با اهداف و توانمندی های فردی به بنیادگذاری و گشودن مدارس نوین بپردازند. شوربختانه چون بیشتر این مدارس از سر احساسات شکل گرفته و فاقد اساسی متین بود، یا شبهاتی در مورد صلاحیت و نیّت واقعی مؤسسان آن در جامعه به گوش می خورد، هر یک پس از اند سالی در محاق تعطیل فرو رفت.

مدارس اصفهان مقارن و در آستانه مشروطیت

در آستانه انقلاب مشروطیت(حدود سال های ۱۳۲۴ - ۲۵ه .ق.) مدارس مذکور در جدول ذیل در اصفهان مفتوح بود. در ستون چهارم جدول مدت زمان ماندگاری و یا تاریخ تعطیل هر یک ذکر شده است.(۲)

سال تأسیس	نام مدرسه	مؤسس	انحلال
۱۳۱۵		سید علینقی امامزاده اسمعیلی	مدتی کوتاه پس از تأسیس
۱۳۱۸	مدرسه باقریه	حاج میرزا باقر خان نائینی مشیرفاطمی	طلوع مشروطیت حدود سال ۱۳۲۴هـ.ق.
۱۳۲۰	مدرسه باقریه چهارسوق	حاج میرزا باقر خان نائینی مشیرفاطمی	حدود ۱۳۲۲هـ.ق.
۱۳۲۲	مدرسه‌اسلامی	سید علینقی سرتیپ	حدود ۱۳۲۴هـ.ق.

ص: ۸۸

۱- ۷۲. روزنامه جهاد اکبر، ش ۵، ص ۳ و ۴، سال اول صفر المظفر ۱۳۲۵ه .ق.

۲- ۷۳. این جدول براساس کتاب الاصفهان مرحوم جناب و تاریخ فرهنگ اصفهان(مجتبی ایمانیه) و تتبع در روزنامه ها و منابع مختلف تهیه شده و هنوز ناقص است.

۱۳۲۲	مدرسه علمیّه	سید خلیل از دراویش نعمت‌اللّهی با مدیریت میرزا اسد اللّه خان منشی قنسولخانه روس	بیش ازاندک‌مدتی نپائید
۱۳۲۳	مدرسه معرفت[1]	حاج میرزا یحیی بید آبادی	در بحبوحهٔ انقلاب مشروطیت
۱۳۲۴	مدرسه شرف	میرزا عبدالغفار خان نوربخش	۱۳۳۰ه.ق.
۱۳۲۴	مدرسه سعادت	میرزا حسین خان	پس از مدت کمی تعطیل شد
۱۳۲۴	مدرسه شرافت[2]	میرزا حبیب‌اللّه خان انصاری	۱۳۲۷ه.ق.
۱۳۲۴	مدرسه حقایق	میرزا سید محمد حقایق	۱۳۲۶ه.ق.
۱۳۲۴	مدرسه اتحادیه	میرزا عبدالوهاب خوش‌نویس	۱۳۳۰ه.ق.
۱۳۲۵	مدرسه کمالیه	آقا سید خلیل قمشه‌ای	ضمیمه مدرسهٔ گلبهار شد
۱۳۲۵	مدرسه ایمانیه	آقا سید علینقی - آقا شیخ یحیی محلاتی	۱۳۲۹ه.ق.
ربیع‌الاول ۱۳۲۵	مدرسه ایتام	میرزا محمدعلی مازندرانی معین الاسلام	
۱۵ شعبان ۱۳۲۵	مدرسه علیّه	میرزا آقاخان محاسب‌الدوله	
۱۵ شعبان ۱۳۲۵	مدرستین علیّه و ایتام	مدیریت این دو مدرسه از شعبان ۱۳۲۵ه.ق. ادغام شد و مدرسهٔ علیّه نیز از بدو تأسیس تحت عنوان مدرستین علیّه و ایتام با مدیریت و نظامت میرزا محمدعلی‌مازندرانی معین‌الاسلام مفتوح بوده است.	
۱۳۲۵	مدرسه صفا	حاج سید علی کاشانی	
۱۳۲۵	مدرسه معارف[3]		

۱ – مـدیر مـدرسه معرفت – «جناب مسـتطاب آقا میرزا محمدتقی مدیر مدرسه مبارکه معرفت» بوده است. مدیر روزنامه جهاد اکبر از این میرزا محمـدتقی ذیـل عنوان «ریخته قلم یکی از ادباء» چنـدین مقاله در روزنامه خود چاپ کرده است. ر.ک. روزنامه جهاد اکبر سال اول شـماره ۲ صفحه اول مورخ ۱۴ محرم سنه ۱۳۲۵ه .ق.

۲ – مـدرسه شـرافت را که تاریـخ فرهنگ اصـفهان جزء مدارس تأسـیس شده در سال ۱۳۲۴ه .ق. محسوب داشـته قطعاً حـدود جمادی الاولی ۱۳۲۵ه .ق. تأسـیس شـده ر.ک. روزنـامه جهـاد اکبر ش ۲۰ نهم جمـادی الثانی ۱۳۲۵ ضـمناً مشـخصات کامل و صـحیح مؤسس چنین است: مؤسس مؤتمن السلطان آقا میرزا محمدحسین انصاری سرتیپ المتخلص به ثمره، همان مرجع.

۳ – مـدرسه معارف در سال ۱۳۲۵ه .ق. افتتاح شده ر.ک. روزنامه انجمن مقدس ملی اصـفهان ش ۱۴ ص ۷ سال اول ۲۳ صفر المظفر ۱۳۲۵ه .ق.

ص: ۹۰

بخش سوم : مدرسه ایتام در خیل مدارس جدید اصفهان

اشاره

موضوع این قسمت بررسی عملکرد سازنده مرحوم معین الاسلام بدواً در تأسیس مدرسه ایتام و متعاقباً در مدیریت مدرستین علیّه و ایتام و چگونگی شکل گیری آنهاست.

معین الاسلام پس از مدت ها اندیشه و صرف وقت برای تأسیس یک واحد آموزشی کارا، هوشمندانه توجه کرد که در همه مدارسی که به سرعت و سبقت یکی پس از دیگری گشایش می یابد، مآلاً رگه هائی از جلب منفعت و سودجوئی نیز مشاهده می شود.

متعلمین همه این مدارس بایستی شهریه می پرداختند و خود، کتاب و لوازم التحریر و حوایج آموزشی خویش را تأمین می کردند. به این ترتیب چه کسانی قادر به تحصیل در این مدارس بودند؟

در آن روزگاران، اطفال جامعه، تعلّق به یکی از ۴ گروه اجتماعی ذیل داشتند:

الف - فرزندان متموّلین که برحسب میزان تموّل والدین، در شرایط مختلف قرار می گرفتند. حتی ممکن بود تحت نظر استاد اختصاصی و در خانه تحصیل کنند. متعلّقین به این طبقه، بسیار کم و معدود بودند.

ب - اطفال کارگزاران و منتسبین به حکومت، که در هر مقام و درجه ای بودند النهایه می توانستند هزینه های تحصیل فرزندان خود را تهیه کنند.

ج - اکثریّت یعنی قاطبه مردم، این قشر نه تنها در اندیشه درس و مدرسه فرزندان خود نبودند بلکه قبل از تولّد آنها، دعا می کردند فرزندشان ذکور باشد تا از همان

کار مشغول شود و بتواند در تأمین وجه معیشت خانواده یار و کمک حال باشد. درجه نیازمندی و شدّت فقر آنها به حدّی بود که حتّی تصور اشتغال به تحصیل این اطفال برای والدین آنها محال بود چون هم باید از درآمد ناشی از کار آنها صرفنظر کنند و هم ماهانه مبالغی برای او هزینه کنند و این وضعیت با درآمد بسیار اندک و معیشت در حدّ سدّ جوع و قوت لایموت همخوانی نداشت.

د - اطفال بی سرپرست رها شده در جامعه که بدون پدر یا والدین و آسیب پذیرترین افراد جامعه به شمار می رفتند و معین الاسلام فقط به این گروه می اندیشید. به کودکان بی گناهی که در آن جامعه زرانـدیش و آن وانفسای خودبینی و بی اعتنائی توانگران و مال داران، مظلوم واقع شده بودند. قلب معین الاسلام برای این یتیمان می تپید. گوشش شنوا و چشمش بینای کار آنها بود و دیگران!!

اما توان شخص او برای مقابله با این ظلم و ستم، اندک بود. پس ذهن خلاق، این ودیعه خدا را به کار گرفت. دست به کار شد و گروهی را در کفالت این امر و عمل خیر، با خود یار و همکار کرد و در رأس آنها آیت اللّه حاج آقا نوراللّه بود.

پنجاه سال بعد از این تاریخ، برادرزاده گرامی و ارجمند معین الاسلام، شهید مظلوم حضرت آیت اللّه شمس آبادی نیز همین دغدغه ها را داشت. دغدغه معیشت یتیمان، فرزند پاک نژاد علی علیه السلام را دل مشغول می داشت، که این سنّت حسنه همیشه تاریخ از اجداد تا اخلاف در این دودمان ساری و جاری بوده است.

معین الاسلام و برادرزاده شهیدش از یک چشمه سیراب و شاخه های سرسبز تناور یک درخت بودند... .

لذا، به فاصله زمانی پنجاه سال، این یک، مدرسه ایتام را تأسیس می کند و آن یک «انجمن مددکاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ویژه ایتام اصفهان» را بنیاد می گذارد و هر دو به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نظر داشتند که فرمود: «انا و کافل الیتیم کهاتین فی الجنه»

تصویر

۵۷/۱۲/۸

وزارت دادگستری

ثبت کل اسناد و املاک

ثبت منطقه دهم اصفهان

آگهی رسمی

نظر بماده ۸ آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتی خلاصه اساسنامه و تقاضانامه انجمن مددکاری امام زمان (عج) که در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۸ ذیل شماره ۸۲ ثبت گردیده جهت اطلاع عموم آگهی مینماید ۱ ـ نام موسسه انجمن مددکاری امام زمان (عج) ۲ ـ مقصود از تشکیل. کمک مادی ومعنوی بایتام مستمند از راه جمع آوری اعانه افراد خیر. ۳ ـ مرکز مؤسسه. اصفهان خیابان شاه کوچه دبستان کر ولالهای گل‌بیدی ۴ ـ تاریخ تشکیل ۵۷/۴/۱۶ ـ ۵ ـ تابعیت ایرانی ۶ ـ اسامی مؤسسین. آقایان حاج سید ابوالحسن آل رسول شمس آبادی، حاج سید اسمعیل هاشمی، حسین گل‌بیدی حاج اکبر آقا زاهدی، حاج آقا رضا اخوان‌الله، سید حسین مرتضوی، حاج آقا مصطفی مرتقی، اکبر پرورش ـ محمد مهدی کتیبه، دکتر حسین قشیبی وعده‌ای دیگر ۷ ـ ممیزات وصاحبان امضاء. آقای حاج سید ابوالحسن آل رسول شمس آبادی بسمت رئیس هیئت مدیره آقای سید اسمعیل هاشمی بسمت نایب رئیس آقای حسین گل‌بیدی بسمت مدیر عامل و آقای حاج آقای اکبر زاهدی بسمت صندوقدار، آقای سید حسین مرتضوی بسمت منشی انتخاب وحق امضاء با دو امضاء از سه امضاء رئیس هیئت مدیره ـ مدیر عامل وصندوقدار متفقاً وبا مهر مؤسسه معتبر است.

رئیس ثبت شرکتهای ثبت اصفهان
عبدالحسین فرجه

م الف ـ ۱۸۶۳

تصویر

پیغمبر اکرم (ص) با نشان دادن دو انگشت سبابه و وسطی فرمود:

أنا وكافل اليتيم كهاتين في الجنة

من و آن کسی که سرپرستی یتیمی را بعهده گیرد در بهشت مانند این دو انگشت پهلوی هم قرار داریم



فاما اليتيم فلا تقهر

سوکی بزرگ در فقدان انسانی بزرگ

آن انسان که همچون پیشوایان پیشگامش، ناله یتیمان او را می لرزاند و فغان درد مندان او را به فغان می آورد

او که از آغاز تأسیس انجمن مدد کاری امام زمان (عج) (ویژه ایتام اصفهان) ریاست عالیه آنرا به‌عهده داشت ومشتاقانه در این راه گام می‌نهاد

او یعنی

حجة الاسلام شهید

(حاج سید ابوالحسن موسوی شمس آبادی)

انجمن مدد کاری امام زمان سوگمندانه شهادت این عالم با فضیلت را به پیشگاه مقدس امام زمان (عج) و عموم مسلمین تسلیت میگوید.

وبدینجهت از ساعت **۷ تا ۱۲ صبح جمعه** ۲۷ فروردین درمسجد حضرت سجاد (ع) (خیابان آتش) مجلس ترحیمی خواهد داشت و سپاسمندانه مقدم شما را جهت بزرگداشت شعائر اسلامی محترم میشمارد.

از طرف هیات مدیره انجمن‌مددکاری امام زمان (عج)

الحاج سید اسماعیل هاشمی

چاپ چهار ـ ش ۲۵۳

مجالس اهل ایمان

۲۳۶

برگرفته از کتاب: مجالس اهل ایمان در مساجد و تکایای اصفهان - انتشارات کانون پژوهش چاپ اول ۱۳۸۶ صفحه ۲۳۶ از برکات ماندگار حضرت آیهالله آقای حاج سید محمد علی روضاتی ادام الله ظله

ص: ۹۴

تصویر



تابلوی مدرسه مبارکهٔ ایتام واقع در محله شمس آباد سال ۱۳۲۵ هجری قمری

تابلوی مدرسه مبارکه ایتام واقع در محله شمس آباد سال ۱۳۲۵ هجری قمری

مدیر و مؤسس: سید محمد علی موسوی مازندرانی معین الاسلام

ص: ۹۵

مدرسه مبارکه ایتام

اگر چه در عنوان مقال و نیز در جدول، مدرسه ایتام را در شمار و عداد سایر مدارس نوین اصفهان ذکر کردیم اما در حقیقت این مدرسه تفاوت های چندی با سایر مدارس دارد که ذیلاً به آن می پردازیم:

۱ – بر تارک این مدرسه حدیث شریف نبوی می درخشد. یعنی نظر به صبغه معنوی کاراست فراسوی دلمشغولی ها و چشمداشت های مادّی.

۲ – در تأسیس این مدرسه تنها دغدغه ها و عمل به تکالیف شرعی در قبال یتیمان بی سرپرست مد نظر بوده است.

۳ – تنها مدرسه ای است که دانش آموزان آن از گروه انبوه محروم، فقیر و بی سرپرست جامعه بوده که راهی به هیچ دهی نداشته اند.

۴ – مدیر مؤسس با عبرت از عمر کوتاه سایر مدارس، راه دشوار تأسیس و دشوارتر نگهداری و تداوم را مدّ نظر داشته لذا هوشمندانه تعدادی از رجال شهر را پشتیبان اساس و کیان مدرسه قرار داده است.

۵ – مدیر مؤسس علاوه بر اینکه خود از اعیان علماء و رجال این شهر بود، شخص اول روحانی اصفهان در آن روزگاران را دخیل در امور کرد و قرار گرفتن او در رأس انجمن، استمرار پشتیبانی مالی مدرسه را تضمین کرد.

۶ – انجمنی که در رأس تشکیلات مدرسه تأسیس شد، در مسائل کلان مدرسه دخالت داشته و شاید اولین مدرسه ای است که عقل جمعی بر آن حکمفرما بوده است.

۷ – درآمد این مدرسه از محل اعانات بوده و همه درآمد و هزینه آن بطور شفاف در جرائد چاپ می شده است. این اطلاع رسانی که برای اولین بار انجام می شده نوعی

احترام نه تنها به اعانه دهندگان بلکه تکریم همه مردم و جلب اعتماد و نظر آنها بوده است.

۸ - تنظیم و تحریر نظامنـامه برای مـدرسه، حـاکی از وجـود ذهن علمی در بنیادگـذار است که ساختـار و تشـکیلات مـدرسه را در چـارچوب سازمانی تعریف کرده است. ماده ششم همین نظامنامه می گوید:

«ماده ششم نظامنامه مدرسه مبارکه ایتام در شرایط اعانه آن است.

اول آنکه هر کسی اعانه مرحمت فرموده از برای مدرسه متبرکه، حق دارد اسم مبارك خود را در دفتر اعانه ثبت و ضبط مشاهده فرماید.

ثانی آنکه باید عین آن وجه در کتابچه خرج و دخل مدرسه ثبت شود و چاپ شده منتشر شود.

ثالث: اعانه دهندگان کلاً حق دارند رسیدگی و مداخله در مصرف آن وجه بنمایند.

رابع آنکه اگر شخصـی اعانه مرحمت فرموده باشـد و در دفتر اعانه اسم مبارك او نباشد یا در کتابچه خرج و دخل که هر شـش ماه یک مرتبه به طبع رسیده و منتشر می شود اسم مبارکش نباشد در این صورت خیانت دفتردار و مدیر هر دو ثابت خواهد شد و باید به مجازات برسند.

خامس آنکه تمام اعانه دهندگان حق این مجازات را دارند و ناظر هم مسئول خواهد بود به اطلاع جناب آمیرزا ابوتراب نائینی.

سادس آنکه آنچه اعانه مرحمت می شود اسـتدعا می نمائیم از جناب مدیر جریده فریده محض تشویق عامه اسامی متبرکه اعانه دهندگان را با تعیین وجه اعانه درج فرمائید و منتشر شود».(۱)

ص: ۹۷

۱- ۷۴. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۲۴ ص ۷ سال اول یکشنبه ۴ جمادی الاولی ۱۳۲۵ه .ق.



معین الاسلام و دانش آموزان که کارنامه های خود را در دست دارند.

ص: ۹۸

بازخوانی و مداقه در محتوای مادّه شـشم نظامنامه برای هر انسان آزاده ای لذت بخش است. معنی تقوی، هم اندیشی، کار دسته جمعی، اعتقاد به حقوق دیگران، تعبیه اهرم هـای لازم برای جلوگیری از هر گونه سوء اسـتفاده، پیش بینی مجـازات برای هر گونه تخطی احتمالی، احترام به شخصیت و اموال مردم در کلمات و عبارات بند ششم متبلور است.

اینکه در صد و چند سال پیش برای تأسیس یک واحد آموزشی کوچک چنین بنیان استوار و اساس متین را اندیشیده اند، مسئولیت های انسان امروز را در عرصه های مختلف از جمله هزینه کردن بودجه های کلان صد چندان می کند.

نظم و ترتیب در نگهـداری حسـاب و دفـاتر و مراعـات نهـایت درجه امـانت در وجوه مـأخوذه افعـال و مفاهیمی است که پـدران ما خود عمل کردنـد و عمـل به آن را به مـا وصـیت کردنـد و دیـده نگران آنها متوجه اعمال اخلاف است. با چنین روحیّه و عملکردی بود که کشور را در درازنای تاریخ از عقبات دشوار گذراندند و این ودیعه گرانبها را به ما سپردند... تا چه کند همت والای تو.

معین الاسـلام، هوشمندانه و از سر درد و غیرت نه حبّ جاه و مال اندوزی، مدرسه ایتام را تأسیس کرد. قیام و اقدام او برای تأسیس مدرسه ای خاص ایتام، صرفاً بر مدار جنبه های معنوی و ملاحظات انسانی قرار داشت.

در میان آن جامعه مظلوم و فقر زده، دغـدغه های فکری او به قشـر یتیم معطوف شده بود، لذا با عزمی جزم و ایمانی راسخ به تدارک اساس و مبـانی این مهمّ پرداخت. نظامنامه مـدرسه را نوشت. مرد بزرگ متنفّذ کارا، یعنی آیهاللّه حاج آقا نوراللّه رئیس انجمن ولایتی را در این راه با خود یار و همراه و او را ابوالارامل و الایتام خطاب کرد.

یکی از مردان مـوجّه روز را کـه متعاقبـاً معرفی خـواهیم کرد بـه نظـامت مـدرسه برگزیـد و حلقـه یـاران و هـم انـدیشان برای افتتـاح این واحد آموزشی فراهم آمد و یقیناً ضامن

ماندگاری آن نیّت خالص و ذهن وقّاد بوده است.

میرزا مسیح خان ناظم الاطباء(حافظ الصحه بعد)، دانش آموخته طب قدیم و فارغ التحصیل طب جدید از دارالفنون، چنان به دیانت، امانت و توانمندی های معین الاسلام اعتقاد داشت، که بی دریغ نظرات و اطلاعات خود را در اختیار او قرار داد و علاوه بر آن از حامیان مالی جدّی و مستمر مدرسه قرار گرفت تا آنجا که معین الاسلام را مأذون ساخت ملك او را اجاره دهد و منافع آن را صرف پرداخت هزینه های مدرسه کند.

در آستانه افتتاح مدرسه و در تداوم اقدامات برای تأمین منابع مالی موجبات صدور این دستخط را فراهم ساخت.

صورت دست خط مبارک بندگان حضرت ثقهالاسلام ایّده اللّه فی الدارین

سارعوا الی مغفره من ربّکم مسلم است بهترین قربات و افضل طاعات تربیت و تعلیم اطفال یتیم و حفظ آنها از اشغال منهیّه و گدایی و دزدی و سرقت که فعلاً شغل غالب و کسب عامّه است می باشد و بر هر ذی مکنتی لازم و واجب است که در این مقصود مقدس به قدر قوه همراهی نموده. امام عصر و حضرت رسالت صلوات اللّه علیهما را از خود خوشنود و راضی بنماید و اهتمام بشود که اطفال هم دارای علم و هم صنعت بوده باشند. داعی هم در اعانه ابتدائی و هم در شهریه آن به قدر امکان خود حاضرم.

والسلام علی من اتبع الهدی فی ۲۷ شهر صفر ۱۳۲۵

متعاقب صدور این دستخط هشت نفر به اسامی مفصله ذیل مبالغی به صورت اعانه پرداخت می کنند.

ص: ۱۰۰

صورت اعانه که جهت مدرسه ایتام مرحمت شد از قرار ذیل است:

مرحمتی آقای ثقه الاسلام ایالت کبری آقای نظام السلطنه آقای حاج سیّدمحمد باقر

برای اثاثیه ادام اللّه شوکته

آقای آغاباشی آقای میرزا عبداللّه خان امیر پنجه جناب آقای آقامیرزاابوالقاسم خاجوئی جهت کفش اطفال

جناب آقای محمدحسین ضرابی آقامیرزا احمد دلال پارچه چند عدد کلاه جهت اطفال

در اجرای ماده ششم نظامنامه صورت دستخط و نام و مبلغ پرداخت شده از طرف اعانه دهندگان اولیه، پس از افتتاح مدرسه در روزنامه انجمن مقدسّ ملّی اصفهان درج شده است.(۱)

سرانجام افتتاح مدرسه ایتام رسماً اعلام می شود و اعلامیه افتتاح در روزنامه انجمن مقدّس ملّی اصفهان چاپ و منتشر شده است:

لایحه متعلقه به مدرسه ایتام که به اداره فرستاده شده

به توجه بندگان مستطاب حضرت اشرف ایالت کبری دام اجلاله العالی و همت عالی بندگان مستطاب ابوالارامل و الایتام حضرت ثقهالاسلام ادام اللّه ظلّه علی رؤس الانـام و همراهی حججِ اسـلام و علمـاء اعلام مـدرسه مبـارکه ایتـام در محلّه شـمس آباد در خانه مرحوم حاجی میرزا مهدی الماسـی افتتاح شد که انشاء اللّه عجالهً بیست و پنج نفر یتیم فقیر را ولدی الاقتضاء تا پنجاه نفر الی صد نفر پذیرفته شوند و آنها را مجاناً در مکتب ابتـدائی تعلیم نماینـد و اصول و فروع دین اسـلام را به آنها بیاموزنـد و در ضـمن هم صـنعتی که به درد این اطفال بی پدر بخورد به آنها

۱- ۷۵. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۲۴ ص ۷و۸ سال اول جمادی الاولی ۱۳۲۵ه .ق.

آموخته شود و از بی نوائی تلف نشوند و به قدر قوه اعانه مدرسه هم به آنها لباس و لوازم التحریر و کتاب و غیره داده می شود پس بر بزرگان و غیرتمندان تمام ایران خاصّه اصفهان واجب و لازم است که هر کدام بقدر وسع و طاقت خود در این عمل خیر همراهی کنند و کوتاهی نفرمایند و بدانند که معنی صدقات جاریات همین است که فایده آن را در دنیا و آخرت خواهند برد. گذشته از آیات و اخبار محکمه در این خبر شریف رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم می فرمایند: «انا و کافل الیتم کهاتین فی الجنّه» یعنی من و کفالت کننده یتیم مثل این دو انگشت با هم در بهشتیم و اشاره به دو انگشت سبابه فرمودند و وسطی یعنی پرستار و یاری کننده یتیم با من در بهشت، هم منزل و هم نشین می باشد.

مکن امروز تنگی با یتیمان

که فردا با یتیمانت کنند آن

و هر کس اعانه مرحمت می کند بداند که اسم آنها با وجه اعانه و صورت جمع و خرج مدرسه همه هفته در جرائد ثبت خواهد بود.

تشکیل اجزاء مدرسه از این قرار است

مدیر: آقامیرزا محمدعلی معین الاسلام؛ ناظم: جناب آقامیرزا نورالدین مجلسی

انجمن

مدیر روزنامه بعد از درج لایحه افتتاحیه مدرسه، بلافاصله خود ذیل عنوان انجمن، تعریض گونه می نویسد: «مستدعی از مدیر مدرسه جدیده می باشم که چون آغاز و بناء کار است طوری نفرمایند که اسباب خنده اجانب و اغیار گردد. چون که اول تأسیس است و حکایت تدریس می باشد اولی آن که تکالیف شاقّه را قدری ملاحظه نمایند و به سهولت پردازند تا انشاء اللّه اساس این بناء محکم و قاعده آن

مستحکم گردد... ».(۱)

آنچه روزنامه نویس را برانگیخته تا این تعریض را بنویسد ادّعاهائی است که مدیر مدرسه در لایحه افتتاحیه آورده است. مدیر در این لایحه پیش بینی و وعده کرده است که لدی الاقتضاء تا پنجاه نفر الی صد نفر یتیم را در مدرسه بپذیرد و آنها را مجانا در مکتب ابتدائی تعلیم کند... و در ضمن صنعتی هم به آنها بیاموزد علاوه بر آن لباس و لوازم التحریر نیز به آنها بدهد... .

در صفحات بعد خواهیم دید که مدیر مدرسه به وعده های خود وفا می کند.

روز یکشنبه چهارم جمادی الاولی سال ۱۳۲۵ه .ق. ثقهالاسلام(آیهاللّه حاج آقا نوراللّه) به همراه عده ای از رجال و علماء به بهانه امتحان و در حقیقت برای تأیید و ترویج به مدرسه ایتام می رود. یکی از شاگردان در خطابه ای به تعریف و تمجید از ثقهالاسلام می پردازد از جمله می گوید:

«... ای ابوالارامل و الایتام، ای پدر مهربان، ای ثقهالاسلام حال که ما را از نکبت گدائی رهائی دادی و این بنای مقدس را نهادی ما بی پدران را به امید دیگران مگذار که این بی رحم مردمان همان کسانی هستند که خدا خطاب به آنها می فرماید «کلّا لا تکرمون الیتیم...»

از این دون همتان لئیم توقع نان دادن به یتیم مدار و ما بی نوایان را به بی پدران دون همت مسپار و ایشان را چون خود بلند همت منگار».

صدای آفرین از حضار بلند می شود پس از آن مجلس که از نظر تهییج احساسات مهیّا بوده تصمیم می گیرد این گونه جلسات را متعدد سازد. در این هنگام شاهزاده محمد جعفر میرزا بصیر الممالک پیشنهاد می کند جلسات «همه هفته روزهای یک شنبه عصر از یک ساعت و نیم به غروب مانده تا شام» برگزار شود و اعضاء مجلس از این قرار تعیین می گردد.

۱- ۷۶. همان ص ۸ .

صورت اشخاصی که به جهت انجمن مدرسه ایتام انتخاب شدند:

بندگان حضرت ثقهالاسلام ادام اللّه بقاه - حضرت مستطاب شیخ الاسلام - نواب والا شاهزاده محمد جعفر میرزا بصیر الممالك دام اقباله العالی - نواب اشرف والا شاهزاده محمدرضا میرزا رئیس پست خانه - جناب جلالتماب اجل آقای محاسب الدوله - جناب جلالتماب آقای آقا میرزا عبداللّه خان امیرپنجه - جناب مستطاب زبده الارکان و الاعیان آقای حاجی محمدحسین صاحب تاجر کازرونی - جناب مستطاب آقای میرزا مسیح خان ناظم الاطباء - جناب جلالتمآب آقای آقامیرزا فضل اللّه خان دام اقباله - جناب جلالتماب آقای آقامیرزا احمدخان امیرپنجه - جناب

جلالتماب آقای آقا میرزا رضاخان نائینی - جناب مستطاب شریعتمآب آقای صدرالمحدثین - جناب مستطاب زبدهالاشراف حاجی سید محمدحسن بنکدار - مدیر مدرسه مبارکه.(۱)

همان طور که ملاحظه می شود مرحوم آقاخان محاسب الدوله هم در جمع شرکت کنندگان و در این جلسه حضور داشته و او هم به عنوان یکی از اعضاء انجمن انتخاب می شود و شاید سابقه تحصیل او در دارالفنون که نوعی تحصیلات دانشگاهی محسوب می شده در این گزینش مؤثر بوده است. نگارنده احتمال می دهد که حضور محاسب الدوله در این انجمن موجب تشجیع او برای گشودن مدرسه ای دیگر شده است که متعاقباً به آن خواهیم پرداخت.

نورالدین مجلسی کیست؟

(۲)

نورالدین مجلسی که در تشکیلات مدرسه ایتام سمت نظامت داشت و در لایحه

ص: ۱۰۴

۱- ۷۷. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۲۵ ص ۶ و ۷ سال اول ج۱۳۲۵ ه .ق.

۲- ۷۸. میرزا محمد حسین، ملقب به «نورالدین» و معروف به «مجلسی» و متخلص به «چهره»، (۱۳۴۷ - ۱۲۷۴ ه ق) از دانشمندان و ادبا و واعظان و روزنامه نگاران و آزادی خواهان صدر مشروطیت اصفهان که پس از فوت در تکیه خوانساری در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

افتتاحیه تصـدی نظامت مـدرسه به عهده او اعلام شده است، از چهره های مطرح روز و در تنویر افکار و ترویج معارف ساعی و پیش قدم بوده است.

نورالدین با داشـتن هنر نویسـندگی و شاعری و نوشـتن انواع خطوط و احاطه به اطلاعات وسـیع اجتماعی در کشـمکش های اوایل مشـروطیت انتشار روزنامه را وجهه همّت ساخت لذا به این دلیل و دلایل دیگر پس از اندک زمانی از نظامت مدرسه کناره گرفت و معین الاسلام خود به تنهائی انجام همه امور را متکفل شد و تا آخرین روزهای اشتغال، اسناد مدرسه از او به عنوان مدیر و ناظم نام برده است.

نورالـدین مجلسـی ابتـداء روزنامه فرج بعـد از شـدّت و سـپس روزنامه بلدیه را منتشـر ساخت و در همین اوقات هم قلماً در ترویج معارف می کوشـیده است مثلاً در روزنامه فرج بعـد از شـدت طی مقاله ای در تحسـین و تشویق کسانی که به معارف می پردازند می نویسد: «... و باز در تأکید طلب کردن علم می فرماید: «اطلبوا العلم ولو بالصین» طلب علم کنید اگر چه به رفتن به چین باشد. و غرض پیغمبر صلی الله علیه و آله از این فرمـایش جنس علم است. چرا که الـف و لاـم جنس است و مقصـود حضـرت از این فرمـایش تمـام علوم است که بعضـی راجع به معـاد و بعضـی دربـاره معـاش است که علم صـنایع باشـد که تحصـیلش بر مـا لاـزم است اگرچه به رفتن به چین باشـد چرا که آبـادی هر مملکتی اولاً موقوف به داشـتن قوت است و قوت موقوف به داشـتن ثروت است و ثروت موقوف به داشـتن صـنعت است و صـنعت موقوف به تحصـیل علم است و تحصیل علم موقوف به تأسیس مدارس است(۱) پس امروزه هیچ چیز

۱- ۷۹. سـید جمال الدین واعظ اصفهانی هم که از چند سال قبل از مشروطیت در میادین مبارزات ضد استبدادی پرسه می زده و به سهم خود برای رهائی وطن از چنگال اسـتبداد داخلی و عوامل خارجی می گفته و می نوشـته است، می گویـد: «... پس نتیجه تمام این مقدمات این شـد که مـا بایـد تحصـیل علم کنیم و مـایه شـرافت تمـام نیات ما علم است و جان تمام ترقیات علم است. خاتم دست سلیمان است علم جمله عالم صورت و جان است علم واعظ اصـفهانی - سیّد جمال الدین - لباس التقوی - نشر تاریخ ایران - تهران چاپ اول ۱۳۶۳ه .ش. به کوشش هما رضوانی ص ۶۸.

برای ما لازم تر از مکاتب و مدارس نیست چرا که هر مملکتی که در روی زمین آباد شد تواریخ و جراید به ما خبر می دهد که به این ترتیب شد. این ترقی فوق العاده که برای ژاپون پیدا شد در این مدت قلیل نبود مگر بواسطه علم ...».(۱)

نورالدین مجلسی در ادامه کار روزنامه بلدیه را منتشر ساخت و به مشاغل و مسئولیت هائی در ارتباط با بلدیه نو تشکیل نیز می پرداخت.

معین الاسلام در این ایّام با شوق وافر و نیّت خالص همه امور مدرسه ایتام را شخصاً و با کفایت کامل کفالت کرد. به همه طرق شرعی و محترمانه ممکن برای تأمین نیازهای مالی مدرسه دست یازید و در همه موارد رأی صائب او کارساز بود. به هر نحو ممکن ولو اندک و نمادین و حتی برای یک بار، مشارکت مالی حکام وقت را جلب می کرد به عنوان مثال به متن ذیل توجه فرمائید:

عرض تشکر

چون در موقع ورود میمنت مسعود بندگان حضرت مستطاب اشرف اسعد اعظم والا حضرت نیرالدوله(۲) فرمانفرمای ایالت جلیله اصفهان دامت شوکته و عظمته متعلمین مدرسه ایتام به اتفاق مدیر مدرسه برای عرض تبریک و تقدیم ادعیه خالصانه ایتام به حضور مبارک ایالت کبری مشرّف شدند و مورد الطاف و تفقدات ملوکانه گردیدند و مبلغ بیست و پنج تومان نقد باعانه مدرسه کرم فرمودند ...».(۳)

ص: ۱۰۶

۱- ۸۰. روزنامه فرج بعد از شدت / ش ۱ / ص ۱و۲ / سال اول شعبان ۱۳۲۵ه .ق.

۲- ۸۱. سلطان حسین میرزا معروف به شاهزاده پیش خدمت نوه ی فتح علی شاه بود. پس از درگذشت پدرش پرویز میرزا نیرالدوله(پسر پنجاه و سوم فتح علی شاه) ملقب به نیرالدوله شد. ابتدا حکومت های درجه ی دو و سه مانند سبزوار و نیشابور و غیره داشت و بعد به حکومت شهرهای بزرگ رسید از جمله زمانی هم حاکم تهران شد. نیرالدوله پس از نظام السلطنه چند صباحی هم حاکم اصفهان بود. رفتار و کردارش همانند سایر شاهزادگان ایل قاجار توأم با تفرعن و تکبر و مبنی بر مال اندوزی و چپاول بوده است. ر.ک. از جمله: مهدی بامداد تاریخ رجال ایران جلد ۲ صفحات ۹۱ - ۸۶.

۳- ۸۲. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۲۸ ص ۳ سال اول جمادی الثانی ۱۳۲۵ه .ق.

جالب توجه اینکه، همین ایالت کبری در طوفان هیجانات و التهابات مشروطیت چون خس و خاشاک مسلوب الاراده و منفعلانه اندک مدتی در اصفهان مانـد و جـایش را به دیگری داد که خود جـای تحقیق و بحث مسـتوفی دارد اما جالب توجه تر آنکه دانش آموزان یا به اصـطلاح روز متعلمین مـدرسه ایتام همراه با مدیر مدرسه در تظاهرات و تجمعات اعتراض آمیز مردم فعالانه شـرکت داشـته اند. برای مشاهده مثال هائی در این زمینه ن. ک به جراید آن روز از جمله روزنامه جهاد اکبر، ش ۴۰، ص ۷، سال اول ذی القعده ۱۳۲۵ه .ق. و روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، شماره ۲، ص ۵، سال ۲ ذی القعده ۱۳۲۵ه .ق.

ص: ۱۰۷

تصویر



معین الاسلام (نفر وسط) و جمعی از معلمین مدرسه

ص: ۱۰۸

آزمون سه ماهه

عصر روز دوشنبه دوم رجب سال ۱۳۲۵ هجری قمری، مدیر مدرسه از اعیان و اشراف ذوی الاحترام با امضاء آقای ثقهالاسلام، دعوت می کند که برای تشویق اطفال و امتحان سه ماهه آنها

در مدرسه ایتام واقع در محله شمس آباد حضور به هم رسانند. امتحان به خوبی انجام می شود و اطفال مورد تشویق حضار قرار می گیرند. در این بین «جناب صدرالمحدثین خوانساری خطبه منیفه ادا نموده خیلی با اثر باعث گریه و انقلاب حاضرین شد بعد بنای اعانه شهریه برای مدرسه شد همه حاضرین همراهی نمودند من جمله آقای ثقهالاسلام هشت تومان مجموع مبلغ بیست تومان فراهم شده بنا شد بر همین قرار در هر ماه این مبلغ داده شود ...».(۱)

در این جلسه معین الاسلام موفق می شود برخی دعوت شدگان را متعهد کند که فعلاً ماهی مجموعاً بیست تومان به طور استمرار را بر ذمّه گیرند.

ماوقع مذکور در فوق که در روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ذیل عنوان «مدرسه ایتام» درج شده است، متصمن دو خبر دیگر نیز می باشد:

۱ - اعلام می کند که تعداد اطفال به سی و هفت[۳۷] نفر بالغ شده است. معین الاسلام در لایحه افتتاحیه نوشته بود که تعداد اطفال را از بیست و پنج[۲۵] نفر تا پنجاه الی صد نفر افزایش خواهد داد لذا در قدم اول موفق به جذب دوازده متعلم یتیم جدید شده است.

۲ - می نویسد: «... چشم اهالی وطن روشن که تمام اطفال دبستان ملبّس به لباس اسلامی خودمان بودند ...».(۲)

توضیحاً اشاره می شود که در این ایام نهضت پرشوری برای احیاء صنعت وطن(۳)

ص: ۱۰۹

۱- ۸۳. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۳۳ ص ۶و۷ سال اول ۸ رجب ۱۳۲۵ه .ق.

۲- ۸۴. همان شماره همان صفحه.

۳- ۸۵. اصفهان در عهد این خسرو ز صنعت ها شده است بر فرنگستان و صنعت های وی شنعت زنان اندرو هر سو مهیا کارخانه صنعتی ساکن هر کارخانه گربزانی کاردان زو سپاهان می زند بیغارها بر روم و چین از حریر و دیبه و ثوب پرند و پرنیان بار ملبوسات ازو بین قافله در قافله حمل منسوجات ازو بین کاروان در کاروان هان تو گوئی یک جهان است از هنرهای شگرف اصفهان کش می بخوانندی مهان نیمه جهان از اشعار محمدتقی فصیح الملک «شوریده» شیرازی - نقل از کتاب لباس التقوی صفحه ۷۸-۷۷

در جامعه شکل گرفته بود. از جمله در مورد منسوجات و نساجی و تبلیغ اینکه از پارچه های کرباس و کیش دست باف خودمان لباس تهیه کنیم هزار مرتبه بر پارچه های عالی وارده از فرنگ مزیت و شرف و افتخار دارد. خطابه ها و سخنرانی های شورانگیز در مجالس و محافل ایراد می شد. همزمان حاج محمدحسین کازرونی مؤسس شرکت اسلامی(اسلامیه)(۱) با تشویق های آیهاللّه حاج آقا نوراللّه و اعضاء انجمن ولایتی نسبت به تولید پارچه برای ملبوس مردم اقدام کرد و غرض از لباس اسلامی در عبارت مدیر مدرسه ملبوس اطفال است که از پارچه های بافت وطن دوخته شده بود. مدیر مدرسه در لایحه افتتاحیه آرزو کرده

ص: ۱۱۰

۱- ۸۶. به متن زیر که برگرفته از کتاب: «Gorge curzon, Persia and the Persian Question» ج ۲ ص ۵۶۱ توجه کنید: «کرزنGorge Curzon نیز در دهه آخر قرن نوزدهم می گوید: گذشته از اشیاء تجملی غربی که طبقات بالاـ به آن معتاد شده اند تا پوشاک همه طبقات جامعه از مردان گرفته تا زنان، جملگی از غرب وارد می شوند. ابریشم، ساتن و ماهوت برای طبقه اعیان و قماش نخی و پنبه ای برای همه طبقات. لباس یک روستائی ساده از منچستر یا مسکو می آید و نیلی را که همسر او بکار می برد از بمبئی وارد می شود در واقع از بالاترین تا پائین ترین مراتب اجتماعی بطور قطع وابسته و متکی به کالاهای غربی شده اند». در اینجا دلسوختگان، مسئولین واقعی در طبقات مختلف جامعه دست بکار می شوند و: «حاج محمدحسین تاجر کازرونی نیز انجمنی بنام انجمن اسلامی برای ترویج پارچه های وطنی تأسیس نمود. در نتیجه این اقدامات زمینه تشکیل یک شرکت بزرگ ملی برای بی نیازی از امتعه خارجه فراهم آمد و در سال ۱۳۱۶ه .ق./ ۱۸۹۸ ب م شرکت اسلامیه اصفهان از طبقات علماء اعلام و امراء کرام و تجار ذوی الاحترام و کسبه از خواص و عوام با انتشار یک کرور تومان سهام که به پنجاه هزار سهم ده تومانی تقسیم شده بود تشکیل گردید و بزودی یکصد و پنجاه هزار تومان سرمایه اولیه شرکت گرد آمد... . بسیاری از علماء بزرگ اصفهان مثل مرحوم ثقه الاسلام حاج شیخ محمد علی و جناب ثقهالاسلام آقای حاج شیخ نوراللّه، تمام لباس خود حتی عمامه را از پارچه های اصفهان قرار دادند». متون داخل « »(گیومه) از: اشرف – احمد «موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه» انتشارات زمینه چاپ اول خرداد ۱۳۵۹ صفحات ۹۱ و ۱۰۱.

بود ملبوس اطفال را هم تأمین کند و چنین کرد.

امور مـدرسه با نظم و ترتیب پیش می رود. همه اندیشه و فعالیت مدیر متوجه و متمرکز بر حسن اداره مدرسه است. در جامعه آشوب و هرج و مرج حکمفرماست و در زمینه های فکری، بحث و جدلهای مربوط به مشروطه و استبداد کماکان جریان دارد. هیجان و میل به نجات وطن از طریق تأسیس واحدهای آموزشی و گسترش معارف در بین انقلابیون همچنان جاری و ساری است. باورمندان به وجوب توسعه مراکز آموزشی کماکان بالقوه بدین مهمّ می اندیشیدند و بالفعل در این راه می کوشیدند.

میرزا آقاخان محاسب الدوله(مصفی) نیز که از سابقین معتقدین این فکر بود اینک که در جمع دیگران به عضویت در انجمن مدرسه ایتام انتخاب شد، عملاً در کوران مسائل آموزشی قرار گرفت و بیش از پیش اندیشه تأسیس مدرسه ای در سطوح بالاتر از ابتدائی در او نضج یافت.

محاسب الدوله دانش آموخته ای از دارالفنون در رشته مهندسی بود که به استخدام بانک شاهنشاهی درآمد. بانک شاهنشاهی(۱) همان بانک انگلیس بود که رویتر و در حقیقت استعمار انگلستان توانست به رشوه و عشوه با کارگزاری میرزا علی اصغرخان امین السلطان(اتابیک اعظم بعدتر) و بازی سازی سر درومندولف وزیرمختار انگلیس، در ژانویه ۱۳۰۶ = ۱۸۸۹ه .ق.(۲) امتیاز آن را از ناصرالدین شاه

۱- ۸۷. چگونه راضی می شدیم که اجانب، و اباعد از شش جهت به ما احاطه کرده باشد و شب و روز هر هفت گروه، شش دانگ حواس خود را مصروف به این کنند که به چه وضع تازه و به کدام قسم جدیدی از ثروت و عدّت ما بدزدند و... یک وقت به روباه بازی خواب خرگوشمان می دهند، یک وقت بنگ غفلت به خوردمان داده، تشکیل بانک می کنند، یک وقت شیشه هوشمان را به سنگ زده امتیاز راه شوسه می گیرند یک وقت طبیب حاذق شده احداث مریض خانه مجّانی می کنند یک وقت بنای معلم خانه گذارده معلم مشفق می شوند و همواره ...». واعظ اصفهانی سید جمال الدین «لباس التقوی» نشر تاریخ ایران چاپ اول تابستان ۱۳۶۳صفحه ۲۸ به کوشش هما رضوانی.

۲- ۸۸. بانک شاهنشاهی ایران گذشته از نشر اسکناس و تسلط بر بازار پول کشور، در تجارت خارجی نیز نقش عمده ای داشت و پس از چندی بر بازار مبادله اسعار خارجی تسلط کامل پیدا کرد و عملاً صرافان ایرانی را از میدان رقابت بدر کرد. گذشته از آن بانک شاهنشاهی عامل مؤثری در گسترش فعالیت بازرگانان انگلیسی و حفظ منافع آنان در ایران بود... تسلط بانک بر بازار پولی کشور و دشواری هایی که غالباً تجار و صرافان ایرانی در معاملات خود با بانک داشتند سبب ایجاد نفرت در آنان نیز گردید. چنان که مأمور سیاسی انگلستان در گزارشی که هنگام شورش تنباکو می دهد اظهار می دارد که نفرت بازاریان شیراز بیش از آنکه توجه امتیاز تنباکو باشد، معطوف به فعالیت های بانک شاهنشاهی است. دیگر دشمن سنتی یعنی دولت روس هم بیکار ننشست و یک سال پس از اعطای امتیاز بانک به رویتر، یکی از اتباع دولت روس بنام لازاریولیاکوف L.Poliakov در سال ۱۳۰۷ه .ق. = ۱۸۹۰ ب م با حمایت پرنس دالگورگی وزیر مختار روسیه در تهران امتیاز نامه انجمن استقراضی ایران را که در سال ۱۳۰۹ه .ق. ۱۸۹۲ ب م بانک اسقراضی ایران نامیده شد برای مدت ۷۵ سال بدست آورد. این بانک در سال ۱۳۱۱ه .ق. ...عملاً زیر نظر وزارت دارائی روسیه درآمد». اشرف - احمد «موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه» انتشارات زمینه - چاپ اول - خرداد ۱۳۵۹ صفحات ۵۹ و ۶۰.

قاجار بگیرد. یعنی تأسیس بانک با حق انحصاری صدور اسکناس به مدت شصت[(۱)] سال و حق انحصاری در تمام مملکت برای استخراج معادن آهن، مس، سرب، منگنز، زغال سنگ و غیره.

اعطاء چنین امتیازی به یک کشور بیگانه، به چوب حراج می ماند که بر پیکر نحیف ایران زده باشند. مؤلف کتاب عصر بی خبری می نویسد: «یکی از مؤسسات انگلیسی که تقریباً مدت نیم قرن زنجیر اسارت اقتصادی به دست و پای ملت ایران افکنده بود بانک شاهنشاهی ایران است».[(۲)]

«... قبل از مبادله آن(یعنی امتیازنامه) ناصرالدین شاه توسط امین السلطان از سر هنری درومونـد ولف وزیر مختار انگلیس و جرج رویتر حلّ چند مسئله را می خواهد که مهمتر از همه یکی تعهد پرداخت یکصد هزار تومان(چهل هزار لیره انگلیسی) وام بود که برای مخارج سفر اروپا نهایت ضرورت را داشت... این نظرها(درخواست ها) با نوشتن چند تعهدنامه به عنوان منضمات و ملحقات امتیاز نامه بانک شاهنشاهی تأمین می گردد... «امضاء کننده ذیل متعهد می شود به مبلغ

۱- ۶۰. از همان روز اول فکر بانی آن در کار مدرسه بی اثر و سایه او از سر این مؤسسه کوتاه گشت(قتل امیرکبیر) یعنی روزی که مدرسه گشوده شده، بجای اینکه بگذارند مدرسه، یعنی مجلس درس و بحث و پیشرفت علمی باشد، آن را در ردیف مؤسسات درباری و تجلی گاه تظاهرات و تشریفات سلطنتی درآوردند». همان مرجع صفحه ۳۰۹.

۲- ۸۹. عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات ایران - تألیف ابراهیم تیموری ص ۱۷۸ - چاپ اقبال - تهران - ۱۳۳۲ه .ش.

چهل هزار لیره انگلیزی فوراً به ورود خودش به لندن به حضور اعلیحضرت اقدس همایونی کارسازی نماید... تحریراً در طهران به تاریخ سیم جانویه هزار و هشتصد و هشتاد و نه ۱۸۸۹ «محل امضاء و مهر جارج دورویتر» در حضور من امضاء شد(محل مهر و امضاء هنری درامندولف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس به دربار ایران»(محل مهر سفارت انگلیس).(۱)

محاسب الدوله از عضویت خود در بانک شاهنشاهی چنین می گوید:

«... مدتی در طهران در اداره معادن بانک شاهنشاهی مشغول بودم. گاهی برای کشف معدنیات به اطراف مسافرت می نمودم یک سفرهم به اتفاق همان جنرال شیندلر برای افتتاح بانک شاهنشاهی به اصفهان آمدم و پس از سه ماه اقامت و تأسیس بانک به طهران مراجعت کردم. پس از مدتی در بانک شاهنشاهی اصفهان اختلالاتی پیدا شد برای اصلاح و رفع آن اختلافات بنده را به اصفهان فرستادند(سالهای) متمادی در بانک شاهنشاهی اصفهان مشغول بودم. پس از مدتی به علت ضعف قوی و ضعف باصره از بانک استعفا دادم. رؤسای بانک شاهنشاهی این استعفای بنده را

با کمال تأسف که کاغذش موجود است قبول کردند و مبلغ دوهزار و پانصد ریال به بنده لطف کردند ...».(۲)

مرحوم سید مصلح الدین مهدوی در ترجمه مرحوم محاسب الدوله می نویسد: «میرزا آقاخان محاسب الدوله فرزند حسینقلی خان مصفی فاضل و عارف از دانشمندان معروف و عرفاء مشهور و از مشایخ سلسله نعمت اللّهیه صفی علیشاهی در اصفهان بود که از طرف ظهیرالدوله اجازه ارشاد و دستگیری داشت و در اواخر

۱- ۹۰. همان مرجع ص ۱۹۰ برای آگاهی بیشتر ر.ک. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ ج ۴ ص ۱۵۲۷ تألیف محمود محمود.
۲- ۹۱. یادمان نکوداشت یکصدمین سال تأسیس مدرسه علیّه اصفهان: سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان ص ۶۴.

عمر جزو پیروان مرحوم آقامیرزا عباس صابر علی پاقلعه ای درآمد ...».(۱)

محاسب الدوله می نویسد: «... یکی از کارهائی که همیشه مایل و شایق بودم توسعه و ترویج معارف بوده با محذوراتی که در پیش بود ...».(۲)

محاسب الدوله در آن زمان خود از جوّ ملتهب جامعه و بیگانه گریزی و بیگانه ستیزی عامه مردم آگاهی کامل داشت. هنوز چند صباحی بیش از تعطیلی مدرسه میرزا اسداللّه خان منشی قنسولگری روس نگذشته بود. مؤلف تاریخ فرهنگ اصفهان در مورد مدرسه علمیّه می نویسد: «در سال ۱۳۲۲ه .ق. مرحوم آسید خلیل که از دراویش نعمت اللّهی و از تابعین عالم ربانی مرحوم حاج ملا سلطانعلی گنابادی و دارای فکری روشن و بلند بود، مدرسه ای به طرز جدید در پشت باغ چهلستون در محل دروازه دولت و محل فعلی خیابان سپه کنونی تأسیس نمود. عمارت مدرسه باغ بزرگ و مفرّحی بود و مدیریت و سرپرستی آن به عهده مرحوم میرزا اسداللّه خان منشی قنسولخانه(کنسولگری) روس بود. این مدرسه نیز دوامی ننموده به علت مخالفت عده ای در اندک زمانی منشور انحلال در نوشت».(۳)

از مجموع مطالب منتشره و عملکرد مرحوم میرزا آقاخان محاسب الدوله برمی آید که نامبرده مردی زیرک، فاضل، عالم و کریم النفس بوده که به تدریج نوعی قبول عامه یافته و با ایجاد روابط نزدیک با مرحوم آیهاللّه حاج آقا نوراللّه و حسن قبول ایشان، چتری از حمایت ضمنی را بر سر خود گسترده بود. با عنایت به همین مراتب است که می بینیم جهاد اکبر ذیل عنوان انتخاب وکلاء از هم مسلکان و برادران وطنی می خواهد اشخاصی را که قابل وکالت می دانند در جرائد معرفی کنند و تأکید می کند افرادی را معرفی کنند که عالم به حقوق بین الملل و علومات

۱- ۹۲. تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان چاپ دوم کتاب فروشی ثقفی ص ۱۳.

۲- ۹۳. یادمان نکوداشت یکصدمین سال تأسیس مدرسه علیّه اصفهان: سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان ص ۶۵.

۳- ۹۴. تاریخ فرهنگ اصفهان - مجتبی ایمانیه انتشارات دانشگاه اصفهان ۱۲۲ - ص ۱۶۶ - ۱۶۵.

جدیده بوده بصیر به حال حالیه مملکت و بی طمع و غرض و متدین باشند... آنگاه خود افراد مفصله الاسامی ذیل را پیشنهاد می کند:

«جناب آقای ثقهالاسلام - جناب آقا سید حسن اسفه - جناب محاسب الدوله - جناب محمد جعفر میرزا - جناب میرزا ابراهیم خان - جناب میرزا مسیح دکتر - جناب وثیق الملک نسبت به اهالی این ولایت دارای کمال و اطلاعات و عالم به مقتضیات مملکت هستند معرفی می نمائیم خواهید گفت یکی از اینها مستخدم خارجه هستند چرا برای وکالت نوشته اید جواب عرض می کنم شدت

وطن پرستی که در آن وجود محترم هست ایشان را از استخدام خارجه مستعفی می دارد و شرف وکالت به درجه ای است که(لرد کرزن) از فرمانروائی هندوستان استعفا داد و قبول وکالت پارلمان را نمود».(۱)

مدرسه علیّه – مدرستین علیّه و ایتام

محاسب الدوله سرانجام در روز پانزدهم شعبان المعظم ۱۳۲۵ه .ق. مدرسه علیّه را تأسیس می کند. در همان روز جشن افتتاح آیهاللّه حاج آقا نوراللّه با درایت و کیاست کم نظیر خود، برای تضمین ماندگاری مدرسه و جلوگیری از تعطیل حتمی الوقوع آن، مدیریت مدارس علیّه و ایتام را ادغام و انجمن مدرسه ایتام را در رأس هر دو قرار داد. متعاقباً و در اجرای مقصود حیاط دیگری در جوار مدرسه علیّه تهیه می شود و مدرسه ایتام از شمس آباد به آنجا منتقل می گردد و تصدی سمت های مدیریت و نظامت مدرسه علیّه نیز به مرحوم معین الاسلام مفوض می شود. او که خود از اعیان علماء و رجال و مورد وثوق جامعه بود، موفق می شود با مدیریت و هدایت مؤثر و صحیح سالیان دراز(اسناد تا محرم الحرام ۱۳۴۰ه .ق. در دست است) مدرستین را با نشاط و پویائی از عقبات محذورات و ملاحظات مالی و

۱- ۹۵. روزنامه جهاد اکبر ش ۲۲ ص ۲ سال دوم رجب ۱۳۲۷ه .ق.

سیاسی بگذراند. مشروح اعلامیه تأسیس و مذاکرات و مطالب مطروحه در سبب ادغام بشرح ذیل است:

بشارت

شنبه ۱۵ که عید سعید مولود بقیهاللّه فی الارضین حجت بالغه عصر بود مدرسه علمیه موسومه به علیّه محض خدمت به ابناء وطن عزیز در جنب مسجد مرحوم آقا میر سید حسن مدرس رحمهاللّه علیه تأسیس شده و اکثر اعیان و اشراف و مؤسسین مدره ایتام که اُسّ اساس حضرت ثقهالاسلام هستند تشریف داشتند و صرف شیرینی و چاهی(کذا) و شربت نمودند و... مذاکره نمودند بهتر این است که مدرسه ایتام با این مدرسه علیّه توأم گردند و به تحصیل کمالات علمیّه جداً بذل جهد بنمایند. اکثر اعضاء رأی دادند برخی را اعتقاد این بود که تا دو ماه دیگر به همین نحو باشد بعد از دو ماه این خیال اجرا شود حضرت ثقهالاسلام نطق جامعی فرمودند که اولی و انسب اتحاد این دو مدرسه است چرا که اطفال فقراء با اطفال اغنیا با هم آمیزش می کنند لذا رشته اتحادشان هرچه بزرگتر می شوند محکم تر گردد و از این اتحاد نتایج خوب خوب رخ می دهد... .

آنگاه اطفال ایتام که پنجاه نفر(۱) می شدند با معلم آمدند و صف کشیدند و یک نفر آنها خطبه فصیحه ادا نموده... مجلس ختم شد و در این خصوص اعلانی نمودند صورت آن:

هو العلی الاکبر

منّت خدای را که به تأییدات امام عصر عجل اللّه تعالی فرجه به اذن و اجازه ایالت کبری دامت شوکتها و به تصویب و سرپرستی حضرت ثقهالاسلام دامت برکاته

۱- ۹۶. معین الاسلام وفای به عهد کرده است. حال پنجاه نفر یتیم تحت تعلیم دارد ر.ك روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۲۳ ص ۷و۸ سال اول و مقاله تعریض گونه مدیر روزنامه در همان صفحه.

العالی(کذا) مدرسه در تحت نظارت دوازده نفر اعضاء انجمن ایتام در اول محله درب کوشک نزدیک مسجد رحیم خان برای تدریس و تعلیم مندرجات ذیل انشاء اللّه الرحمن از پانزدهم شهر شعبان مفتوح خواهد شد و نظر به شرافت و سعادت اسم مقدس حضرت مولی الموالی ارواح العالمین له الفداء تیمناً و تبرکاً این مدرسه را به اسم آن بزرگوار نسبت داده و علیّه موسوم ساختیم و امیدوار چنانیم که از باطن فیض مواطن آن بزرگوار و ائمه اطهار سلام اللّه علیهم اجمعین که ابواب علوم اولین و آخرین اند افتتاح و پیش رفت کلی در تحصیل شاگردان این دارالعلم حاصل شود. علومی که در این مدرسه تدریس می شود:

علوم دینیّه از اصول دین و فروع دین از قبیل جامع عباسی و شرایع و غیرهما و تجوید و مقدمات ریاضی و بعضی از مؤخرات مفیده.

حساب – معرفت جدول لگاریتم – هندسه هشت مقاله – جبر و مقابله دو درجه – هیئت مجسطی – جغرافیا – مثلثات مستقیم الخط – نقشه کشی – مساحی – قسمت اراضی – فارسی – عربی – زبان انگلیسی – زبان فرانسه – اصول علوم طب: فیزیک شیمی – تشریح – پاتولوژی – پیاده نظام – مشق پا – مشق تفنگ.(۱)

۱– ۹۷. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۳۹ ص ۷ و ۸ سال اول یکشنبه ۲۰ شعبان ۱۳۲۵ه .ق. = ۱۲۸۶ه .ش.

بخش چهارم : شرایط سخت زمان

اشاره

توفیق رجال این سرزمین در تأسیس مدارس و بسط معارف در یکصد سال پیش از این، با در نظر گرفتن شرایط زمان، سهل و آسان حاصل نشده است. آنچه در صفحات قبل از دستاوردها اشاره شد، نتیجه مبارزات پیگیر نخبگانی است که معتقد بودند رهائی از جهل و بیسوادی راز و رمز موفقیت های اجتماعی است و تا زمانی که مراکز آموزشی جدید به وفور و میزان کافی تأسیس نشود، به این موفقیت نائل نخواهیم شد در شوال سنه ۱۳۲۵ه .ق. آیهاللّه حاج آقا نوراللّه رئیس انجمن ولایتی طی نطقی در انجمن، کارهائی را که انجمن در این مدت کوتاه انجام داده، در هجده مورد احصاء کرده است و در ردیف چهاردهم بیان می کند:

«چهاردهم - توسیع دایره معارف از قبیل مریض خانه و مدرسه ایتام و سایر مدارس که فعلاً بالغ بر سیزده مدرسه می شود و توسیع دایره روزنامه».(۱)

همه آن کسانی که با کوشش فراوان برای تحقق بسط معارف می کوشیدند ناچار بودند همزمان با عوامل استبداد نیز مبارزه کنند و در حقیقت در دو جبهه آثار زیانبار جهل و استبداد را از جامعه بزدایند. قسمت اعظم وقت مردم در تظاهرات و مقابله علیه عوامل استبدادی می گذشت.

بار سنگینی از وظیفه دفاع بر دوش مدارس، همین نهادهای نوپا و میوه های نورس مشروطیت بود. روزنامه های آن سال ها(۱۳۲۵ - ۵۷ .ق.) مشحون از این اخبار است.

۱- ۹۸. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان / سال اوّل / ش ۴۸ / ص ۸ / یکشنبه ۲۴ شوّال ۱۳۲۵ه .ق. مطابق با ۱۲۸۶ه .ش.

از جمله و بطور مثال: «... در این وقت اطفال مدارس دسته دسته جوقه جوقه با بیدق های الوان آمدند نخست اطفال مدرسه ایمانیه نوحه سرائی می کردند مابقی دم می گرفتند به این مضمون:

باز این چه هیاهو است که امروزه بپا شد

در راه وطن نوبت جانبازی ما شد

بعد از آن اطفال مدرسه علیّه آمدند که یکی از اطفال به سن هفت سال خطبه مهیجانه در کمال بلاغت خوانده مشعر بر اتحاد قومیت و جانبازی در راه وطن عزیز بعد از آن، اطفال مدرسه ایتام آمدند. باز طفلی به سن هفت سال خطبه بلیغه اداء نمود مشعر بر همان مضامین. الحق والانصاف از حرکات مهیجانه و خطب بلیغه اطفال محشری بر پا گردید که دل سنگ آب می گشت که قلم تحریر از نوشتن عاجز است ...».(۱)

از آنجا که وجود یا عدم آرامش در اجتماع در مفتوح بودن مدارس و کیفیت آموزش مدخلیّت تام دارد و مسائل گریبانگیر واحدهای آموزشی نیز همچون سایر نهادها و اجزاء اجتماع متأثر از بحران های سیاسی ناشی از مداخله های بیگانه و دسایس بقایای نظام استبدادی و مشکلات موجود در جامعه آن روز بوده است، لذا در کمال اختصار به اهمّ وقایع و رخدادها در اصفهان آن روزگاران می پردازد و طی سطور آتی به چگونگی عملکرد مردم در عزل ظل السلطان و رویدادهای بعد از آن در استبداد صغیر اشاره دارد.

اصفهان در سال های اولیه بعد از انقلاب مشروطه

اصفهان، خسته از جور و ناتوان از ظلم قبیله قاجار و علی الخصوص حکومت ظالمانه دیرپای سی و چهار ساله ظل السلطان، دستخوش هرج و مرج بود. منتسبین

۱- ۹۹. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ش ۲ ص ۵و۶ سال ۲ ذی القعده ۱۳۲۵ه .ق.

و کارگزاران شبه نهادهای حکومت استبدادی، هنوز در گوشه و کنار شهر سرگرم توطئه و دسیسه بودند و پس از هر خرابکاری، در لاک خود می خزیدند. عامه مردم که تمرین و تجربه ای برای رویاروئی در این گونه میدان های سیاسی اجتماعی نداشتند، با صداقت و اعتقاد راسخ، بر این باور بودند که ابرهای تیره و ظلمانی ناکامی ها و ستم ها از این دیار رخت بربسته و لفظ مشروطه خود به تنهائی خط بطلان بر مشکلات دیروز کشیده است. غافل از اینکه ایادی حکومت استبدادی تا آخرین لحظه های حیات در پی آنند که آب رفته را به جو باز آرند.

ظل السلطان، مقارن سال ۱۳۲۵ه .ق. به ظاهر برای تهنیت سلطنت محمدعلی شاه و در واقع برای تقویت و تثبیت حکومت خود به تهران رفت. مردم اصفهان که از ستم او به جان آمده بودند، با حسن استفاده از غیبت او، در اعتراض به افعال و رفتار دیرینه اش همگی زبان به اعتراض گشودند. به مساجد رفتند یا در خانه علماء تجمع کردند و با پای فشردن به درخواست خود مبنی بر تغییر حکومت، علماء را نیز همراه و با خود به تلگرافخانه بردند و ضمن برشمردن مظالم ظل السلطان، عزل او از حکمرانی اصفهان را از مجلس و دولت خواستار شدند و ما در کمال اختصار، گوشه ای از وقایع اصفهان که منجر به عزل ظل السلطان شد را ذیلاً از روزنامه جهاد اکبر نقل می کنم:

«چنان ریشه معاندت و ضدیت این حکومت در همه جا دویده و شاخه هایش به هر طرف رسیده بود که سکنه تمام قری و دهات با کمال استعداد و نهایت استبداد با دسته های متواتره مهیّجه حرکت به شهر می کردند و اهالی هر محله از محلات شهر پیشوای خود را برداشته دو سه روز متوالی به تلگرافخانه مبارکه می آمدند... چنین انقلاب و شورشی در اصفهان بسیار عجیب و از وقایع نادره است. در مقابل این سیل عظیم، تدبیرات و جلوگیری های هواخواهان حضرت والا بود که آنها هم دسته ها تشکیل داده در مقابل عموم ملت چند روز مقاومت نمودند به حدی که در

طهران مشتبه شده بود و گمان رفته بود که نصف اهالی خواهانند و نیمه دیگر شاکی. روز چهارشنبه بیست و یکم محرم که روز نخست بستن دکاکین بود و آغاز شورش و بلوی، قاطبه مردم سراها و حجرات تجارتی و ادارات و دکاکین و اسواق را بسته عموماً جوقه جوقه و دسته دسته به سمت مسجد شاه حرکت کرده تا آن که بعدازظهر روز مزبور حضرت حجهالاسلام(مقصود آیهاللّه آقا شیخ محمدتقی معروف به آقانجفی است) و ثقهالاسلام(مقصود آیهاللّه حاج آقا نوراللّه) و آقای شیخ مرتضی(مقصود آیهاللّه علامه آقا شیخ مرتضی ریزی است) را به تلگرافخانه بردند و آقایان معظم لهم استعفاء حکومت سابق ر از طرف ملت تلگرافاً استدعا نمودند و شب جمعیت متفرق شد».(۱)

حکومت استبدادی نیز با مزدوران خود به مقابله با مردم پرداخت و با جمع کردن عده و عُده سعی در شکستن اراده مردم کرد.

زد و خورد و جنگ و گریز مدت چندین روز میان مردم و عمال مسلح و مکمل ظلّ السلطان ادامه یافت و سرانجام قوای استبدادی ناچار به عقب نشینی شد و تلگرافخانه که توسط آنها اشغال شده بود، تخلیه گردید و «... باز جمعیت عمومی به طریق نخستین به هیئت جامعه کامله حضرتین حجهالاسلام و ثقهالاسلام را برداشته به اتفاق سایر آقایان با سلام و صلوات و شکوه تمام همه روزه عصر به تلگرافخانه علیّه می رفتند و به حضور باهرالنور اعلیحضرت ایران پناه تظلم نمودند و با رؤسای مجلس و وکلاء اصفهان نیز مخابرات داشتند تا عصر شنبه که به مقصود

خویش نائل شده از وصول تلگراف ذیل هلهله شادی... را به اوج مهر و ماه رسانیدند. صورت تلگراف این است:

خدمت جنابان مستطابان حجتی الاسلام آقای نجفی و آقای ثقهالاسلام و سایر علماء اعلام و اهالی اصفهان، با اینکه در مخابرات این دو روزه نهایت مرحمت از

۱- ۱۰۰. روزنامه جهاد اکبر ش ۵ ص ۶ سال اول صفر المظفر ۱۳۲۵ه .ق.

جانب سنی الجوانب... نسبت به عموم اهالی اصفهان مبذول افتاده و یقین قطعی حاصل بوده که در اسکات و تفریق مردم اهتمام لازمه به عمل خواهد آمد ولی چون اقدامات آقایان به جائی منتهی نشده و خاطر رأفت مظاهر همایونی... تصویب نفرمود که امتداد این غائله مزید بر گرفتاری و زحمت اهالی اصفهان گردد محض اظهار مراحم کامله نسبت به عموم اهالی امر و مقرر فرمودند جناب مستطاب اجل اکرم افخم نظام السلطنه دام اقباله که به حسن رفتار و... معروف هستند به سمت حکومت اصفهان مستقلاً و مقتدراً مأمور و روانه تا دو روز دیگر عزیمت نمایند در این صورت باید با نهایت شکرگزاری مردم را متفرق دکاکین را باز نموده منتظر باشید تا از جانب جناب معزی الیه دستورالعمل لازم بر امورات ولایتی فرستاده شود و مدلول این تلگراف را به عموم اهالی اعلام نمائید. مشیرالدوله».(۱)

همان طور که ملاحظه شد، اعتراضات همه جانبه و فراگیر مردم موجب عقب نشینی دولت گردید و سرانجام محمدعلی شاه که باطناً با عزل ظل السلطان موافق بود او را معزول ساخت و حکومت مستبدانه سی و چهار ساله بلاانقطاع او بر اصفهان خاتمه یافت. معهذا فرزندان و ایادی او دست از سر مردم برنمی داشتند و به ارعاب و تهدید آنها می پرداختند به عنوان مثال یکی ۲ ماه بعد که ظل السلطان معزول و هنوز در طهران بود، فرزندش اکبر میرزا صارم الدوله،(۲) مادرش مونس السلطنه را که از

۱- ۱۰۱. روزنامه جهاد اکبر ش ۵ صفحه ۸ سال اول مورخ صفر المظفر ۱۳۲۵ه .ق.

۲- ۱۰۲. اکبر میرزا صارم الدوله یکی از سه نفر عاقدین قرارداد ننگین ایران بربادده ۱۹۱۹ میلادی است. این قرارداد با مقاومت دلیرانه مردم ایران به رهبری مرحوم مدرّس و مساعدت سیر حوادث جهانی و شرایط ناپایدار و متشنج داخلی، ناکام ماند و پس از مدت کوتاهی به آنجا رسید که قرار داد با هماهنگی انگلیس و به دست یکی از دیگر عوامل انگلیس یعنی سید ضیاء الدین طباطبائی باطل و ملغی شد. اکبر میرزا در هنگام عقد قرارداد وزیر دارائی کابینه حسن وثوق(وثوق الدوله) بود. انگلستان سهم او را از رشوه چهل هزار لیره پرداخت کرد و البته پس از تغییر سلطنت این پول از او مسترد شد. با ارتکاب این دو عمل شنیع در حق وی گفته اند: آن خائن جانی که هوالابتر شد بفروخت وطن کشنده مادر شد مادرکشی و وطن فروشی هردو از جمله کبائر گنه اکبر شد ر.ک: تاریخ رجال ایران / مهدی بامداد / جلد اوّل / ص ۳۵۱ – ۳۵۰ / چاپ تهران / زوار / ۱۳۴۷ش. – ذیل ترجمه وثوق الدوله و همین مجلّد ص ۳۲۲ ذیل ترجمه محتشم السلطنه و حاشیه ص ۳۴۶ همین مجلّد. به ویژه ر. ک «مستشار مالیه» (اسنادی از سیدنی آرمیتاژ اسمیت). صص ۲۰۷ – ۲۷۲ تاریخ معاصر ایران. فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال دهم شماره چهلم زمستان ۱۳۸۵.

ظلم و تهدیـد و آزار و اذیت او به آیت اللّه حـاج آقـا نوراللّه ملتجی و در منزل ایشان متحصن شـده بود را با کمال قساوت و بیرحمی در منزل معظـم له به ضـرب گلـوله کشت. مردم مؤمن، متـدیّن و معتقـد اصـفهان که اوامر قرآن کریم و دیگر آمـوزه هـای دینی را در تکریم و تعظیم والدین نصب العین داشتند و مخصوصاً عشق و احترام به مادر در وجود آنها مخمر و اطاعت از او را از واجبات می دانستند، از چنین عمل شنیع و غیرانسانی که وقوع آن هرگز برای آنها متصور نبود، برآشـفتند و این رویـداد بسـیار نادر، مجـدداً موجب هیجان عمومی شـد. روزنامه جهاد اکبر ذیل عنوان اخبار شـهری باز هم در این مورد چنین می نویسد: «... از روز شـنبه هفدهم تا دوشـنبه بیسـتم دکاکین و بازارها بسته و بسیاری مردم در مسـجد شاه اصـفهان تحصّن جسـته و چندین خیمه بر پا کرده بودند و از جهت آن واقعه هایله(قتل مونس السـلطنه – مادر) که نگاشته شد تشـکّی داشـتند و می گفتند که امنیّت از ما سـلب شده و تبعید اجزاء و ابنای(۱) حضـرت والا ظل السـلطان را عیناً می طلبند. آقایان حجتی الاسلام آقای نجفی و ثقهالاسلام هر روز کمال اهتمام می فرمودند که مردم سر کسب و کار خود بروند و

مردم امتناع می کردنـد... از چنـد روز قبل مردم به هیجان بودند و در مسـجد شاه اجتماع داشـتند. شب جمعه ۱۶ ظهیرالاسلام آقا شیخ مرتضی مجلس عبادت و دعا را که شب های جمعه در تخت فولاد اقامه می کنند برحسب اصرار مردم به

۱– ۱۰۳. به مصداق شـریفه (...یُخرج الحیّ مِنَ المیّت)، ظل السـلطان فرزندان صالح نیز داشته از جمله یکی از دختران او بسیار عفیفه و صالحه بوده است رحمهـاللّه علیها و گناه پـدران بر فرزنـدان نوشـته نشود اگرچه شآمت اعمال آنها سایه سـنگینی بر سـر فرزنـدان و فرزنـدزادگان می گسترد همچنـان که عمری محمـد حسن خـان اعتمادالسـلطنه لکه ننگین عمـل نـاجوانمردانه پـدر خود(مباشـرت در قتـل مرحوم امیرکبیر) را بر پیشانی داشت و به زبان حال می گفت: همه از ناخلف پسر نالند من بیچاره ناخلف پدرم

مسجد شاه مبدّل فرمودند. هنگامه غریبی در مسجد شاه برپا بود ...».(۱)

در اینجا ظل السلطان که مواجه با انقلاب مجدد مردم و عزم جزم آنها برای بیرون راندن او و فرزندان و اتباعش از اصفهان شد، سراغ آخرین تیر در ترکش می رود و با همان خوی استبدادی، مردم اصفهان را تهدید می کند که اگر از خواسته خود دست برندارند در تحت الحمایگی از روس و انگلیس از آنها انتقام خواهد کشید و تلگراف ذیل را مخابره می کند:

«در روز شنبه ۱۷ تلگرافی از حضرت والا ظل السلطان در انجمن قرائت شد که به توسط جنابان رکن الملك و ملاباشی مخابره کرده بودند، خلاصه اینکه از علاقه و مایملك خود در اصفهان صرف نظر نمی کنم و این حرکات سبب می شود که املاك خود را به خارجه بسپارم. انجمن اصفهان برائت جستند از اینکه کسی در صدد قطع علاقه ایشان باشد و بلوای عموم متضمن این سخنان نیست و بالجمله در این چند روز، هیجان مردم و اختلال حواس آقایان عظام از جهت بستن بازارها به نهایت بود. مردم تجار را به تلگرافخانه بردند و مخابرات مفصله با طهران نمودند که درج آنها از گنجایش اوراق بیرون است و از طهران خصوصاً وزارت داخله جواب های مشفقانه رسید. ابناء و اجزای حضرت والا هم غالباً در همین دو سه روز و بعضی زودتر از اصفهان بیرون شدند بعضی به طهران و ...».(۲)

مبارزات مردم اصفهان با ظل السلطان و ابناء او را در اینجا رها می کنیم...

که گیتی یکی نغز بازیگر است

که هر دم ورا بازیی دیگر است

سرت گر بساید به ابر سیاه

سرانجام خاک است از او جایگاه

سرانجام خاک است بالین و خشت

خنک آن که جز تخم نیکی نکشت

۱- ۱۰۴. روزنامه جهاد اکبر ش ۱۸ ص ۶ و ۷ سال اول ۲۴ جمادی الاولی سنه ۱۳۲۵ه .ق.

۲- ۱۰۵. روزنامه جهاد اکبر ش ۱۸ ص ۷ سال اول ۲۴ جمادی الاولی سنه ۱۳۲۵ه .ق.

بعد از ظل السلطان

بعد از عزل ظل السلطان و در کمتر از دو سال یعنی تا خلع محمدعلی شاه، اصفهان محکوم حکم چند حاکم بود. اولین آنها نظام السلطنه بود که بعد از مدت کوتاهی به فارس رفت و نیّرالدوله حاکم شد او نیز چند ماه بعد از کار استعفاء کرد و علاءالملک(۱) حکمران اصفهان شد و در همین اوقات محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست و تعطیل کرد و... .

استبداد صغیر

اقبال الدوله(۲) به حکومت اصفهان منصوب شد. حکمران اخیر در واپسین روزهای حکومت جائرانه، با افواج مسلح دولتی که علی القاعده بایستی عامل ایجاد نظم و

---

۱ – ۱۰۶. سید محمودخان دیبا که در سال ۱۳۰۸ه .ق. ملقب به علاءالملک شد، قبل از انتصاب به حکومت شهرهای مختلف، سال ها در روسیه و عثمانی سمت های دیپلوماتیک داشت. او قریب ۹ سال(تا سال ۱۳۱۲ه .ق.) وزیر مختار ایران در روسیه و سپس ۷ سال سفیر کبیر ایران در اسلامبول(تا سال ۱۳۱۹ه .ق.) بوده است. پس از آن به تهران احضار شد و بعد از مدت کوتاهی به حکومت کرمان منصوب گردید. علاءالملک چون بیشتر عمر خود را در خارج از ایران به سر برده در زمان حکومتش خیلی پای بند تشریفات مرسوم حکام نبوده مثلاً اگر قصد رفتن یا بازدید از محلی داشت به جای اینکه فراشان متعدد مسیر حاکم را قرق و در جلو و یا پشت سر او چماق به دست حرکت کنند، غالباً تنها سوار بر الاغ شده و نوکرش هم سوار بر الاغ یا اسب دیگری او را همراهی می کرده است از این جهت در بین مردم کرمان معروف شده بود به(حاکم دو خره). علاءالملک مدت کوتاهی هم حاکم اصفهان بوده است و پس از آن دوبار وزیر دادگستری و سرانجام در سال ۱۳۴۴ه .ق. = ۱۳۰۴ه .ش. در تهران درگذشت. ر.ک. از جمله تاریخ رجال ایران تألیف مهدی بامداد جلد چهارم ص ۳۹ چاپ تهران زوار ۱۳۴۷ شمسی.

۲ – ۱۰۷. میرزا محمدخان، پسر میرزا هاشم خان کاشی امین خلوت است. میرزا هاشم خان پس از فوت برادرش فرخ خان)۱۲۸۸ه .ق.) ملقب به امین الدوله شد و میرزا محمدخان لقب امین خلوت گرفت او بعدها(در سال ۱۲۹۹ه .ق.) ملقب به اقبال الدوله شد مشارالیه در دربار ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه حاضر و تصدی مشاغل گوناگون را به عهده داشت، از قبیل: تفنگدار باشی، ریاست عمله ی خلوت، متصدی امور خالصجات تهران، وزارت قورخانه و حکومت در شهرهای مختلف از جمله در حدود سال ۱۳۲۷ه .ق. حاکم اصفهان بود که با هجوم بختیاری ها به قنسولخانه انگلیس پناهنده شد. او در سال ۱۳۴۲ه .ق.)۱۳۰۲خ .ش.) درگذشت و دارایی عظیم و انبوه او پس از فوتش چون بلاعقب بود به برادرش غلام حسین غفاری صاحب اختیار رسید و او هم بر باد داد. ر.ک تاریخ رجال ایران مهدی بامداد جلد سوم صفحات ۲۱۶ – ۲۱۴.

حافظ امنیت و مدافع مملکت باشند، مردم حق طلب را به گلوله تفنگ و مسجد و بازار را به گلوله توپ بست و محتضرانه در میدان نقش جهان کرّ و فرّی کرد.

دو بستی

سرانجام کار، دو دشمن مردم، مخذول و منکوب، سرافکنده و بی آبرو به بیگانه پیوستند. اقبال الدوله در اصفهان ننگ پناهندگی به کنسولگری انگلیس را به جان خرید و محمدعلی میرزا(پادشاه مخلوع قاجار) در زرگنده تهران، سلطنت را به نوکری سفارت روس فروخت و باقی قضایا که در کتابهای تاریخ مسطور است... .

ص: ۱۲۶

بخش پنجم : ساختار و سازمان مدرستین علیّه و ایتام

اشاره

در بخش قبل شرایط سخت زمان ولو بطور اجمال بیان شد. در این بخش پایانی و ختام بحث، تشکیلات، ساختار سازمانی و منابع مالی مدرستین علیّه و ایتام را مستنداً و مستفاد از اسناد مالی باقیمانده مورد بررسی قرار می دهیم و به مشکلات و موانع نیز اشارتی خواهیم داشت.

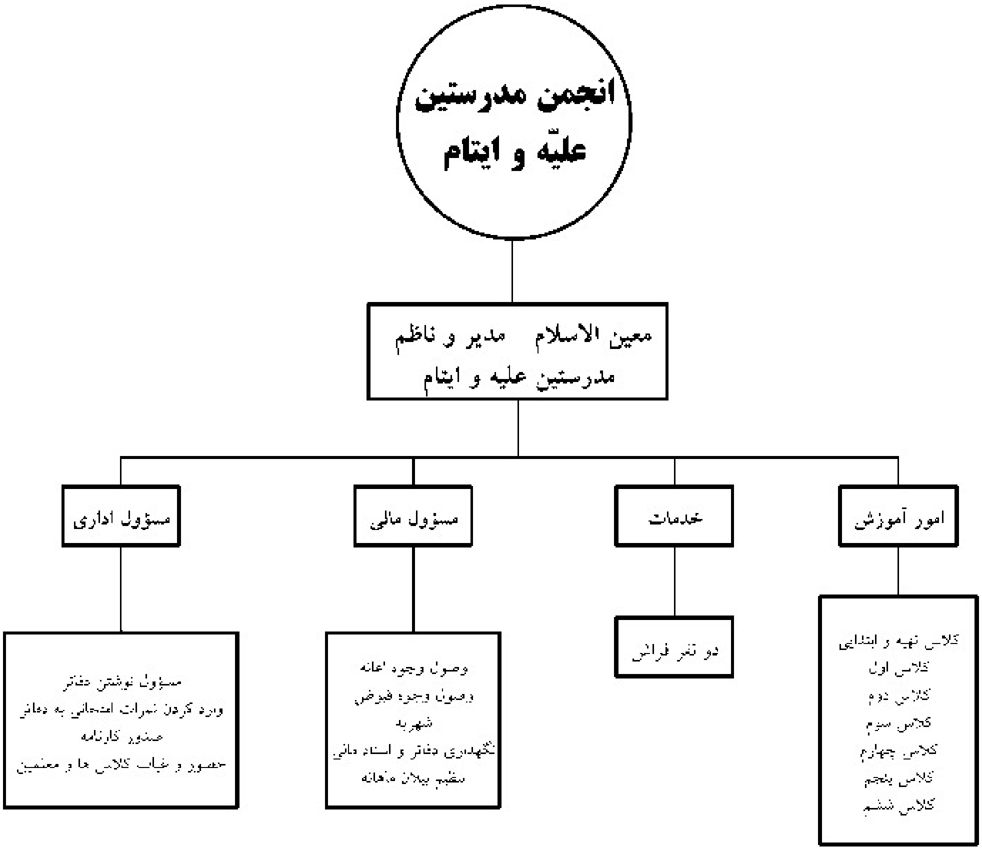
علیرغم بستر ناآرام جامعه آن روز، که در انتظار حوادث مهم تر بود، معین الاسلام توانست با اتکال به خداوند متعال و در سایه کوشش و نظم و تدبیر، چراغ مدرستین علیّه و ایتام را روشن نگاهدارد.

تعداد دانش آموزان یتیم از مدت ها قبل از مرز ۵۰ نفر گذشته بود. آنچه از هسته اولیه حامیان او باقی بود، کماکان همدل و یک زبان، استوار و پابرجای بودند. در حالیکه معضلات متنوع موجود در جامعه اعم از سیاسی و مالی باعث و موجب انحلال اکثر مدارسی شد که همزمان یا کمی قبل و بعد از مدرسه ایتام تأسیس شده بودند، اما نیت خالص بنیانگذار مدرسه ایتام که بدون هیچگونه چشمداشت مالی و انتقاعی صرفاً حمایت از کودکان یتیم را به قصد قربت به خدا، منظور نظر داشت، پشتوانه ادامه حیات این مدرسه بود. در آن سال های پرتلاطم، اصفهان همه روز شاهد و دستخوش ناآرامی ها و هیجان ها و کشمکش های سیاسی بود.

صمصام السلطنه - سردار اشجع - معتمد خاقان - سردار اشجع - سردار ظفر - سردار اشجع - صمصام السلطنه - سردار محتشم یکی پس از دیگری در عرض سال های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۷ بر اصفهان حکومت کردند یعنی در کمتر از پنج سال، مدیریت

اصـفهان هشت بار دست به دست شـد. آیت اللّه حاج آقا نوراللّه - شـخص متنّفـذ سیاسـی و رئیس انجمن مـدرسه ایتام(مدرستین علیّه و ایتام) بدلائلی که خارج از موضوع کتاب است، در اوایل سال ۱۳۲۸ه .ق. به عتبات عالیات مهاجرت کرد. آخوند ملا محمدکاظم خراسانی اعلی اللّه مقـامه بجوار رحمت الهی خرامیـد(ذی الحجه ۱۳۲۹ه .ق.). آیت اللّه شـیخ محمـدتقی نجفی از دنیا رحلت کرد(یازدهم شـعبان المعظّم ۱۳۳۲ه .ق.). گرانی و شورش عام اصفهان را فرا گرفت و... مدرستین کماکان دایر بود.

سازمان مدرستین علیّه و ایتام



مستفاد از اسناد مالی

نمودار سازمانی فوق بر اساس اسناد مالی ترسیم شده است.

ص: ۱۲۸

اعضای انجمن

در بررسی سازمانی بدواً به معرفی اجمالی اعضاء انجمن مدرسه ایتام که در سال ۱۳۲۵ه .ق. انتخاب شده بودند می پردازیم و همان طور که در صفحات قبل گفته شد چون مدرسه علیّه نیز از بدو تأسیس به پیشنهاد آیت اللّه حاج آقا نوراللّه، تحت نظارت همین انجمن قرار گرفت، لذا از پانزدهم شعبان ۱۳۲۵ه .ق.، این انجمن به انجمن مدرستین علیّه و ایتام تغییر نام یافت.

انجمن از چهارده نفر تشکیل شده بود. اسامی آنها(با حذف یا حداقل القاب) به شرح ذیل است:

۱ - آیت اللّه حاج آقا نوراللّه ۲ - آقای شیخ الاسلام ۳ - محمدجعفر میرزا بصیر الممالک ۴ - محمدرضا میرزا ۵ - محاسب الدوله ۶ - میرزا عبداللّه خان میر پنجه ۷ - حاج محمدحسین کازرونی ۸ - میرزا مسیح خان ناظم الاطباء ۹ - میرزا فضل اللّه خان ۱۰ - میرزا احمدخان امیر پنجه

۱۱ - میرزا رضاخان نائینی ۱۲ - صدرالمحدثین ۱۳ - حاجی سید محمدحسن بنکدار ۱۴ - معین الاسلام(عضو انجمن و مدیر مدرستین).

الف - آیت اللّه حاج شیخ نوراللّه: ملقب به ثقهالاسلام(۱) متولد ۱۲۷۸ه .ق. متوفی ۱۳۴۶ه .ق. شخصیت کاریزماتیک و پیشوای مردم اصفهان در انقلاب مشروطه، نامبرده چهارمین فرزند ذکور آیت اللّه حاج شیخ محمدباقر بن شیخ محمدتقی صاحب حاشیه(حاشیه بر معالم الاصول به نام هدایهالمسترشدین) و برادر کهتر آیت اللّه آقانجفی است. او بزرگترین شخصیت حامی مرحوم معین الاسلام در تأسیس مدرسه ایتام بوده و این حمایت به شهادت اسناد مالی تا آخرین روزهای حیات مدرسه ایتام و مدیریت معین الاسلام بر مدرستین علیّه و ایتام، تداوم داشته

ص: ۱۲۹

---

۱ - ۱۰۸. برای آگاهی بیشتر از زندگانی ثقهالاسلام ر.ک. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر - جلد دوم تألیف مرحوم سید مصلح الدین مهدوی.

است. نام مبارکش در صدر اسامی اعانه دهندگان ماهانه ثبت می باشد.

ب – آقای شیخ الاسلام: حاج میرزا علی اکبر بن میرزا رحیم سوم. در سال ۱۳۰۹ه .ق. پس از مرگ ناگهانی و مشکوک برادرش میرزا حسن، شیخ الاسلام شد. در گرانی و قحطی)۱۳۳۴ – ۶(اصفهان، به سمت شهردار(رئیس بلدیه) اصفهان انتخاب شد. در دوره چهارم مجلس شورای ملی(۳۰ خردادماه ۱۳۰۲ شمسی مطابق ۷ ذی القعده ۱۳۴۱ه .ق. – اوایل تیرماه ۱۳۰۰ مطابق ۱۵ شوال ۱۳۳۹ه .ق.) نامش همراه حاج سید حبیب اللّه امین التجار و مهدی فاطمی(عمادالسلطنه طباطبائی) در عداد نمایندگان مجلس شورای ملی دیده می شود.

ج – محمدجعفر میرزا بصیرالممالک: از فرزندزادگان یا نبیرگان فتحعلیشاه. روزنامه های اوائل مشروطیت در اصفهان مانند روزنامه انجمن مقدس و جهاد اکبر از حضور فعال او در صحنه های اجتماعی حکایت دارد.

د – محمدرضا میرزا: رئیس پست خانه بوده است.

ه – محاسب الدوله و – میرزا عبداللّه خان امیرپنجه فرمانده فوج

ز – حاج محمدحسین کازرونی: فرزند حاج محمدجعفر از تجار اصفهان و در دیانت و تقوی و خدمات اجتماعی و خدمت به علما و سادات از افراد ممتاز به شمار می رفت. از عمده خدماتش تأسیس شرکت اسلامیه و بنیان گذاری کارخانه وطن اصفهان است.

ح – میرزا مسیح خان ناظم الاطبّاء: میرزا مسیح خان ناظم الاطباء از اخیار روزگار و افاضل دانشمندان بوده است که متعاقباً به حافظالصحه ملقب شد. مرحوم مهدوی می نویسد: «... طبیب حاذق و پزشک ماهر و فاضل محبوب از فارغ التحصیلان دارالفنون بوده و جمع کرد بین طبّ جدید و قدیم در تداوی بیماران و تفقّد و دلجوئی از حال ایشان الحق بی نظیر بوده ...».

ص: ۱۳۰

پدرش مرحوم میرزا موسی خان ناظم الاطباء نیز «از اطباء معروف اصفهان است که علاوه بر اطلاعات وسیع علمی، دارای نفس قدسی بوده و در سال ۱۳۰۴ه .ق. وفات یافته و جنب تکیه ملک مدفون گردیده. ماده تاریخ وفاتش این است:

بهر تاریخ وفاتش خرد این مصرع گفت

بود عیسی نفس و معجزه موسی داشت

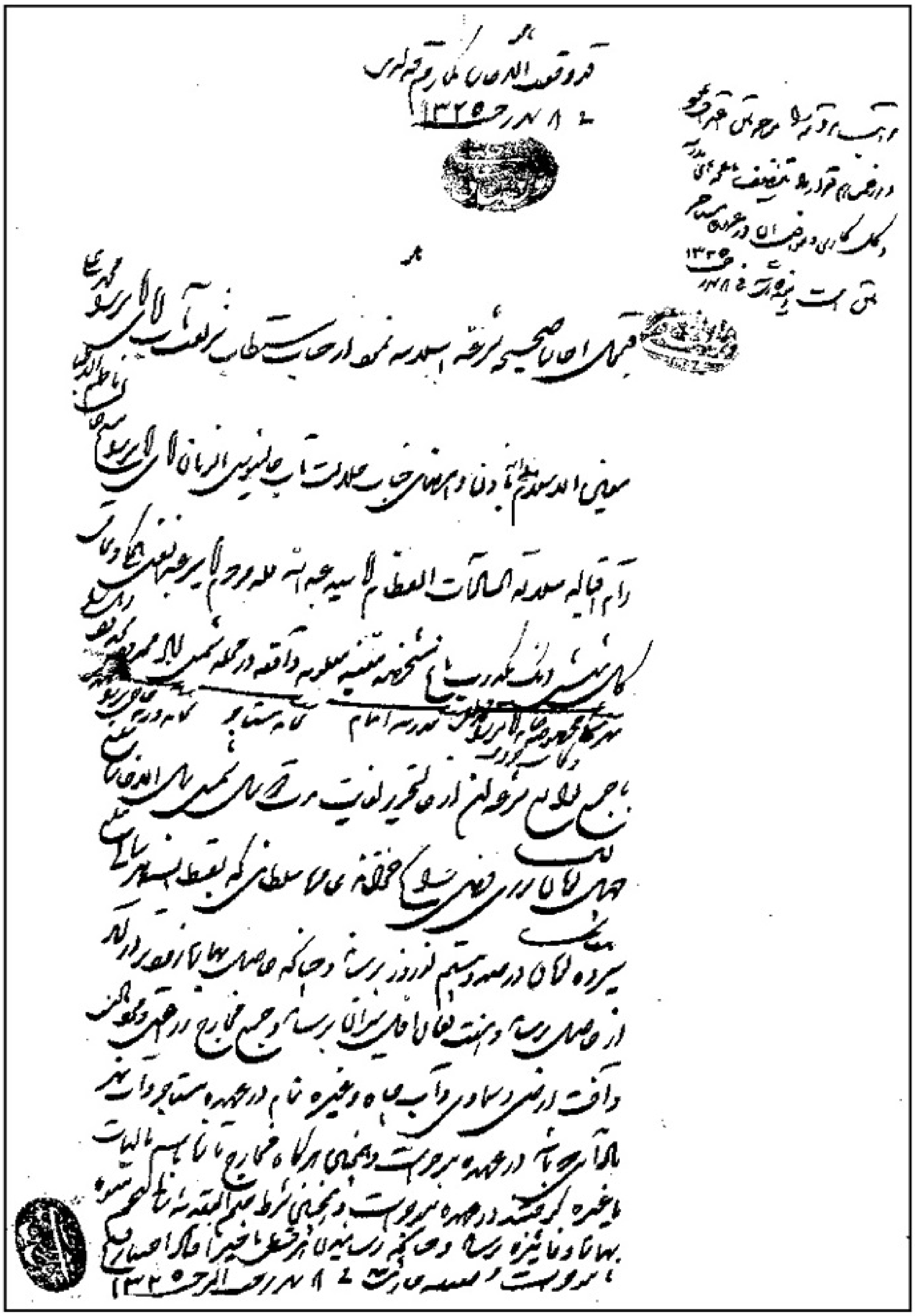
هدایت اللّه خان دانشور علوی فرزند میرزا مسیح خان هم «فاضل، ادیب، شاعر، عارف کامل... و مردی خلیق و مهربان و با جود و سخا بود و در اشعار نوح تخلص می نمود». مرحوم مهدوی در ادامه می نویسد: «این خاندان از سیصد سال قبل تاکنون بعلم و فضل و طب شهرت دارند و از اعقاب میر سید محمدحسین بن هادی بن محمد عقیلی علوی خراسانی شیرازی اصفهانی و زیر آستانه رضویه می باشند ...».(۱) آنگاه به معرفی سایر بزرگان این خاندان پرداخته است.

اکنون که به جایگاه علمی اجتماعی این خاندان اشاره شد، اضافه می کنیم که مرحوم میرزا مسیح خان از دوستان و یاران دیرین مرحوم معین الاسلام بوده و در تأسیس مدرسه ایتام به او کمک های ذیقیمت کرده است. رفاقت و تجانس اخلاقی فیمابین این دو دوست همدل، در عرصه های اجتماعی هم بروز و نمود داشته است. سندی که اینک معرفی می شود گویا و بیانگر این صمیمیت و یگانگی است.

سند حکایت از آن دارد که مرحوم میرزا مسیح خان ناظم الاطباء(حافظ الصحه) باغ ملکی خود را برای تأمین قسمتی از هزینه هی مدرسه ایتام، در اختیار مرحوم معین الاسلام قرار داده است(تصویر سند ضمیمه است.) سند به خط و مهر مرحوم نورالدین مجلسی می باشد که در تشکیلات مدرسه ایتام سمت نظامت داشته است.

۱- ۱۰۹. تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان چاپ دوم ۱۳۴۸ شمسی ص ۵۰۰ - کتابفروشی ثقفی.

تصویر



ص: ۱۳۲

هو

مراتب مرقومه را مستأجر متن اعتراف نمود

و در ضمن هم قرارداد تنظیف باغچه های مدرسه

و گل کاری و مواظبت آن در عهده مستأجر متن است

و صیغه جاری شد فی ۸ شهر رجب ۱۳۲۵

هو

قد وقعت الاجاره کما رقم لدی

فی ۸ شهر رجب سنه ۱۳۲۵

(مهر) نورالدین بن حسینعلی مجلسی قبول اجاره صحیحه شرعیه اسلامیه نمود از جناب مستطاب شریعت مآب آقای اقا میرزا محمدعلی معین الاسلام سلّمه اللّه باذن و امضای جناب

جلالت مآب جالینوس الزمان آقای اقامیرزا مسیح خان ناظم الاطبا دام اقباله، سلاله السادات العظام اقا سید عبداللّه ولد مرحوم اقا میر عبدالغنی همگی و تمامی کل شش دانگ یک درب باغ مشخصه معینه معلومه واقعه در محله شمس آباد محدود به حدود ذیل را

نهر سنگی مخصوصه خانه اقا میرزا محمدتقی و کاتب حروف و به مدرسه ایتام و به خانه مستأجر و به خانه ورثه حاجی میرزا مهدی

با جمیع توابع شرعیه آن از حال تحریر لغایت مدت دو سال شمسی به مال الاجاره مبلغ چهل تومان رایج خزانه عامره سلطانی که به قسط السنه هر سالی مبلغ سیزده تومان در صد و بیستم نوروز برساند و چنانچه حاصل بهاره زودتر درآمد از حاصل برساند و هفت تومان اوّل میزان برساند و جمیع مخارج زراعتی و مرد مادی و آفت ارضی و سماوی و آب چاه و غیره تمام در عهده مستأجر و آب نهر... که باشد در عهده موجر است و همچنین هرگاه مخارج تازه به اسم مالیات یا غیره گرفتند در عهده موجر است و همچنین شرط ضمن العقد شد سالی پنج من میوه بهاره و فائیزه برساند و چنانچه رسانیدن هر قسطی تأخیر افتاد اختیار فسخ با موجر است و صیغه جاری شد فی ۸ شهر رجب المرجب ۱۳۲۵(مهر).

این باغ در محله شمس آباد قرار داشته و یکی از حدود اربعه آن به مدرسه ایتام رقم رفته و کاشف از آن است که ملاصق مدرسه ایتام بوده است. در سمت راست بالای سند یکی دیگر از شروط اجاره، به این عبارت نوشته شده «هو مراتب مرقومه را مستأجر متن اعتراف نموده و در ضمن هم قرار داد تنظیف باغچه های مدرسه و گل کاری و مواظبت آن در عهده مستأجر متن است و صیغه جاری شد فی ۸ شهر رجب ۱۳۲۵ه .ق.».

برای بیان باریک بینی، دلسوزی، دقت و مآل اندیشی مرحوم معین الاسلام برای توفیق این مدرسه، تفکر در همین شرط کفایت می کند. او مدرسه ایتام را به بهترین وجه اداره کرد. اگر مدرسه اعیان به بوته های گل مزین بود، مدرسه ایتام نیز چنین بود... .

میرزا مسیح خان ناظم الاطباء خود بنفسه نیز در امر آموزش فعالیت مستقیم داشته و مزید بر اشتغالات گوناگون علمی، اجتماعی و تداوی بیماران، مدرسه اسلام را نیز مدیریت می کرده است و مقاله روزنامه جهاد اکبر ناظر بر همین امر است:

«جناب آقامیرزا مسیح خان که طبیب حاذق و لبیب صادق می باشند مراتب علمیه و عملیه ایشان در طب مشهود اهل فن است که دوره طب جدید را علماً و عملاً به کمال دارا می باشند و مدتهاست که مشغول معالجه و عملیات هستند و بطور رأفت و عطوفت از تمام مرضی پذیرائی می فرمایند و از آنجا که صاحب عرق وطن دوستی و حمیت ملت خواهی می باشند در مدرسه اسلام هم سرپرستی می نمایند که بواسطه توجهات شامله ایشان این مدرسه در منتهای مقدار خود ترقی نموده و نگارنده را کمال مسرت از این است که ایشان خودشان در مدرسه های

مرتب، مراتب علمیه را سیر نموده اند از این رو البته اساس این مدرسه را موافق قواعد و ترتیبات اصول تعلیم جدید تأسیس می فرمایند. و این ترتیب بالخاصه

منتج اثرات صحیحه خواهد بود ...».(۱)

مرحوم میرزا مسیح خان بعداً تصدی ریاست بهداری را به عهده گرفت و به مناسبت شغل جدید به حافظالصحه ملقب شد.

میرزا مسیح خان ناظم الاطباء(حافظ الصحه بعد) در اولین دوره انجمن بلدیه نیز به سمت نماینده انجمن شهر(بلدیه) از محله چهارسوق شیرازیان انتخاب شده است. روزنامه انجمن بلدیه می نویسد: «چهارشنبه ۲۲ ...پس از آن ورقه های انتخاب چهارسوق شیرازی ها را در انجمن بیرون آوردند جالینوس الزمان آقای آمیرزا مسیح خان ناظم الاطباء منتخب شدند».(۲)

لذا بنحوی می توان میرزا مسیح خان را از سابقین مسئولین شهر اصفهان دانست. او سال های دراز منشاء انواع خدمات علمی فرهنگی اجتماعی در شهر اصفهان بوده است.

یاور درماندگان

میرزا مسیح خان ناظم الاطباء(حافظ الصحه) برای اقدام در امور خیر بر همگان سبقت می گرفت. روزنامه انجمن بلدیه چنین می نویسد: «مذاکرات انجمن بلدیه... پس از آن مذاکره شد که خوب است صندوق خیریه ترتیب داده شود که هر که بخواهد وجه اعانه به جهت فقرا و مساکین و تأسیس مدرسه فقرا و ایتام و مریضخانه چیزی تقدیم نماید محل مخصوص داشته باشد. محض اظهار این مطلب آمیرزا مسیح خان ناظم الاطباء مبلغی از جیب فتوت بیرون آورده در وسط انجمن گذاشتند دیگران هم تأسی به ایشان کرده هر کدام به قدر همت خود دادند...».(۳)

۱- ۱۱۰. روزنامه جهاد اکبر ش ۱۶ ص ۲ و ۳ جمادی الاولی ۱۳۲۵ه .ق.

۲- ۱۱۱. روزنامه انجمن بلدیه ش ۶ ص ۴ رمضان ۱۳۲۵ه .ق.

۳- ۱۱۲. روزنامه انجمن بلدیه ش ۸ ص ۴ سال اول شوال ۱۳۲۵ه .ق.

مرحوم میرزا مسیح خان حافظ الصحه(ناظم الاطباء) در بیست و هفتم ربیع الثانی ۱۳۶۱ه .ق. پس از عمری خدمت به مردم اصفهان، جان به جان آفرین تسلیم کرد و در تخت فولاد جنب پدرش(جنب تکیه ملک) به خاک سپرده شد رحمهاللّه علیّه.

ذکر خیر مشروح و افزون بر گنجایش اوراق این کتاب از مرحوم میرزا مسیح خان، نه تنها به علت نقش مؤثر او در مدرسه ایتام بلکه تقدیر و تشکر از حضور فعال و پربرکت او در صحنه های مختلف جامعه بوده است. ضمن آنکه قسمتی از دین شهرداری و انجمن شهر اصفهان به ساحت این پیش کسوت قدیمی درد آشنا اداء شده است.

آخر سخن اینکه: مرزهای زمان و مکان را بر کردارهای نیک، احاطه ای نیست و عطر فتوت و رادمردی همچون شمیم بهاری و بوی خوش گل در فضا همیشه جاری و ساری است وگرنه این حقیر راقم سطور، چند سالی بعد از وفات این رادمرد پا به عرصه ی خاک گذارده و میرزا مسیح خان حافظ الصحه را در پیچ و خم تاریخ شناخته و شایبه معرفتی یا خصوصیتی با اسلاف و

اعقاب او در میان نیست و از گردآوردن این واژه ها سر آن دارد تا کلامی براند در تکریم معانی بلند فتوت و جوانمردی و بزرگی که هر ناتمامی توفیق خدمت نیابد ... .

ط - میرزا احمد خان امیر پنجه: از فرماندهان قوای نظامی مستقر در اصفهان و سالها فرمانده فوج چهار محال بوده است. انجمن ولایتی در سال اول بعد از انقلاب مشروطیت نسبت به او نظر مساعد داشته است. جهاد اکبر می نویسد: «میرزا احمدخان میر پنجه به انجمن نوشته بود که همان طور که فوج جلالی را رسیدگی نمودید و تکلیف آن معین گردید درباره فوج چهار محل هم دقت و ملاحظه فرمایند تا نواقص آن اصلاح شود، جواب نوشتند که از متانت و معقولیت شما اعضای انجمن را امتنانی زایدالوصف حاصل گردید».(۱)

۱- ۱۱۳. روزنامه جهاد اکبر ش ۳۲ ص ۷ سال اول رمضان ۱۳۲۵

میرزا علی اکبر خان سرتیپ عموی میرزا احمدخان امیر پنجه سال ها فرمانده توپخانه ظل السلطان بوده است.

میرزا احمدخان میر پنجه به مرور به مناصب دیگری دست یافت ابتدا فرمانده فوج چهارمحال و فریدن و حکمران بنادر جنوب گردید سپس ملقب به مفخم الملك و حاکم کرمانشاه و کردستان شد.

ی - میرزا فضل اللّه خان: احتمالاً از معاریف بوده است.

ك - صدرالمحدثین: مرحوم استاد جلال الدین همائی می نویسد «میرزا محمود خوانساری ملقب به صدر المحدثین از وعاظ و روضه خوانان فاضل خوش لهجه معروف که در نهضت مشروطیت و آزادی خواهی از همقدمان ملك المتکلمین و سید جمال واعظ اصفهانی بود و چون میدان مبارزه اش از اصفهان تجاوز نکرد شهرتش هم از آنجا خارج نشد. مردی آزاده مسلك و نیك محضر بود. در منبر لهجه و روشی مخصوص داشت وفاتش ۲۲ رجب ۱۳۳۲ اتفاق افتاده ...».(۱)

ماده تاریخ او را گفته اند:

احمد افزای و گو به تاریخش

مرد صدرالمحدثین محمود

مرحوم صدرالمحدثین از همان اوان تأسیس مدرسه ایتام یار و یاور این مدرسه بوده و در مراسم مختلف در جلب نظر مردم و ترغیب آنها به کمك به این مدرسه کوشش داشته است. روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان می نویسد: «... در آخر جناب صدرالمحدثین خوانساری خطبه بلیغه اداء نموده خیلی باعث گریه و انقلاب حاضرین شد بعد بنای اعانه شهریه برای مدرسه شد همه حاضرین همراهی نمودند ...».(۲)

۱- ۱۱۴. همایی جلال الدین تاریخ اصفهان مجلد ابنیه و عمارات چاپ اول تهران مؤسسه نشر صفحه ۳۱۰. و نیز مراجعه کنید مهدوی مصلح الدین تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان چاپ دوم صفحه ۴۲۱.

۲- ۱۱۵. انجمن مقدس ملی اصفهان ش ۳۳ ص ۶ سال اول ۸ رجب ۱۳۲۵ه .ق.

ل – حاجی سید محمدحسن بنکدار: از بازرگانان خوش نام و فعالین نهضت مشروطیت بوده است.

م – میرزا رضاخان نائینی تذکر: آنچه گذشت شرح حال مختصری بود از اعضاء انجمن مدرسه ایتام و سپس مدرستین علیّه و ایتام که در شماره ۲۵ سال اول روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان و دیگر جرائد، اسامی آنها درج شده است. در طول زمان، برخی از افراد مذکور در فوق، به جوار رحمت حق پیوستند مثل مرحوم صدرالمحدثین متوفی در سال ۱۳۳۲ه .ق. بعضی به علت مسافرت و یا تصدی شغل وکالت و غیره از ادامه راه بازماندند و اسامی کامل آنها در سال های(احتمالاً) پایانی حیات مدرسه ایتام(۴۰ – ۱۳۳۹) که در این سطور مورد بحث ماست، در دست نیست اما در ستون عایدات دفتر مالی(۱) مدرسه ذیل اسامی اعانه دهندگان نام چند شخصیت دیده می شود که برای رعایت کلیه احتمالات ذیلاً اسامی و مختصری در معرفی آنها ذکر می شود:

۱ – مشیر الملک:

میرزا محمدباقر خان نائینی در سال ۱۲۷۹ه .ق. متولد شد. در نائین و اصفهان تحصیل کرد سپس به سمت منشی وارد خدمت در دستگاه میرزا حبیب اللّه خان مشیرالملک انصاری شد و معروف به منشی حضور گردید.

در سال ۱۳۰۸ه .ق. که مشیرالملک انصاری، مغضوب ظل السلطان شد نام برده هر دو نفر را(مشیر و منشی) به زندان انداخت. پس از یکی دو روز منشی حضور را از زندان احضار و به منشی باشی ملقب کرد و دستور داد روزها به دفترخانه حکومتی حاضر شود و کارها را انجام دهد.

چند ماه بعد مشیرالملک انصاری به طور ناگهانی و مشکوک وفات کرد. در سال

۱– ۱۱۶. این دفتر در صفحات بعد معرفی خواهد شد و مندرجات آن مورد بحث قرار می گیرد.

۱۳۰۹ه .ق. ظل السلطان، میرزا محمدباقر خان منشی باشی را به مشیرالملک ملقب نمود و از این تاریخ به بعد مشیرالملک تقریباً همه کاره امور حکومت شد.

مرحوم معلّم حبیب آبادی می نویسد: «حاجی مشیرالملک... در مذهب به روش شیخیّه می رفت بلکه در اصهان پیشوای آن فرقه معدود بود و در نماز جماعت بر آنها امامت می نمود».

مشیرالملک در سال ۱۳۱۷ هجری قمری مدرسه باقریه را در محله شهشهان تأسیس کرد و متعاقباً آن را به محله چهارسو شیرازیها منتقل نمود معهذا پس از مدت کوتاهی منحل و تعطیل شد. انحلال این مدرسه و مدرسه های دیگر که به وفور قبل و یا در آستانه مشروطیت تأسیس شد، ناشی از حساسیت مردم اصفهان نسبت به نیات و یا خصوصیات عقیدتی مؤسسین آن بوده است. لکن به مصداق الفضل للمتقدّم، اقدام معارف پرورانه او در تأسیس مدرسه قابل تقدیر است.

مؤلف مکارم الآثار می نویسد: «در سنه ۱۳۲۵ه .ق. که در اثر حدوث مشروطه ظل السلطان معزول گردید و بنای افتتاح انجمن های ایالتی ولایتی شد، وی(مشیر الملک) به عضویت انجمن برقرار شد و در سنه ۱۳۲۶ه .ق. پس از بروز خلاف بین محمد علیشاه و ملت، وی از کارها کناره گرفته و در خانه خود به تدریس در حدیث و غیره برای فرقه شیخیه پرداخت. در سنه ۱۳۲۸... به مکّه رفته و پس از ده ماه برگشت و در این وقت پسران خود را... به مقتضای وقت و حال به کار می گمارد و در ایام احمدشاه تا طلوع و سلطنت پهلوی نیز همواره به عزت و احترام نزد دولت و ملت می زیست... تا آخر در روز یکشنبه ششم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۴۸ه .ق. در اصفهان وفات کرد ...». میرزا مهدی خان عمادالسلطنه یکی از فرزندان اوست که چندین بار به نمایندگی مجلس و چندین مرتبه به وزارت های مختلف منصوب شده است.(۱)

۱- ۱۱۷. برای آگاهی بیشتر ر.ک. مکارم الآثار جلد هفتم ص ۲۲۷۴ به بعد و قبل، چاپ اول بهار ۱۳۷۴ اصفهان - چاپ نشاط.

۲ - سراج الملک:

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، اولین شخصی که ملقب به سراج الملک شد چراغعلی خان زنگنه است.

چراغعلی خان مردی داهی و گربز، مدیر و مدبر و از برکشیدگان مرحوم میرزا تقی خان امیرکبیر بود. او در رفع فتنه و غائله سالار، به سهم خود خدمات شایان کرد. چراغعلی خان دو مرتبه هم در اصفهان منشاء خدمات ذی قیمت بوده است. اولین بار در زمان مرحوم امیرکبیر طی حکم ذیل الذکر نایب الحکومه اصفهان شد و در آن زمان لقب او قوللر اقاسی بود.

نایب حکومت: «نظر به حسن صداقت و راستی و اهتمام عالیجاه چراغعلی خان قوللر اقاسی در خدمات دیوانی، منصب نیابت حکومت اصفهان از اعلیحضرت پادشاهی به او مفوض و فرمان همایون صادر گردید و ارسال می شود».(۱)

چراغعلی خان تا شوال ۱۲۷۱ هجری قمری که حمزه میرزا حشمهالدوله حکمران اصفهان می شود،(۲) با سمت نایب الحکومه، این شهر را به خوبی اداره کرد و در ترمیم خرابی ها و اقدام در آبادانی شهر و امنیت رعایا کوشید.

اینکه استاد جلال الدین همائی علیه الرحمه نوشته اند: «چراغعلی خان زنگنه حاکم اصفهان که در سال ۱۲۶۵ه .ق. به حکومت آمد و مدتی حکمرانی داشت ...».(۳)

مقصود همین سمت نایب الحکومه اوست که چون به جهاتی از طرف شاه در آن مدت حاکمی نصب نشد، چراغعلی خان نایب الحکومه با اقتدار حکومت کرده است و باید در نظر داشت منصب حکومت شهرهای بزرگ و حتی شهرهای کوچک به افراد ایل قاجار تعلق داشت، حتی اگر کودکی دو ساله باشد و

۱- ۱۱۸. روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۸ ص یک ستون ۲ جمادی الاول ۱۲۶۷ه .ق.

۲- ۱۱۹. روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۲۲۹ ص ۲ شوال ۱۲۷۱ه .ق.

۳- ۱۲۰. تاریخ اصفهان مجلد ابنیه و عمارات فصل تکایا و مقابر دفتر دوم ص ۵۱ - ۵۰ چاپ اول نشر هما ۱۳۸۱.

نایب الحکومه از افراد کاردان تعیین می شد. معنی کاردانی هم از نظر شاهان ایل قاجار، توفیق در وصول هر چه بیشتر مالیات و عوارض و... و ایصال آن به خزانه عامره!!! بود.

معهـذا در بین آنهـا افراد چون چراغعلی خان نیز دیـده می شـد که در حیطه مأموریت و حوزه مسـئولیت خود با مردم به رفق و مـدارا رفتار می کردند و ستم مضاعف روا نمی داشتند.

چراغعلی خـان سـپس به منـاصب و مشاغـل حکومتی مختلف گمـارده می شود. او در سـال ۱۲۷۶ه .ق. که حـاکم خمسه بـود ملقب به سـراج الملک شد.(۱)

این نکته نیز قابـل ذکر است که در اوایـل سـلطنت ناصـرالدین شـاه که کـار اعطـاء القـاب به ابتـذال نکشـیده بود، معمولاً القاب مبین مشاغل و وظـایف ملقب بود مثـل وزیر دارائی که به او مسـتوفی الممالـک می گفتنـد یـا اینکه متصـدی احتسـاب را به لقب احتسـاب الملـک ملقب می کردند.

در لقب سـراج الملک تلمیحی نیز بین نام(چراغعلی) با لقب وجود دارد ضـمن آنکه این مرد کافی درستکار حقیقتاً چراغ ملک هم بوده است. چراغعلی خـان سـراج الملـک در سال ۱۲۷۹ه .ق. نیز «... بـه منصـب نبیـل بیگلربیگی گری و ریـاست دیـوان نظـامی مملکت اصـفهان ...».(۲) منصوب شـد و به اصـفهان آمـده است. چراغعلی خان در این مأموریت حـدود دو سال در اصـفهان بود سـپس به مشاغل دیگری منصوب شده است.

اشتراک لقب صاحب عنوان با چراغعلی خان حاکم سابق اصـفهان، مسـتمسک این تطویل گردید تا از سـر قدردانی از شخصیت کافی و داهی چراغعلی خـان زنگنه و خـدمات او در مـدت مـأموریتش در اصـفهان، ذکر خیری شود و به لحـاظ حقوقی که او بر ذمت این شـهر ثابت دارد، لختی قلم را به تکریم او بگرداند.

ص: ۱۴۱

۱- ۱۲۱. روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۴۴۳ ص ۱ و ۲ مورخ ۱۸ محرم ۱۲۷۶ه .ق.

۲- ۱۲۲. روزنامه دولت علیّه نمره ۵۴۴ ص ۵ مورخ ۱۷ ذی الحجه ۱۲۷۹ه .ق.

دومین سراج الملک، میرزا حسین خان پسر باقرخان است که از ابتدای حکومت ظل السلطان(۱۲۹۱ه .ق.) سمت پیشکاری او را در اصفهان داشت این سمت در ۱۲۹۳ه .ق. به مشیرالملک انصاری محول شد.

مرحوم عبدالحجه بلاغی می نویسد: میرزا حسین خان به مرگ طبیعی از دنیا رفته یا مسموم شده، به هر حال در سال ۱۲۹۹ه .ق. مرده».(۱)

سومین سراج الملک، رضاقلی خان صاحب عنوان پسر عباس خان ایروانی است که در سال ۱۲۶۲ه .ق. متولد شد. رضاقلیخان ابتدا در اصفهان به خدمت اشتغال داشته سپس سال ها در تهران، پیشکار و راتق و فاتق کارهای ظل السلطان نزد امناء دولت بوده است.

در محرم الحرام سال ۱۲۹۹ه .ق. رضاقلیخان به لقب سراج الملک ملقب می شود. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می نویسد: «یکشنبه ۲۶ - دیشب چون توسط رضاقلی خان گماشته ظل السلطان کرده و لقب سراج الملک به او مرحمت شد مقرر شد که به مستوفی الممالک اظهار نمایم ...».(۲)

مرحوم بلاغی می نویسد: «سراج الملک، نزد آقا محمدکاظم سعادت علیشاه به فقر مشرف شد».(۳)

رضاقلیخان سراج الملک توفیق یافت دو مسجد در تهران بنا کند. زمین یکی از این دو مسجد قبلاً قهوه خانه کنت دو مونت فرت رئیس نظمیه بوده و در آنجا مسکرات مصرف می شده است. بر سر در مسجد نوشته شده:

حسن توفیق بین که مسجد کرد

سطح میخانه را سراج الملک

سراج الملک، دو پسر بنام های اسداللّه خان و ابراهیم خلیل خان داشته که هر دو در

۱- ۱۲۳. مساجد تهران ص ۴۲ چاپ ۱۳۵۰ تاریخ عمومی تهران قم تحت شماره۲۴۷ / ۱۳۵۰.
۲- ۱۲۴. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه چاپ دوم تهران امیرکبیر ۱۳۵۰ ص ۱۳۷.
۳- ۱۲۵. مساجد تهران ص ۴۲ چاپ قم تحت شماره ۱۳۵۰ - ۲۴۷.

زمان حیات پدر مردند و دختری که همسر هرمز میرزا پسر ظل السلطان شد.

وفات رضا قلیخان را مرحوم بلاغی و نیز مرحوم مهدی بامداد در سال ۱۳۳۳ نوشته اند.(۱)

تذکر: اینکه در اسناد مالی - مورد بحث آتی الذکر - نام سراج الملک ضمن اعانه دهندگان آمده، خالی از غرابت نیست و دو فرض محتمل است:

۱ - اینکه شخص دیگری در سال ۱۳۳۳ به بعد ملقب به سراج الملک شده است.

۲ - این اعانه از طرف خانواده(دختر - داماد) سراج الملک پرداخت می شده است.

۳ - ملک التجار:

حاج محمد ابراهیم ملک التجار فرزند حاج آقا محمد، از اخیار روزگار، مورد وثوق مردم و از اعضای انجمن ولایتی بوده است. در همه مجامع ملی صدر مشروطیت و نیز جلسات انجمن ولایتی برای رسیدگی به امور و رایزنی برای حل و فصل مشکلات مردم حضور داشته و در حد توان خود در پیشبرد مشروطیت کوشیده است. او از پیشقدمان و داوطلبان انجام امور خیر و خود در بیشتر عرصه ها بانی خیرات و مبرات است. مرحوم مهدوی می نویسد: «تکیه ملک در تخت فولاد، تیمچه ملک در بازار، مسجد ملک در جنب باغ انگورستان از مستحدثات خود اوست و دیگر تعمیرات در اکثر مساجد اصفهان منجمله مسجد نور و رضوان...».(۲)

مرحوم همائی در تاریخ اصفهان ذیل تکیه ملک، که مدفن علمای اعلام است و از جمله پیکر پاک وحید عصر و اعجوبه زمان آخوند ملا محمد کاشانی از مدرسان بزرگ معقول و منقول را در آغوش دارد، می نویسد: «مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار اصفهانی رحمه اللّه که از ارادتمندان خالص وی(مرحوم آخوند) بود به

۱- ۱۲۶. بامداد - مهدی تاریخ رجال ایران چاپ اول ۱۳۴۷ زوار تهران ج ۲ ص ۳۰ - ۲۸.

۲- ۱۲۷. تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان چاپ دوم اصفهان ۱۳۴۸ ثقفی صفحه ۵۵.

پاس احترامش این تکیه را ساخت و از تملکات خود کاروانسرای بزرگ قدیمی اول تخت فولاد را بر آن وقف کرد ...».(۱)

آراء ملک در مذاکرات انجمن ولایتی، سازنده و عملی بوده است. مطلب ذیل حکایت از نظرات مستقل ملک التجار در مقابل باریک بینی و دقت افراطی مشروطه طلبان صدر مشروطیت دارد.

روزنامه جهاد اکبر ذیل اخبار انجمن مقدس ملی می نویسد: «روز سه شنبه ۲۶ انجمن منعقد گردید. حضرت ثقهالاسلام نطقی خیر خواهانه در باب سه مطلب فرمودند اول اینکه اعضای

حاضرین انجمن باید به لباس کرباس وطن ملبس باشند. جناب ملک التجار اظهار داشتند که البسه وطن منحصر به کرباس نیست از این جهت مجبور نیستند که کرباس بپوشند اگر سایر اقمشه هم بپوشند صدق کرده که لباس اسلامیت پوشیده اند ولی این نکته را ملاحظه نفرموده که جهت اختصاص به کرباس آنست که کرباس تار و پودش هر دو ریسمان وطن است ولی سایر منسوجات از ریسمان فرنگی بافته می شود ...».(۲)

مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار در سال ۱۳۴۱ه .ق وفات یافته و «قبر خود ملک التجار در مقبره خصوصی خانه مسکونی و حسینیه اوست در خیابان پاقلعه...».(۳)

شیخ جابری انصاری در وقایع سال ۱۳۴۱ه .ق. ماده تاریخ وفات نمره اول نیکان حاج محمد ابراهیم ملک التجار را چنین سروده:

سر برون کرد ملک گفت که این ابراهیم

ملکی بوده و فردوس برین جایش بود(۴)

ص: ۱۴۴

۱- ۱۲۸. تاریخ اصفهان چاپ اول ۱۳۸۱ نشر هما - فصل تکایا و مقابر دفتر چهارم ص ۴۹۱.
۲- ۱۲۹. روزنامه جهاد اکبر سال اول شماره ۲۲ ص ۲ مورخ ۴ رجب ۱۳۲۵ قمری.
۳- ۱۳۰. تاریخ اصفهان فصل تکایا و مقابر دفتر چهارم ص ۴۹۷ چاپ اول ۱۳۸۱ نشر هما.
۴- ۱۳۱. تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان چاپ دوم اصفهان ۱۳۴۸ ص ۵۵.

رأس هرم سازمانی

آنچه گذشت شرح حال مختصری بود از اعضای منتخب انجمن مدرسه ایتام که متعاقباً مدرسه علیّه را نیز به توصیه و هدایت آیت اللّه حاج آقا نوراللّه، تحت پوشش گرفت و بنام انجمن مدرستین علیّه و ایتام نامیده شد که ما در صفحات قبل علت یا علل این ادغام را بیان کردیم.

این انجمن بالاترین مقام سازمانی و تصمیم گیری مدرستین بوده که عمده وظیفه آن حمایت مالی و کوشش برای تأمین هزینه های مدرستین بود، علاوه بر این معین الاسلام برای مدرسه ایتام از بدو تأسیس، حمایت کنندگان مالی شناسائی و آنها با شناخت کامل از اهداف مدیریت مدرسه، هر یک متعهد شدند ماهانه و به طور استمرار مبالغی بپردازند. به هر حال این انجمن در زمان خود یک تشکّل بدیع و کارا بود، که در سال های پر آشوب ۱۳۴۰ - ۱۳۲۵ هجری قمری، مکمل و مؤید نقش مدیریت ارزنده و چشمگیر مرحوم معین الاسلام بود که خود او به شخصه به دلیل سوابق علمی و حضور در مجامع فرهنگی و نیز تقوا و تدین و التزام به مبانی اسلامی، قائمه ای بی بدیل برای حفظ این خیمه دانش به شمار می رفت.

معین الاسلام و اجدادش در شهر اصفهان، از صمیم قلب ملتزم به صراط مستقیم بودند و این از نگاه تیزبین و ژرف مردم دانای اصفهان بالاترین تأمین خاطر بود تا بتوانند فرزندان خود را برای تربیت و آموزش به او بسپارند و فارغ از هر گونه دغدغه، شاهد بالندگی و پرورش فرزندانشان تحت مدیریت مصمم و متعهد این منادی معرفت و مباشر تعلیم و تربیت باشند که «خود هیچ گاه از آموختن نیاسود و بازنماند».

معاضدت و حمایت های انجمن به انحاء مختلف ادامه داشت و هر یک از اعضاء به نحوی یار و مددکار مدیریت مدرستین بود.

در این میان از هنگام ادغام مدیریت مدرستین علیّه و ایتام که مسئولیت امور

اجرائی مدرسه علیّه نیز به عهده معین الاسلام مفوض شد، یکی از اعضاء انجمن یعنی مرحوم محاسب الدوله که مؤسس مدرسه علیّه نیز بود، با تألیف کتب و جزوات درسی، نقش علمی در محتوای مواد درسی آموزشی داشته است و علاوه بر آن به تفاریق معاضدت هائی در زمینه تأیید و نگاهداری اسناد(چیزی شبیه ذیحساب)، به عهده داشته است و اقوی دلیل این مدعی اینست که تنظیم کننده دفتر و اسناد مالی در ستون ملاحظات صورت درآمد و هزینه در برخی ماه ها اعلام و ثبت کرده که اصل اسناد امضاء شده نزد مرحوم محاسب الدوله است چنانچه در برخی دیگر از ماه ها ایصال آن را به مرحوم معین الاسلام مدیر و ناظم مدرستین ثبت کرده است.

سند روشنگر

در میان اندک اوراق بازمانده مربوط به مدرسه، دفتری است مشتمل بر اسنادی ارزشمند که از چگونگی عملکرد مالی(درآمد - هزینه) یک واحد آموزشی در حدود یک صد سال قبل خبر می دهد.

این دفتر که با جلد چرمی مشکی و ابعاد ۲۷ * ۲۰ سانتیمتر است، دفتر ثبت درآمد - هزینه مدرستین علیّه و ایتام در سال های ۱۳۳۸ - ۴۰ه.ق. است که توسط مسئول مالی تنظیم و تحریر شده است.

۱۳ ورق این دفترچه که ۲۶ صفحه می شود را ستون بندی کرده اند و مجموعاً جریان مالی مدرسه را در طول ۲ سال از فعالیت خود نشان می دهد. آخرین برگ آن که محرم الحرام ۱۳۴۰ه.ق. را نشان می دهد ناتمام رها شده است.

۲ صفحه از صفحات ستون بندی شده اختصاص به هزینه و عوائد مراسم دو جشن سالانه در این مدت دارد.

ص: ۱۴۶

نکاتی فهرست گونه مستفاد از دفتر مالی

۱ – اطلاعات ارزشمند و دست اول از میزان حقوق معلمین، دروسی که تعلیم می شده، تعداد کلاسهای مدرسه و... .

۲ – نسبتی معقول و منطقی، دور از اسراف و ولخرجی و کاملاً هدفمند، بین بودجه تخصیص یافته به صف(حقوق معلمین) و ستاد(همه نیروی انسانی و امکنه و تجهیزات و مواد مصرفی و هزینه های نگاهداری مدرسه و ...) وجود دارد و مشخصاً ستاد را در خدمت صف که مسئول تحقق اهداف(آموزش دانش آموزان) است قرار می دهد.

هزینه ها در ذی الحجه الحرام ۱۳۳۹ هجری قمری

آخرین سند مکتوب مالی که در دست است و احتمالاً بعد از آن مدرسه ایتام منحل شده است

ستاد

معین‌الاسلام مدیر و ناظم مدرستین ۳۰۰ قران
۲ نفر فراش ۱۲۰
کرایه مدرسه ۱۰۰
قهوه خانه ۱۵
گچ و گونی ۷۵۰ دینار
جاروب ۱/۲۰۰ قران
کاغذ ۶۰۰ دینار

۵۵۰/۵۳۷ قران
هزینه‌های ستادی

صف

آقای آقا شیخ میرزا حسن	۱۰۰ قران
آقای آقا سید محمد حسن	۱۰۰ قران
آقای آقا حسن	۸۰ قران
آقای شیخ محمد علی	۶۰ قران
آقای شیخ محمد هادی	۶۰ قران
آقای آقا میرزا جمال	۶۰ قران
آقای سید محمد باقر	۱۱ قران
آقای رجالی	۲۰ قران
آقای میرزا حسین	۲۰ قران
آقای میرزا محمد خان	۸۰ قران
موسیو ژوزف	۴۵ قران
جمع هزینه صف	۶۳۶ قران

گروه آموزش: یازده نفر که نام آنها در همه اسناد مالی مندرج است

مدیر و ناظم مدرستین یک نفر(معین الاسلام)

مسؤل خدمات فقط ۲ نفر فراش

تذکر: یقیناً رسیدگی به امور مالی، صدور و وصول قبوض شهریه دانش آموزان و ثبت آن در دفاتر مالی و همچنین تهیه بیلان(دخل و خرج) و سایر مسائل مالی و نیز امور اداری از قبیل نگاهداری دفاتر و نوشتن کارنامه ها و... نیازمند خدمات افرادی چند بوده که احتمال داده می شود افرادی به صورت داوطلب انجام داده اند و به هر حال نام آنها به عنوان کارمندان موظف جزو سیاهه حقوق بگیران نیست.

می بینیم نهایت صرفه جوئی در هزینه های ستاد شده و شخص معین الاسلام تا آخر کار و آخرین روز حضور در این دو واحد آموزشی به علت تنگناهای مالی علاوه بر شغل و مسئولیّت مدیریت، سمت نظامت و... را نیز متکفّل بوده است.

۳ – دروس آموزشی: ادبیات – عربی – ریاضی – طبیعی – رسم – قرائت قرآن – مشق خط – زبان فرانسه – زبان انگلیسی – دروس آموزشی مخصوص کلاس های تهیه و ابتدائی.

استاد خط مرحوم اسداللّه رجالی بوده است. مرحوم استاد جلال الدین همائی می نویسد: «... از مدفونین این تکیه(تکیه سید عبداللطیف خواجوئی) است خوشنویس معروف معلم خط مدارس دولتی اصفهان مرحوم میرزا اسداللّه رجالی ابن میرزا عبدالجواد ابن ملا محمد رجالی که در خط

شاگرد افسر بوده و حدود نود سال عمر کرد و کتیبه های مسجد سید مورخ ۱۲۱۱ قمری از خطوط بیست سالگی اوست و نمونه کتیبه اش را من دیده ام وفاتش یکشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ شمسی مطابق پنجم ذی الحجه ۱۳۷۲ هزار و سیصد و هفتاد و دو قمری ...».(۱)

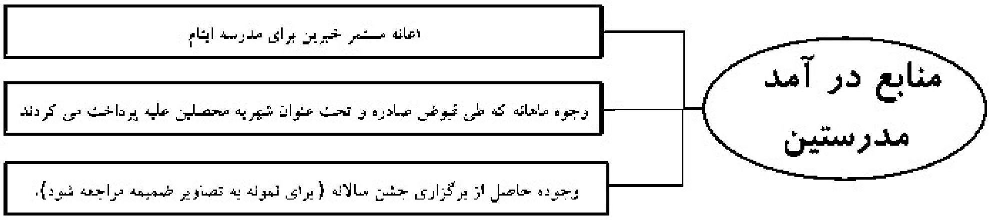
۴ – زبان های انگلیسی و فرانسه هر دو در مدرسه تدریس می شده است. معلم زبان

۱- ۱۳۲. تاریخ اصفهان، فصل تکایا و مقابر دفتر چهارم ص ۴۵۷ چاپ اول ۱۳۸۱ نشر هما.

فرانسه در همه ماه های مورد بررسی ما در اسناد موجود، آقای ژوزف است اما معلم انگلیسی ابتدا مستر سهراب سپس مستر ذکریا و آمیرزا محمدخان بوده اند.

مستر سهراب احتمالاً و به قید احتیاط هدایت اللّه سهراب فرزند سید زین العابدین ریزی لنجانی است که از مترجمین بوده کتب چندی ترجمه رده و مرحوم مهدوی سال فوت او را سال ۱۳۷۹ه .ق. قید کرده است.(۱)

۵ – درآمد مدرستین



الف: اسامی اعانه دهندگان و مبلغ اعانه در ستون آخر دفتر مالی هر ماهه درج شده است.

ب: مدرسه معمولاً با کسر بودجه مواجه بوده که با برپایی جشن و اخذ اعانه این کسر بودجه جبران می شده است.

از ماه جمادی الاولی سال ۱۳۳۹ کسر بودجه ماهانه را معین الاسلام شخصاً تأمین کرده و مابه التفاوت کسر درآمد ماهانه را خود تقبل و پرداخت کرده و در حساب ها بستانکار شده است و علیرغم برگزاری جشن ۲۷ شهر ذیقعده الحرام ۱۳۳۹، و دریافت وجوه حاصل از آن، در سلخ ذی الحجه الحرام طلب معین الاسلام از مدرستین مبلغ ۱۱۷۹/۴۰۰ قران بوده است.

در اینجا به این بررسی شتابزده خاتمه می دهیم و تصویر اسناد برای استفاده پژوهشگران ارجمند، ضمیمه است.

ص: ۱۴۹

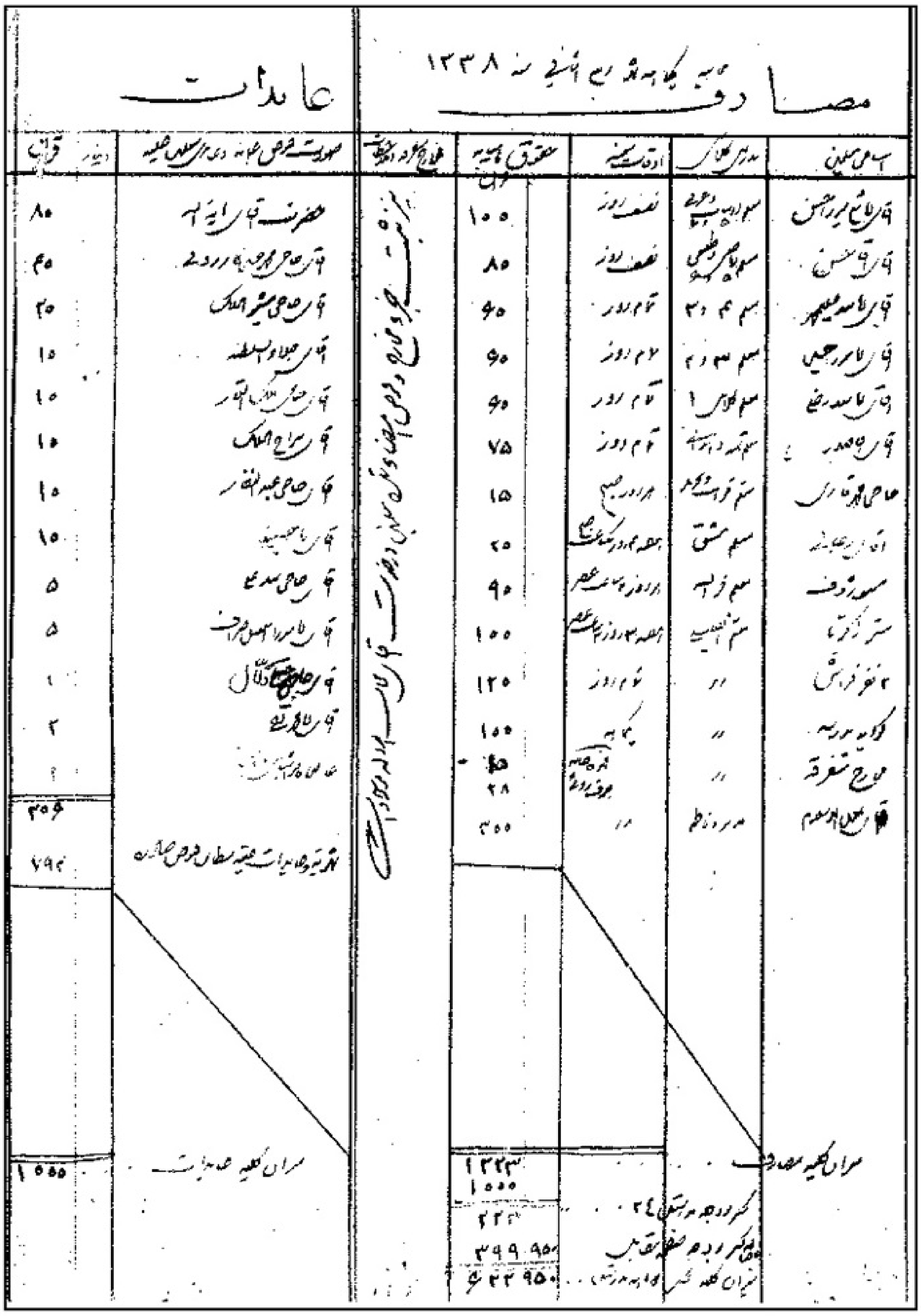
۱– ۱۳۳. تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان چاپ دوم ثقفی ۱۳۴۸ ص ۵۳۹.

صورت [illegible] مدرسه [illegible] از غره ربیع الاول سنه ۱۳۲[illegible]

مصارف | عایدات

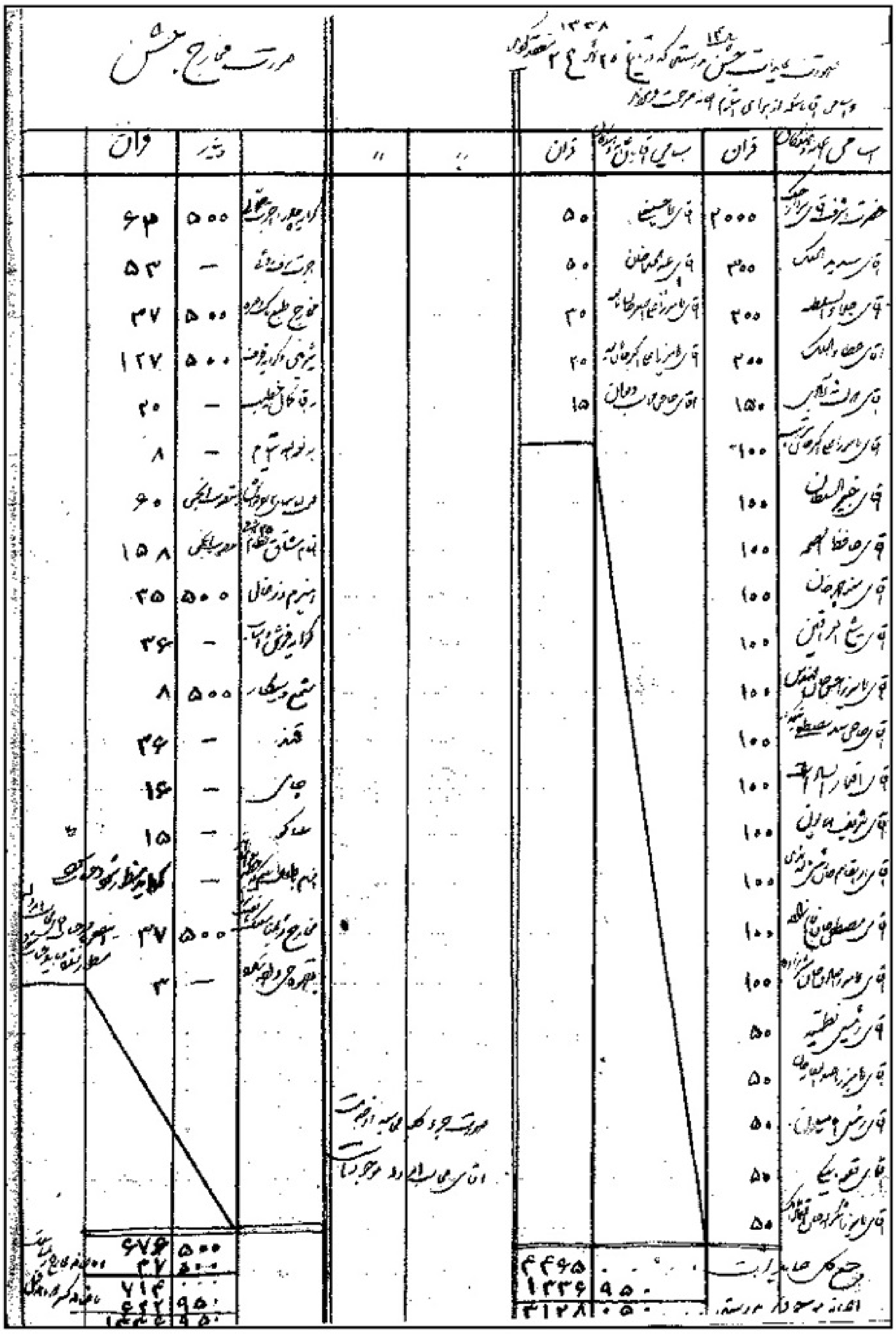
اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات معینه	حقوق ماهیانه قران	دینار	نوع متفرقه	صورت تبرعات	دینار	قران
آقا میرزا [illegible] حسین	معلم ادبیات عربی ۵ و ۶	نصف روز	۱۰۰		[illegible]	آقای حاجی محمدحسین [illegible]		۴۰
آقا [illegible] حسن	معلم [illegible]	نصف روز	۸۰			آقای حاجی [illegible]		۲۰
آقا [illegible]	معلم [illegible] چهارم	تمام روز	۶۰			آقای [illegible] السلطنه		۱۰
آقا میرزا [illegible]	معلم ۳ و ۲	تمام روز	۶۰			آقای حاجی [illegible]		۱۰
آقا [illegible]	معلم کلاس (۱)	تمام روز	۶۰			آقای سراج [illegible]		۱۰
آقا [illegible]	معلم کلاس تهیه	تمام روز	۷۵			آقای حاجی [illegible]		۱۰
حاجی [illegible]	معلم قرائت قرآن	هر روز صبح	۱۵			آقای [illegible] حسین		۱۰
میرزا [illegible]	معلم مشق	هفته ۴ روز [illegible]	۲۰			آقای حاجی [illegible]		۵
سید [illegible]	معلم فرانسه	هر روز ۲ ساعت عصر	۹۰			آقای میرزا [illegible]		۵
مستر [illegible]	معلم انگلیسی	هفته ۳ روز ۳ ساعت	۱۰۰			آقای حاجی [illegible]		۲
۲ نفر فراش	«	تمام روز	۱۰۲			آقای [illegible]		۲
کرایه مدرسه	«	یکماهه	۱۰۰			[illegible]		۲
[illegible]	«	«	۳۷	۵۰۰				۱۲۶
مخارج متفرقه [illegible]			۴۲	۴۵۰		[illegible] قرض		۷۰۶
آقای [illegible] اسلام	مدیر و ناظم مدرسه	«	۴۰۰					
میزان کلیه مصارف			۱۳۳۱	۹۵۰		میزان کلیه عایدات		۸۳۲
			۸۳۲					
کسر و [illegible]		[illegible]	۴۹۹	۹۵۰				

تصویر



مصارف
عایدات
۱۳۳۸
۱۰۰
۸۰
۶۰
۶۰
۶۰
۷۵
۱۵
۲۰
۹۰
۱۰۰
۱۲۰
۱۰۰
۳۰۰
۸۰
۴۰
۲۰
۱۵
۱۰
۱۰
۱۰
۱۵
۵
۵
۳۰۶
۷۹۴
۱۰۰۰

تصویر

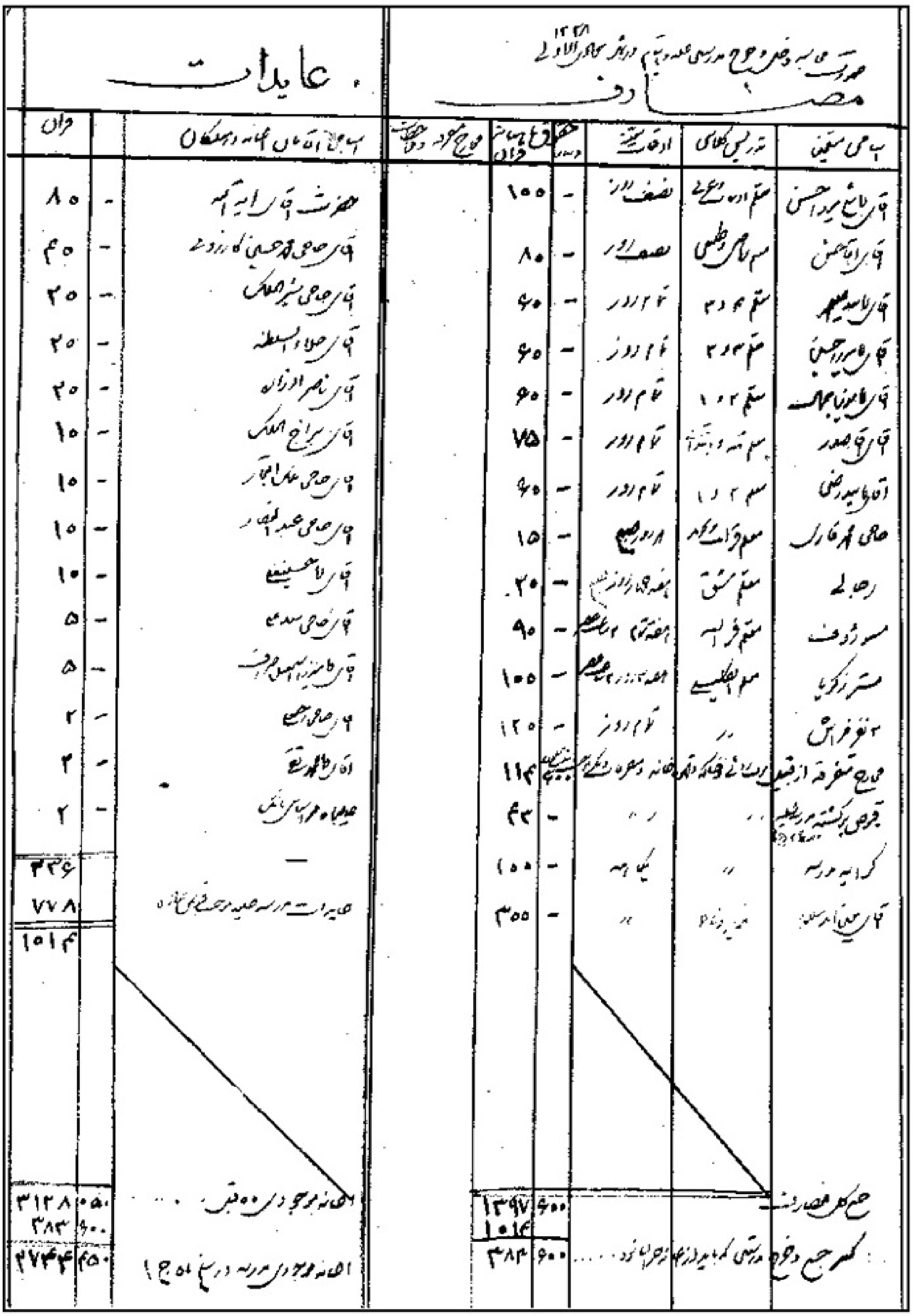


صورت اعانات جشن مدرسه ... ۱۳۳۸

قران	قران
۲۰۰۰	۵۰
۳۰۰	۵۰
۲۰۰	۳۰
۲۰۰	۲۰
۱۵۰	۱۵
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۱۰۰	
۵۰	
۵۰	
۵۰	
۵۰	
۵۰	
جمع کل ۴۴۶۵	

صورت مخارج جشن

	دینار	قران
	۵۰۰	۶۴
	—	۵۳
	۵۰۰	۳۷
	۵۰۰	۱۲۷
	—	۲۰
	—	۸
		۶۰
		۱۵۸
	۵۰۰	۳۵
	—	۳۶
	۵۰۰	۸
قند	—	۳۶
چای	—	۱۶
	—	۱۵
	—	
	۵۰۰	۳۷
	—	۳
	۵۰۰	۶۷۶



صورت [illegible] مدرسه [illegible] ۱۳۲۸ [illegible] الاولی

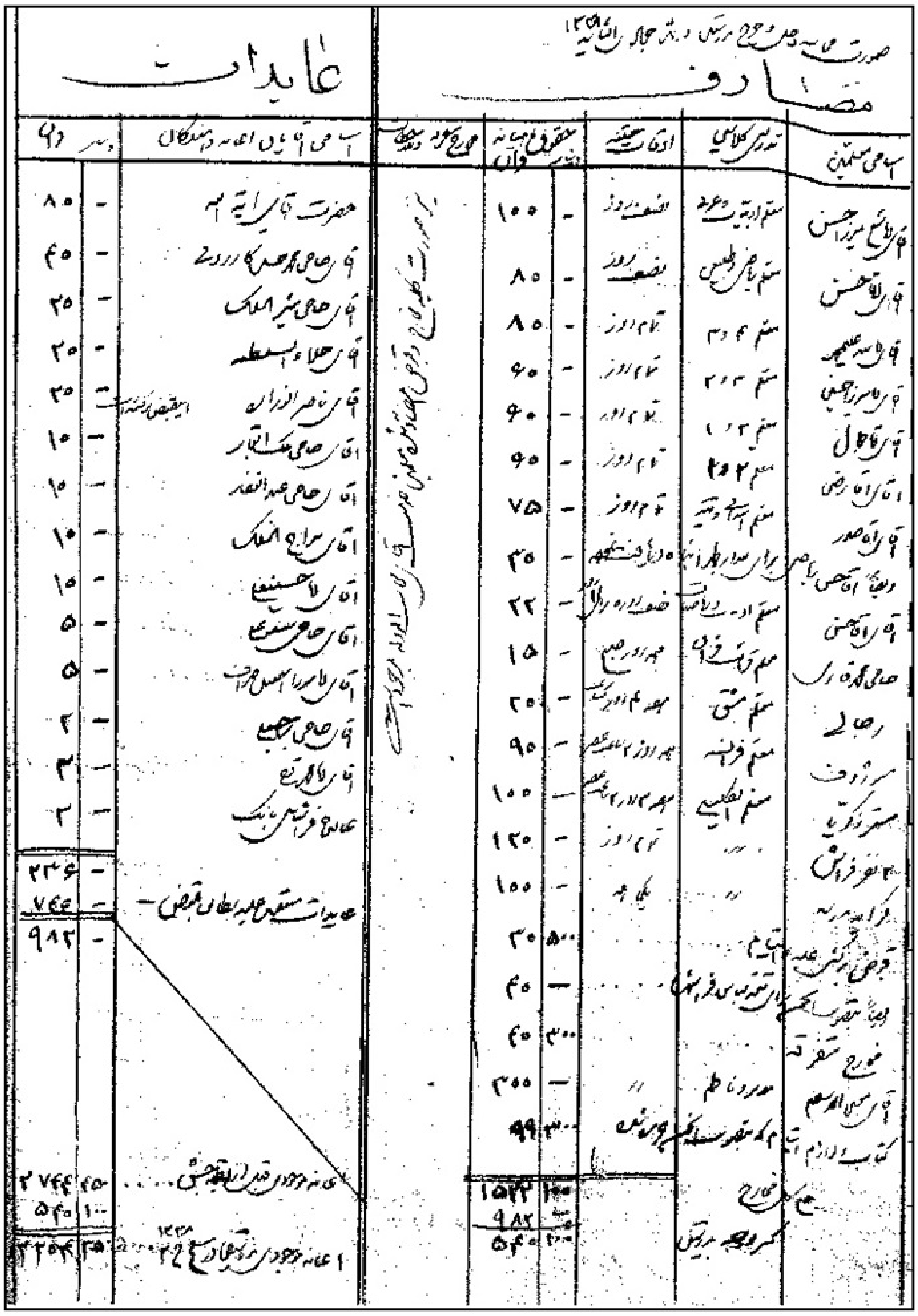
مصارف

اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات تدریس	دینار	حقوق ماهیانه قران	مواجب موعود دولت
[illegible]	[illegible]	نصف روز	-	۱۰۰	
[illegible]	[illegible]	نصف روز	-	۸۰	
[illegible]	[illegible]	[illegible] روز	-	۶۰	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	-	۶۰	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	-	۶۰	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	-	۷۵	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	-	۶۰	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	-	۱۵	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	-	۲۰	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	-	۹۰	
مستر زکریا	[illegible]	[illegible]	-	۱۰۵	
۳ نوکر فراش	"	تمام روز	-	۱۲۰	
مخارج متفرقه از قبیل [illegible]			[illegible]	۱۱۴	
قرض [illegible]	"	"	-	۴۳	
کرایه مدرسه	"	یک ماهه	-	۱۰۰	
[illegible]	[illegible]	"	-	۳۵۵	
جمع کل مصارف			۶۰۰	۱۳۹۷	
				۱۰۱۴	
کسر جمع دخل مدرسه که باید [illegible]			۶۰۰	۳۸۴	

عایدات

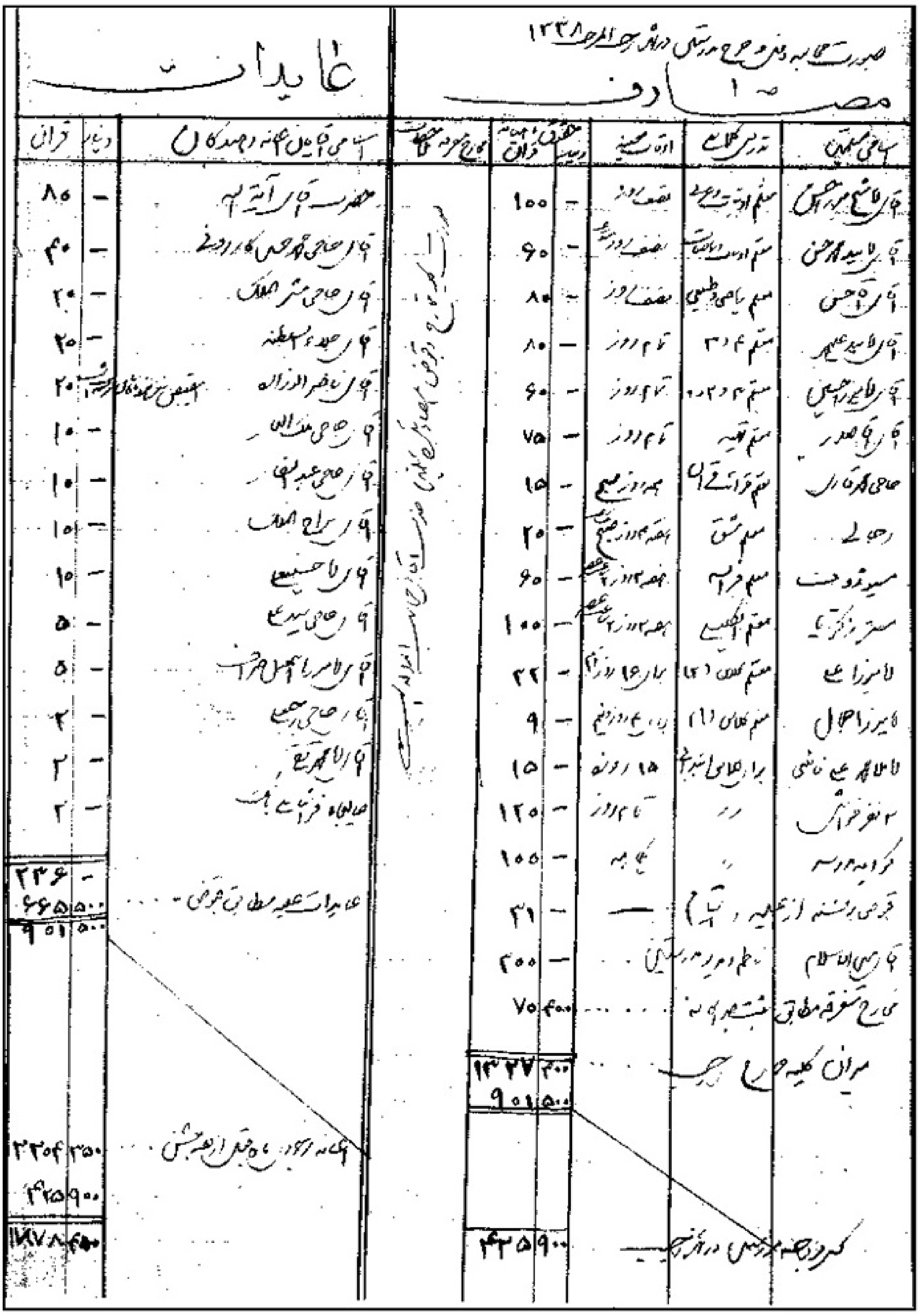
اسامی آقایان اعانه دهندگان		قران
[illegible]	-	۸۰
[illegible]	-	۴۰
[illegible]	-	۲۰
[illegible]	-	۲۰
[illegible]	-	۲۰
[illegible]	-	۱۰
[illegible]	-	۱۰
[illegible]	-	۱۰
[illegible]	-	۱۰
[illegible]	-	۵
[illegible]	-	۵
[illegible]	-	۲
[illegible]	-	۲
[illegible]	-	۲
—		۲۳۶
عایدات مدرسه [illegible]		۷۷۸
		۱۰۱۴
[illegible]	۰۵۰	۳۱۲۸
	۶۰۰	۳۸۳
[illegible]	۴۵۰	۲۷۴۴

تصویر



ص: ۱۵۴

تصویر



صورت محاسبه دخل و خرج مدرسه ... در ماه ذی الحجه ۱۳۲۸

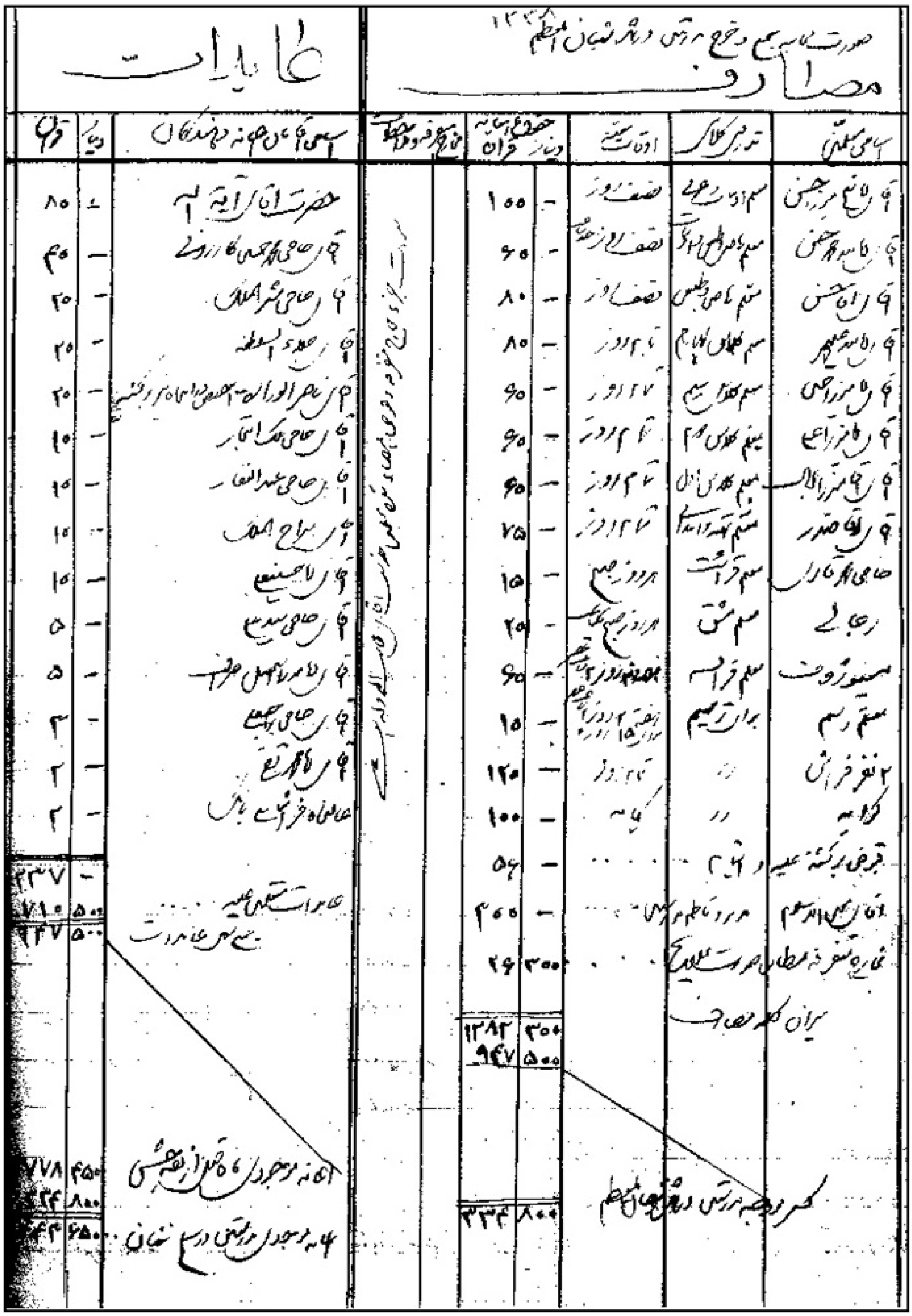
مصارف

اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات معینه	دینار	قران
آقا میرزا شیخ محمد حسین	معلم ادبیات و ...	نصف روز	—	۱۰۰
آقا میرزا سید محمد حسن	معلم ادبیات ...	نصف روز ...	—	۶۰
آقا میرزا [illegible] حسن	معلم ریاضی و طبیعی	نصف روز	—	۸۰
آقا میرزا سید [illegible]	معلم ۴ و ۳	تمام روز	—	۸۰
آقا میرزا [illegible] حسین	معلم ۳ و ۲ و ۱	تمام روز	—	۶۰
آقا [illegible] صدر	معلم تهیه	تمام روز	—	۷۵
حاجی محمد [illegible]	معلم قرائت قرآن	[illegible] صبح	—	۱۵
[illegible]	معلم مشق	[illegible] صبح	—	۲۰
مسیو [illegible]	معلم فرانسه	[illegible]	—	۶۰
مستر [illegible]	معلم انگلیسی	[illegible]	—	۱۰۰
ملا میرزا علی	معلم کلاس (۲)	... ۱۶ روز	—	۲۲
ملا میرزا [illegible]	معلم کلاس (۱)	[illegible]	—	۹
ملا محمد علی [illegible]	[illegible]	۱۵ روز	—	۱۵
سه نفر فراش	«	تمام روز	—	۱۲۰
کرایه مدرسه	«	[illegible]	—	۱۰۰
قرض [illegible]		—	—	۳۱
آقا [illegible] الاسلام	[illegible]		—	۲۰۰
مخارج متفرقه مطابق [illegible]			۴۰۰	۷۵
میزان کلیه مخارج			۳۰۰	۱۳۲۷
			۵۰۰	۹۰۱
کسر [illegible] در [illegible]			۹۰۰	۴۲۵

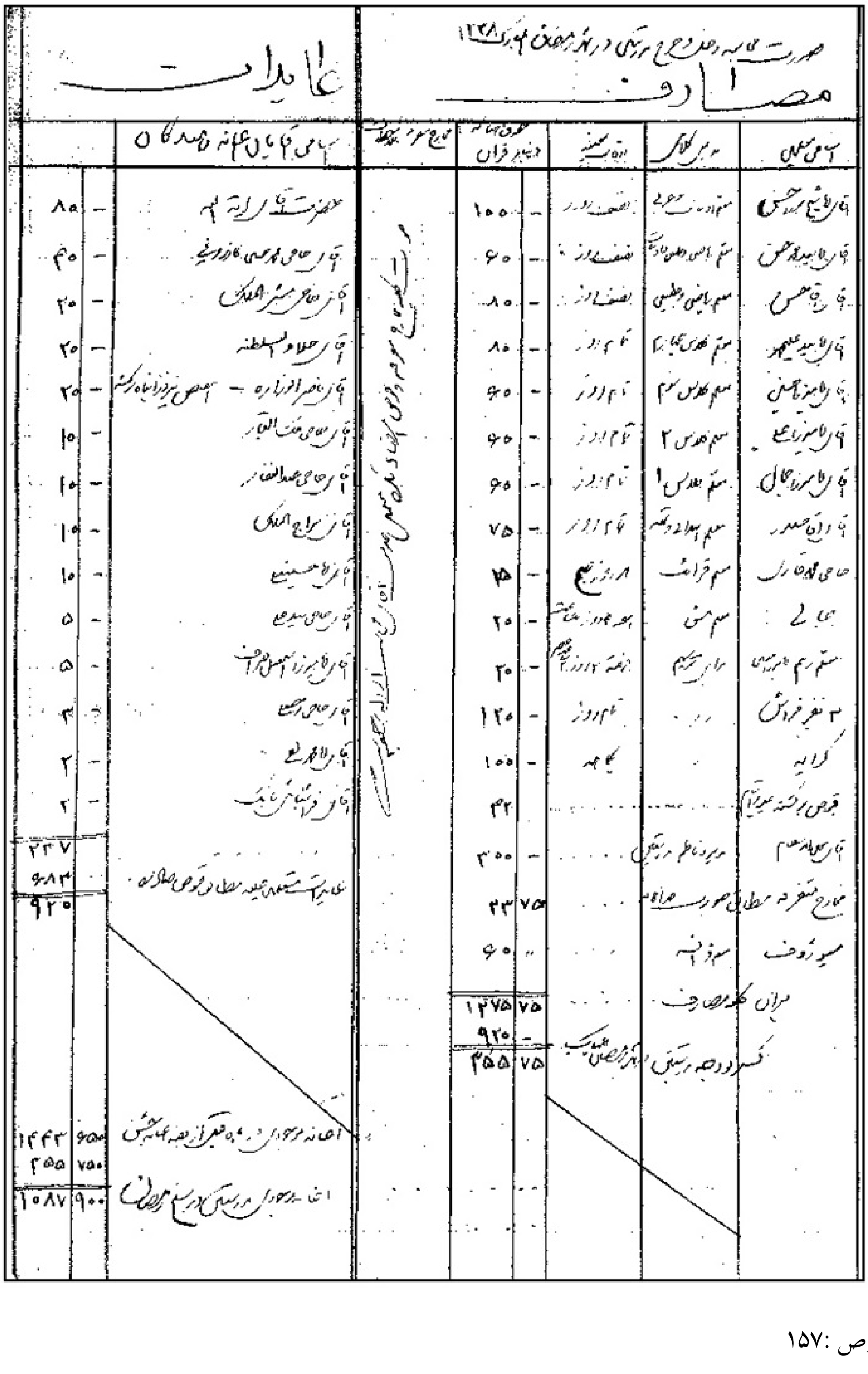
عایدات

اسامی [illegible]	دینار	قران
حضرت آقای آیت الله	—	۸۵
آقای حاجی محمد حسن [illegible]	—	۴۰
آقای حاجی [illegible]	—	۲۰
آقای [illegible]	—	۲۰
آقای ناصر الدوله	—	۲۰
آقای حاجی [illegible]	—	۱۰
آقای حاجی [illegible]	—	۱۰
آقای [illegible]	—	۱۰
آقای [illegible]	—	۱۰
آقای حاجی سید علی	—	۵
آقای میرزا [illegible]	—	۵
آقای حاجی [illegible]	—	۲
آقای محمد [illegible]	—	۲
[illegible]	—	۲
	—	۲۳۶
عایدات [illegible]	۵۰۰	۶۶۵
	۵۰۰	۹۰۱
[illegible]	۳۵۰	۳۲۰۴
	۹۰۰	۴۲۵
	۴۵۰	۱۸۷۸

تصویر



تصویر

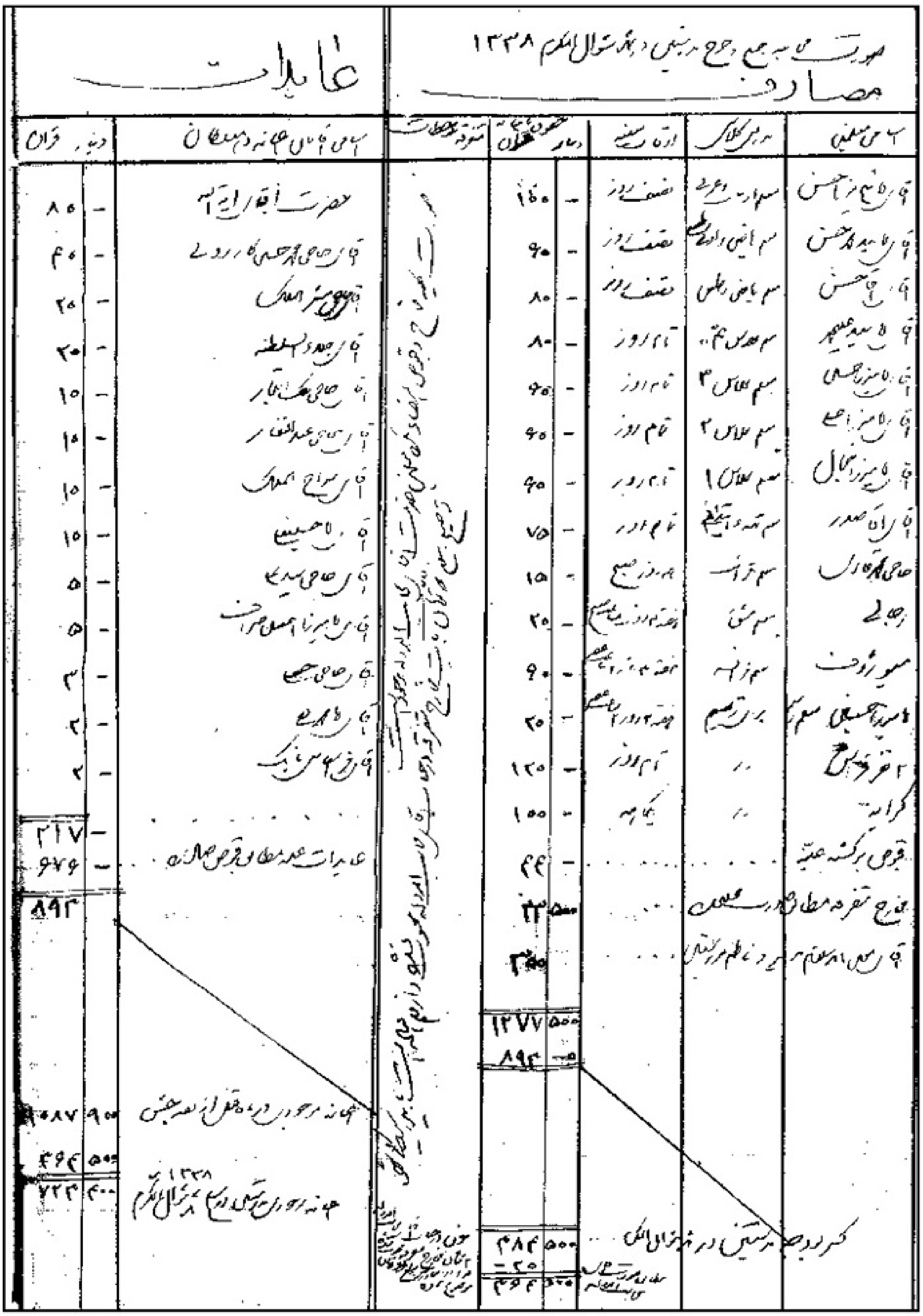


مصارف

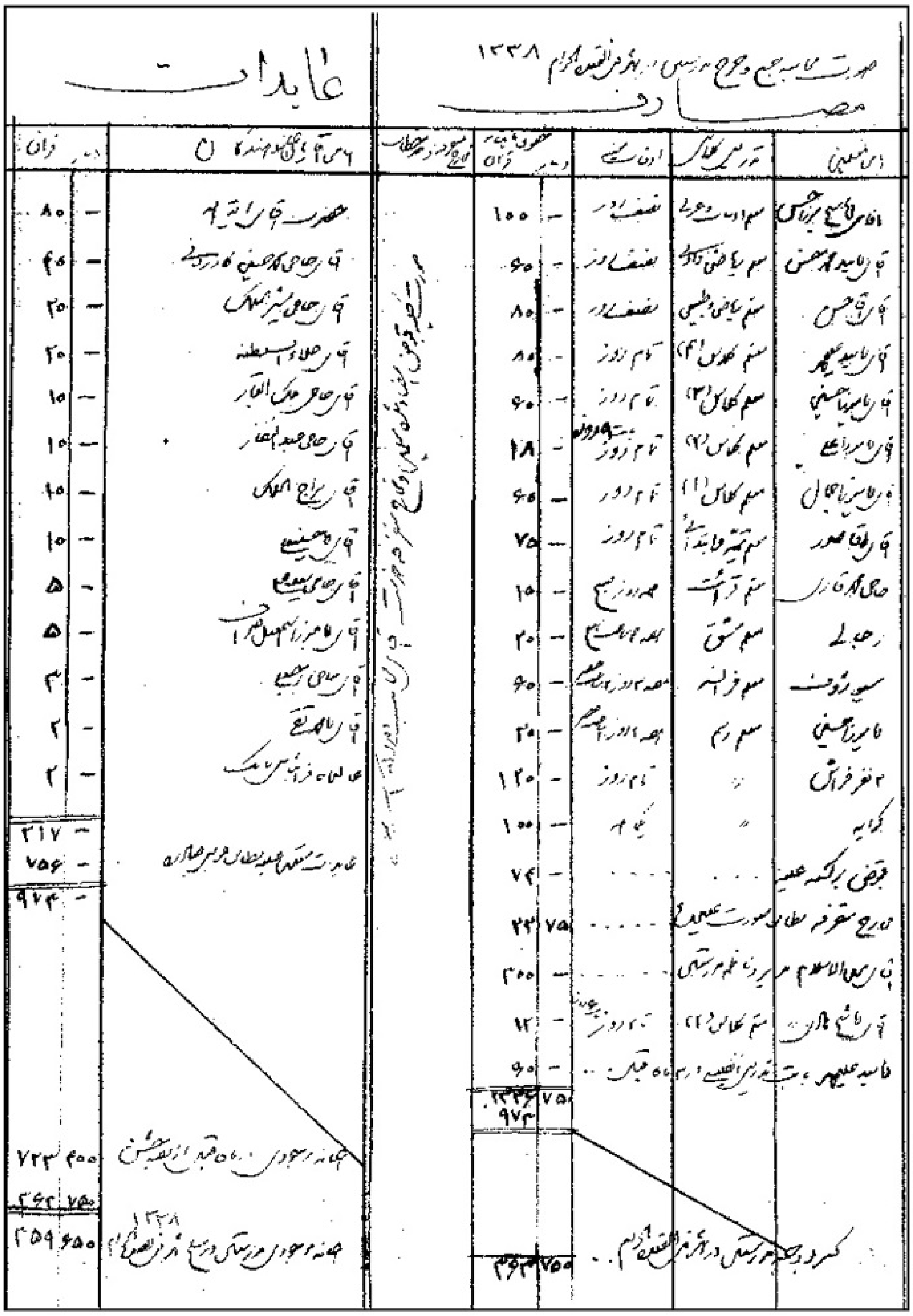
عایدات

ص :۱۵۷

تصویر



تصویر



صورت محاسبه جمع و خرج مدرسه ... ۱۳۳۸

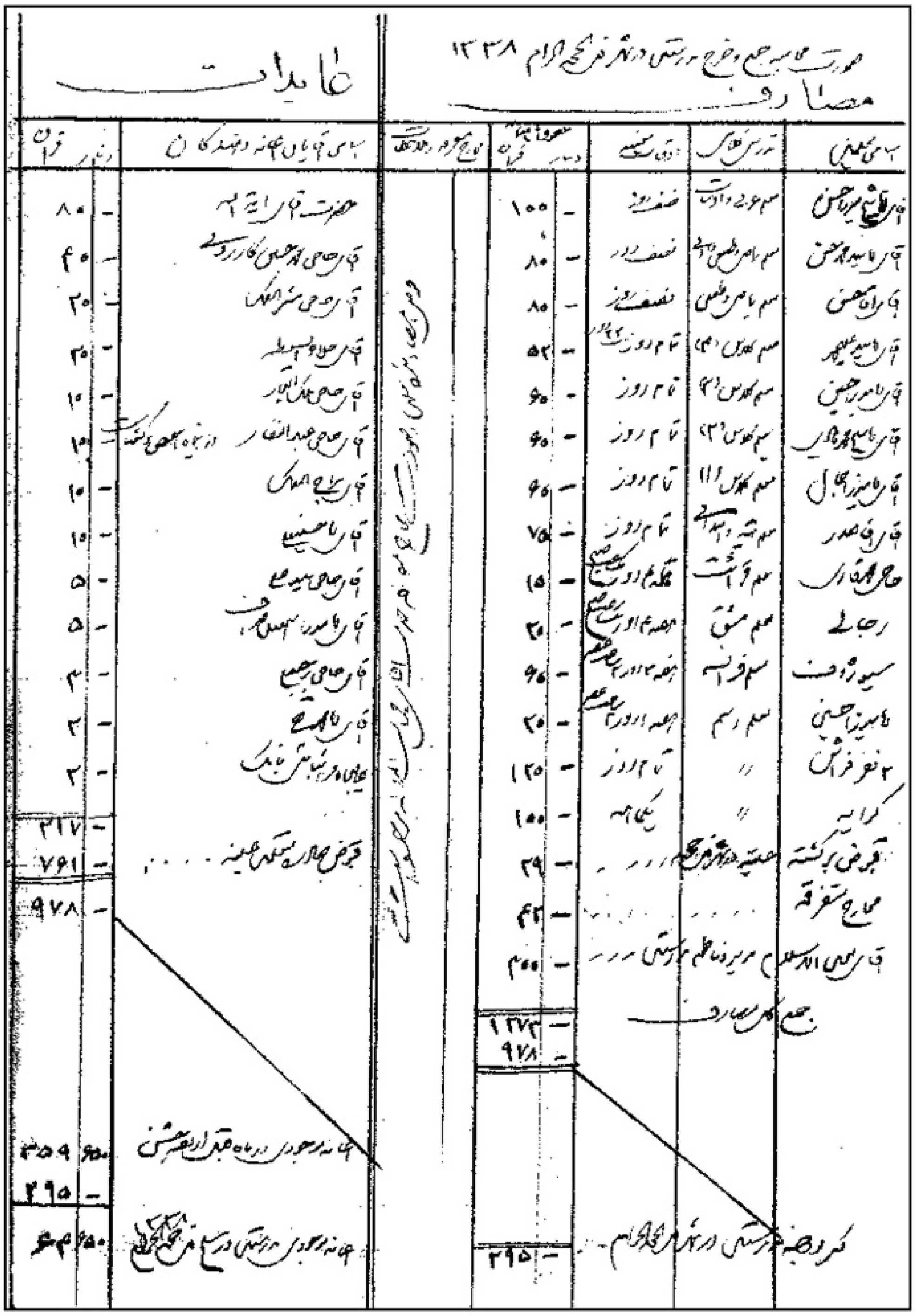
مصارف

اسم معلمین	تدریس کلاس	اوقات کار	دینار	قران
[illegible]	[illegible]	نصف روز	—	۱۰۰
[illegible]	سهم ریاضی [illegible]	نصف روز	—	۶۰
[illegible]	سهم ریاضی و طبیعی	نصف روز	—	۸۰
[illegible]	سهم کلاس (۴)	تمام روز	—	۸۰
[illegible]	سهم کلاس (۳)	تمام روز	—	۶۰
[illegible]	سهم کلاس (۲)	تمام روز	—	۱۸
[illegible]	سهم کلاس (۱)	تمام روز	—	۶۰
[illegible]	سهم [illegible]	تمام روز	—	۷۵
[illegible]	سهم قرائت	[illegible]	—	۱۵
[illegible]	سهم مشق	[illegible]	—	۲۰
[illegible]	[illegible]	[illegible]	—	۶۰
[illegible]	سهم رسم	[illegible]	—	۳۰
۲ نفر فراش		تمام روز	—	۱۲۰
کرایه		[illegible]	—	۱۰۰
[illegible]			—	۷۴
[illegible]			۷۵	۲۳
[illegible]			—	۳۰۰
[illegible]	سهم کلاس [illegible]	[illegible]	—	۱۲
[illegible]			—	۶۰
			۷۵	۱۳۴۶
				۹۷۴
[illegible]			۷۵۰	۳۶۲

عایدات

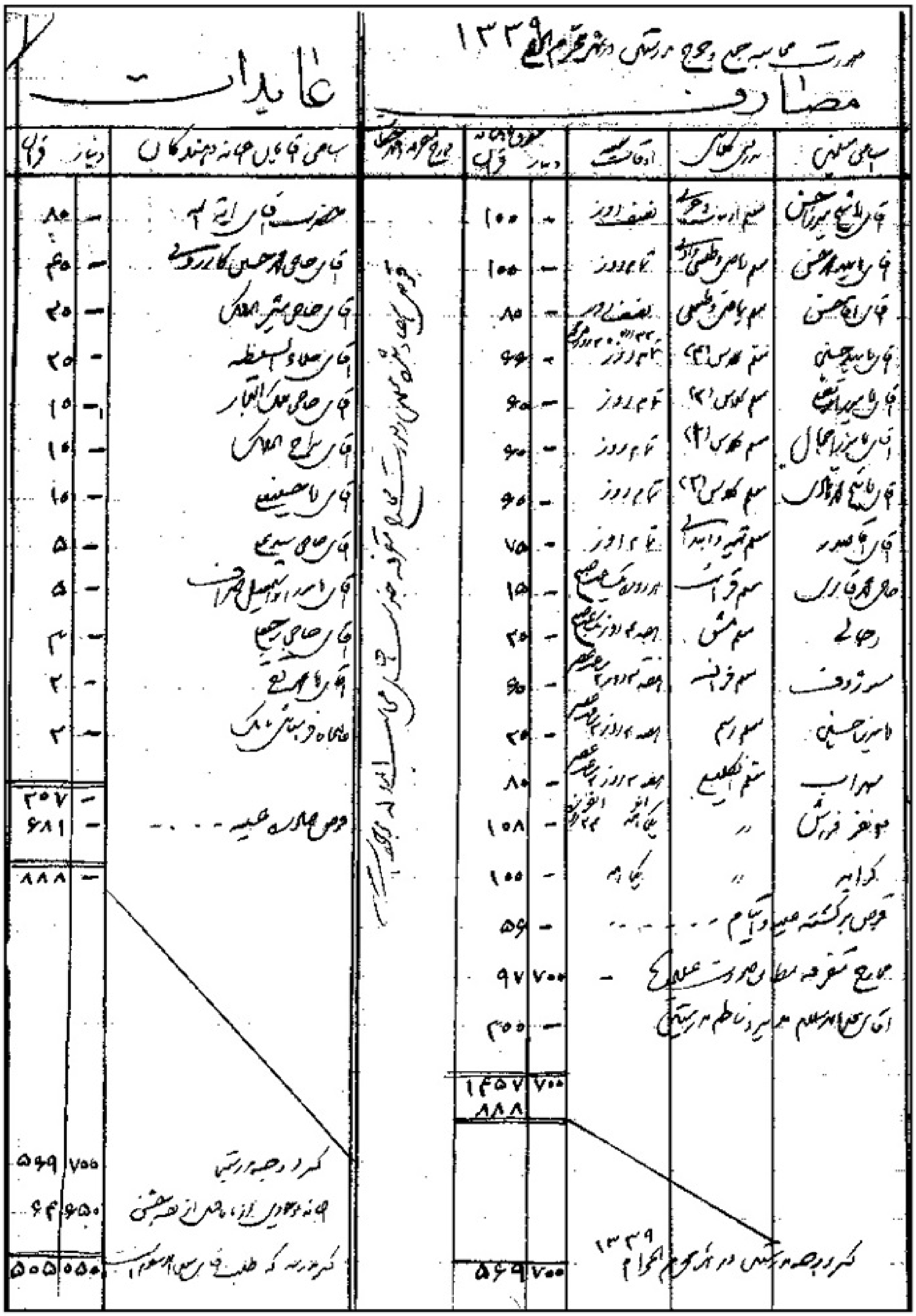
اسم آقایان اعانه دهندگان	دینار	قران
[illegible]	—	۸۰
[illegible]	—	۴۰
[illegible]	—	۳۰
[illegible]	—	۲۰
[illegible]	—	۱۰
[illegible]	—	۱۰
[illegible]	—	۱۰
[illegible]	—	۱۰
[illegible]	—	۵
[illegible]	—	۵
[illegible]	—	۳
[illegible]	—	۲
[illegible]	—	۲
	—	۲۱۷
[illegible]	—	۷۵۶
	—	۹۷۴
[illegible]	۴۰۰	۷۲۳
	۷۵۰	۳۶۲
[illegible] ۱۳۳۸	۶۵۰	۳۵۹

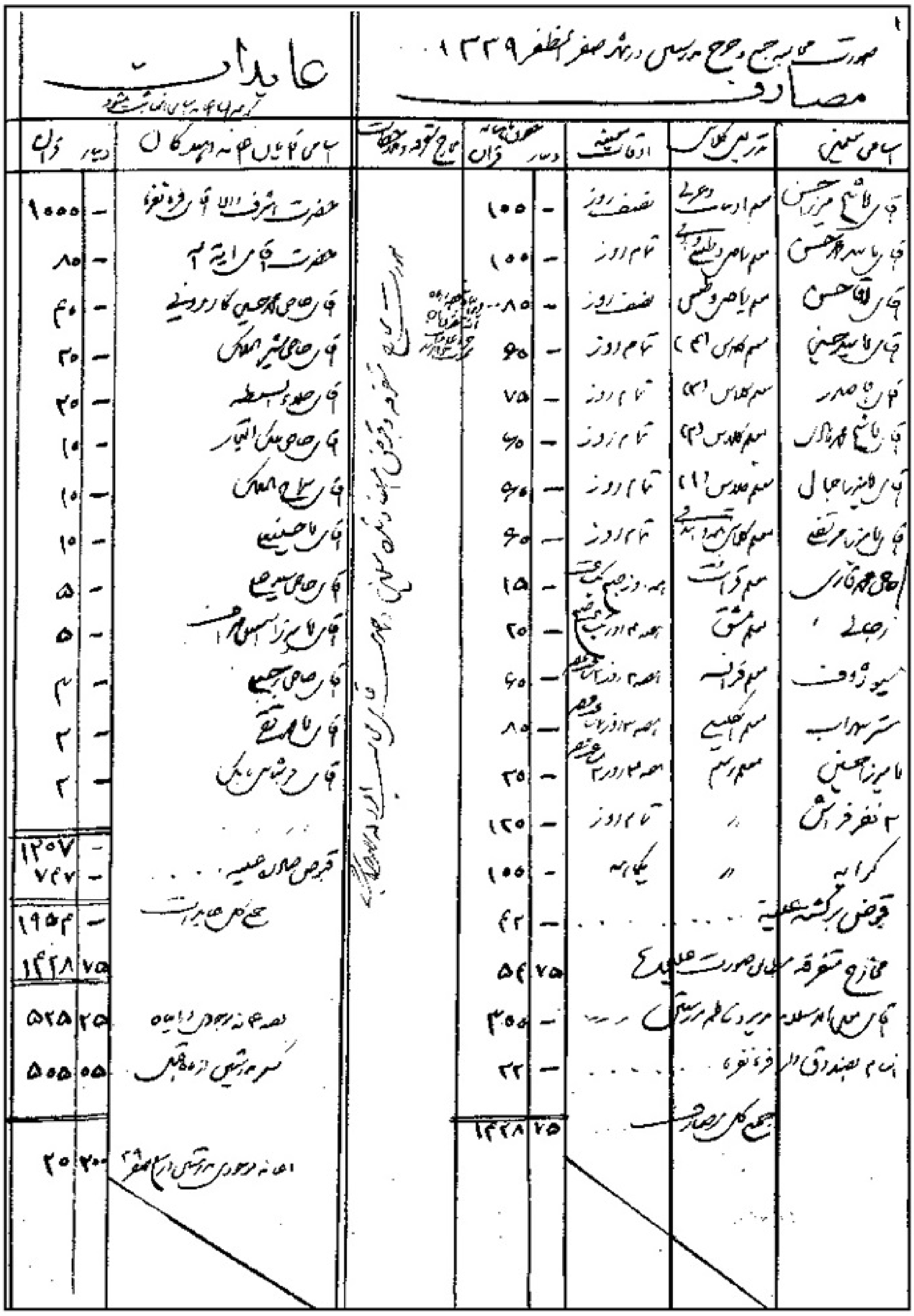
تصویر



صورت محاسبه جمع و خرج مدرسه در شهر ذی‌الحجة الحرام ۱۳۳۸
مصارف
عایدات

تصویر





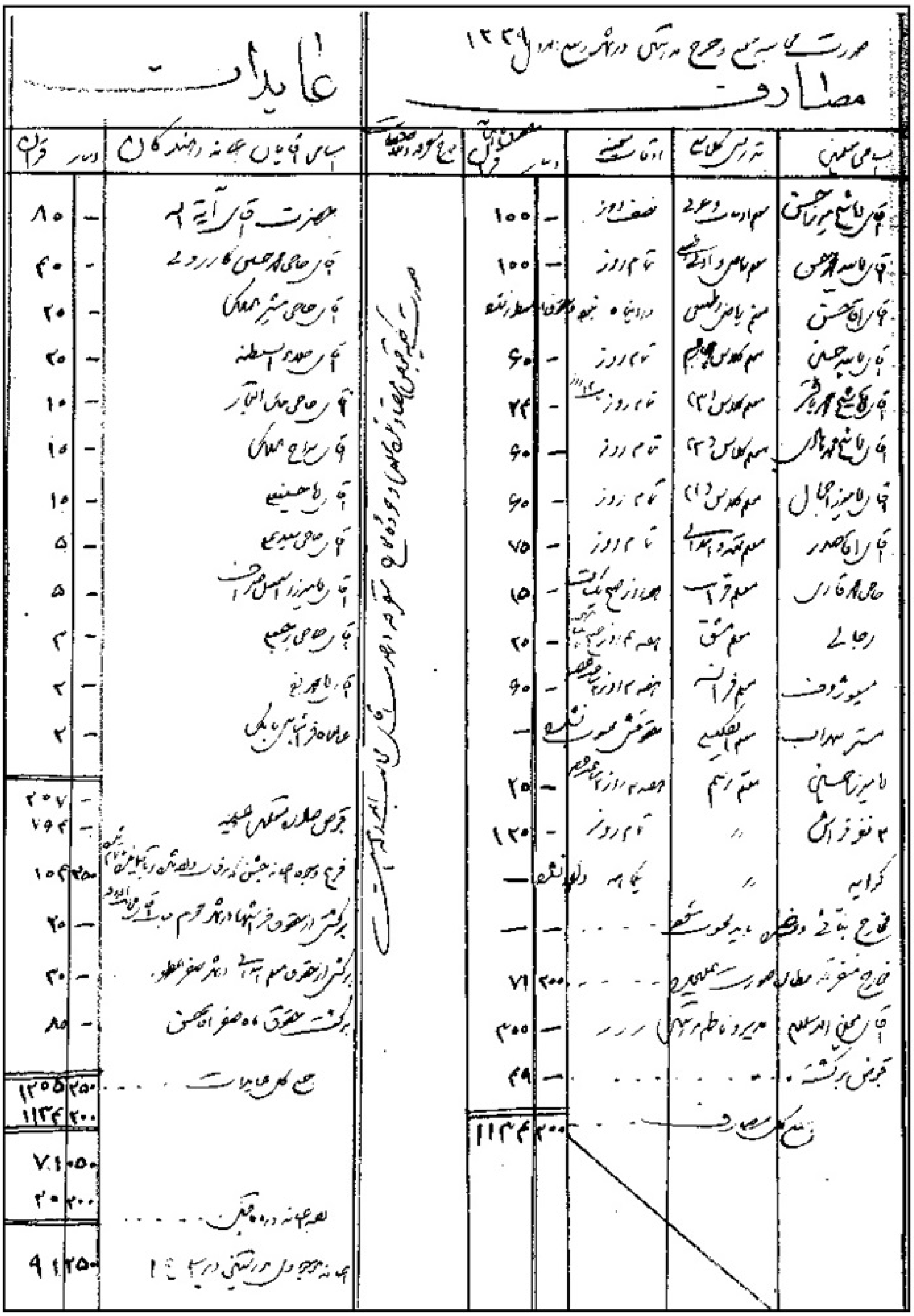
صورت ... وجوه مدرسه ... صفر المظفر ۱۳۲۹

مصارف

عایدات

اسامی اعانه دهندگان	دینار	قران

اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات ...	دینار	قران	...



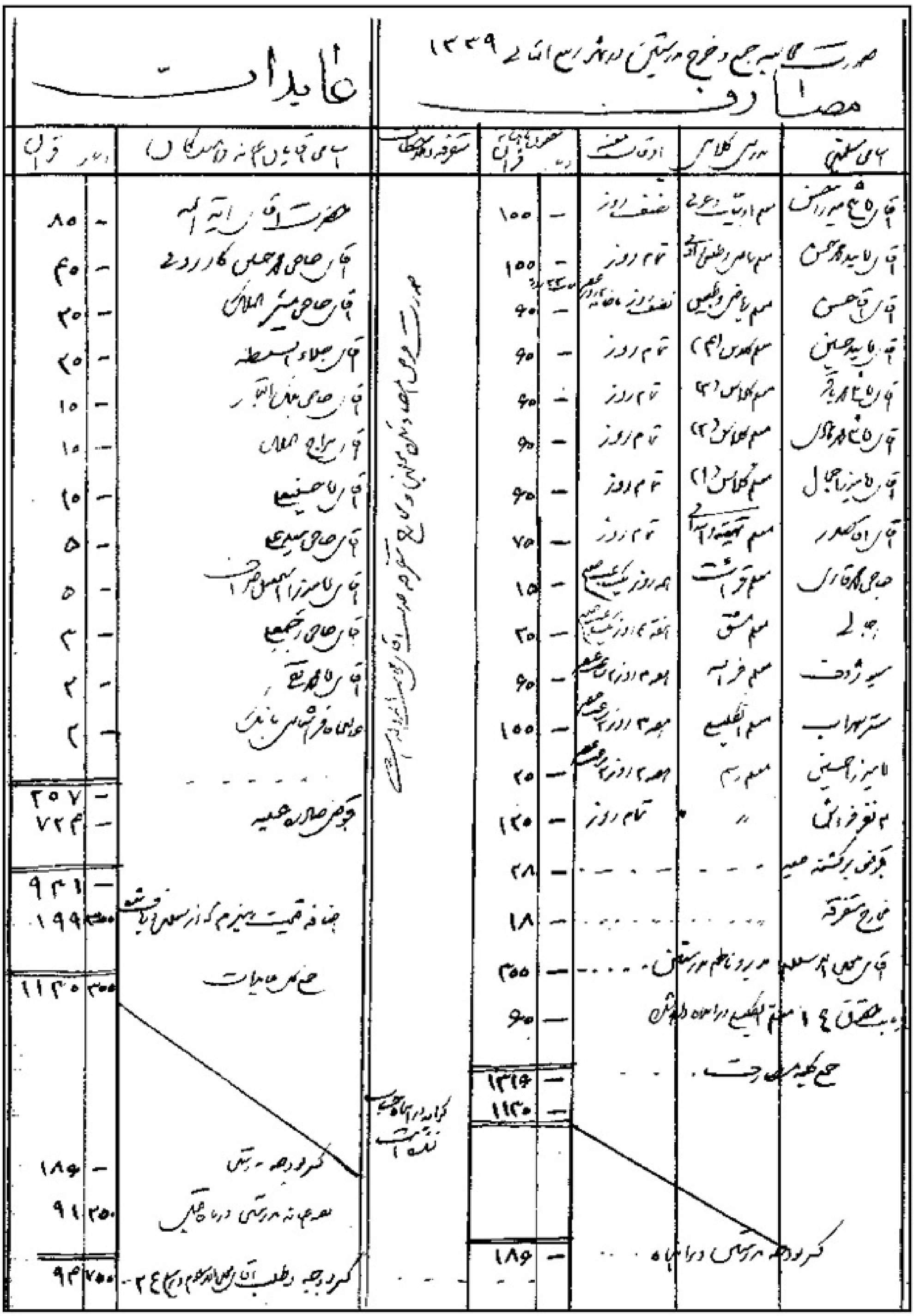
مصارف

اسامی معلمین	تدریس کلاسها	اوقات معینه	دینار	قران
آقای شیخ میرزا حسن	[illegible]	نصف روز	—	۱۰۰
آقای سید [illegible]	[illegible]	تمام روز	—	۱۰۰
آقای آقا حسن	[illegible]	[illegible]		[illegible]
آقای سید حسین	سه کلاس [illegible]	تمام روز	—	۶۰
آقای شیخ محمد باقر	سه کلاس (۳)	تمام روز	—	۲۴
آقای شیخ [illegible]	سه کلاس (۲)	تمام روز	—	۶۰
آقای میرزا جمال	سه کلاس (۱)	تمام روز	—	۶۰
آقای آقا صدر	[illegible]	تمام روز	—	۷۵
حاجی محمد قاری	سه قرآن	[illegible]	—	۱۵
رجالی	سه مشق	[illegible]	—	۲۰
مسیو ژوزف	سه فرانسه	[illegible]	—	۶۰
مستر سهراب	سه انگلیسی	[illegible]	—	—
میرزا احسان	سه رسم	[illegible]	—	۲۰
۳ نفر فراش		تمام روز	—	۱۲۰
کرایه		[illegible]		—
[illegible]			—	—
خرج متفرقه			۲۰۰	۷۱
آقای [illegible]	مدیر و ناظم		—	۳۰۰
قرض برگشته			—	۴۹
جمع کل مصارف			۲۰۰	۱۱۳۴

عایدات

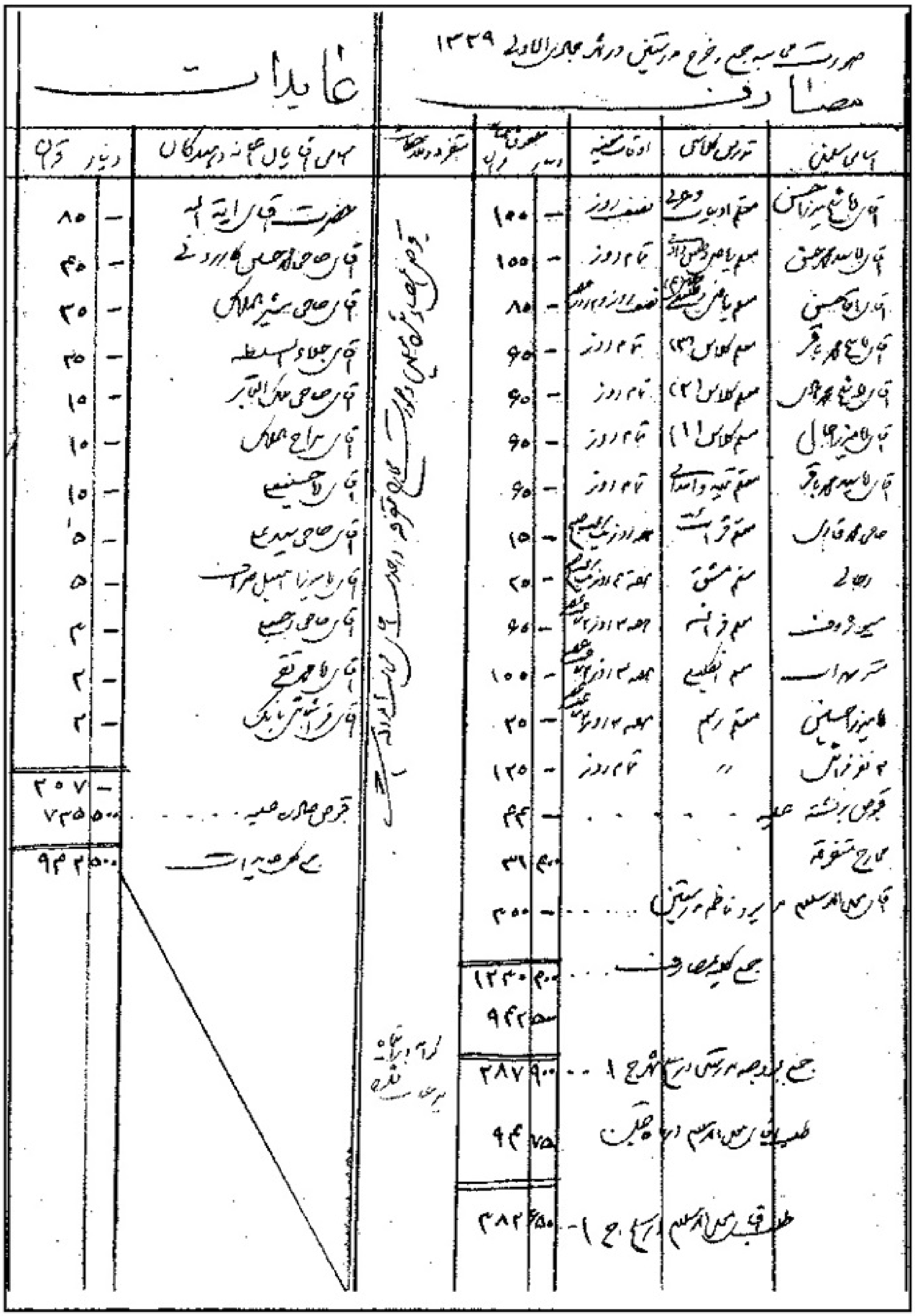
اسامی [illegible]	دینار	قران
حضرت آقای آیة الله	—	۸۰
آقای حاجی محمد حسن کازرونی	—	۴۰
آقای حاجی مشیر الملک	—	۲۰
آقای صدر السلطنه	—	۲۰
آقای حاجی ملک التجار	—	۱۰
آقای سراج الملک	—	۱۰
[illegible]	—	۱۰
[illegible]	—	۵
[illegible]	—	۵
[illegible]	—	۴
[illegible]	—	۲
[illegible]	—	۲
	—	۲۰۷
[illegible]	—	۷۶۴
[illegible]	۲۵۰	۱۰۴
[illegible]	—	۲۰
[illegible]	—	۳۰
[illegible]	—	۸۵
جمع کل عایدات	۲۵۰	۱۲۰۵
	۲۰۰	۱۱۳۴
	۰۵۰	۷۱
[illegible]	۲۰۰	۲۰
[illegible]	۲۵۰	۹۱

تصویر



عایدات
مصارف
۱۳۲۹
۸۰
۴۰
۳۰
۲۰
۱۰
۱۰
۱۰
۵
۵
۳
۲
۲
۲۰۷
۷۲۴
۹۳۱
۱۹۹
۱۱۳۰
۱۸۶
۹۱
۹۴
۱۰۰
۱۰۰
۹۰
۹۰
۶۰
۹۰
۹۰
۷۵
۱۵
۳۰
۶۰
۱۰۰
۲۵
۱۲۰
۲۸
۱۸
۳۵۰
۹۰
۱۳۱۶
۱۱۳۰
۱۸۶
تمام روز
نصف روز

تصویر



صورت محاسبه جمع و خرج مدرسه تربیت در ماه جمادی الاولی ۱۳۳۹

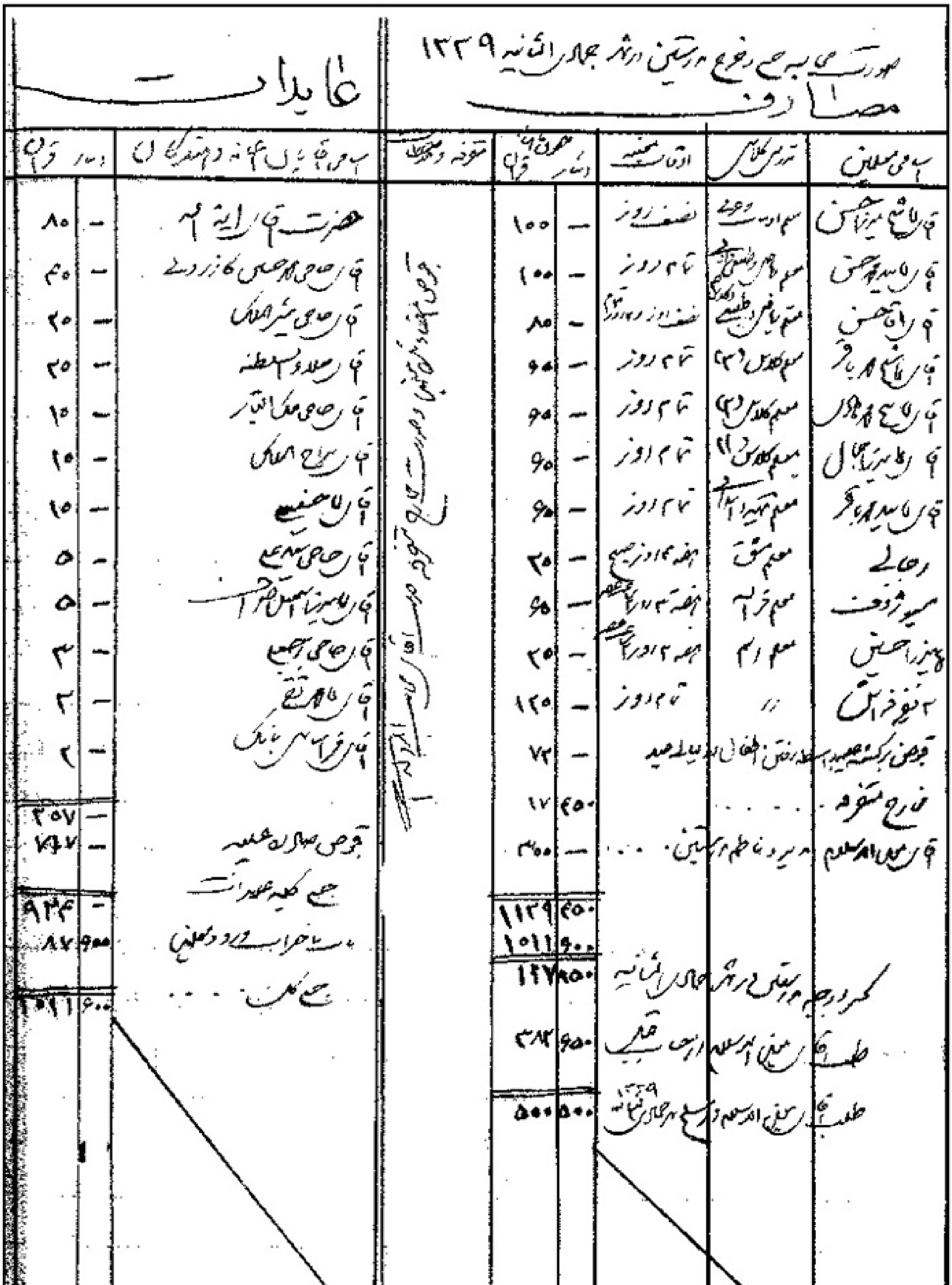
مصارف

اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات معینه	تومان	دینار
آقای شیخ میرزا حسن	معلم ادبیات و عربی	نصف روز	۱۰۰	–
آقای سید محمد [illegible]	معلم ریاضی [illegible]	تمام روز	۱۰۰	–
آقای [illegible] حسین	معلم ریاضی [illegible]	نصف روز [illegible]	۸۰	–
آقای شیخ محمد باقر	معلم کلاس (۳)	تمام روز	۶۰	–
آقای شیخ محمد [illegible]	معلم کلاس (۲)	تمام روز	۶۰	–
آقای میرزا [illegible]	معلم کلاس (۱)	تمام روز	۶۰	–
آقای سید محمد باقر	معلم تهیه و اعدادی	تمام روز	۶۰	–
حاجی محمد [illegible]	معلم قرائت	[illegible]	۱۵	–
[illegible]	معلم مشق	[illegible]	۲۰	–
مسیو [illegible]	معلم فرانسه	هفته ۳ روز	۶۰	–
مستر [illegible]	معلم انگلیسی	هفته ۳ روز	۱۰۰	–
میرزا [illegible]	معلم رسم	هفته ۲ روز	۳۰	–
۴ نفر فراش	"	تمام روز	۱۲۵	–
قرض برگشته [illegible]			۴۴	–
مخارج متفرقه			۳۱	۴۰۰
آقای [illegible] مدیر و ناظم مدرسه تربیت			۳۰۰	–
جمع کلیه مصارف			۱۲۳۰	۴۰۰
			۹۴۲	۵۰۰
جمع بدهی مدرسه [illegible]			۲۸۷	۹۰۰
[illegible]			۹۴	۷۵۰
[illegible]			۳۸۲	۶۵۰

عایدات

اسامی آقایان اعانه دهندگان	تومان	دینار
حضرت آقای آیة الله	۸۵	–
آقای حاجی [illegible]	۴۰	–
آقای حاجی [illegible]	۳۰	–
آقای [illegible]	۳۵	–
آقای حاجی [illegible]	۱۵	–
آقای [illegible]	۱۵	–
آقای [illegible]	۱۵	–
آقای حاجی [illegible]	۵	–
آقای میرزا [illegible]	۵	–
آقای حاجی [illegible]	۴	–
آقای [illegible]	۲	–
آقای [illegible]	۲	–
	۲۰۷	–
قرض [illegible]	۷۳۵	۵۰۰
جمع [illegible]	۹۴۲	۵۰۰

تصویر



صورت حساب جمع و خرج مدرستین در شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۹

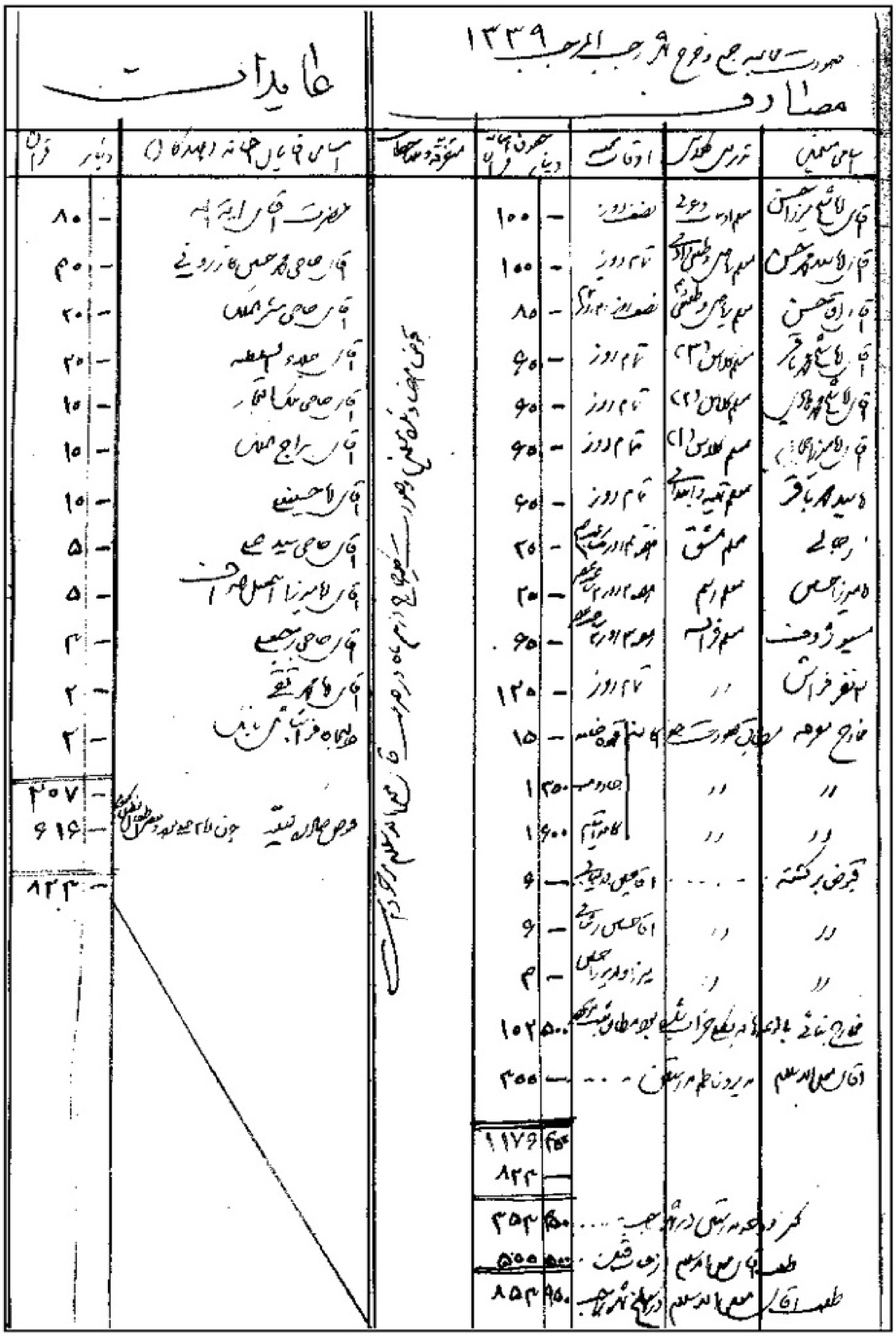
مصارف

اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات معینه	حقوق ماهیانه دینار	حقوق ماهیانه قران	متوفیه و ...
آقای شیخ میرزا حسن	معلم ...	نصف روز	—	۱۰۰	
آقای سید ... حسن	معلم ...	تمام روز	—	۱۰۰	
آقای ... حسن	معلم ... طبیعی	نصف روز ...	—	۸۰	
آقای شیخ ... باقر	معلم کلاس (۳)	تمام روز	—	۹۰	
آقای شیخ ...	معلم کلاس (۲)	تمام روز	—	۹۰	
آقای ... میرزا ...	معلم کلاس (۱)	تمام روز	—	۶۰	
آقای سید ... باقر	معلم تهیه ...	تمام روز	—	۶۰	
...	معلم مشق	هفته ... روز ...	—	۳۰	
...	معلم ...	هفته ...	—	۶۰	
میرزا حسین	معلم ...	هفته ...	—	۲۵	
۲ نفر فراش	﹏	تمام روز	—	۱۲۵	
قیمت ...			—	۷۲	
خرج متفرقه			۴۵۰	۱۷	
آقای ... مدیر و ناظم مدرستین			—	۳۰۰	
			۴۵۰	۱۱۲۹	
			۶۰۰	۱۰۱۱	
کسر در جمع مدرستین در شهر جمادی الثانیه			۸۵۰	۱۱۷	
طلب آقای ... از ... قبلی			۶۵۰	۳۸۲	
طلب آقای ... تا آخر جمادی الثانیه ۱۳۳۹			۵۰۰	۵۰۰	

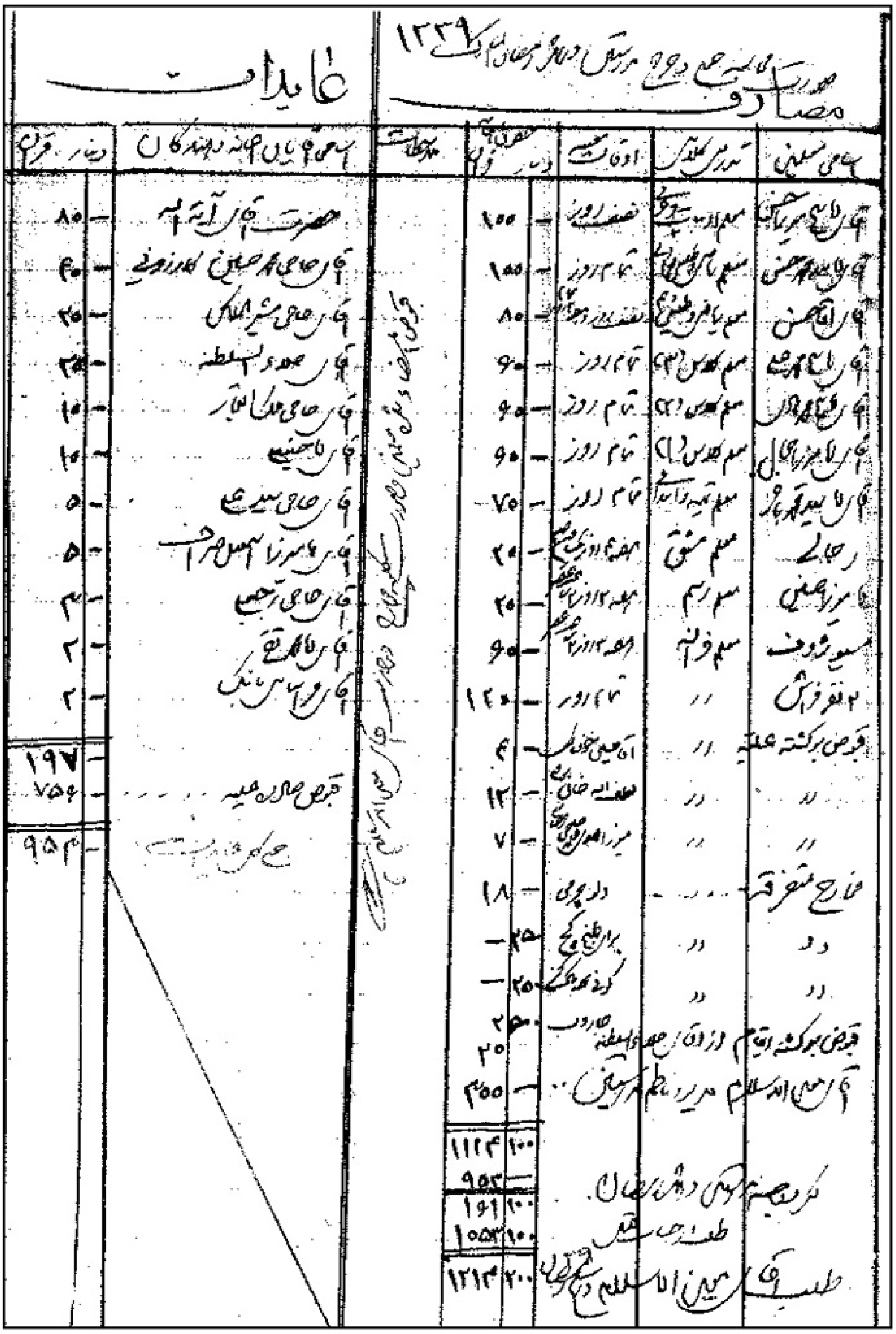
عایدات

اسامی آقایان اعانه دهندگان	دینار	قران
حضرت آقای آیة الله	—	۸۰
آقای حاجی ... کازرونی	—	۴۰
آقای حاجی ... الملک	—	۲۰
آقای ... السلطنه	—	۲۵
آقای حاجی ... التجار	—	۱۵
آقای ... الملک	—	۱۰
آقای ...	—	۱۵
آقای حاجی ...	—	۵
آقای ... میرزا ...	—	۵
آقای حاجی ...	—	۳
آقای ...	—	۳
آقای ...	—	۲
	—	۲۵۷
قرض ...	—	۶۷۷
جمع کلیه عایدات	—	۹۳۴
...	۶۰۰	۸۷
جمع کل	۶۰۰	۱۰۱۱

تصویر



تصویر

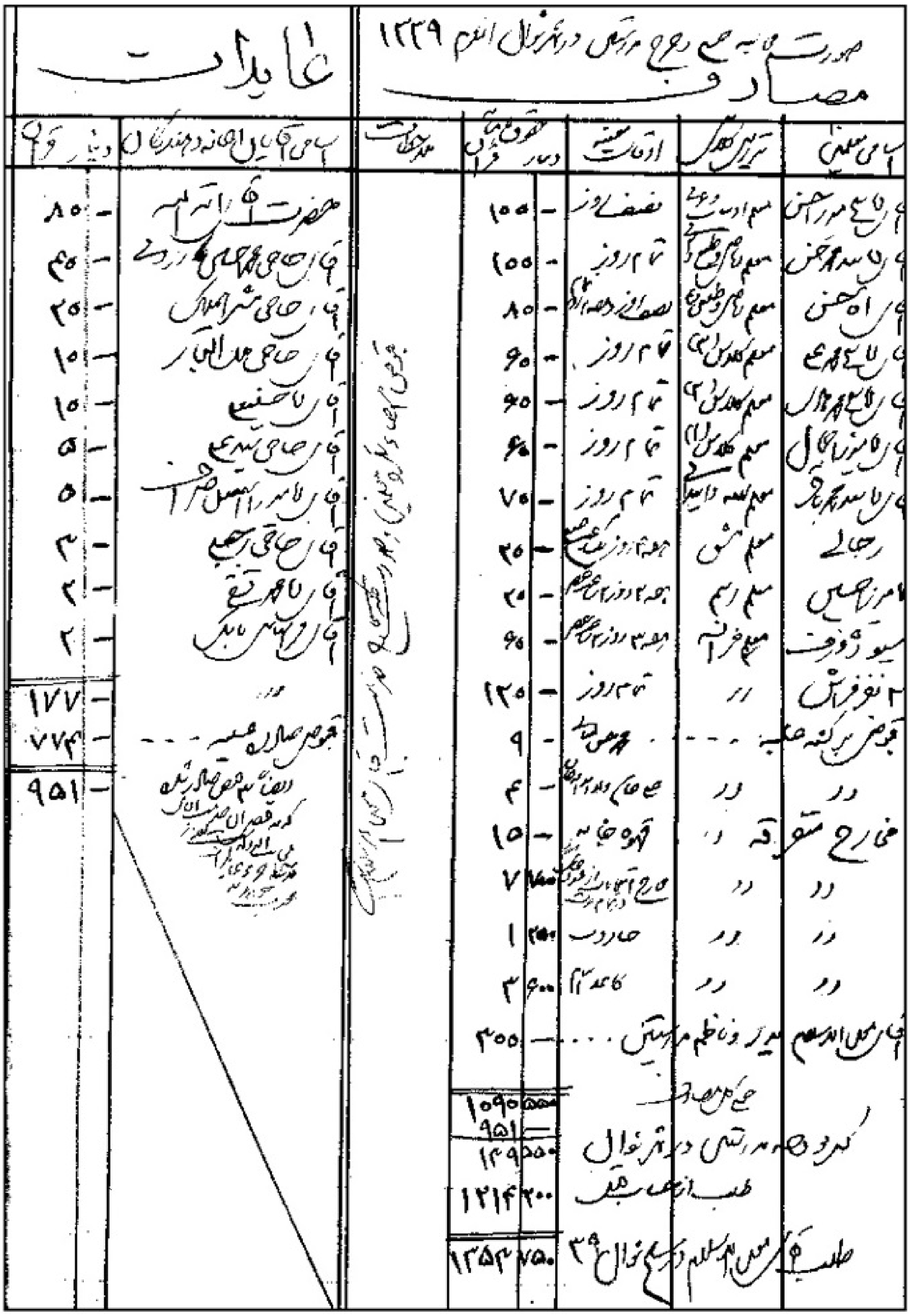


عایدات

مصارف

۱۳۲۹

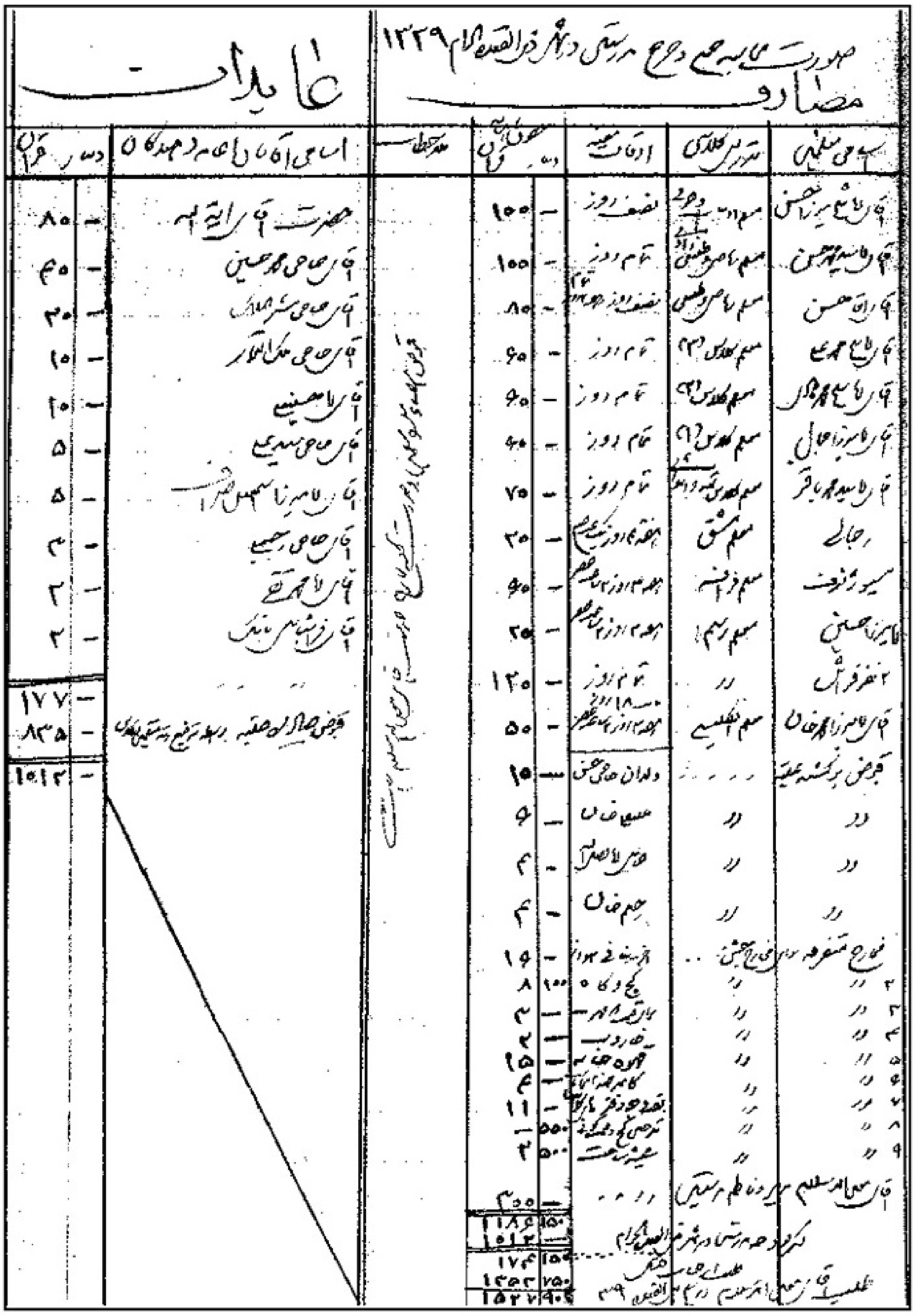
تصویر



صورت محاسبه جمع و خرج مدرسه در ماه شوال المکرم ۱۳۲۹

مصارف					عایدات		
اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات معینه	حقوق ماهانه قران / دینار	ملاحظات	اسامی آقایان اعانه دهندگان ماهانه	قران / دینار	
[illegible]	[illegible]	نصف روز	۱۰۰		حضرت [illegible]	۸۰	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	۱۰۰		[illegible]	۴۰	
[illegible]	[illegible]	نصف روز	۸۰		[illegible]	۲۰	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	۶۰		[illegible]	۱۰	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	۶۰		[illegible]	۱۰	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	۶۰		[illegible]	۵	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	۷۰		[illegible]	۵	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲۰		[illegible]	۳	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۲۰		[illegible]	۲	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۶۰		[illegible]	۲	
[illegible]	[illegible]	تمام روز	۱۲۰			۱۷۷	
[illegible]		[illegible]	۹		[illegible]	۷۷۴	
[illegible]		[illegible]	۴		[illegible]	۹۵۱	
خوارج متفرقه		[illegible]	۱۵				
[illegible]		[illegible]	۷ / ۱۵۰				
[illegible]		[illegible]	۱ / ۲۵۰				
[illegible]		[illegible]	۳ / ۶۰۰				
آقای معین الاسلام مدیر و ناظم مدرسه			۳۰۰				
جمع مصارف			۱۰۹۰ / ۵۵۰				
			۹۵۱				
کسر دو ماهه مدرسه در آخر شوال			۱۳۹ / ۵۵۰				
طلب از ماه سابق			۱۲۱۴ / ۲۰۰				
طلب آقای معین الاسلام در سلخ شوال ۲۹			۱۳۵۳ / ۷۵۰				

تصویر


صورت محاسبه جمع و خرج مدرسه ... در ماه ذی القعده الحرام ۱۳۲۹
مصارف
عایدات
۸۰
۶۰
۳۰
۱۵
۱۰
۵
۵
۳
۲
۲
۱۷۷
۸۳۵
۱۰۱۲

تصویر

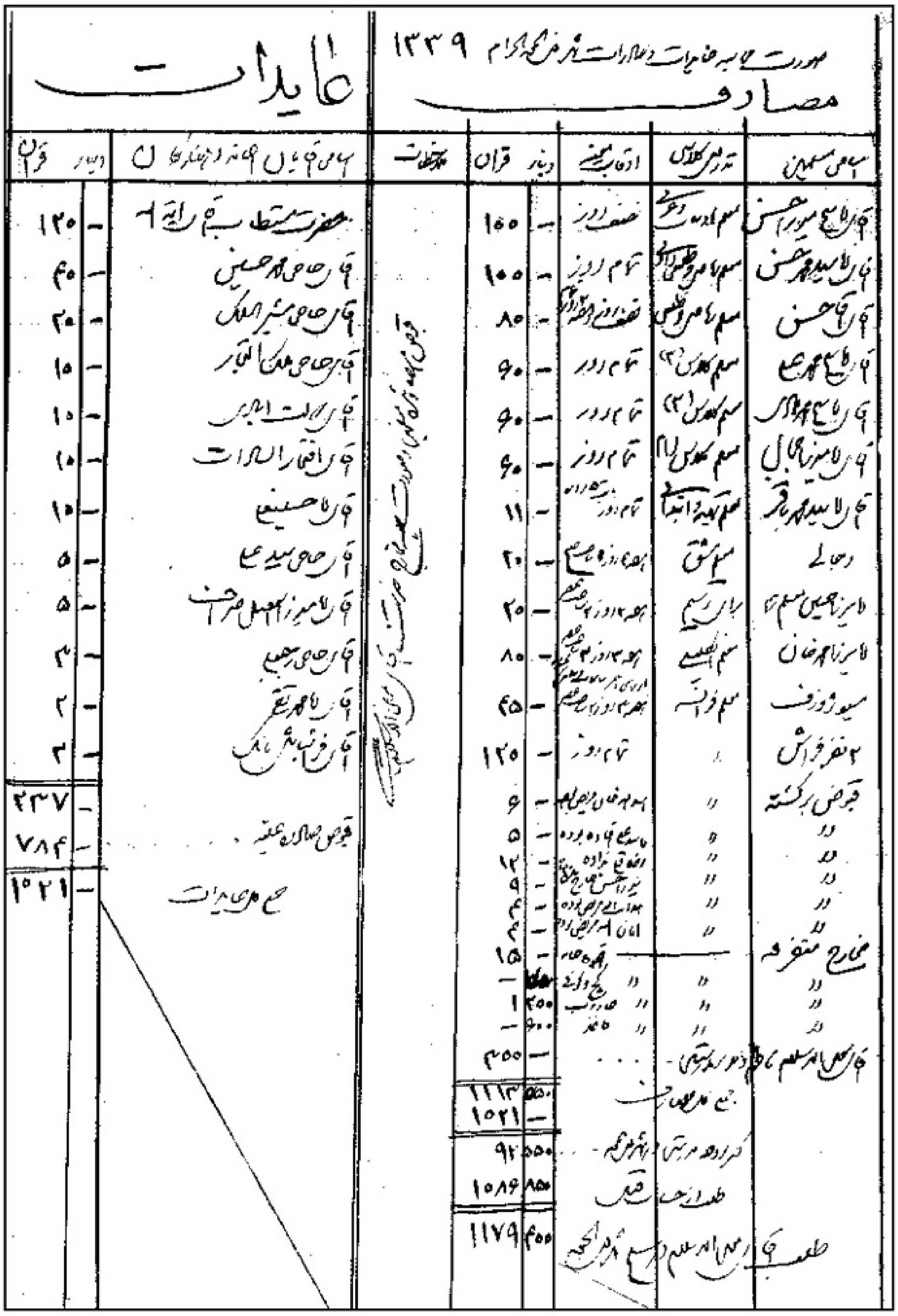
صورت عایدات و مخارج جشن [illegible] ۲۷ [illegible] القعده الحرام ۱۳۳۹ [illegible]

عایدات جشن

[illegible]	قران		[illegible]	قران		[illegible]
[illegible]	۴۰	—	[illegible]	۵۷۰	—	
[illegible]	۱۰	—	[illegible]	۱۵۰	—	
[illegible]	۱۰	—	[illegible]	۵۰	—	
[illegible]	۸۰	—	[illegible]	۵۰	—	
[illegible]			[illegible]	۴۵	—	
			[illegible]	۲۰	—	
			[illegible]	۱۵	—	
			جمع کل عایدات [illegible]	۹۰۰	—	
				۴۵۸	۹۵۰	
			[illegible]	۴۴۱	۰۵۰	
			[illegible]	۱۵۲۷	۹۰۰	
				۴۴۱	۰۵۰	
			[illegible]	۱۰۸۶	۸۵۰	

مخارج جشن

مخارج	دینار	قران	[illegible]
[illegible]	۵۰۰	۵۱	
[illegible]	—	۴۰	
[illegible]	۵۰۰	۸	
[illegible]	۵۰۰	۶	
[illegible]	—	۶	
یخ	—	۳	
زغال	—	۴	
[illegible] آهن	۴۰۰	۵	
[illegible]	—	۷۸	
قیمت شیرینی [illegible]	۲۵۰	۱۹۱	
چای	—	۱۴	
[illegible]	—	۱۶	
قند	—	۳۲	
انعام [illegible]	—	۴	
جمع کل مخارج	۹۵۰	۴۵۸	



صورت محاسبه مخارجات و عایدات ... محرم الحرام ۱۳۳۹

مصارف

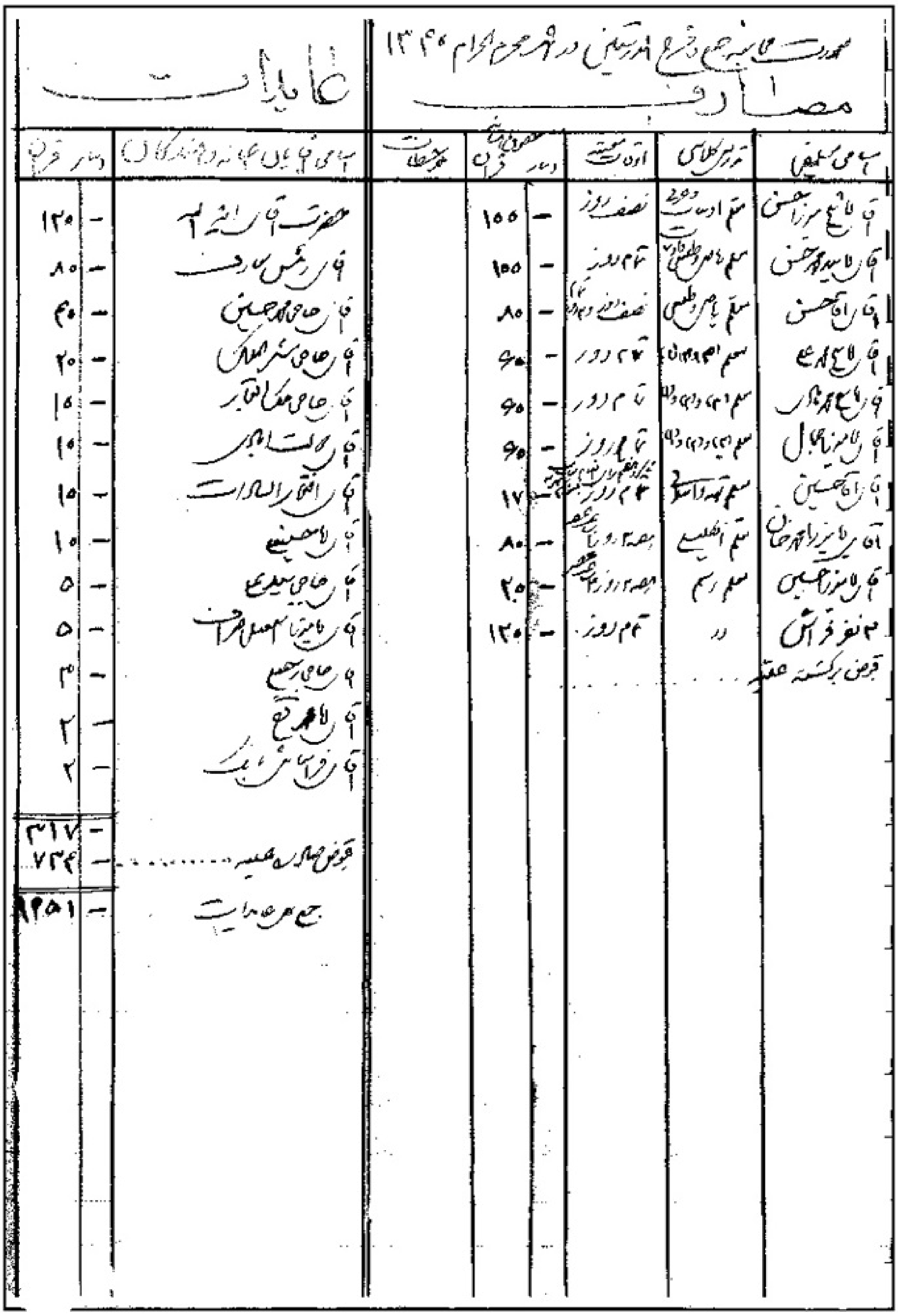
اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات معینه	دینار	قران
آقای شیخ میرزا حسن	سیم ابتدائی [illegible]	نصف روز	—	۱۰۰
آقای سید محمد حسن	سیم و چهارم [illegible]	تمام روز	—	۱۰۰
آقای آقا حسن	سیم و چهارم [illegible]	نصف روز [illegible]	—	۸۰
آقای شیخ محمد علی	سیم کلاس (۲)	تمام روز	—	۶۰
آقای شیخ محمد [illegible]	سیم کلاس (۲)	تمام روز	—	۶۰
آقای میرزا [illegible]	سیم کلاس (۱)	تمام روز	—	۶۰
آقای سید محمد باقر	سیم تهیه ابتدائی	تمام روز [illegible]	—	۱۱
رجالی	سیم مشق	[illegible]	—	۲۰
میرزا حسین مسلم [illegible]	برای رسم	[illegible]	—	۲۰
میرزا محمد خان	سیم [illegible]	[illegible]	—	۸۰
سید یوسف	سیم فرانسه	[illegible]	—	۴۵
۲ نفر فراش	"	تمام روز	—	۱۲۰
قبض برگشته	"	[illegible]	—	۶
"	"	[illegible]	—	۵
"	"	[illegible]	—	۱۲
"	"	[illegible]	—	۹
"	"	[illegible]	—	۴
"	"	[illegible]	—	۴
مخارج متفرقه		[illegible]	—	۱۵
"	"	" [illegible]	[illegible]	—
"	"	" [illegible]	۴۰۰	۱
"	"	" [illegible]	۹۰۰	—
آقای [illegible]	[illegible]		—	۴۰۰
جمع مخارجات			۵۵۰	۱۱۱۳
			—	۱۰۲۱
کسر [illegible]			۵۵۰	۹۲
طلب [illegible]			۸۵۰	۱۰۸۶
طلب آقای [illegible]			۴۰۰	۱۱۷۹

ملاحظات: [illegible]

عایدات

اسامی آقایان اعانه دهندگان	دینار	قران
حضرت مستطاب [illegible]	—	۱۲۰
آقای حاجی محمد حسین	—	۴۰
آقای حاجی مشیر الملک	—	۲۰
آقای حاجی ملک التجار	—	۱۵
آقای [illegible]	—	۱۰
آقای افتخار السادات	—	۱۰
آقای حسینی	—	۱۰
آقای حاجی سید علی	—	۵
آقای میرزا اسمعیل [illegible]	—	۵
آقای حاجی رجب	—	۳
آقای محمد تقی	—	۲
آقای [illegible]	—	۳
	—	۲۳۷
قبوض صادره عقبه	—	۷۸۴
جمع عایدات	—	۱۰۲۱

تصویر



صورت [illegible] مدرسه [illegible] در شهر محرم الحرام ۱۳۴۰

مصارف

اسامی معلمین	تدریس کلاس	اوقات تدریس	حقوق ماهانه قران	دینار	ملاحظات
آقای ملا شیخ میرزا حسن	[illegible]	نصف روز	۱۰۰	-	
آقای ملا سید محمد حسن	[illegible]	تمام روز	۱۰۰	-	
آقای ملا حسن	[illegible]	نصف روز	۸۰	-	
آقای ملا شیخ محمد علی	[illegible]	[illegible] روز	۶۰	-	
آقای ملا شیخ محمد [illegible]	[illegible]	تمام روز	۶۰	-	
آقای ملا میرزا [illegible]	[illegible]	تمام روز	۶۰	-	
آقای آقا حسین	[illegible]	[illegible]	۱۷۰	-	
آقای ملا میرزا محمد خان	[illegible]	[illegible]	۸۰	-	
آقای ملا میرزا حسین	[illegible]	[illegible]	۲۰	-	
سه نفر فراش	در	تمام روز	۱۲۰	-	
قرض برگشته عقب					

عایدات

اسامی آقایان اعانه دهندگان	دینار	قران
حضرت آقای [illegible]	-	۱۲۰
آقای رئیس معارف	-	۸۰
آقای حاجی محمد حسین	-	۴۰
آقای حاجی [illegible] الملک	-	۲۰
آقای حاجی [illegible] التجار	-	۱۵
آقای [illegible]	-	۱۰
آقای [illegible] السادات	-	۱۵
آقای ملا [illegible]	-	۱۰
آقای حاجی [illegible]	-	۵
آقای ملا میرزا [illegible]	-	۵
آقای حاجی [illegible]	-	۳
آقای ملا [illegible]	-	۲
آقای [illegible]	-	۲
	-	۳۱۷
قرض [illegible]	-	۷۳۴
جمع عایدات	-	۱۰۵۱

گزارشی از یک جشن

برگزاری جشن یکی از طرق تأمین هزینه ها بوده است. که هر ساله با تمهید مقدمات و برنامه ریزی صحیح این مراسم شکوهمند در مدرسه برپا می شده است. برای ارائه تصویری کلی از این جشن به ارقام هزینه شده در جشن سال ۱۳۳۸ه .ق. نگاهی می افکنیم.

کرایه چادر و اجرت حمالی ۶۴/۵۵ قران - اجرت برف روبی ۵۳ قران و این نشان می دهد که این جشن در فصل زمستان برگزار شده است - مخارج طبع پاکت و غیره ۳۷/۵۰۰ قران - شیرینی و کرایه ظرف ۱۲۷/۵۰۰ قران - به آقا کمال خطیب ۲۰ قران - به نعمهاللّه ایتام ۸ قران - قیمت لباسهای ۲ نفر فراش(به تصویب انجمن) ۶۰ قران - انعام مشاق نظامی(به تصویب انجمن) ۱۵۸ قران - هیزم و ذغال ۳۵/۵۰۰ قران - کرایه فرش و اسباب ۳۶ قران - شمع و سیگار ۸/۵۰۰ قران - قند ۳۶ قران - چای ۱۶ قران - تنباکو ۱۵ قران - انعام به اطفال یتیم که خطبه خوانده اند - مخارج ژیمناستیک و تصنیف سرا ۳۷/۵۰۰ قران - به قهوه چی داده شد ۳ قران.

ملاحظه می شود که با اقل مخارج، جشن باشکوهی با همه لوازم جلال و شکوه، برگزار شده است. حیاط مدرسه را با چادر پوشش داده و با بخاری های هیزم سوز گرم کرده اند - چاپ پاکت و نامه دعوت رسمیت بیشتری به جشن داده است - داخل و اطراف مدرسه را برف روبی کرده اند.

از مدعوین با چای و قلیان و سیگار و شیرینی پذیرایی کرده اند. از خطیب برای خواندن خطبه که معمولاً در مجالس رسمی معمول بوده استفاده شده است. از مدتی قبل معلم ژیمناستیک دانش آموزان مستعد را برای انجام حرکات ورزشی تعلیم داده آماده کرده است.

تصنیف مخصوص برای خواندن دسته جمعی دانش آموزان مدرسه سروده شده

ص: ۱۷۴

و از معاریف شهر برای حضور در جش دعوت کرده اند.

مبلغ کل درآمد حاصله از اعانات جمع آوری شده در جشن مبلغ ۴۴۶۵ قران و کل هزینه ها ۷۱۴ قران بوده است.

پایان راه

معین الاسلام، برای دایر نگهداشتن مدرستین از هیچ کوششی باز نایستاد تا آنجا که بدون گلایه از شریک، از اموال و وجوه شخصی نیز در این راه هزینه کرد. روزی که مدرسه را ترک کرد(۱) دفتر مالی دخل و خرج مدرسه، طلب او را مبلغ ۱۱۷۹/۴۰۰ قران ثبت کرده است. لکن کسر بودجه از نظر معین الاسلام و در مقابل همت والای او یکی از موانع کوچک و قابل حل و فصل بوده و در صفحات قبل دیدیم که بارها این مشکل رفع شده است، که این مرد در جامعه صاحب اعتبار و منزلت بود. او مدرستین را در مقابل شدائد و رخدادها و هیجانات در مشروطه صغیر و استبداد صغیر حفظ کرد. در شرایط سخت ناشی از جنگ و ستیزهای مشروطه طلبان و قوای استبداد، دوام آورد و هرج و مرج پس از آن را هم تحمل کرد.

مدرستین علیّه و ایتام به یمن وجود او، از معدود مدارسی است که غروب نکرد و منحل نشد.

سال های پرتنش ۱۳۲۵ – ۳۰ه .ق. و دهه پرآشوب ۱۳۴۰ – ۱۳۳۰ه .ق. را به سلامت پشت سر گذاشت، مخصوصاً مدرسه علیّه حیات پانزده ساله اش ۱۳۴۰ – ۱۳۲۵ه .ق. را مدیون این مرد بزرگ است. اکنون چه شده که ناگهان معین الاسلام رشته الفت می گسلد و یا کنار گذاشته می شود؟

راقم این سطور سعی می کند تا آنجا که ممکن است به حقیقت ماجری نزدیک شود

۱– ۱۳۴. معین الاسلام پس از تأسیس مدرسه ایتام از سال ۱۳۲۵ه .ق. الی محرّم الحرام ۱۳۴۰ه .ق. دو واحد فرهنگی(مدرستین علیّه و ایتام) را مدیریت، سرپرستی و نگهداری کرد.

و خداوند به حقایق امور آگاه است.

مخلص کلام

شهریور ماه ۱۳۰۰ه .ش. = محرم الحرام ۱۳۴۰ ه .ق.

شاید توجه به تقویم تاریخ بتواند راهگشا باشد. می دانیم که چند ماه قبل از آن، کودتای سوم حوت **۱۲۹۹** رخ داده است. هنوز روزهای اوائل کار است. معرکه گیران سخت مشغول تبلیغ رسم و روش های جدیداند - کاروانی زده شد کار گروهی سره شد. - اکنون برای نگاهداشت و اداره

مدرستین دیگر به وجود این مدیر روشن بین ژرف اندیش نیازی نیست که روزگار از لونی دیگر شده است و برای کار در این روز و روزگار باید اهلیت داشت!!!

مرحوم محاسب الدوله که از سابق الایام به تجربت از چم و خم دستگاه های اداری آگاه بود، اینک و در فضای جدید، امکان یافت مستقلاً و با سلیقه خود مدیریت کند. پس سکان مدرسه را در دست گرفت. علیّه مانند و ایتام غریبانه در خاموشی فرو رفت. یتیمان از این تنها واحد آموزشی هم محروم شدند و توانگر زادگان در صدر نشستند. دیگر کسی را غم طفل یتیم نبود. باز هم این بینوا یتیم بود که در هیاهوی اجتماع فراموش شد.

آیا این پایان عشق بی پایان معین الاسلام در خدمت به یتیم بود؟ حاشا، که معین الاسلام تا پایان عمر پربرکتش فریضه محبت به یتیم و تکفل از او علی قدرالوسع را در صبغه های مختلف نصب العین داشت. اعلی اللّه مقامه.

پرچمی که از دست این علمدار فرو افتاد را برادرزاده شهیدش پنجاه سال بعد برافراشت.

«تربت پاکشان از باران رحمت پروردگار سیراب باد.»

ص: ۱۷۶

به یـادبود آن روزهـا و در هوای همهمه دانش آموزان، این فصـل را بـا معرفی و درج شـعر یکی از دانش آموختگان این نهاد فرهنگی به پایان می بریم:

حقوقدان، ادیب، شاعر و قاضـی شریف دادگستری مرحوم عبدالحسین احمدی بختیاری یکی از دانش آموختگان مدرستین علیّه و ایتام بود که پس از طی مراحـل تحصـیلی درخشـان، به شـغل قضا پرداخت و همه مـدارج را یکی پس از دیگری پیمود تا به بالاترین منصب قضایی کشور تکیه زد.

به مناسـباتی چند بار در خدمت خالوی گرامی(ره)، صـحبت او دست داد. روایت های شـیرین از دوران تحصیل داشت و هر جا سخن به معین الاسـلام کشـیده می شـد او را بـا تعبیرات اسـتاد و پـدر و صاحب اختیار یاد می کرد و می سـتود و در این هنگام برق عشق و علاقه فرزنـدی و ارادت در چشمانش می درخشید. این است نمونه شعر او که از کتاب گلزار معانی(۱) نقل می کنم:

قطعه

گذر کرد از زیر تاکی بلند

یکی روبه اندر دیار حلب

نگه کرد هر سو در آغوش رز

فرو خفته دوشیزگان عنب

یکی خوشه انگور رخشنده دید

فروزان چو پروین به هنگام شب

یکی عقد بر گردن تاک دید

درخشنده چون بر فلک ذوذنب

روانش بفرسود از رنج راه

برون غرق آب و درون ملتهب

ولیکن از آن جایگاه بلند

چو کوتاه می دید دست طلب

بپیچید بر خویش و شد خشمگین

به دندان لب خود گزید از غضب

ز نومیدی او را زبان شد دراز

به دشنام بگشود آنگاه لب

که اه زین ترش غوره جان گزای

به طب دیده ام زوست صفرا و تب

ص: ۱۷۷

۱- ۱۳۵. گلچین معانی - احمد «گلزار معانی نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوم» ۱۳۵۲ شمسی ص ۷۳ - ۷۲.

بسوزد از آن جسم و کاهد روان

فزاید در آن رنج و زاید تعب

حرام است آبش به فتوای شرع

شنیدم چنین از فقیهی عرب

چنان خوانده ام در حبیب السیر

چنین دیده ام در مروج الذهب

کسی را که چیزی نیاید به دست

از آن عیب جویی کند زین سبب

فرومایه مردی بخواند از حسد

ادیبی گرانمایه را بی ادب

ادب چون در او مرد دانا ندید

نیامد ز گفتارش او را کرب

چنین است آیین نابخردان

ز بد گوهران بد نباشد عجب

مجوی از فرومایگان مردمی

که از شاخ حنظل نچینی رطب

تهران به تاریخ بیستم دی ماه ۱۳۲۰ عبدالحسین فرزند حاج ابوالفتح احمدی بختیاری

ص: ۱۷۸

فصل آخر : خانواده و فرزندان

اشاره

ص: ۱۷۹

همسر – فرزندان و فرزندزادگان معین الاسلام

برای عمل به فرمان الهی و سنت نبوی، معین الاسلام به یکی از خاندان های جلیل اصفهان روی آورد. به خواستگاری یکی از نوادگان صاحب روضات اعلی اللّه مقامه رفت و برای نیل به مقصود، قبول هر شرط و تعهد هر عهد و بستن هر پیمان را آماده بود.

حجهالاسلام والمسلمین آقامیرزا سید بهاءالدین روضاتی بن آیهاللّه العظمی آقا میرزا سید محمد مهدی بن صاحب روضات، دو صبیّه(۱) جلیله در خانه داشت. پس از مراجعات مکرر، فرزند اول برای این پیوند مبارک در نظر گرفته شد و پدر بزرگوار با کسب رضایت دختر مکرمه اش با این ازدواج موافقت فرمود. میرزا سید محمد علی موسوی مازندرانی، معین الاسلام بعد و حاج بیت اللّه بعدتر داماد این خاندان گردید.

علویه مجلله سال ها با وقار و عزت و متانت، روشنائی و برکت خانه معین الاسلام بود. این بانوی بزرگوار، از خانه محلی امن برای آرامش و نیایش ساخته بود. معین الاسلام در سایه تدبیر این علویه، اوقات سکونت در خانه را با آسودگی به مطالعه و عبادت و پرداختن به امور فرزندانش می گذراند.

نگارنده خود بارها از جدّه ام رحمهاللّه علیها شنیدم که می فرمود: معین الاسلام با آن هیبت و سطوت اجتماعی، در خانه، مردی مطیع و منقاد بود و باید افزود که وقار و بزرگی آن بزرگ زاده حسیبه نسیبه جائی برای بروز و نمود باقی نمی گذاشت. احترام متقابل فیمابین برقرار و مرد قدردان و شاکر از نعمتی که خدا به او ارزانی داشته بود، حرمت و حشمت این زن را به حد اعلی مراقب بود.

۱- ۱۳۶. فرزند دوم همسر پسر عموی خود مرحوم آیهاللّه آقامیرزا سید محمد روضاتی اعلی اللّه مقامه گردید.

حاصل این ازدواج چهار فرزند دختر بود که یکی پس از دیگری به خانه شوهر رفت.

اولین و ارشد اولاد مرحوم معین الاسلام، وقار و جلالت را از پدر و مادر به ارث داشت. این علویه مجلله همسر مرحوم سلالهالسادات حکیم دوران و نادره زمان آقا سید محمود هاشم الحسینی گردید. این داماد گرامی، از نیکان روزگار بود که با صفات ملکوتی اش گوئی از نسل این زمان و

زمانه نبود. مرد متقی پرهیزگاری که انفاس قدسی اش بیماری را از تن هر بیمار می زدود و به صحت و سلامت تبدیل می کرد. در دکه عطار به تداوی دردمندان رنجور می پرداخت و البته در مذهب و مسلک او حق العلاج که حرام بود، دارو را هم در بیشتر مواقع خود به بیمار هدیه می کرد. زیارت منظر این بهشتی خوی خود به تنهائی موجب رفع آلام و اسقام بود. پدربزرگم مرحوم آیهاللّه آقا میرزا محمدحسن روضاتی که خود آیتی از علم و زهد و تقوی و در خاندان ما مشار بالبنان بود بارها به راقم این سطور می فرمود:

«فرزند اگر می خواهی یکی از اهالی بهشت را در این دنیا ملاقات کنی به زیارت جدت آقا سید محمود برو - سلام مرا هم به ایشان برسان».

خداوند به آقا سید محمود هفت فرزند عطا فرمود. سومین آنها مرحومه علویه عالیه گرامی والده راقم این سطور است و دومین آنها قاضی اسبق عالی رتبه پاک دامن دادگستری مرحوم آقای حاج سید رضا هاشم الحسینی است که شخصیت برجسته اش مستغنی از توصیف است. قاضی دیوان عالی کشور بود که به علت بیماری در میان تأسف مسؤلین بازنشسته شد. نگارنده به دلیل التزام به اختصار و عدم خروج از موضوع محوری کتاب که شرح خدمات فرهنگی است در یک مقطع تاریخ اصفهان، از ذکر نام فرزندزادگان، نوه ها و نواده های... مرحوم معین الاسلام در این کتاب معذور است و عملاً هم مقدور نیست لکن دو مورد را استثناء قرار داد.

نخست در مورد مرحوم حاج سید رضا هاشم الحسینی است که این فرزندزاده از

دوران کودکی در مقام فرزندی در خانه معین الاسلام می زیسته و در آنجا پرورش یافته و در دامن او بزرگ شده و مربای تربیت او و وصی او بود و علاوه بر آن بسیاری از مدارک این کتاب توسط همسر مجلله ایشان حاجیه خانم هاشم الحسینی(کلباسی) و خالوزادگان گرامی آقای مجید هاشم الحسینی و همشیره مکرّمه ایشان در دسترس راقم سطور قرار گرفت و تشکر از آنها بر نگارنده فرض بوده است.

استثناء دوم: ذکر خیر از آن دسته از فرزندزادگان معین الاسلام است که در زندگی پیشه او را دنبال کردند یعنی به آموزش و پرورش ابنای این خطّه پرداختند لذا از چهارمین فرزند مرحوم آقا سید محمود یعنی مرحوم حاج سید مرتضی هاشم الحسینی نام می برد و برای او از درگاه خداوند متعال علو درجات مسئلت دارد. که آن روان شاد را فرهنگیان اصفهان و بسیاری از فرزندان این سرزمین می شناسند، جوانان برومندی که هر یک روزی از شاگردان او بوده و خدمات این مرد دانشمند متقی را که سال ها در مقام ریاست دبیرستان شهید رجائی(نشاط سابق) اصفهان، نه تنها رئیس بلکه پدر روحانی و غمخوار و یار و یاور آنها بود قدر می نهند و تجلیل می کنند و از جمله فرزندان مرحوم حاج سید مرتضی است دانشمند محترم استاد دکتر مهندس

سید حمید هاشم الحسینی که حالیه در دانشگاه صنعتی اصفهان در ادامه روش آباء خود، به تدریس و آموزش فرزندان این مرز و بوم اشتغال دارند، زید عزه.

دومین دختر مرحوم معین الاسلام، همسر مرحوم آقای محمد ابراهیم مقتدری گردید که زن و شوهر هر دو سالها است از دنیا رحلت کرده اند. مرحوم مقتدری انسانی متدین و شایسته بود و از این زوج یک پسر و دو دختر به جای ماند که برخی از آنها نیز از این خاکدان به سرای باقی شتافته اند و فرزندان و فرزندزادگان آنها به عزت زندگی می کنند حفظهم اللّه.

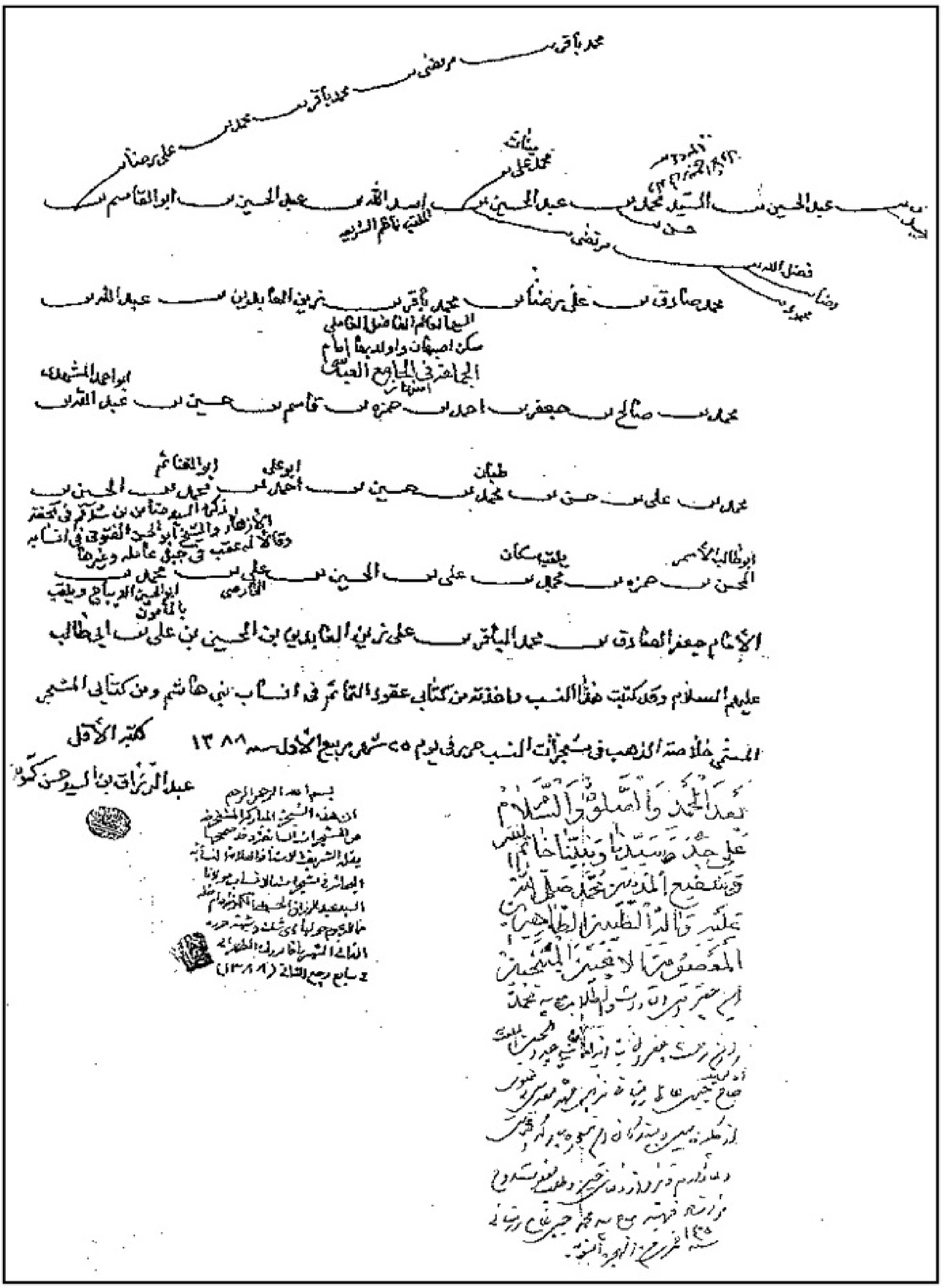
سومین دختر مرحوم معین الاسلام، همسر مرحوم حجهالاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد حسینی جبل عاملی شد و او فرزند سیّد عبدالحسین بن سیّد اسداللّه بن سیّد عبدالحسین بن سیّد ابوالقاسم بن سیّد محمد صادق بن سیّد علی رضا بن سیّد محمدباقر امام جامع عباسی است. آباء و اجداد او همه از علماء و دانشمندان اصفهان بوده اند مرحوم استاد جلال الدین همائی ضمن معرفی تکیه آقا رضی می فرماید: «... در قرن دوازدهم بسیار دایر و معمور بوده و شعرا و علمای بزرگ از قبیل میر سید علی مشتاق اصفهانی متوفی ۱۱۷۱ و سید محمدباقر حسینی متوفی ۱۱۲۳ امام جماعت مسجد شاه در آن دفن شده اند» آنگاه به معرفی قبور واقع در زیر گنبد پرداخته و می نویسد: «هم نزدیک به درب مدخل مقبره چسبیده به دیوار ضلع جنوبی داخل بقعه سنگ مرمر سفید عالی تمام قد است با خط ثلث بسیار زیبا شبیه خط تلامیذ میرزای نیریزی و عبارات عربی مشتمل بر عناوین و القاب عالم فاضل زاهد متقی سید محمدباقر حسینی امام جماعت جامع جدید عباسی یعنی مسجد شاه اصفهان متوفی شوال ۱۱۲۳ هزار و یکصد و بیست و سه که ماده تاریخ وفاتش را در آخر کتابه به جمله عربی نوشته است و صار تاریخ وفاته تلک الفقره الشریفه(دخل سیّد بالجنّه بغیر حساب = ۱۱۲۳) (۱)

مرحوم معلم حبیب آبادی نیز در مکارم الآثار ذیل ترجمه مرحوم میرزا سیّد محمد مهدی نایب الصدر، نواده سید محمدباقر، شرحی راجع به خود سید محمدباقر و فرزندش سید علی رضا و سپس نواده اش نایب الصدر مذکور در فوق مرقوم فرموده است و تصویر برگ اول از یک مجموعه رسائل به خط میرزا سیّد محمدمهدی نایب الصدر نیز در آنجا دیده می شود.(۲)

ص: ۱۸۴

۱- ۱۳۷. تاریخ اصفهان فصل تکایا و مقابر دفتر دوم ص ۱۸۴ و ۱۸۶ چاپ اول تهران ۱۳۸۱ مؤسسه نشر هما.

۲- ۱۳۸. مکارم الآثار جلد پنجم چاپ اول چاپخانه نشاط اصفهان صفحات ۱۸۶۶ - ۷ ضمناً مجموعه رسائل متعلق است به کتابخانه علامه محقق استاد حضرت آیهاللّه حاج سید محمدعلی روضاتی دام ظله.



نسب نامه حجّه الاسلام و المسلمین مرحوم آقای حاج سیّد محمّدحسینی جبل عاملی

(داماد مرحوم معین الاسلام)

ص: ۱۸۵

مرحوم حاج سید محمد حسینی جبل عاملی خود از علماء و فضلا و ائمه جماعت بود و سال ها در تهران می زیست. اخیراً در شهر مشهد مقدس در جوار حضرت ثامن الائمه علیهم السّلام بسر می برد و توفیق عبادت و زیارت مرقد مقدس نصیب او گشت از جمله خصایص اخلاقی او که نگارنده بخاطر دارد، امساک در اجابت دعوت صاحبان مجالس و مراسم بود. تا از تدین و تقوای صاحب منزل و رزق حلال او مطمئن نمی شد دعوت را قبول نمی کرد و در نشستن بر سر خوان دیگران بسیار سختگیر و محتاط بود. آن مرحوم خط را شیرین می نوشت و در تذهیب و نقاشی نیز دست داشت. نمونه خط او در هامش شجره نامه و نمونه نقاشی او هر دو در این مجموعه درج است.

از این دختر مرحوم معین الاسلام ۸ فرزند باقی ماند یک پسر و هفت دختر. فرزند ذکور خاله زاده گرامی آقای حاج سید عبدالحسین موسوی مازندرانی است که ایشان نیز سال ها چون جد گرامی اش به آموزش و پرورش اشتغال داشته شاگردان بسیاری در تهران از فیض وجود ایشان بهره مند شده اند.

چهارمین دختر مرحوم معین الاسلام همسر مرحوم آقای محمدحسین زاهدی گردید. او مردی خلیق، درستکار، باتقوا و مورد وثوق مردم بود رحمهالله علیه از این زوج نیز سه فرزند پسر و یک دختر بجا ماند. پسر دوم، مرحوم آقای کریم زاهدی جوان وارسته ای بود که به طور ناگهانی از دنیا رفت و او علاوه بر خویشاوندی دوست صدیق نگارنده بود رحمهالله علیه و سایرین همگی به شایستگی و لیاقت و احترام در مشاغل مختلف اشتغال دارند و خود صاحب فرزندان و فرزندزادگان اند حفظهم اللّه.

لسان الارض

همسـر مکرمه معین الاسـلام در پایـان عمر پربرکت خـود بـا قلـبی مطمئن نـدای ارجعی را لبیـک گفت و در محرم الحرام سـال ۱۳۷۰ه .ق. به رحمت ایزدی پیـوست. مزار او در ایـوانچه شـمال شـرقی اراضـی متصـل به تکیه لسـان الاـرض بود و اکنون از آن ایوانچه اثری نیست. مرحوم نیّر(۱)

ص: ۱۹۹

---

۱ – ۱۳۹. مرحوم حـاج میرزا حـبیب اللّه نیّر ۱۳۷۹ه .ق. – ۱۳۰۸ه .ق. فرزنـد مرحوم حـاج شـیخ محمـدباقر واثق، فاضل ادیب و شاعر ملقب به نیّرالادبا، نزد اساتید بزرگ حوزه علمیه اصـفهان درس خوانده و در فنون ادب، ریاضـی، شـعر، تجوید و خط صاحب نظر بوده، دارای تألیفاتی است از جمله کتاب معادن الافادات. اشـعارش به عربی یا فارسـی و در فن ساختن ماده تاریخ تسلط و مهارتی بسزا داشته است. شاعر توانا حاج سیـد محمـدرضا بهشتی(دریا) ماده تاریـخ وفات نیّر را ضـمن قطعه ای سـروده است: بهشتی هشت پا در جمع و گفتا بهشتی شـد حبیب اللّه نیّر ۱۳۷۹ ر.ک. – زنـدگانی حضـرت آیت اللّه چهارسوقی ص ۱۱۱ چاپ اول اصـفهان. – تاریـخ اصـفهان مجلد هنر و هنرمندان چاپ اول تهران ۱۳۷۵ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ص ۱۱۹ – ۱۱۷. – تذکرهالقبور یا دانشـمندان و بزرگان اصفهان چاپ دوم ثقفی ۱۳۴۸ ص ۱۷۰.

ماده تاریخ را سرود:

کلک نیّر سال تاریخش نوشتی با ادب

شافع ام البنات اجداد پاکش آمده

(۱۳۷۰ه .ق.)

سال ها بعد، شب جمعه دهم شهر شوال سال هزار و سیصد و هشتاد و چهار ه .ق. مطابق با بیست و سوم بهمن ماه هزار و سیصد و چهل و سه شمسی معین الاسلام نیز متعاقب همسر و پس از عمری تلاش و کوشش در عرصه های مختلف دینی، فرهنگی، اجتماعی، رخت به سرای جاودان برد و در همین اراضی متصل به تکیه لسان الارض(بعد از مسجد سمت شرق) که معین الاسلام بر آن نوعی سلطه شرعی داشت و متأسفانه اکنون نحوه آن بر نگارنده غیرمعلوم است، به خاک سپرده شد. محل دفن سکوئی بود مرتفع که در وسط معین الاسلام و در کنار او دامادها و

دخترها(اول و دوم) و تعـدادی از فرزندزادگان قرار گرفته اند. آن سـکو هم امروز دیگر دیده نمی شود!!! اما حیات فرهنگی معین الاسـلام در تپش قلب جوانانی که پدران آنها به پایمردی آن رادمرد، دانش اندوختند و مردمی آموختند و به آیندگان سپردند، ادامه دارد... .

ص: ۱۸۸

فهرست اعلام

فهرست مکان ها

اهم منابع

قرآن کریم

۱ – احکام الایمان / رساله عملیّه آیهاللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّدهاشم خوانساری قدس سره / چاپ سنگی / اصفهان / ۱۳۱۶ه .ق.

۲ – الرساله فی سبب ارتحال جدّی الاعلی السیّد محمّد بن عبداللّه الشهانداشتی من مازندران الی اصفهان / معین الاسلام / حاج سیّد محمّدعلی بن عبداللّه موسوی شمس آبادی اصفهانی مشهور به میرزا بابائی / اصفهان / ۱۳۷۵ه .ق.

۳ – تاریخ اصفهان(مجلّد ابنیه و عمارات فصل تکایا و مقابر) / جلال الدّین همایی / به کوشش ماهدخت بانو همایی / تهران / نشر هما / ۱۳۸۱.

۴ – تاریخ اصفهان(مجلّد هنر و هنرمندان) / جلال الدّین همایی شیرازی اصفهانی / تهران / پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی / ۱۳۷۵.

۵ – تاریخ رجال ایران / مهدی بامداد / تهران / زوار / ۱۳۴۷(شش جلد).

۶ – تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس / محمود محمود / تهران / شرکت نسبی اقبال / چاپ چهارم / ۱۳۵۳(هشت جلد).

۷ – تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر / سیّد مصلح الدین مهدوی / قم / نشر الهدایه / ۱۳۶۷(سه جلد).

۸ – تاریخ معاصر ایران / فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران / مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران / سال سوم / شماره نهم / تهران / بهار ۱۳۷۸.

۹ – تاریخ فرهنگ اصفهان / مجتبی ایمانیّه / اصفهان / دانشگاه اصفهان / ۱۳۵۵.

۱۰ – تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران / دکتر حسین محبوبی اردکانی / تهران / دانشگاه تهران / ۱۳۵۴.

۱۱ – تاریخ نصف جهان و همه جهان / حسن انصاری جابری / اصفهان / چاپ سنگی /

بدون تاریخ.

۱۲ – تذکرهالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان / چاپ دوم / اصفهان / کتاب فروشی ثقفی / ۱۳۴۸.

۱۳ – دائره المعارف فارسی / غلام حسین مصاحب / تهران / انتشارات فرانکلین / ۱۳۴۵ و شرکت کتاب های جیبی / تهران / ۱۳۵۶ و شرکت کتاب های جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر / ۱۳۷۴.

۱۴ – دومین دو گفتار / سیّد محمّد علی روضاتی / قم / مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء سلام الله علیها / ۱۳۸۶.

۱۵ – رجال اصفهان یا تذکرهالقبور / آخوند ملا عبدالکریم جزی / با حواشی سیّد مصلح الدین مهدوی / چاپ دوم / ۱۳۲۸.

۱۶ – رسائل قاجاری / لباس التقوی / سیّد جمال الدین واعظ اصفهانی / به کوشش صادق سجادی / تهران / نشر تاریخ ایران / ۱۳۶۳.

۱۷ – روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان(دوره اول از سال ۱۳۲۴ الی ۱۳۲۶ه .ق. تجدید چاپ) / به اهتمام دکتر محمّد علی چلونگر / انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان / اصفهان / ۱۳۸۵.

۱۸ – روزنامه های اصفهان در عصر مشروطه(الجناب، جهاد اکبر، فرج بعد از شدّت، انجمن بلدیه اصفهان، ناقور – تجدید چاپ) / به اهتمام و مقدمه دکتر محمّدعلی چلونگر / انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان / اصفهان / ۱۳۸۵.

۱۹ – روزنامه زاینده رود / شماره های موجود در کتابخانه ابن مسکویه اصفهان.

۲۰ – روزنامه دولت علیّه ایران.

۲۱ – روزنامه وقایع اتفاقیه.

۲۲ – روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات / میر سید محمدباقر خوانساری / اصفهان / چاپ سنگی / ۱۳۰۶ه .ق.

۲۳ – ریحانهالادب / میرزا محمّدعلی مدرّس / تبریز / چاپ دوم / چاپ شفق(شش جلد).

۲۴ – زندگانی آیهاللّه چهارسوقی / سیّد محمّدعلی روضاتی / اصفهان / چاپ اول /

ص: ۱۹۷

کتاب فروشی تأیید.

۲۵ – فراموشخانه و فراماسونری در ایران / اسماعیل رائین / تهران / امیرکبیر / ۱۳۵۷.

۲۶ – کتب و رسائل متعدد مخطوط تألیف مرحوم معین الاسلام.

۲۷ – گلزار معانی / احمد گلچین معانی / مشهد / چاپخانه افق / ۱۳۵۲.

۲۸ – گنجینه دانشمندان / شیخ محمّد شریف رازی / تهران / ۱۳۵۲(جلد).

۲۹ – مبانی الاصول / آقا میرزا سیّد محمّدهاشم خوانساری رضوان اللّه تعالی علیه / چاپ سنگی / اصفهان / ۱۳۱۷ه .ق.

۳۰ – مجالس اهل ایمان در مساجد و تکایای اصفهان / ناشر انتشارات کانون پژوهش / چاپ اول / اصفهان / ۱۳۸۶.

۳۱ – مفتاح الکنوز فی حلّ مشکلات الرموز / حاج سیّد محمّدعلی الموسوی اللاریجانی المازندرانی الشهاندشتی / چاپ ۱۵ ذی القعده / ۱۳۷۵ه .ق.

۳۲ – مکارم الآثار / میرزا محمّدعلی معلّم حبیب آبادی / اصفهان / نشر نفایس مخطوطات اصفهان / ۱۳۳۷(هشت جلد).

۳۳ – موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه / احمد اشرف / تهران / انتشارات زمینه / ۱۳۵۹.

۳۴ – یادمان نکوداشت یکصدمین سال تأسیس مدرسه علیّه / سعید صدری کوپایی / اصفهان / سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان / ۱۳۸۴.

ص: ۱۹۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹